

ستیران

۱۰۶
آسفند ۱۳۹۵
نشریه داخلی سندیکای صنعت برق ایران

آسفند ۱۳۹۵



سندی برای آینده

خلاصه‌ای از سند راهبردی کسب و کارهای صنعت برق

ستبران

نشریه داخلی سندیکای صنعت برق ایران
سال پانزدهم، شماره ۱۰۶، اسفندماه ۹۵

در این شماره می خوانید:

۲ **سرمقاله / سازی که باید روی امید کوک شود**

• پرونده / بیم‌ها و امیدهای اقتصاد کلان ایران

۴ سندی برای آینده

۱۴ ایران: فرصت رشد یک تریلیون دلاری؟

۲۱ ۹۰ میلیارد دلار تفاهم نامه بعد از برجام در حوزه آب و برق

۲۷ جایگاه ایران در سند چشم انداز کجاست؟

۳۰ لزوم همزیستی مسالمت آمیز

۳۶ نقشه راه صنعت برق تا افق ۱۴۰۴

۴۰ مقدمه ای بر اقتصاد مقاومتی

۴۴ رابطه صفر و یکی؛ اقتصاد نامترقی

۴۸ تصمیم گیری غیرهیجانی، نیاز کشور در همه شئون اقتصادی

۵۱ سرمایه گذاران در ایران یا عاشق اند یا دیوانه!

۵۴ برجام، شرطی که لازم است و کافی نیست

۵۹ سهم داخلی ها را با سرمایه گذاران خارجی سهم نمی شویم

۶۰ سیصد میلیارد دلار تا رسیدن به افق ۱۴۰۴

۶۲ زمینه سازی برای سرمایه گذاری خارجی با مشارکت طرف ایرانی

۶۴ شلختگی، ریشه ای ترین چالش اقتصادی کشور

۶۶ فاینانس، بیراهه ای رو به بن بست

۷۰ مرمت ساختار اقتصادی صنعت برق، نسخه خروج از رکود

۷۵ حضور شرکت های یکپارچه ساز داخلی را توانمند و الزام آور کنید

• میزگرد اختصاصی

۸۰ آری به اتفاق جهان می توان گرفت

۸۴ مشروح اقدامات مثبت یک کمیته

• گفت و گو

۷۸ دولت کوچک و هلدینگ‌های بزرگ، رویایی برای تحقق بودجه ۹۶

۸۰ مهندسين مشاور، خط شکنان کشور در بازارهای بین‌المللی

• گزارش

۹۰ پویون ایران در نمایشگاه بین المللی برق خاورمیانه

۹۲ بودجه ای با بخش های نابرابر و تخصیص های نامتوازن

• رپورتاژ آگهی

۹۴ محصولات جدید جابون بر پایه دانش فنی و استاندارد IEC

۹۶ نگاهی به پروژه های پست برق در تام

• اخبار سندیکا

۹۹

صاحب امتیاز /

سندیکای صنعت برق ایران

مدیر مسئول /

مهندس غلامرضا ناصح

سر دبیر /

پرویز غیاث‌الدین

اعضای شورای سیاست گذاری /

ولی اله بیات، محمد پارسا، محمدصادق

جنان صفت، عباس خالدنژاد، بهروز سلطانزاده،

سیدعلیرضا سیاسی‌راد، محمد فارسی، علیرضا

کلاهی، حامد گرشاسبی، غلامرضا ناصح،

محمدعلی وحدتی، سعید مهذب ترابی

دبیر تحریریه /

سمیه کاظم‌زاده دهکردی

تحریریه /

نفسه زارع کهن، زهرا شریفی،

نازنین احمدی، آیتا عابدی

مدیر اجرایی / سپهر برزی مهر

طراح گرافیک / مرتضی حق محمدی

سایت / سجاد قربانی

توزیع / سپیده گرجی

امور آگهی‌ها / بهارک باقرپور

امور اداری ماهنامه / صبا رهبری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی / فارابی

نشانی: تهران، خیابان فاطمی غربی

خیابان سین دخت شمالی، پلاک ۱۵

تلفکس: ۰۶-۶۶۵۷۰۹۳۰

فکس: ۰۶۶۹۴۴۹۶۷

سازمان آگهی‌ها: ۰۶-۶۶۵۷۰۹۳۰

سایت: www.ieis.ir

ایمیل: setabran@ieis.ir



پرویز غیاث‌الدین؛ دبیر سندیکا

آینده؛ سازی که باید روی امید کوک شود

بدیهی است که آنچه آینده برای ما رقم می‌زند، حاصل تصمیمات و اقدامات امروز ماست. افسوس اگر صنعت برق پویا، شکوفا و توانمندی که مظهر خودکفایی و توسعه صنعتی کشور بود، امروز دچار بحران و رکود شده، بدون تردید از نبود مدیریت کارآمد و تصمیم‌سازی‌های نادرست در سطح دولت و وزارت نیرو ناشی شده است.

ما در سندیکای صنعت برق ایران باور داریم که اگر هریک از فعالان صنعت برق در مسیر صحیح گام بردارند، می‌توانیم شرایط آینده کشور را تغییر دهیم.

ما در «شماره ۱۰۶ ستبران» به چشم‌انداز اقتصاد کلان ایران به ویژه در شرایط پس از برجام پرداخته‌ایم. همچنین، حرکت بزرگ دیگری را نیز شکل داده‌ایم؛ تدوین «سند راهبردی کسب و کارهای صنعت برق»، یکی از اقدامات این تشکل برای روشن شدن مسیر پیش روی صنعت برق کشور است.

این سند می‌تواند مسیر آینده صنعت برق را پیش‌بینی کرده، بایدها و نبایدها و چالش‌ها و راهکارهای پیش روی این صنعت را مشخص کند و مسیر را تا دستیابی به توسعه‌ای پایدار در این صنعت هموار سازد. ما در نقش‌نمایندگان بخش خصوصی صنعت برق تلاش می‌کنیم نقش خود را برای رسیدن به آینده‌ای پرامید و صنعتی توسعه یافته ایفا کنیم، امید که دولت و وزارت نیرو نیز در کنار ما ساز پیشرفت و توسعه کشور را کوک کنند.

رفت و آمد هیات‌های بلندپایه سیاسی، اقتصادی و تجاری به‌ایران بالا گرفت و دوباره صنعت گردشگری به کشورمان روی خوش نشان داد. سرمایه‌های خارجی و سیستم‌های مالی و بانکی بین‌المللی آرام آرام به بازار ایران راه گشودند و موانع بانکی پیش روی واردات و صادرات کشور برداشته شد.

ایران دوباره در اُپک چانه‌زنی را آغاز کرد و با افزایش تولید نفت، دولت تا اندازه‌ای ثبات و امنیت را به اقتصاد کشور بازگرداند. با وجود این رخدادهای میمون و علی‌رغم همه اتفاقاتی که نبض اقتصاد ایران را دوباره روی آهنگ اطمینان قرار دادند، همان انتظارات بلندپروازانه و غیرواقعی به تدریج زمینه‌ساز ناامیدی در اثرگذاری برجام شدند.

حالا در روزهای پایانی سال ۱۳۹۵ و در شرایطی که برنامه پنجم توسعه و قانون بودجه سال ۱۳۹۵ با کم و کاستی‌هایی در خانه ملت به تصویب می‌رسند، آینده برایمان همچنان مجهول و مبهم مانده و این ابهام زنگ خطری است برای کشور ما که بیکاری و رکود بر همه زوایای اقتصادی و اجتماعی‌اش سایه افکنده است.

اقتصاد کلان ایران در پرتو تحولات سیاسی ناشی از دیپلماسی صحیح دولت می‌تواند روزهای درخشانی در پیش‌رو داشته باشد. بی‌شک رسیدن به چنین روزی‌هایی نیازمند تدبیر دولت، تصمیم‌سازی‌های عقلایی، فعالیت بخش خصوصی و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی است.

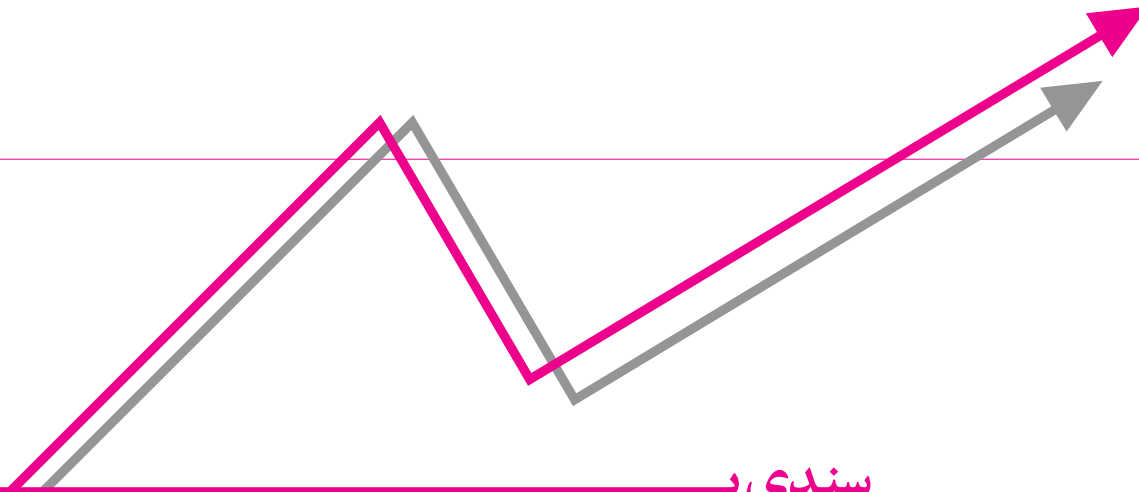
آینده مبهم است. آنچه که قرار است در فرداهای دور و نزدیک رخ دهد بی‌شک جذاب‌ترین نقطه ابهام بشریت است. اگرچه امروز دانش و آگاهی، جهان را به سمت پیش‌بینی‌هایی نزدیک به حقیقت می‌برد اما باز هم ابهام شگفت‌انگیز آینده، بزرگترین انگیزه بشر برای ادامه مسیر است.

با دیدی متفاوت اما گاهی این ابهام بیش از امید، ترس در دل‌ها می‌کارد و به جای آنکه نویدبخش رویدادهای خوشایند باشد، از روزهایی وهم‌انگیز خبر می‌دهد. امروز همه چیز به‌اینده متصل است. دولت آذرماه امسال، بودجه سال آتی را بر اساس پیش‌بینی‌هایش تدوین و به مجلس تقدیم کرد و برنامه ششم توسعه را برای پیشبرد اهداف نظام در ۵ سال آینده، مدون کرد.

در دنیای امروز همه چیز به آینده‌ای متصل است که اگرچه مبهم و پر از ناشناخته‌هاست اما اجتناب‌ناپذیر است. یک سال و نیم پیش کمی قبل از آنکه برنامه جامع اقدامات مشترک موسوم به برجام بین ایران و سران کشورهای ۵+۱ به امضا برسد، تمام بخش‌های اقتصادی ایران برای پس‌برجام برنامه‌ریزی می‌کردند. امید به رونق اقتصادی پس از لغو تحریم‌های ظالمانه‌ای که در طول هشت سال نفس اقتصاد ایران را گرفته بود، به‌قدری زیاد بود که انتظارات برای آینده‌ای روشن را بلندپروازانه ترسیم کرد. برجام در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ مصوب شد و تمام کشورهای جهان به جز چند دولت معلوم‌الحال دوباره با ایران اُستی کردند.

پرونده

بیمه‌ها و امیدهای اقتصاد کلان ایران



سندی ب

سنندی ب / رای آینده

رای آینده

خلاصه‌ای از سند راهبردی کسب و کارهای صنعت برق

علیرضا اسدی / دلارام پهلوانی / زهرا ولی پور

مقدمه

صنعت برق یکی از صنایع زیرساختی و حساس کشور به شمار می‌رود که به دلیل وابستگی مستقیم تمامی بخش‌های اقتصادی به آن، تاثیر مستقیمی بر توسعه دارد. در سال‌های اخیر این صنعت به دلیل تحولاتی که در نظام اقتصاد کشور مانند هدفمندسازی یارانه و خصوصی‌سازی رخ داده است، دست‌خوش تغییراتی شده که ادامه سیاست‌ها و راهبردهای قبلی را ناممکن ساخته است. در نتیجه کسب و کارهای این صنعت با مسائل و چالش‌هایی مواجه شده‌اند که بر روی رقابت‌پذیری و رشدشان تاثیر زیادی داشته است. از این‌رو، ضروری است که مسائل کلیدی صنعت برق از منظر کسب و کارهای بخش خصوصی تحلیل شود و راهبردهای کارآمدی جهت حل آنها شناسایی و به کار گرفته شود. در این راستا، سندیکای صنعت برق ایران به عنوان نماینده کسب و کارهای بخش خصوصی ایران، موضوع «تدوین سند راهبردی کسب و کارهای صنعت برق ایران» را در دستور کار قرار داده است تا ضمن شناسایی و اولویت‌گذاری مهم‌ترین مسائل راهبردی کسب و کارهای صنعت برق، سیاست‌ها و راهبردهای کارآمدی را جهت بهبود وضعیت کسب و کارهای صنعت ارائه کند. خروجی‌های این مطالعه معطوف به دو دسته از مخاطبان است. از یک جهت، سیاست‌های پیشنهادی به دستگاه‌های سیاست‌گذار ارائه می‌شود تا در فرایند سیاست‌گذاری‌های کشور به کار گرفته شود و از سوی دیگر راهبردهایی برای ارتقای رقابت‌پذیری بنگاه‌ها به کسب و کارهای

صنعت برق پیشنهاد می‌شود.

با توجه به ابعاد موضوع و پیچیدگی‌های تدوین یک سند راهبردی در سطح کلان و همچنین ضعف در دسترسی به اطلاعات روزآمد، باید از الگویی استفاده می‌شد که بتواند ضمن تعامل با ذینفعان و بازیگران این حوزه، مسائل استراتژیک صنعت برق را به صورت علمی و روشمند شناسایی و برای بهبود شرایط صنعت برق، استراتژی‌های مشخصی را تعریف کند. برای این منظور، فرآیند مطالعه در سه مرحله آماده‌سازی، شناسایی مسائل راهبردی و تدوین استراتژی، تعریف شد. در مرحله آماده‌سازی با هدف ارائه تصویری از وضعیت موجود کسب و کارهای صنعت برق بانک‌های اطلاعاتی و آخرین گزارش‌های آماری گردآوری شد. در این زمینه بیش از ده هزار صفحه، گزارش و مستندات آماری گردآوری شد و تحلیلی از وضعیت موجود صنعت و روند آن، در ابعاد مختلف مانند تعداد بنگاه‌ها، میزان اشتغال، ارزش افزوده، ارزش سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات، میزان تولید برق، شبکه انتقال، توزیع و مصرف برق ارائه شد.

در مرحله دوم با هدف شناسایی مسائل راهبردی کسب و کارهای صنعت برق، پانل‌های تخصصی با حضور خبرگان از سه بخش صنعتی، دولتی و دانشگاهی تشکیل گردید. با توجه به دسته‌بندی موضوعات، پانل‌های تخصصی در پنج محور «اقتصاد برق»، «ساختار نهادی برق»، «تغییرات فناوری و نوآوری»، «بهره‌وری و اتلاف برق» و «ساختار بازار و رقابت کسب و کار صنعت برق»

برگزار شد. در این پانل‌ها حدود ۴۰ نفر از خبرگان صنعت، در ۱۰ جلسه تخصصی مشارکت داشتند. در نهایت مسائل راهبردی صنعت برق با نظرات خبرگان صنعت برق در چارچوب مدل تحلیل رقابت‌پذیری پورتر اولویت‌گذاری شدند. در مرحله سوم، با توجه به مسائل راهبردی کسب و کارهای صنعت برق بدست آمده در مرحله قبل، فهرستی از راهبردها با استفاده از نظرات خبرگان و مطالعات تطبیقی، تهیه شد. این راهبردها در پانل‌های تخصصی ارائه شدند، سپس با بحث و بررسی اعضای پانل و امتیازدهی به این راهبردها، نهایتاً راهبردهای توسعه کسب و کار صنعت برق تعیین شدند. همچنین با توجه به روندهای صنعت، چشم‌انداز مهم‌ترین شاخص‌های صنعت، در افق ۱۴۰۴ پیش‌بینی شدند. پس از تدوین سند راهبردی، برنامه راهبردی سندیکای صنعت برق با استفاده از مدل RBM^۱ (مدیریت بر مبنای نتایج) متشکل از مجموعه اقدامات سندیکای صنعت برق به منظور تحقق اهداف کلان صنعت برق تدوین و ارائه می‌شود.

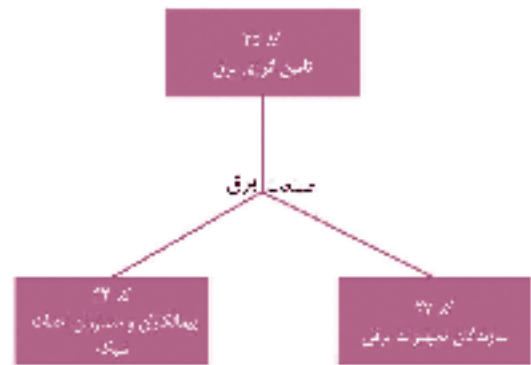
در ادامه این گزارش، خلاصه‌ای از یافته‌ها و نتایج بدست آمده در این طرح، ارائه می‌شود. در ابتدا مروری بر شرایط عمومی صنعت برق با توجه به آمارها و مستندات معتبر ارائه می‌شود. سپس مسائل راهبردی کسب و کارهای صنعت برق و راهبردها توسعه کسب و کارهای صنعت برق ارائه شده است و در نهایت، چشم‌انداز صنعت برق در برخی از مهم‌ترین شاخص‌های صنعت بیان شده است.

۱-۱-۱- وضع موجود صنعت برق

دست‌بایی به یک تصویر درست از شرایط موجود صنعت برق بدون ارزیابی شاخص‌های مهم این صنعت محقق نخواهد شد. در این بخش، ابتدا حوزه صنعت برق با توجه به استانداردهای بین‌المللی تعریف شده است. سپس با توجه به وضعیت شاخص‌ها و نماگرهای آماری، جایگاه صنعت برق ایران، زنجیره ارزش این صنعت، وضعیت ارزش افزوده، وضعیت اشتغال، وضعیت بنگاه‌ها و ساختار نهادی صنعت برق بررسی می‌شود.

۱-۱-۲- حوزه صنعت برق

برای شناسایی حوزه صنعت برق از طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی (آیسیک^۱) استفاده شده است. طبقه‌بندی آیسیک، دارای ساختاری منسجم و یک‌دست برای طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی است که شامل مجموعه‌ای از مفهومی‌ها، تعریف‌ها، اصول و قواعد طبقه‌بندی مورد توافق بین‌المللی است. بر مبنای کدهای آیسیک، فعالیت‌های اقتصادی صنعت برق به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود؛ فعالیت‌های مرتبط با تامین برق، گاز، بخار و تهویه هوا تحت عنوان کد ۳۵ قرار گرفته‌اند که بعنوان زنجیره تامین انرژی برق شناسایی می‌شوند و متشکل از عملیات تولید، انتقال و توزیع برق است. دسته دوم شامل فعالیت‌هایی از قبیل تولید موتور برقی، دینام و ترانسفورماتور، دستگاه‌های توزیع و کنترل برق، تولید باتری و انباره، تولید سیم و دستگاه‌های سیم‌کشی، تولید کابل‌های فیبر نوری، تولید سایر سیم‌ها و کابل‌های الکترونیکی و برقی، تولید دستگاه‌های سیم‌کشی و تولید تجهیزات روشنایی برقی است که در ذیل کد ۲۷ تحت عنوان سازندگان تجهیزات برقی قرار می‌گیرند. دسته سوم شامل فعالیت‌هایی مانند نصب دکل‌های برق فشار قوی، نصب سیستم انتقال و توزیع نیرو، نصب و راه‌اندازی نیروگاه حرارتی، نیروگاه سیکل ترکیبی، گازی و هسته‌ای در رسته پیمانکاران و مشاوران احداث برق با کد ۴۲ جای دارند. دیاگرام طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی صنعت برق بصورت شماتیک در شکل ۱ نمایش داده شده است.



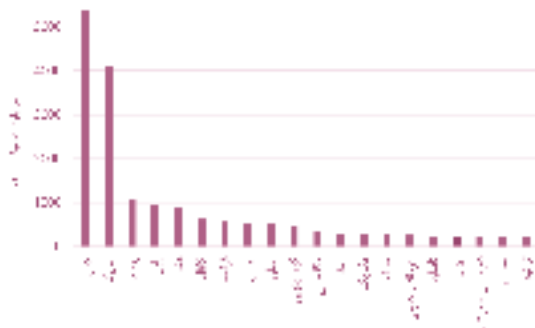
شکل ۱- مدل شماتیک طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی صنعت برق

۲-۱- جایگاه صنعت برق ایران در جهان

جایگاه صنعت برق ایران از جنبه‌های مختلفی قابل توجه است. میزان تولید، مصرف، صادرات و واردات، ارزش افزوده صنعت برق، تعداد بنگاه‌ها و میزان اشتغال مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که وضعیت صنعت برق ایران را نشان می‌دهند. در ادامه این بخش هریک از موضوعات بر اساس آخرین گزارش‌های آماری بررسی شده‌اند.

۱-۲-۱- تولید برق

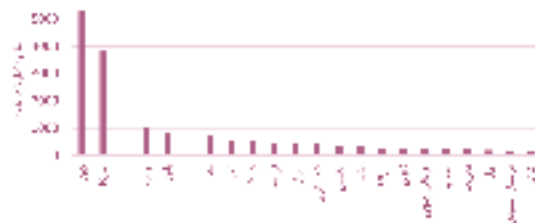
بر اساس گزارش‌های منتشر شده در بخش صنعت برق، ایران با تولید ۲۳۹/۷ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۱۴، رتبه هفدهم تولید برق در دنیا و رتبه اول در منطقه را به خود اختصاص داده است. شکل ۲ میزان تولید برق در کشورهای مختلف را بر حسب میلیارد کیلووات ساعت نشان می‌دهد. همانطور که در شکل مشاهده می‌شود کشورهای چین و آمریکا با ۵۳۹۸ و ۴۰۹۹ میلیارد کیلووات ساعت بیش‌ترین میزان تولید برق در دنیا را به خود اختصاص داده‌اند. ایران از حیث میزان تولید با تایوان، افریقای جنوبی، عربستان سعودی و استرالیا در یک گروه قرار دارد.



شکل ۲- جایگاه ایران در تولید برق در جهان در سال ۲۰۱۴

۲-۲-۱- مصرف برق

میزان مصرف برق در کشورهای مختلف در شکل ۳ نمایش داده شده است. با توجه به شکل، همانند میزان تولید برق کشورهای چین و آمریکا پرمصرف‌ترین کشورهای دنیا محسوب می‌شوند. ایران از این منظر با ۱۹۹/۸ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۱۴، رتبه هیجدهم مصرف برق را به خود اختصاص داده است. ایران از منظر میزان مصرف برق با کشورهای اکراین، عربستان سعودی، مکزیک و استرالیا هم گروه است.



شکل ۳- جایگاه ایران در مصرف برق در جهان در سال ۲۰۱۴

شکل ۴ سرانه مصرف برق را در کشورهای منتخب جهان را در سال ۲۰۱۴ نمایش می‌دهد. طبق آمارهای گزارش شده بیش‌ترین سرانه مصرف برق به کشور ايسلند با ۵۱۱۴۲/۱۱ میلیارد کیلووات ساعت تعلق دارد. جایگاه ایران با ۲۴۷۱/۵۳ میلیارد کیلووات ساعت در رتبه‌بندی جهانی ۹۲ است. مقایسه شکل میزان مصرف برق و سرانه مصرف برق در ایران بیانگر این موضوع است که علیرغم اینکه میزان مصرف در ایران بسیار بالاست (رتبه ۱۸ در دنیا)؛ اما سرانه مصرف برق بسیار پایین است.

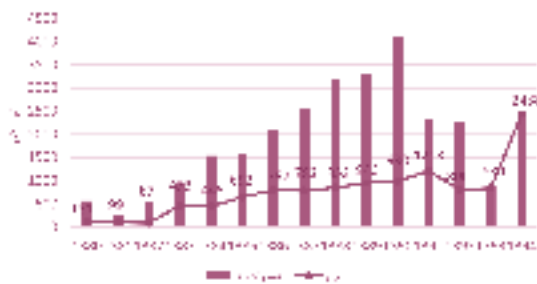
۱-۲-۴- صادرات کالا و خدمات مهندسی برق

صادرات تجهیزات صنعت برق در دهه گذشته بطور کلی دارای یک روند صعودی بوده و بطور متوسط سالانه ۲۰ درصد رشد داشته است. شکل ۷ روند صادرات کالا و تجهیزات برقی را از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات ارائه شده در این شکل، میزان صادرات این صنعت از ۳۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ به ۲۲۷/۳ میلیون دلار در سال ۱۳۹۴ رسیده است. این رشد اگرچه در برخی سال‌ها متوقف شده و کاهش یافته است اما بطور کلی همواره یک روند صعودی داشته است.



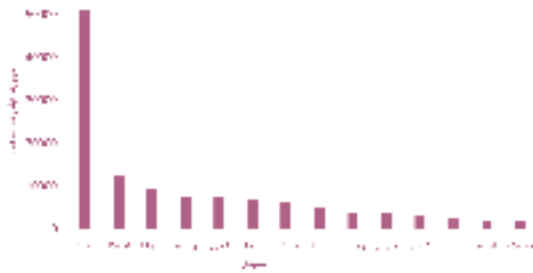
شکل ۷- روند صادرات کالا و تجهیزات صنعت برق طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۴

شکل ۸ روند صادرات خدمات فنی و مهندسی حوزه نیرو را نسبت به صادرات خدمات فنی و مهندسی کل کشور از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد. منظور از صادرات خدمات فنی و مهندسی بخش نیرو در واقع پروژه‌های مهندسی و ساخت تاسیسات برقی (EPC) است. با توجه به شکل صادرات خدمات فنی و مهندسی بخش آب و برق روند صعودی داشته و در سال ۱۳۹۴ به ۲۴۳۸ میلیون دلار رسیده است. همچنین بخش آب و برق در دو سال اخیر بیش از ۹۰ درصد صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور را به خود اختصاص داده است.



شکل ۸- روند صادرات خدمات فنی و مهندسی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴

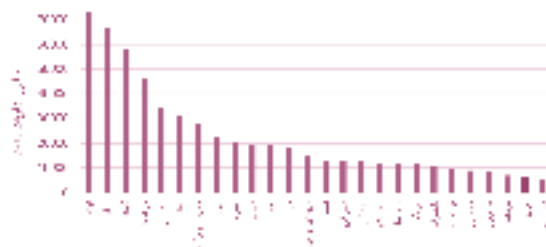
شاخص نسبت دلاری به وزنی کالاها بیانگر آن است که بطور متوسط هر واحد (کیلوگرم) صادرات، چه میزان درآمد ارزی ایجاد می‌کند. شکل ۹ روند شاخص نسبت دلاری به وزنی صادرات کالا و تجهیزات برق را در دهه گذشته نشان می‌دهد این شاخص برای کل کالاهای صادراتی کشور به طور متوسط حدود یک دلار است در حالی که مقدار این شاخص برای صنعت برق حدود ۸ دلار است. این موضوع نشان می‌دهد صنعت برق دارای ارزش افزوده بالاتر بوده و یک صنعت دانش‌بنیان است که می‌تواند ارزآوری بیشتری برای فعالیتهای داخل کشور ایجاد کند.



شکل ۴- سرانه مصرف برق در کشورهای منتخب جهان در سال ۲۰۱۴

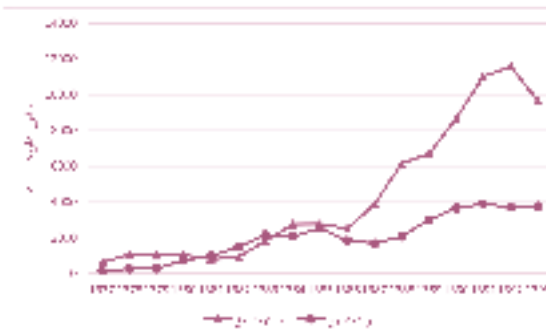
۱-۲-۳- صادرات و واردات انرژی برق

ایران از جمله کشورهای صادرکننده انرژی برق می‌باشد. شکل ۵ رتبه‌بندی کشورهای مختلف جهان را بر حسب میزان صادرات نشان می‌دهد. با توجه به شکل، کشور فرانسه با صادرات ۷۳۴۰۰ میلیون کیلووات ساعت برق در صدر این رتبه‌بندی، قرار دارد و ایران با میزان ۶۷۰۷ میلیون کیلووات ساعت، در رتبه بیست و پنجم جای گرفته است.

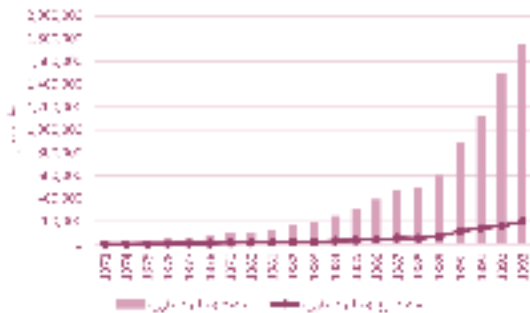


شکل ۵- رتبه‌بندی کشورها از حیث میزان صادرات در سال ۲۰۱۴

شکل ۶ روند تبادلات الکتریکی ایران را با کشورهای منطقه در فاصله سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۳ نمایش می‌دهد. بررسی روند صادرات انرژی برق در ایران نشان می‌دهد که میزان صادرات انرژی برق از ۶۲۲ میلیون کیلووات ساعت در سال ۱۳۷۷ به ۹۶۶۰ میلیون کیلووات ساعت در سال ۱۳۹۳ رسیده است. همانطور که در نمودار دیده می‌شود خالص صادرات انرژی برق ایران از سال ۱۳۸۶ جهش زیادی داشته و وزارت نیرو توانسته است با ثابت نگه داشتن واردات انرژی برق، صادرات انرژی برق را افزایش دهد.



شکل ۶- روند صادرات و واردات برق در فاصله سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۳



شکل ۱۲- ارزش افزوده صنعت برق و صنعت به قیمت جاری از فاصله ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۳

۱-۵- اشتغال در صنعت برق

نیروی انسانی فعال در صنعت برق، بر اساس محل فعالیت در سه گروه کارکنان شرکت‌های تابعه وزارت نیرو (شرکت‌های برق منطقه‌ای، شرکت‌های تولید نیروی برق، شرکت‌های توزیع نیروی برق، کارکنان نیروگاه‌های برق‌آبی و سایر شرکت‌های تابعه)، شرکت‌های پیمانکاری، مشاوره‌ای و شرکت‌های سازنده تجهیزات برقی طبقه بندی می‌شوند. جدول ۱ آمار نیروی انسانی فعال در صنعت برق را نشان می‌دهد. در مجموع ۱۵۲۵۰۲ نفر در صنعت برق کشور مشغول به فعالیت هستند که ۲۸/۵ درصد سهم شرکت‌های تابعه وزارت نیرو، ۳۹ درصد سهم پیمانکاران و مشاوران و ۳۲ درصد سهم سازندگان تجهیزات برقی است.

جدول ۱- آمار نیروی انسانی فعال صنعت برق

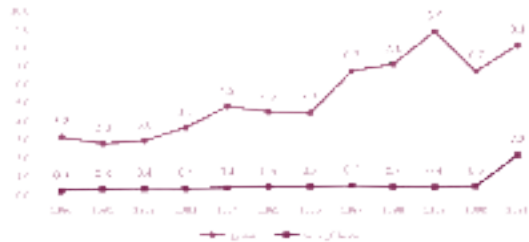
ردیف	شرح	تعداد کارکنان
۱	شرکت‌های تابعه وزارت نیرو ^۱	۴۳۸۹۱
۲	شرکت‌های پیمانکاری و مشاوره‌ای ^۲	۶۰۰۴۶
۳	شرکت‌های سازنده تجهیزات ^۳	۴۹۵۶۵
	مجموع	۱۵۲۵۰۲

۱-۶- بنگاه‌های صنعت برق

شرکت‌ها و بنگاه‌های صنعت برق را می‌توان در سه گروه اصلی شرکت‌های تابعه و اقماری وزارت نیرو شرکت‌های پیمانکاری و مشاوره، و شرکت‌های سازنده تجهیزات طبقه‌بندی کرد. جدول ۲ تعداد شرکت‌های فعال صنعت برق را به تفکیک این دسته نشان می‌دهد. همانطور که در این جدول دیده می‌شود، در مجموع ۲۲۲۶ بنگاه در صنعت برق مشغول به فعالیت هستند که سهم شرکت‌های پیمانکاری و مشاوره‌ای ۷۳ درصد است.

جدول ۲- تعداد شرکت‌های فعال در صنعت برق به تفکیک فعالیت

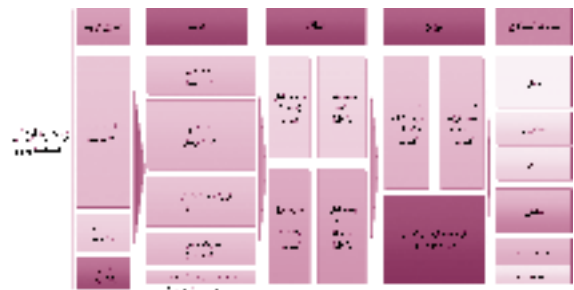
ردیف	شرح	تعداد
۱	شرکت‌های تابعه و اقماری وزارت نیرو ^۴	۱۲۲
۲	شرکت‌های پیمانکاری و مشاوره‌ای ^۵	۱۶۲۹
۳	شرکت‌های سازنده تجهیزات ^۶	۴۷۵
	مجموع	۲۲۲۶



شکل ۹- روند شاخص نسبت دلاری به وزنی صادرات کلای کشور بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱

۱-۳- زنجیره ارزش صنعت برق

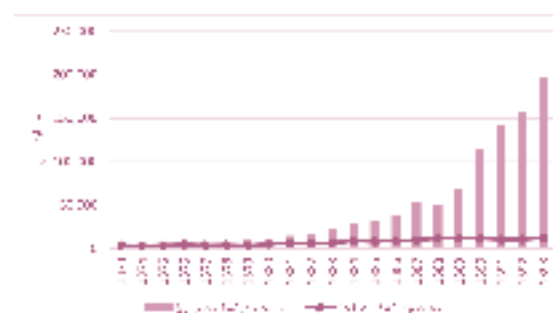
زنجیره تامین انرژی الکتریکی از تبدیل انرژی‌های اولیه به انرژی برق در نیروگاه‌ها آغاز می‌شود. سپس برق تولیدی از طریق شبکه‌های فشار قوی و فوق توزیع به مناطق مصرف انتقال داده می‌شود. در ادامه از طریق کاهش ولتاژ در پست‌های برق، این برق در شبکه‌های توزیع منتقل و به مصرف کنندگان رسانده می‌شود. زنجیره ارزش صنعت برق به تفصیل در شکل ۱۰ نمایش داده شده است.



شکل ۱۰- زنجیره ارزش صنعت برق

۱-۴- ارزش افزوده صنعت برق

شکل ۱۱ روند ارزش افزوده صنعت برق ایران را به قیمت ثابت و قیمت جاری از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد. همانطور که در شکل مشاهده می‌شود روند ارزش افزوده صنعت برق به قیمت ثابت تقریباً ثابت مانده و روند ارزش افزوده به قیمت جاری روند صعودی داشته است که این به معنای آن است که رشد ارزش افزوده به قیمت جاری بیشتر ناشی از تغییر قیمت (تورم) بوده است.

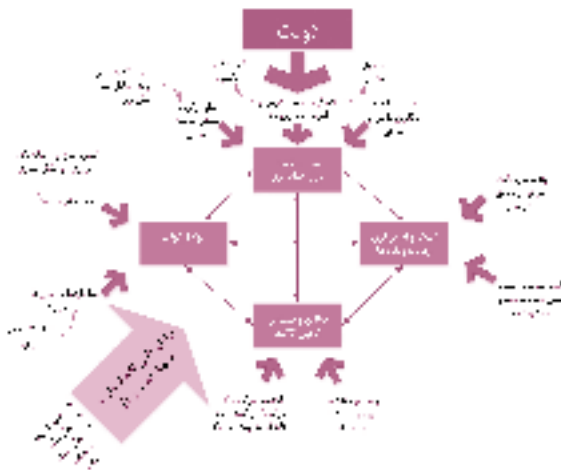


شکل ۱۱- روند ارزش افزوده صنعت برق در فاصله سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۹۳

شکل ۱۲ روند ارزش افزوده صنعت برق را نسبت به کل صنعت نسبت به قیمت جاری در فاصله سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد. با توجه به شکل روند ارزش افزوده صنعت برق بطور کلی با شیب کمی صعودی بوده و در سال ۱۳۹۳ به ۱۹۸۰۴۹ میلیارد ریال رسیده است. بطور کلی متوسط سهم ارزش افزوده صنعت برق به کل صنعت در این سال‌ها برابر با ۱۱ درصد بوده است.

قدرت رقابتی آنها را افزایش دهند و در نتیجه بازده صنعت را بالا ببرند. برای شناسایی مسائل استراتژیک کسب و کارهای صنعت برق، ابتدا فهرستی از این مسائل بر اساس گزارش‌های مرحله اول طرح، بدست آمد، سپس با نظرات خبرگان، این مسائل اولویت گذاری شدند و در نهایت، در چارچوب عوامل رقابت‌پذیری مدل تحلیلی پورتر، طبقه‌بندی شدند.

مدل الماس پورتر یک مدل تحلیلی برای ارزیابی عوامل موثر بر رقابت‌پذیری یک صنعت در سطح ملی و بین‌المللی است. این مدل عوامل موثر بر رقابت‌پذیری صنعت را در چهار دسته اصلی طبقه‌بندی می‌کند: «عوامل تولید»، «شرایط تقاضا»، «ساختار و استراتژی رقابت» و «صنایع پشتیبان و وابسته». بر اساس مدل پورتر، وقتی که این عوامل در یک صنعت نسبت به سایر صنایع و یا سایر کشورها در وضعیت بهتری باشند، آن صنعت دارای مزیت رقابتی است و از توان رقابتی بالاتری برخوردار است. بنابراین برای بهبود شرایط رقابت‌پذیری و توسعه اقتصاد یک صنعت، راهکارهایی باید ارائه شوند که این عوامل را بهبود دهند. در ادامه این بخش مسائل استراتژیک کسب و کارهای صنعت برق در چارچوب عوامل رقابت‌پذیری مدل پورتر ارائه می‌شود. در شکل ۱۴ عوامل موثر بر رقابت‌پذیری کسب و کارهای صنعت برق، نشان داده شده و در ادامه هر یک از ابعاد بررسی شده است.



شکل ۱۴- تحلیل عوامل رقابت‌پذیری کسب و کارهای صنعت برق

۱-۲- شرایط تقاضا

مسائل استراتژیک کسب و کارهای صنعت برق در بعد «شرایط تقاضا» از چند جهت مورد توجه است:

۱-۱-۲- روند تقاضا: رکود بازار

روند تقاضای شرکت‌های سازنده و پیمانکاری صنعت برق، کاملاً تحت تأثیر طرح‌های توسعه‌ای احداث تاسیسات تولید، انتقال و توزیع برق در وزارت نیرو است. هم‌اکنون نظام مالی برق دچار بحران عدم توازن درآمد و هزینه است و در نتیجه وزارت نیرو مبتلا به عارضه کسری بودجه سیستماتیک است. به همین خاطر روند سرمایه‌گذاری در صنعت برق کاهش یافته و تقاضا برای محصولات و خدمات کسب و کارهای صنعت برق دچار رکود شده‌اند.

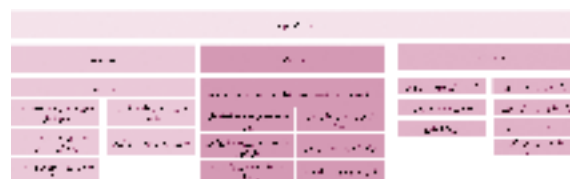
در بخش سازندگان تجهیزات برقی، تعداد کارگاه در سال ۱۳۹۳، فعالیت داشته‌اند. جدول ۳ تعداد کارگاه‌های صنعتی و نیروی انسانی شاغل در این کارگاه‌ها را در طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۳ نمایش می‌دهد. با توجه به اطلاعات جدول، تعداد کارگاه‌های صنعتی در سال‌های مذکور روند نزولی داشته و میزان اشتغال در این کارگاه‌ها از ۵۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۷ به ۴۸ هزار نفر در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است (۱۷ درصد کاهش).

جدول ۳- تعداد کارگاه‌های صنعتی و شاغلان آن‌ها در صنعت برق در فاصله سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۳

سال	تعداد کارگاه	تعداد شاغلان	ارزش افزوده (میلیارد ریال)
۱۳۸۷	۵۲۱	۵۸۰۰۱	۱۴۰۴۹
۱۳۸۸	۵۱۷	۵۷۱۳۸	۱۶۴۸۷/۷
۱۳۸۹	۴۹۰	۵۳۱۸۱	۱۶۵۲۱
۱۳۹۰	۴۶۸	۵۲۵۱۷	۱۸۱۵۵
۱۳۹۱	۴۸۲	۴۹۶۳۵	۲۰۳۳۷
۱۳۹۲	۴۷۶	۴۴۶۲۶	۲۳۱۵۸/۸
۱۳۹۳	۴۷۵	۴۸۶۳۳	۲۸۴۸۸/۷

۱-۷- ساختار نهادی

ساختار نهادی صنعت برق ایران در وزارت نیرو، متشکل از سه سطح ستادی، میانی و عملیاتی است که در شکل ۱۳ نشان داده شده‌است. در حال حاضر، ۱۶ شرکت برق منطقه‌ای، ۲۸ شرکت مدیریت تولید و ۴۲ شرکت توزیع برق و دو سازمان توسعه برق ایران و آب و برق خوزستان در بخش عملیاتی، فعالیت دارند. در حوزه میانی نیرو، شرکت سهامی مدیریت شبکه برق ایران، سازمان بهره‌وری انرژی ایران (سابا)، سازمان انرژی‌های نو ایران (سانا)، شرکت مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران (مینا) و شرکت تعمیرات نیروگاهی ایران بعنوان شرکت‌های وابسته توانیر متولی امور برق وزارت نیرو هستند.



شکل ۱۳- ساختار نهادی صنعت برق ایران

۲- مسائل استراتژیک کسب و کارهای صنعت برق

مسائل استراتژیک کسب و کارهای صنعت برق، مهم‌ترین مسائلی هستند که کسب و کارهای صنعت با آن مواجه بوده و روی مزیت رقابتی آن‌ها تأثیرگذار است. این مسائل در سطح صنعت بررسی می‌شوند به این معنا که موضوعات برون‌بنگامی بوده بنابراین در کنترل مدیران بنگاه‌ها نمی‌باشد. این موضوعات عواملی هستند که محیط فعالیت بنگاه را تغییر می‌دهند، در نتیجه می‌تواند مانع رشد یا تحرک بنگاه‌های صنعت در بازارهای داخلی و خارجی شوند، به نحوی که،

۲-۱-۲- انحصار خریداران: قدرت چانه‌زنی شرکت‌های دولتی

زنجیره تامین برق در انحصار شرکت‌های دولتی است و این شرکت‌ها در کنترل شرکت مادر تخصصی توانیر هستند که بر شرایط خرید تجهیزات و خدمات مهندسی برق، تسلط انحصاری دارد. در این شرایط انحصاری، قدرت خریدار بدلیل انحصار، بسیار بالا است و عملاً شرکت‌های سازنده و پیمانکار نمی‌توانند در تعیین شرایط مبادله هیچگونه اعمال نظری کنند. این عارضه بدلیل عدم وجود نهاد تنظیم مقررات بازار، موجب شده است که وزارت نیرو هم به عنوان خریدار تجهیزات و خدمات مهندسی برق و هم به عنوان نهاد حاکمیتی، همزمان دو نقش را در بازار ایفا کند، یعنی هم مقررات‌گذاری در انحصار وزارت نیرو است و هم وزارت نیرو خریدار عمده تجهیزات و خدمات مهندسی برق است. این عامل موجب شده است، رقابت‌پذیری صنعت تحت تاثیر سیاست‌ها و رفتار وزارت نیرو قرار گیرد. همچنین انحصار شرکت‌های دولتی در بازار تامین برق موجب می‌شود بسیاری از قوانین و حتی قراردادهای، یکجانبه تدوین شود و شرکت‌های دولتی تعهدات خود را اجرا نکنند.

۲-۱-۳- بازارهای جایگزین داخلی و خارجی

بخشی از تقاضای تجهیزات و خدمات برقی در سایر صنایع داخلی مانند صنعت نفت و پتروشیمی و صنایع بزرگ است که بدلیل وجود رکود در اقتصاد ملی دچار افت شده است. تلاش برای دستیابی به این بازارها با موانع متعددی مانند شدت رقابت سازندگان، وجود استانداردها و کسب مجوزهای قانونی مواجه است که ریسک کسب و کارهای این صنعت را بالا می‌برد. همچنین بازارهای صادراتی، بدلیل آنکه معاملات انجام شده عموماً بصورت B2G بوده و طرف قراردادهای خارجی دولت‌ها هستند، تعامل بین دولت ایران با دولت‌های خارجی روی این کسب و کارها تاثیر مستقیم می‌گذارد و بدلیل طولانی بودن پروژه‌ها، با ریسک زیاد از نظر اجرای قراردادهای و وصول مطالبات مواجه هستند.

۲-۲- شدت و استراتژی رقابت بنگاه

صنعت برق مانند عموم صنایع کشور بدلیل سیاست‌های تشویقی دولت برای تاسیس بنگاه‌های کوچک و متوسط، در شرایطی قرار دارد که تعداد زیادی بنگاه کوچک و متوسط با ظرفیت‌های پایین در آن در حال رقابت هستند. به همین دلیل این بنگاه‌ها نتوانسته‌اند، از نظر مقیاس تولید، توسعه پیدا کنند و در نتیجه نمی‌توانند از مزیت‌های صرفه اقتصادی بهره‌مند شوند. در حال حاضر رقابت شدیدی بین کسب و کارهای صنعت برق وجود دارد که گاهی به رقابت مخرب و ناسالم نیز کشیده می‌شود و امکان ائتلاف‌های استراتژیک و همکاری‌های تجاری چندان وجود ندارد.

همچنین بدلیل سیاست‌های وزارت نیرو برای تامین مالی پروژه‌های صنعت برق از طریق استقراض خارجی، این تهدید وجود دارد که سازندگان خارجی بتوانند محصولات خود را از طریق قراردادهای فاینانس وارد کشور کنند و بنگاه‌های سازنده داخلی را از رقابت خارج کنند.

۲-۳- صنایع وابسته و تامین کننده

کسب و کارهای صنعت برق در تامین مواد اولیه از دو جهت در شرایط

دشواری قرار دارند. از یک طرف عرضه بخش زیادی از مواد خام مصرفی این شرکت‌ها مانند فولاد، مس و آلومینیوم در انحصار شرکت‌های بزرگ دولتی و شبه دولتی است که می‌توانند محصولات خود را با شرایط یک جانبه و در جهت منافع بیشتر خود عرضه کنند و با قیمت‌های بالاتر از قیمت‌های جهانی به صنایع پایین دستی بفروشند. این شرایط باعث شده است سازندگان صنایع برق قدرت رقابت‌پذیری خود را نسبت به رقبای خارجی در بازارهای صادراتی از دست بدهند.

از سوی دیگر، بخش زیادی از کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز این صنعت از طریق واردات تامین می‌شود. این موضوع باعث می‌شود تامین این مواد در چرخه تولید و ساخت تاسیسات برقی، تحت تاثیر نوسانات بازار ارز بوده و تامین‌کنندگان با ریسک نوسان نرخ ارز مواجه شوند و در برخی مواقع تغییرات زیاد نرخ ارز، موجب متضرر شدن پیمانکاران و سازندگان گردیده است.

۲-۴- عوامل تولید

شرکت‌های سازنده صنعت برق در بخش عوامل تولید با دو چالش اصلی مواجه هستند:

از یک سو بدلیل عدم تعامل با شرکت‌های جهانی و مراکز علمی در سال‌های گذشته، نتوانسته‌اند انتقال فناوری را انجام دهند و از سوی دیگر بدلیل محدودیت‌های مالی و ریسک بالای پروژه‌های تحقیق و توسعه، نتوانند برای خلق نوآوری سرمایه‌گذاری کنند. در نتیجه شکاف فناوری روی بسیاری از شرکت‌های سازنده تاثیر گذار بوده و عملاً در بسیاری از تجهیزات برقی، فاقد مزیت رقابتی در بازارهای جهانی می‌باشند.

همچنین بنگاه‌های صنعت برق بدلیل حساسیت‌های فنی صنعت، با چالش استانداردها و آزمون‌های مرجع مواجه هستند که منجر به افزایش هزینه‌های بنگاه‌ها شده است. در موارد متعددی، آزمایشگاه استاندارد داخلی کشور وجود ندارد؛ در نتیجه اخذ گواهی‌نامه‌های استاندارد با مشکل مواجه است. در مواردی نیز، استانداردهای مورد نیاز بومی نشده است و با شرایط صنعت تناسب ندارد.

بنابراین در بخش عوامل تولید، موضوع فناوری و استانداردها یکی از مسائل استراتژیک صنعت محسوب می‌شود.

۲-۵- عوامل کلان

علاوه بر مسائل محیط صنعت، عوامل کلان محیط کسب و کار مانند، مقررات نظام بانکی، نظام مالیاتی و نظام بیمه و نظام حقوقی نیز بر رقابت‌پذیری بنگاه‌های صنعت برق، تاثیر گذار هستند که در این سند بدلیل تمرکز مطالعه روی محیط داخلی صنعت برق، به این عوامل پرداخته نشده است و انتظار می‌رود با توجه به کلان بودن آنها در اقتصاد ملی، در اتاق بازرگانی به عنوان نهاد بخش خصوصی مورد بررسی قرار گیرند.

۲-۶- جمع‌بندی مسائل راهبردی

جدول ۴ جمع‌بندی عوامل مسائل استراتژیک تاثیر گذار بر رقابت‌پذیری کسب و کارهای صنعت برق را نشان می‌دهد. همانطور که در این جدول دیده می‌شود، عوامل استراتژیک کسب و کارهای صنعت برق در چهار محور مدل پورتر طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۴- مسائل راهبردی کسب و کارهای صنعت برق در چارچوب عوامل رقابت پذیری صنعت

ابعاد رقابت پذیری	عوامل رقابت پذیری کسب و کارهای صنعت برق
	تداوم رکود و کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت برق؛ (قیمت‌گذاری برق و عدم تعادل درآمد و هزینه)
شرایط تقاضا	انحصار شرکت‌های خریدار دولتی؛ (قدرت چانه زنی بالای خریداران، مقررات‌گذاری یکجانبه به نفع شرکت‌های دولتی و عدم اجرای تعهدات شرکت‌ها و کارفرمایان دولتی)
	ریسک‌های بازارهای جایگزین داخلی و خارجی در صادرات کالا و خدمات برق
شدت و استراتژی بنگاه‌ها	رقابت شدید در صنعت بدلیل اندازه کوچک بنگاه‌ها و تعداد زیاد بنگاه‌ها
	تهدید ورود رقبای خارجی از طریق فایننس‌های خارجی
صنایع وابسته	انحصار شرکت‌های تامین کننده مواد خام (صنایع بالادستی) ریسک نوسانات نرخ ارز واردات کالاهای واسطه‌ای
	شکاف فناوری (بدلیل کمبود منابع و ریسک بالای نوآوری و انتقال فناوری)
عوامل تولید	استانداردها و آزمون‌های تایید کیفیت (آزمایشگاه‌های مرجع و کنترل نظام خرید)

مقررات بخش برق» ارائه شود. در این رابطه لازم است ساز و کارهای فعلی قیمت‌گذاری برق که بصورت غیر رقابتی و غیر شفاف انجام می‌شود و همچنین نهاد بورس برق که با هدف رقابتی کردن بازار برق ایجاد شده بود، آسیب شناسی شود و برای حل آن، راهکار فنی و اقتصادی دقیقی ارائه شود.

۳-۲- افزایش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه‌ای صنعت برق از منابع ملی و بازار سرمایه

توسعه صنعت برق نیازمند حداقل ۸ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در سال است که تامین این میزان سرمایه برای توسعه صنعت برق به عنوان یک بخش زیرساختی، از منابع بخش عمومی و یا خصوصی به تنهایی امکان پذیر نیست. برای این کار لازم است از ابزارهای نوین تامین مالی از بازار سرمایه با مشوق‌ها و ضمانت‌های دولتی استفاده شود. ارائه یک مدل تامین مالی پروژه‌های صنعت برق یکی از مهم‌ترین موضوعات راهبردی است که نیازمند طراحی ابزار و مدل مالی متناسب با شرایط اقتصادی و فنی صنعت برق باشد.

۳-۳- ایجاد نهاد تنظیم مقررات (رگولاتوری برق)

صنعت برق بدلیل ماهیت شبکه‌ای بودن آن، دارای ویژگی انحصار طبیعی است، به همین خاطر برای ایجاد شرایط رقابتی نیازمند برقراری نهاد تنظیم مقررات است که معایب انحصار را به حداقل برساند. در حال حاضر بیش‌تر اقتصادهای جهان دارای نظام رگولاتوری در بخش برق می‌باشند ولی در ایران این نهاد هنوز ایجاد نشده است. برای شکل‌گیری این نهاد، تلاش‌هایی در شورای رقابت و دولت در حال انجام است که باید تبدیل به قانون شود و به مرحله اجرا برسد.

۳-۴- حذف انحصارها و رقابتی کردن بازارهای صنعت برق

در صنعت برق علاوه بر انحصارهای طبیعی که در شبکه‌های انتقال وجود دارد، در برخی بخش‌های دیگر مانند خرده‌فروشی برق، تامین برخی تجهیزات نیز انحصارهایی وجود دارد که طبیعی نیست. این انحصارها موجب ایجاد رانت برای برخی موسسات و یا شرکت‌ها شده است. حذف انحصارها و رقابتی کردن بازارهای صنعت برق یکی از راهبردهای اساسی برای بالا بردن رقابت پذیری صنعت می‌باشد.

۳-۵- حمایت مالی و سیاسی از صادرات تجهیزات و خدمات مهندسی برق

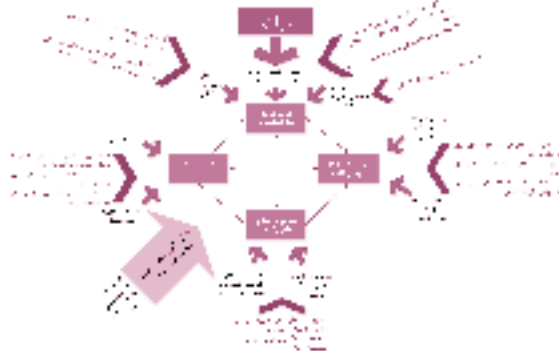
توسعه صادرات صنعت برق نیازمند حمایت‌های مالی و سیاسی از صادرکنندگان است. این حمایت‌ها باید بتواند ریسک‌های غیر تجاری که در کنترل بنگاه‌ها نمی‌باشد و عموماً از روابط سیاسی و غیر تجاری کشورهای مقصد بر شرکت‌های صادرکننده تحمیل می‌شود را به حداقل برساند. برای این کار لازم است ابزارها و مکانیزم‌های تشویقی و حمایتی شناسایی و تدوین شود و توسط دولت به اجرا درآید.

۳-۶- اصلاح سیاست‌های دولت در جهت شکل‌گیری بنگاه‌های بزرگ

سیاست‌های اقتصادی دولت در زمینه تشکیل بنگاه‌های صنعتی به نحوی است که با دادن معافیت‌های مالیاتی، مجوزهای تاسیس، تسهیلات و سایر روش‌ها سرمایه را به سمت تشکیل بنگاه‌های کوچک و متوسط هدایت می‌کند و در

۳- راهبردهای توسعه کسب و کارهای صنعت برق

با توجه به جمع‌بندی بدست آمده می‌توان راهبردهای توسعه کسب و کارهای صنعت برق را بصورت نمودار ۱۵ خلاصه کرد. در این نمودار راهبردهای توسعه کسب و کارهای صنعت برق در هر یک از محورهای رقابت پذیری مدل پورتر شناسایی و ارائه شده‌اند. در ادامه این بخش این راهبردها بیان شده است.



شکل ۱۵- راهبردهای توسعه کسب و کارهای صنعت برق

۳-۱- اصلاح چرخه اقتصادی صنعت برق از طریق اصلاح نظام قیمت‌گذاری

اصلاح چرخه اقتصادی صنعت برق یکی از راهبردهای اساسی توسعه کسب و کار صنعت برق است که مهم‌ترین حلقه آن اصلاح نظام قیمت‌گذاری است. برای اصلاح نظام قیمت‌گذاری انتظار می‌رود لایحه‌ای توسط دولت تدوین و به مجلس شورای اسلامی ارائه شود تا روند قیمت‌گذاری در صنعت برق به صورت ساختاری اصلاح شود. این لایحه می‌تواند در چارچوب ایجاد «نهاد تنظیم

نتیجه ایجاد یک شرکت کوچک و متوسط جذابیت بیش‌تری نسبت به بزرگ‌تر کردن بنگاه‌های موجود دارد. این روند باید تغییر کند و سیاست‌هایی در پیش گرفته شود که منابع کشور در جهت گسترش بنگاه‌های بزرگ و همگرایی بنگاه‌های کوچک هدایت شود.

۷-۳- ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک و همکاری‌های تجاری

ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک و گسترش همکاری‌های تجاری بین بنگاه‌ها و شرکت‌های سازنده یکی از راهبردهای حفظ و توسعه توان رقابتی بنگاه‌ها جهت ورود به بازارهای جدید و نیز ایفای نقش در شرایط جدید نظام مالی صنعت برق است. در حال حاضر ورود به بازارهای صادراتی نیازمند توان مالی و ظرفیت‌های سازمانی است که از مقیاس شرکت‌های کوچک و متوسط فراتر است و بدون همکاری‌های تجاری امکان رقابت در بازارهای صادراتی وجود ندارد. همچنین در شرایط جدید نظام مالی صنعت برق، بسیاری از پروژه‌ها، نیازمند سرمایه‌گذاری و تامین مالی توسط بخش خصوصی بصورت EPCF است. مشارکت در چنین قراردادهایی نیازمند همکاری‌های تجاری و ائتلاف‌های استراتژیک افقی و عمودی بین بنگاه‌های سازنده و پیمانکار است. در حال حاضر بدلیل عدم وجود چارچوب‌های مناسب حقوقی و مالی، همکاری‌های تجاری بسیار محدودی انجام می‌شود. اجرای این راهبرد با هدایت و راهبری تشکلهای بخش خصوصی به انجام می‌رسد.

۸-۳- جلوگیری از واردات کالاهای خارجی مشابه داخلی

راهبرد جلوگیری از واردات کالاهای خارجی مشابه داخلی یکی سیاست‌های کلیدی برای حفظ صنایع داخلی در شرایط رکود و بحران‌های مالی صنعت است که علیرغم وجود قوانین حمایتی قابل توجه در این زمینه، همچنان تهدید ورود کالای خارجی وجود دارد. بویژه با توجه به روش‌های تامین مالی مطرح شده در صنعت برق که عمدتاً بر استقراض خارجی متکی است، سازندگان داخلی بیش‌تر تهدید می‌شوند. بنابراین بکارگیری روش‌هایی برای جلوگیری از جایگزین شدن محصولات خارجی با کالاهای داخلی در پروژه‌های احداث صنعت برق یکی از راهبردهای اساسی توسعه کسب و کارهای صنعت برق است.

۹-۳- ایجاد نهادهای تنظیم مقررات بازار در بازارهای انحصاری و شبه انحصاری مواد خام

مقابله با انحصار و اثرات مخرب آن بر اقتصاد ملی در صنایع بالادستی و تامین مواد خام نیازمند «ایجاد نهاد تنظیم مقررات بازار مواد خام اساسی» از سوی شورای رقابت می‌باشد. اجرای این راهبرد برای محافظت از صنایع پایین دستی در برابر شرایط غیرمنصفانه و انحصاری بازارهای مواد خام مانند مس، فولاد و ... بسیار ضروری است. ایجاد این نهاد، می‌تواند بازار را به نحوی تنظیم کند که در نهایت تخصیص منابع به نحو بهینه و با حداقل اثرات جانبی انجام شود.

۱۰-۳- مقررات‌گذاری برای پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز در تامین تجهیزات

تدوین و اجرای مقررات پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز در تامین تجهیزات برقی، یکی از راهبردهای مالی برای حفظ توان رقابتی شرکت‌های سازنده و

پیمانکار صنعت برق می‌باشد. پروژه‌های صنعت برق معمولاً زمان‌بر و طولانی هستند و بیش‌تر این پروژه‌ها، نیازمند ساخت تجهیزاتی هستند که نیازمند خرید ارزی کالاهای واسطه از کشورهای دیگر هستند. به همین دلیل نوسانات نرخ ارز می‌تواند اقتصادی بودن یک پروژه را تحت الشعاع قرار دهد. از این رو تکمیل و تصحیح مقررات لازم برای پوشش ریسک و تسهیم ریسک نوسانات نرخ ارز در پروژه‌های احداث برق کاملاً ضروری است.

۱۱-۳- تسهیل نوآوری و انتقال فناوری با پوشش ریسک و حمایت مالی دولت

کسب و کارهای صنعت برق برای توسعه توان رقابتی خود در بازارهای داخلی و خارجی نیازمند نوآوری و ارتقای فناوری‌های خود هستند. برای این کار اجرای راهبردهای تسهیل نوآوری و انتقال فناوری با پوشش ریسک و حمایت مالی دولت یکی از راهبردهای بالابردن رقابت‌پذیری سازندگان تجهیزات داخلی است. بنابراین، طراحی مجموعه‌ای از روش‌ها و ابزارهای سیاستی و مالی برای پوشش ریسک پروژه‌های تحقیق و توسعه و حمایت مالی از نوآوری و انتقال فناوری برای بالابردن رقابت‌پذیری این صنعت یکی از نیازهای اصلی در محور عوامل تولید محسوب می‌شود.

۱۲-۳- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای انتقال فناوری

صنعت برق نیازمند افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با هدف انتقال فناوری و تامین مالی مورد نیاز توسعه کسب و کارهای این صنعت می‌باشد. در واقع صنعت برق ایران این ظرفیت را دارد که با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انتقال فناوری‌های ساخت تجهیزات برقی، در بازارهای منطقه و آسیا در صنعت برق حضور پیدا کند و صادرات این صنعت را افزایش دهد. اجرای تدابیری برای جذب سرمایه‌گذار مستقیم خارجی یکی از راهبردهای اصلی برای بالابردن ظرفیت رقابت‌پذیری صنعت برق در بلندمدت می‌باشد.

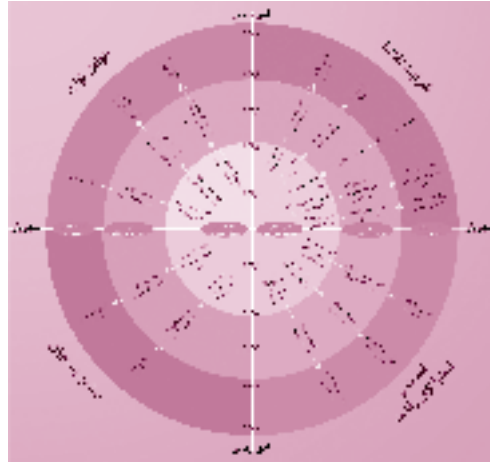
۱۳-۳- گسترش آزمایشگاه‌های مرجع و نظام استاندارد محصولات

نظام استاندارد محصولات صنعت برق و آزمایشگاه‌های مرجع برای رسیدن به ظرفیت بالای فناوری و ساخت تجهیزات برقی، یکی از راهبردهای زیرساختی توسعه کسب و کارهای صنعت برق است. صنعت برق، بدلیل حساسیت شبکه‌های برق، نیازمند تجهیزات با استاندارد قابل قبول است. توسعه استانداردها و نظام کنترل بر استانداردهای برق و همچنین برقراری شبکه آزمایشگاه‌های مرجع نیاز اساسی کسب و کارهای صنعت برق برای مقابله با اجناس بی‌کیفیت و حضور در بازارهای صادراتی می‌باشد.

۴- نقشه استراتژی‌های توسعه کسب و کار صنعت برق ایران

برای نشان دادن مسیر اجرای استراتژی‌های توسعه کسب و کار صنعت، از نقشه استراتژی استفاده شده است. این نقشه با توجه به مدل رقابت‌پذیری پورتر طراحی شده است. شکل ۱۶ نقشه استراتژی توسعه کسب و کارهای صنعت برق را نشان می‌دهد. این نقشه دارای دو بعد اصلی است؛ محور افقی، نشان‌دهنده بازیگران و نهادهایی است که در اجرای سند، ایفای نقش می‌کنند. این نهادها شامل سه گروه «تشکلهای بخش خصوصی» (اتاق بازرگانی و سندیکای صنعت برق)، «نهاد سیاست‌گذاری» (مجلس شورای اسلامی و دولت) و بازیگران صنعت (کسب و کارها) می‌باشد. محور عمودی نشان‌دهنده، بازه زمانی پنج ساله

برنامه است که از سال ۱۳۹۵ تا سال ۱۴۰۰ را در برمی‌گیرد.



شکل ۱۶- نقشه راه استراتژی‌های توسعه کسب و کارهای صنعت برق

عوامل رقابت پذیری	راهبردهای توسعه کسب و کارهای صنعت برق
شدت و استراتژی رقابت	اصلاح سیاست‌های دولت در جهت شکل‌گیری بنگاه‌های بزرگ
	ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک و همکاری‌های تجاری
	جلوگیری از واردات کالاهای خارجی از طریق اجرای واقعی مقررات حمایتی
عوامل تولید (فناوری)	تسهیل نوآوری و اکتساب فناوری با پوشش ریسک و حمایت‌های مالی
	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای انتقال فناوری
صنایع وابسته و تامین‌کننده	ایجاد نهادهای تنظیم مقررات بازار در بازارهای انحصاری مواد خام و مقررات‌گذاری برای حمایت از حقوق سازندگان در برابر تولیدکنندگان انحصاری

۵- چشم‌انداز آینده کسب و کار صنعت برق

هر سند راهبردی، با نگاهی به آینده صنعت تدوین و به اجرا در می‌آید. در این بخش برای توصیف چشم‌انداز این صنعت در ده سال آینده، روند مهم‌ترین شاخص‌های صنعت مورد بررسی قرار گرفت و برای هر یک از آنها با توجه به روند گذشته، سناریوهای آینده صنعت محاسبه گردید و چشم‌انداز آینده ارائه شد. در این بخش، برخی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که در این مطالعه بررسی شدند، ارائه می‌شود.

۱-۵- صادرات تجهیزات، خدمات و انرژی برق

صادرات صنعت برق شامل صادرات تجهیزات برق، صادرات خدمات مهندسی برق و صادرات انرژی برق می‌باشد. مجموع این صادرات در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۳/۵ میلیارد دلار بوده است. بر اساس نرخ رشد روند صادرات صنعت برق از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴، سناریوهای پیش‌بینی صادرات صنعت برق، محاسبه شده است. شکل ۱۷ پیش‌بینی صادرات صنعت برق را در سه سناریو روند پایه (نرخ رشد ۱۶ درصدی)، سناریو رشد ۲۰ درصدی و سناریو رشد ۲۵ درصدی نشان می‌دهد. براساس این سناریوها، میزان صادرات در سال ۱۴۰۴، با نرخ رشد ۱۶ درصد، ۲۰ درصد و ۲۵ درصد به ترتیب برابر با ۱۷، ۲۲ و ۳۳ میلیارد دلار خواهد بود.



شکل ۱۷- سناریوهای پیش‌بینی میزان صادرات صنعت برق تا سال ۱۴۰۴

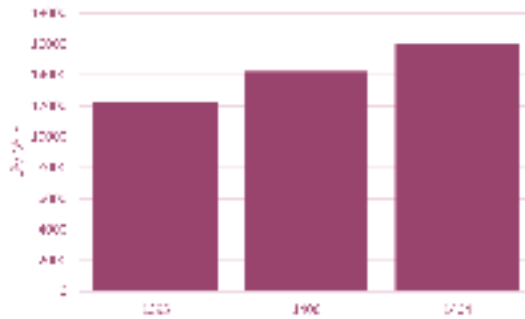
همانطور که در شکل دیده می‌شود، هر یک از استراتژی‌ها، یک فرایند سه مرحله‌ای را طی می‌کند. مرحله اول از ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷ می‌باشد که به «تدوین سیاست» مورد نیاز هر یک از راهبردها اختصاص دارد. جدول ۵ نشان‌دهنده استراتژی‌هایی که در این مرحله باید سیاست‌های مورد نیاز آن تدوین شود. در این مرحله تشکلهای تخصصی، یک بسته سیاستی برای هر یک از راهبردها تدوین و به نهادهای سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌کنند. مرحله دوم بازه زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ را در بر می‌گیرد. در این مرحله تشکلهای بخش خصوصی از طریق تعامل با نهادهای سیاست‌گذاری، زمینه تصویب سیاست‌ها و مقررات پیشنهادی را فراهم می‌کنند. انتظار می‌رود این سیاست‌ها، توسط بخش سیاست‌گذار، بصورت نهاد یا مقررات بخشی، به تصویب برسد. در مرحله آخر، با اجرای این سیاست‌ها شرایط کسب و کارهای صنعت برق در چهار حوزه «عوامل تولید»، «شرایط تقاضا»، «شدت و استراتژی رقابت» «صنایع پشتیبان و وابسته» بهبود پیدا می‌کند و رقابت‌پذیری صنعت افزایش می‌یابد. در نتیجه، کسب و کارهای صنعت برق با قدرت رقابتی بیش‌تری رشد کرده و توسعه خواهند یافت.

جدول ۵- راهبردهای توسعه کسب و کارهای صنعت برق

عوامل رقابت پذیری	راهبردهای توسعه کسب و کارهای صنعت برق
بازار احداث تاسیسات برق (شرایط تقاضا)	افزایش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه‌ای صنعت برق از منابع ملی و ابزارهای بازار سرمایه
	اصلاح چرخه اقتصادی صنعت برق از طریق اصلاح نظام قیمت‌گذاری
	ایجاد نهاد تنظیم مقررات برق (رگولاتوری) متشکل از نمایندگان دولت، مجلس و بخش خصوصی
	حذف انحصارها و رقابتی کردن بازارهای صنعت برق
	حمایت مالی و سیاسی از صادرکنندگان

۲-۵- ارزش افزوده بخش صنعت برق

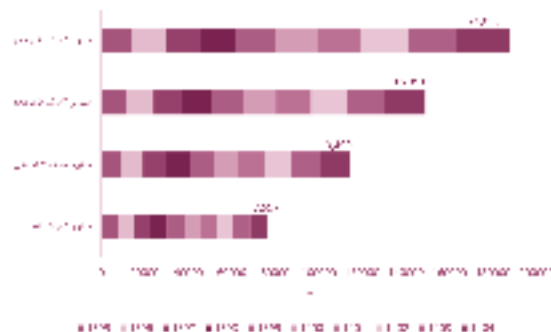
متوسط نرخ رشد سالیانه ارزش افزوده صنعت برق نسبت به قیمت‌های ثابت از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۳ برابر با ۵/۹ درصد است. شکل ۱۸ متوسط نرخ رشد ارزش افزوده صنعت برق را در مقایسه با کل صنعت را در برنامه‌های توسعه‌ای نمایش می‌دهد. همانطور که در شکل قابل مشاهده است نرخ رشد بخش صنعت در برنامه پنجم توسعه، منفی بوده و صنعت برق نیز رشد کمی (۰/۲۸) داشته است. این در حالی است که در برنامه چهارم توسعه، صنعت برق و صنعت کشور بیش‌ترین نرخ رشد را داشته است.



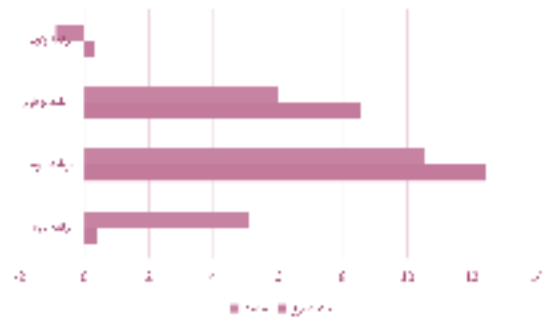
شکل ۲۰- پیش‌بینی ارزش افزوده صنعت برق به قیمت ثابت بر مبنای سناریو مرجع

۳-۵- سرمایه‌گذاری مورد نیاز صنعت برق

سرمایه‌گذاری مورد نیاز صنعت برق شامل مجموع سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز برای تولید، انتقال و توزیع برق می‌باشد. بر اساس برآورد وزارت نیرو، به ازای هر هزار مگاواتی که به ظرفیت نیروگاهی کشور اضافه می‌شود، بطور متوسط به ۳۲۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری برای احداث نیروگاه و شبکه انتقال و توزیع نیاز است. بر این اساس، با توجه به سناریوهایی که برای توسعه شبکه تولید، انتقال و توزیع در نظر گرفته شده است، میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز صنعت در افق ۱۴۰۴ برآورد شده است. شکل ۲۱ سناریوهای سرمایه‌گذاری در صنعت برق را نشان می‌دهد. بر اساس این سناریوها پیش‌بینی می‌شود در سناریو روند پایه، سناریو رشد ۴ درصد، رشد ۵ درصد و رشد ۶ درصد مجموعاً تا سال ۱۴۰۴ به ترتیب ۱۱۳۸۶۷، ۷۵۹۷۴، ۱۴۹۱۱۳ و ۱۸۷۵۱۳ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری مورد نیاز است. به عبارت دیگر با در نظر گرفتن نرخ ارز ۳۳۰۰ تومانی، تا سال ۱۴۰۴ حداقل ۲۳ میلیارد دلار و حداکثر ۵۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است تا شبکه تولید، انتقال و توزیع برق کشور توسعه پیدا کند.

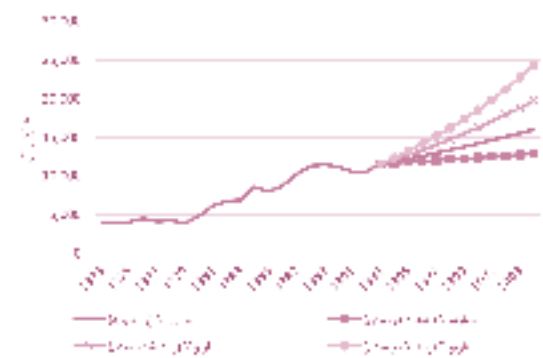


شکل ۲۱- سناریوهای پیش‌بینی سرمایه‌گذاری در صنعت برق تا سال ۱۴۰۴



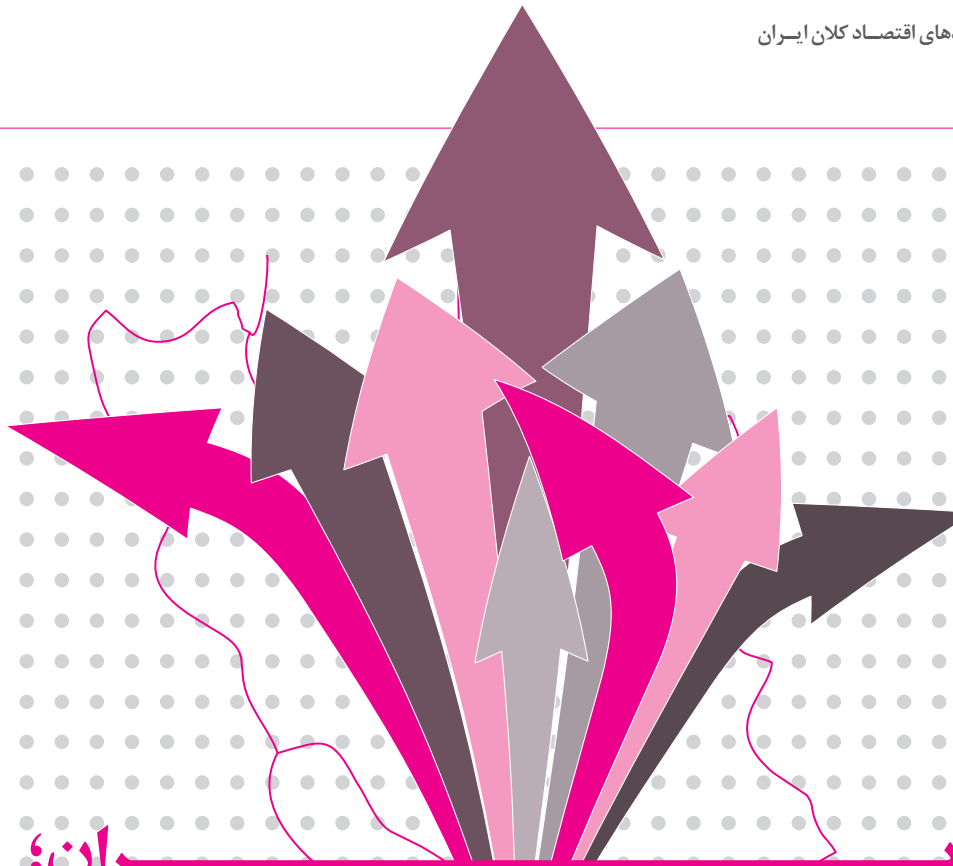
شکل ۱۸- نرخ رشد ارزش افزوده در برنامه‌های توسعه‌ای

پس از بررسی روند ارزش افزوده صنعت برق به قیمت ثابت، چهار سناریو رشد ۱ درصدی (با توجه به وضعیت سال‌های اخیر کشور)، روند پایه (رشد ۳ درصدی)، رشد ۵ درصدی و رشد ۷ درصدی برای پیش‌بینی ارزش افزوده صنعت برق در نظر گرفته شده است. پیش‌بینی ارزش افزوده صنعت برق در هر یک از این سناریوها در شکل ۱۹ نشان داده شده‌اند.



شکل ۱۹- سناریوهای پیش‌بینی ارزش افزوده به قیمت ثابت تا سال ۱۴۰۴

با توجه به روند سال‌های اخیر، سناریو رشد ۳ درصدی می‌تواند سناریو منطقی برای پیش‌بینی ارزش افزوده باشد. شکل ۲۰ میزان ارزش افزوده صنعت برق به قیمت ثابت را بر مبنای این سناریو در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۴ نمایش می‌دهد.



ایران؛ فرصت رشد یک تریلیون دلاری؟

● خلاصه کوتاهی از گزارش موسسه جهانی مکنزی ●

شاعر بزرگ فارسی زبان قرن چهاردهم میلادی، حافظ شیرازی در یکی از غزل‌های مشهور خود درباره ماهیت غیرقابل پیش بینی تغییر هشدار می‌دهد که: «ز انقلاب زمانه عجب مدار که چرخ/ از این فسانه هزاران هزار دارد یاد»

در این گزارش ما درباره فرصت ایران برای سرعت بخشیدن به رشد تولید ناخالص داخلی و خلق میلیون‌ها شغل جدید در سال‌های پیش رو بحث می‌کنیم. هنوز گذر ایران به این دوره جدید، غیر قابل پیش بینی است و استفاده از این فرصت‌ها مستلزم زمان و تلاشی چشمگیر است. با ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی، ایران نیاز به یک نظام مالی نیرومند و رویکردی دقیق به موضوعات پیچیده اقتصاد کلان، همچون سیاست پولی و سیاست نرخ ارز دارد. بازار نیروی کار، نیاز به توجه ویژه دارد تا اطمینان حاصل شود که گروه عظیمی از جوانان ایرانی که بسیاری از آنها فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند و در دهه آینده به سن شغلی می‌رسند، قادر خواهند بود، شغلی سودمند پیدا کنند.

بانکداری و نظام مالی با عملکرد بالا، باید در آینده با این رشد همراهی کنند. ایران اگر بخواهد در صحنه جامعه کسب و کار بین‌المللی پیروز شود، باید به مقصدی مطمئن‌تر و جذاب‌تر برای کسب و کار تبدیل شود و این در حالی است که دولت برای دستیابی به رشد سریع به تامین بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری سنگین مورد نیاز، توسط جامعه کسب و کار بین‌المللی نیازمند است. در تمام این موضوعات نشانه‌هایی وجود دارد که دولت ایران در حال حرکت برای پرداختن به این موضوعات، تقویت نهادها و تضمین محیطی تنظیمی بهتر است. سرعت انجام این کارها نقشی تعیین‌کننده در تسریع توانمندسازی ایران برای ارتباط مجدد و کار با اقتصاد جهانی و شروع رشد بالقوه دارد.

مقدمه

عصری جدید برای اقتصاد ایران آغاز شده است. در پی کاهش تحریم‌های بین‌المللی در ژانویه ۲۰۱۶، ایران که تا این زمان در خوداتکایی نسبی به سر می‌برده و از روابط گسترده‌ای با کشورهای غربی برخوردار نبوده بار دیگر خواهد توانست پیوندهای خود را با اقتصاد جهان تجدید کند. انتظار رشد سریع اقتصادی در بین دولت ایران، افراد عادی و جوامع تجاری داخلی و بین‌المللی در حال افزایش است. ما در این گزارش، فرصت رشد ایران تا سال ۲۰۳۵ را با بررسی بخش به بخش پتانسیل‌ها و چالش‌های اقتصادی می‌سنجیم.

• با خروج از دوران تحریم‌ها، ایران قادر خواهد بود رشد آینده خود را بر مبنای شش توانمندی اصلی پایه ریزی کند. اقتصاد متنوع، سطح بالای تحصیلات علمی، طبقه مصرف‌کننده در حال رشد، درجه بالای شهرنشینی، فرهنگ ریشه‌دار کارآفرینی و موقعیت جغرافیایی ایران بین شرق و غرب می‌تواند به ارتباط مجدد این کشور با اقتصاد جهانی و چشم‌انداز آینده آن کمک کند.

• ذخائر عظیم نفت و گاز ایران، محرک‌های اصلی برای رشد اقتصادی هستند. اما این کشور دارای بخش‌های متعدد دیگری نیز هست که پتانسیل کمک به رشد تولید ناخالص داخلی و اشتغال را دارند. اینها سایر صنایع مبتنی بر منابع، همچون پتروشیمی و معدن، بخش‌های همچون خودروسازی، کالاهای مصرفی روزانه و گردشگری که توانایی رقابت بین‌المللی را دارند. فناوری اطلاعات و ارتباطات، بانکداری، بیمه و خدمات حرفه‌ای که برای تبدیل ایران به یک اقتصاد دانش

بنیان، ضروری هستند و صنایع مرتبط با زیرساخت همچون حمل و نقل، خدمات عمومی و ساختمان که زمینه‌ساز رشد هستند را شامل می‌شوند.

• بر اساس رویکرد خرد به کلان ما که تصویری جامع از تحلیل بخش به بخش ایجاد می‌کند، ایران پتانسیل رشد یک تریلیون دلاری تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل را تا سال ۲۰۳۵ دارد. این امر معادل نرخ رشد اقتصادی سالانه ۶/۳ درصدی بر مبنای نرخ ارز حقیقی است که پیش‌بینی شده این نرخ طی دو دهه آینده به تدریج افزایش یابد. چنین رشدی مستلزم سرمایه‌گذاری حدود ۳/۵ تریلیون دلاری است و تولید ناخالص داخلی جهان را بیش از یک درصد افزایش می‌دهد.

• برای تحقق این فرصت‌ها، ایران نیاز به این موارد دارد: بهبود بهره‌وری و ارتقای زیرساخت‌های صنعتی به گونه‌ای که اقتصاد بهتر بتواند سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، فناوری‌های نو و روش‌های نوین مدیریت را جلب و جذب کند، یک نظام مالی که به طور کارا پس‌اندازها را به سمت سرمایه‌گذاری مولد هدایت کند و به خوبی با نظام‌های بین‌المللی ارتباط برقرار کند، یک بازار نیروی کار با انعطاف پذیری بیشتر و مهارت‌های کاری و مشارکت بالاتر نیروی کار و یک محیط کسب و کار که مشوق رقابت و نوآوری پویاتر باشد. شفافیت، حاکمیت قانون، حاکمیت شرکتی و سرعت اصلاحات نیاز به بهبود دارد.

• در کنار بنگاه‌های ایرانی، شرکت‌های بین‌المللی هم نقش مهمی در تقویت و ایجاد رقابت پذیری جهانی در اقتصاد ایران دارند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوره تحریم‌ها وجود نداشت، اما در حال

حاضر جریان آن مجدداً در حال آغاز است. از زمان اجرای توافق هسته‌ای در ژانویه ۲۰۱۶، بسیاری از نمایندگان شرکت‌های خارجی برای شروع مذاکرات به ایران سفر کرده و در برخی موارد، توافقات تجاری نیز امضا کرده‌اند.

• تحقق فرصت‌های ایران برای رشد و ارتباط مجدد کامل آن با اقتصاد جهانی، مستلزم زمان و تلاش چشمگیر است. تمام تحریم‌های بین‌المللی لغو نشده‌اند و دولت ایران در حالی که قصد خود برای اصلاحات گسترده را بیان می‌کند باید به این اصلاحات سرعت ببخشد. اگر ایران بخواهد آرزوهای مردم خود را برای یک اقتصاد شکوفا در دو دهه پیش رو محقق سازد، ثبات در کشور و در روابط بین‌المللی ضروری خواهد بود.

نگاهی به اقتصاد ایران

متعاقب اجرای توافق هسته‌ای ایران و ایالات متحده، چین، فرانسه، آلمان، روسیه و انگلستان در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران تا اندازه‌ای کاهش یافت. اما هیات‌های تجاری و نمایندگان دول، حتی قبل از «روز اجرا» وارد ایران شدند. وزیر اقتصاد آلمان، گروهی از مدیران کسب و کار این کشور را در ژوئیه ۲۰۱۵ به ایران برد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه چهار ماه دیرتر به ایران رفت. حدود ۱۰۰ نفر از مدیران بنگاه‌های فرانسوی در فوریه ۲۰۱۶ به ایران رفته و ماتیو رنزی نخست‌وزیر ایتالیا در راس هیاتی ۶۰ نفره از مدیران بخش خصوصی این کشور در آوریل ۲۰۱۶ رهسپار ایران شدند. در همین اثنا نمایندگان دولت ایران نیز برای مذاکره در خصوص فرصت‌های



سرمایه‌گذاری بین‌المللی به نقاط مختلف دنیا سفر کردند. دکتر حسن روحانی رییس‌جمهور ایران در ژانویه ۲۰۱۶ نمایندگان بخش تجارت و کسب و کار این کشور را در سفر به فرانسه و ایتالیا هدایت کرد و توافقات تجاری با ارزش چندین میلیارد دلار به امضا رساند.

توافق هسته‌ای برای ایران یک نقطه تحول بود و به نوبه خود برای اقتصاد جهانی نیز آغاز فصل جدیدی از تعاملات به حساب می‌آمد. در طول دو دهه قبل، روابط تجاری و مالی ایران با بسیاری از کشورهای جهان، مشمول تحریم‌های بین‌المللی بود که این باعث منزوی شدن اقتصاد این کشور و در نتیجه رشد نامتوازن آن شد. در آن دوره ایران از موج ارتقای بهره‌وری و جهانی شدن که باعث تقویت رشد در دیگر نقاط جهان شد، عقب ماند. در سال ۱۹۸۹ اقتصاد ایران به ارزش اسمی، برابر و هم‌تراز ترکیه بود. در حال حاضر با تولید ناخالص داخلی ۴۱۵ میلیارد دلاری و تولید ناخالص داخلی سرانه ۵۳۰۰ دلاری (اسمی) در سال ۲۰۱۴ نصف‌اندازه اقتصاد ترکیه است. بر اساس برابری قدرت خرید، اقتصاد ایران در سال ۱۹۸۹ به اندازه ۵۰ درصد بزرگتر از اقتصاد ترکیه بود. در سال ۲۰۱۴ با قدرت خرید ۱/۴ میلیارد دلاری، اندکی کوچکتر از ترکیه بود.

تا سال ۲۰۳۵ ایران فرصت افزودن یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل جدید را دارد.

رفع تحریم‌های سازمان ملل و اتحادیه اروپا، فرصت ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی و جبران فرصت‌های از دست رفته را به ایران داد؛ اگرچه تحریم‌های یک جانبه آمریکا هنوز پابرجاست. در حال حاضر انتظارات در ایران و جامعه تجارت بین‌الملل بالا است. طی ده ماه از ابتدای پذیرش توافق هسته‌ای در ژوئیه ۲۰۱۵، ارزش قراردادهای تجاری ابتدایی ایران با شرکت‌های جهانی حداقل ۱۳۰ میلیارد دلار اعلام شده است. اما سئوالات زیادی باقی می‌ماند. چگونه بنگاه‌های داخلی و بین‌المللی می‌توانند از این فرصت رشد استفاده کنند؟ کدام بخش‌ها احتمالاً موتور محرک رشد خواهند بود؟ دولت ایران باید چه اقداماتی انجام دهد تا پتانسیل خود را محقق سازد؟

در تلاش برای پاسخ به این سئوالات ما تحقیقی عمیق در ۱۸ بخش که منابع رشد تولید ناخالص داخلی و اشتغال هستند، انجام دادیم. این بخش‌ها

از نفت و گاز و خودرو تا فناوری اطلاعات و ارتباطات و زیرساخت‌ها را شامل می‌شود. ما همچنین برای تحلیل نقاط قوت، شناسایی چالش‌های اصلی و فرصت‌های رشد، با کارشناسان اقتصادی و مدیران بنگاه‌های کسب و کار در داخل و خارج از ایران مصاحبه کرده‌ایم.

بر اساس این تحلیل، دریافتیم که طی ۲۰ سال تا سال ۲۰۳۵، ایران فرصت افزودن یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل را دارد. شرکت‌های داخلی بیشترین تاثیر را در رشد آتی دارند، اما شرکت‌های بین‌المللی هم نقش بسزایی ایفا خواهند کرد، آنها علاوه بر سرمایه‌گذاری، تکنولوژی و دانش مدیریت را نیز وارد می‌کنند که می‌تواند باعث بهبود چشمگیر در بهره‌وری شود. ایران در دستیابی به رشد، می‌تواند بر برخی نقاط قوت کلیدی تاکید کرده و آنها را پرورش دهد که از آن جمله، تنوع اقتصادی بالا در ایران است. اما همچنین باید اصلاحات قابل توجهی را انجام دهد تا اقتصاد خود را بر پایه‌های قوی تری بنا نهد تا بتواند از رشدی پویا، پایدار و بلندمدت پشتیبانی کند.

دولت نیاز به تسریع در اصلاحاتی دارد که بیشترین اثر را در کوتاه‌ترین زمان دارند. بنگاه‌های چندملیتی باید مدل‌های کسب و کار خود را تغییر داده و خود را با یک محیط کسب و کار منحصر به فرد تطبیق دهند. بنگاه‌های ایرانی باید بهره‌وری خود را در مواجهه با رقابت جهانی ارتقا دهند. موسسات مالی در ایران و خارج از آن، برای بازگشایی جریان‌های مالی باید مجدداً با هم مرتبط شوند. اگر این موارد مد نظر قرار گرفته و ایران در تحقق پتانسیل‌های خود موفق شود، این کشور می‌تواند مجدداً نقشی در اقتصاد جهانی ایفا کند که متناسب با تاریخ طولانی و موقعیت جغرافیایی استراتژیک این کشور بین شرق و غرب باشد.

شش نقطه قوت اقتصاد ایران

ایران شش نقطه قوت اصلی دارد که می‌تواند رشد آتی را بر آنها بنا نهد. اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۴ از لحاظ برابری قدرت خرید، هجدهمین اقتصاد بزرگ دنیا بود. با این حال در سال‌های اخیر، در خوداتکایی نسبی به فعالیت پرداخته و در تعامل با اقتصادهای دیگر جهان محدود بوده است. اگرچه اقتصاد ایران نسبت به شوک‌های خارجی، از جمله تحریم‌ها و پایین آمدن قیمت نفت، نسبتاً انعطاف‌پذیر بوده،

ولی اقتصاد کشور به سبب بازدهی پایین، بیکاری و تورم بالا (که اخیراً تحت کنترل در آمده است) در شرایط مطلوبی قرار نداشته است.

از آنجایی که ایران در حال حاضر به دنبال ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی، شتاب دادن به رشد تولید ناخالص داخلی و اشتغال و برآوردن آرزوهای جمعیت جوان شهری و رو به رشد خود است، قادر خواهد بود از شش نقطه قوت اصلی کمک بگیرد. این نقاط قوت عبارتند از:

- **تنوع اقتصادی:** ایران دارای بزرگترین ذخایر اثبات شده گاز و چهارمین ذخایر اثبات شده نفت در جهان است و هزینه تولید نفت و گاز در این کشور، جزو کمترین‌ها در میان هم‌تایان خود است. اینها دارایی اصلی هستند که می‌توانند باعث رشد اقتصاد شوند. در عین حال، اقتصاد ایران دارای تنوع بالایی بوده و وابستگی شدید به نفت و گاز ندارد، به طوری که در سال ۲۰۱۴ این بخش تنها ۲۳ درصد از ارزش افزوده ناخالص را تشکیل می‌داد. این در حالی است که این رقم برای امارات متحده عربی ۳۰ درصد و برای کویت ۵۰ درصد است. تجارت خرده‌فروشی، املاک و مستغلات و خدمات حرفه‌ای سهم بیشتری نسبت به نفت و گاز در اقتصاد ایران دارند. ایران صاحب ذخایر عظیم معدنی مس و روی است. در سال ۲۰۱۴ این کشور ۱۴ میلیارد دلار محصولات پتروشیمی صادر کرد و بخش خودرو آن بیش از یک میلیون دستگاه وسیله نقلیه تولید کرد. در واقع یکی از ویژگی‌های نامتعارف اقتصادی با این حجم، اتکالی شدید آن به تولیدکنندگان داخلی کالاها و خدمات، از لوازم آرایش گرفته تا محصولات دارویی و تجهیزات الکترونیک است.

- **آموزش علمی:** ایران دارای یکی از بالاترین سطوح مشارکت در آموزش عالی در دنیا و بالاتر از انگلستان، فرانسه و آلمان است و بیش از یک سوم این افراد نیز در رشته‌های مهندسی فارغ‌التحصیل شده‌اند. این آمار، ایران را در میان ۵ کشور اول دنیا از لحاظ تعداد فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی در هر سال قرار می‌دهد و این تقریباً هم‌تراز با ایالات متحده آمریکا و بالاتر از ژاپن و کره جنوبی است. دانش فنی یک عامل قدرتمند است که می‌تواند محرک بهره‌وری و اشتغال باشد، اگر استعدادهای پرورش یافته توسط نظام آموزشی وارد مشاغل ارزشمند در اقتصاد شوند. در گذشته، برخی از بهترین و با استعدادترین این افراد برای ادامه تحصیل، اشتغال یا کارآفرینی روانه خارج از کشور

پتانسیل‌های اقتصاد ایران تا سال ۲۰۳۵

ایران این پتانسیل را دارد که تا سال ۲۰۳۵ یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی افزوده و ۹ میلیون شغل جدید ایجاد کند.

ایران این فرصت را دارد که با تقویت این نقاط قوت، رشد اقتصاد خود را شتاب بخشد - اما با چه سرعتی می‌تواند این کار را انجام دهد؟ علاوه بر تحلیل شاخص‌های اقتصاد کلان، ما با استفاده از رویکرد متمایز موسسه جهانبین مکنزی به اقتصاد، یعنی «خرد - به - کلان»، مطالعه‌ای عمیق در مورد ۱۸ بخش صنعتی در ایران انجام دادیم. ما دریافتیم که دامنه و سرعت پیشرفت‌های اقتصادی ایران در آینده، اصولاً بر چهار عامل محرک رشد و همچنین اصلاحات اقتصاد کلان برای بهبود محیط کسب و کار استوار است.

بهینه کردن بازده منابع طبیعی ایران به خصوص نفت و گاز، اولین موتور محرک است. دومین عامل تبدیل صنایع بزرگ تولیدی داخلی همچون خودرو، مصالح اصلی و کالاهای مصرفی روزانه، به بخش‌های قابل رقابت در سطح بین‌المللی است. سومین عامل، ایران را ملزم می‌کند که گذر به سمت اقتصاد دانش بنیان، تقویت نقاط قوت برای رشد بخش‌هایی همچون فناوری اطلاعات و ارتباطات و خدمات مالی را سرعت بخشد. نهایتاً برای پی‌ریزی رشد، زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال نیاز به نوسازی و گسترش دارند.

رسیدن به رشد یک تریلیون دلاری مستلزم سرمایه‌گذاری تجمعی حدود ۲/۵ تریلیون دلار تا سال ۲۰۳۵ است.

تحلیل ما نشان می‌دهد که با تقویت این چهار موتور رشد، ایران پتانسیل اضافه کردن یک تریلیون دلار به اقتصاد - با احتساب نرخ ارز واقعی پیش‌بینی شده - را در ۲۰ سال آینده دارد. چنین حجم افزایشی می‌تواند تولید ناخالص داخلی ایران بر مبنای سرانه را به تولید ناخالص داخلی اسپانیا در سال ۲۰۱۴ و بالاتر از تولید ناخالص داخلی ترکیه، روسیه، مالزی و مکزیک در سال ۲۰۱۴ برساند. این امر همچنین باعث افزایش بیش از یک درصدی تولید ناخالص داخلی جهانی خواهد شد. این امر به معنای رشد میانگین سالانه ۶/۳ درصدی در ارزش دلاری اقتصاد ایران است که طی دو دهه آینده افزایش می‌یابد و ۹ میلیون شغل نیز ایجاد می‌شود. این رشد به طور وسیعی بین تعداد زیادی از بخش‌هایی توزیع

• فرهنگ کارآفرینی: بر اساس گزارش دیده بان جهانی کارآفرینی، کارآفرینان در ایران از جایگاه برتری نسبت به هم‌تایان خود در فرانسه برخوردار بوده و هم‌تراز این افراد در ایالات متحده هستند و نوآوری کارآفرینان ایرانی در ابعاد متنوعی نمایان است. در حالی که بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی از جمله غول‌های دیجیتال دارای محدودیت برای کار با ایران بوده‌اند، اما کارآفرینان ایرانی وارد میدان شدند تا این شکاف را پر کنند. هر ده برند برتر محصولات غذایی، شرکت‌های داخلی هستند، ضمن اینکه ایران خود دارای نسخه‌های داخلی آمازون، یوتیوب، پی‌پل و دیگر وبگاه‌های اینترنتی است. برخی از سه میلیون یا بیشتر ایرانی ساکن خارج از کشور، کارآفرینان برجسته از جمله آرش فردوسی، همکار موسس دراپ باکس و امید کردستانی از مدیران سابق گوگل هستند.

• موقعیت راهبردی برای جریان‌های بین مرزی: جاده افسانه‌ای ابریشم بین شرق و غرب زمانی امپراتوری ایران را می‌پیمود. اندازه و موقعیت ایران به صورت تاریخی، آن را به توقفگاهی مهم در مسیرهای تجاری شرق - غرب و شمال - جنوب تبدیل کرده بود. همین خصوصیات می‌تواند به ایران فرصت تبدیل شدن به کانون منطقه‌ای برای تجارت و مرکزی برای تجارت متنوع را بدهد. ایران با ۷ کشور مرز خاکی دارد که مجموعاً ۴۳۰ میلیون نفر جمعیت و ۴۰ میلیون خانوار مصرف‌کننده دارند که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ سالانه ۵/۲ درصد رشد کنند. ایران در حال حاضر دارای کمترین حجم و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در خاورمیانه است که این تا اندازه‌ای به دلیل تحریم هاست. با این موجود اقتصاد ایران قادر بوده تا در جریان جهانی تجارت باقی بماند، اما الگوی تجارت آن به طور محسوسی تغییر یافته است. تا قبل از انقلاب ۱۹۷۹، ایالات متحده آمریکا دومین شریک تجاری بزرگ ایران بود. در حال حاضر، شریک شماره یک ایران، کشور چین است که به تنهایی سهمی حدود ۴۰ درصدی از تجارت ایران دارد. هند و ترکیه نیز روابط تجاری خود با ایران را تقویت کرده‌اند. روی هم رفته، صادرات ایران طی سال‌های اخیر داری نوساناتی بوده اما باز هم مانند ژاپن و استرالیا میزان صادرات به حدود یک سوم تولید ناخالص داخلی بالغ می‌شود. به طور مطلق صادرات ایران بیشتر از کل صادرات مصر، پاکستان و مراکش است که البته بخش عمده آن محصولات نفتی است.

شده‌اند. یکی از این افراد مریم میرزاخانی، اولین زنی است که موفق به کسب نشان فیلدز، معتبرترین جایزه جهانی ریاضیات شد. تقریباً دو سوم اعضای کابینه دولت فعلی ایران دارای مدرک دکترای تخصصی هستند که شش نفر از آنها مدارک خود را از دانشگاه‌هایی غربی از جمله سه نفر از ایالات متحده دریافت کرده‌اند. در مقام مقایسه تنها دو نفر از اعضای کابینه باراک اوباما دارای مدرک PhD و ده نفر دارای مدرک دکترای حقوق هستند.

• طبقه مصرف‌کننده در حال رشد: تحقیقات موسسه جهانی مکنزی، اندازه و پویایی طبقه مصرف‌کننده را به عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده رشد اقتصادی در اقتصادهای نوظهور تشخیص داده است. در حال حاضر حدود ۵۶ درصد از خانوارهای ایرانی دارای درآمد سالانه ۲۰ هزار دلار بر اساس برابری قدرت خرید هستند، سطحی که ما آن را به عنوان «خانوارهای مصرف‌کننده» تعریف می‌کنیم. این نسبت، بیش از دو برابر نسبت‌های مربوط به چین و هند است و در کشورهای BRIC نیز تنها روسیه است که با ایران برابری می‌کند. در واقع از لحاظ برابری قدرت خرید، خرده‌فروشی سرانه ایران، بالاتر از ترکیه، مالزی یا مکزیک است.

• جمعیتی با نرخ شهرنشینی بالا: تحقیقات موسسه جهانی مکنزی نشانگر اهمیت شهرهای پویا برای رشد اقتصادی است و بیان می‌دارد که در ۲۵ سال آینده، بیش از ۵۰ درصد از رشد جهانی مربوط به شهرهای در اقتصادهای در حال ظهور خواهد بود. درجه شهرنشینی ایران، از رتبه جهانی آن در تولید ناخالص داخلی سرانه پیشی می‌گیرد که این بیانگر این است که پتانسیل رشد در آینده وجود دارد. ایران دارای ۸ شهر با جمعیت بیش از یک میلیون نفر است که بزرگترین آنها یعنی تهران، بیش از ۸ میلیون جمعیت و تولید ناخالص داخلی بیشتری از ریودوژانیرو دارد. ایران با نسبت سه چهارم جمعیت شهرنشین، دارای درجه شهرنشینی بیش از دو برابر هند است. این کشور همچنین از این لحاظ بالاتر از کشورهای متعدد اروپایی از جمله ایتالیا، پرتغال، اتریش و ایرلند قرار دارد. در حالی که این کشور دارای زیرساخت‌های شهری و صنعتی گسترده است، اما اینها نیاز به روزآمدسازی دارند. جاده‌ها، بندر، راه آهن و فرودگاه‌ها به سرمایه‌گذاری سنگین نیاز دارند و زیرساخت دیجیتال از جمله شبکه‌های پهن باند سرعت بالا هم در بخش ثابت و هم سیار نیز نیازمند ارتقا است.

خواهد شد که در آینده، تاب‌آوری اقتصاد ایران را در برابر شوک‌های خارجی تقویت خواهند کرد.

این حجم از افزایش در تولید ناخالص داخلی، مستلزم بهبود گسترده در بهره‌وری نیروی کار ایران است به گونه‌ای که بهره‌وری نیروی کار سالانه به طور متوسط ۳/۴ درصد افزایش یابد، این افزایش نظیر تجربه ترکیه بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ است. این افزایش در تولید ناخالص داخلی همچنین تعداد بیشتری نیروی کار را می‌طلبد: جمعیت ایران در حال حاضر با نرخ نسبتاً کم ۶٪ درصد در سال رشد می‌کند، اما نرخ مشارکت نیروی کار هم به خصوص برای زنان باید افزایش یابد. اگر نرخ مشارکت نیروی کار در ایران متناسب با تولید ناخالص داخلی رشد کند، در سال ۲۰۳۵ به ۴۳ درصد می‌رسد که بیشتر از مقدار ۴۱ درصدی آن در سال ۲۰۱۴ است. افزایش ۹ میلیون شغل جدید، باعث کاهش بیکاری از حدود ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۷ درصد در سال ۲۰۳۵، حتی با در نظر گرفتن رشد جمعیت پیش‌بینی شده است.

رسیدن به چنین رشدی مستلزم سرمایه‌گذاری تجمعی حدود ۳/۵ تریلیون دلار از حالا تا سال ۲۰۳۵ است. ایران با استفاده از نسبت بدهی پایین و نرخ پس‌انداز بالای خود، پتانسیل تأمین بسیاری از این سرمایه‌گذاری را از منابع داخلی دارد، گرچه تقریباً یک تریلیون دلار از این سرمایه‌گذاری احتمالاً باید از محل سرمایه‌گذاری خارجی باشد. ایران می‌تواند علاوه بر ارتفاع از سرمایه‌وارده توسط سرمایه‌گذاران بین‌المللی، از دانش و رویه‌های مدیریتی شرکت‌های جهانی نیز استفاده کند. در حالی که نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی ایران سهم بزرگی از سرمایه‌گذاری مورد نیاز را به خود اختصاص می‌دهند، ما برآورد می‌کنیم که سه موتور محرکه رشد دیگری که معرفی می‌کنیم، به سرمایه‌گذاری حداقل به اندازه بخش‌های مزبور و حتی بیشتر از آن نیاز داشته باشد. بر اساس تحلیل ما، به خصوص گسترش و نوسازی زیرساخت احتمالاً به بیش از ۱/۵ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری تجمعی تا سال ۲۰۳۵ نیاز دارد و این در مقایسه با ۵۵۰ میلیارد دلار برای منابع طبیعی، حدود ۶۵۰ میلیارد دلار برای پرورش صنایع رقابتی و تقریباً ۸۰۰ میلیارد دلار برای گذر به اقتصاد دانش‌بنیان است.

دولت ایران در برنامه پنج‌ساله خود برای دوره ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ نرخ رشد ۸ درصدی و کاهش بیکاری و تورم به ۸ درصد را هدف گذاری کرده است. برای

دستیابی به این آرزو، که برخی اوقات از آن به (۸-۸) یاد می‌شود، دولت ۳۱ اولویت اقتصادی را مشخص کرده که از آن جمله، بهبود محیط کسب و کار، تقویت نظام مالی و به روز رسانی صنعت و زیرساخت از طریق اتخاذ فناوری‌های نوین است. برنامه دولت همچنین تشویق به سرمایه‌گذاری توسط خارجیان و ایران مقیم خارج است.

چالش‌های اقتصاد ایران

ایران برای تحقق بخشیدن به پتانسیل‌های خود باید بر چالش‌های عمده‌ای غلبه کند. برای ارتفاع از مزایای کامل ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی، ایران به اقتصادی نیاز دارد که بهتر بتواند سرمایه‌گذاری خارجی، تکنولوژی و تخصص را جلب و جذب کند. این مستلزم یک نیروی کار با انعطاف‌پذیری و مهارت‌های کاری بالاتر و محیط کسب و کاری است که ترغیب به رقابت پویاتر و نوآوری کند. شفافیت، حاکمیت قانون و حاکمیت شرکتی نیز باید بهبود یابند. به طور کلی ایران باید شاخص‌های بهره‌وری خود را ارتقا بخشد.

تمام این تغییرات باید در زمینه مساعدتر اقتصاد کلان با تورم قابل کنترل، نرخ‌های ثابت ارز و سیاست مالی پاسخگو و با ثبات صورت پذیرد. برنامه‌ریزی و اجرای این اصلاحات و حرکت به سوی اقتصاد با بهره‌وری بالاتر، مستلزم زمان و مشارکت تکمیل‌کننده بین دولت و بخش خصوصی اعم از شرکت‌های ایرانی و بین‌المللی است.

در سال‌های پیش اقتصاد ایران از بی‌ثباتی رنج می‌برد. رشد تولید ناخالص داخلی دارای نوسانات شدید از ۷- درصد در سال ۲۰۱۲ تا ۴+ درصد در سال ۲۰۱۴ بود، گرچه بخش‌های دیگر غیر از نفت و گاز دارای ثبات بیشتری بودند. از سال ۱۹۹۷، بیکاری بالای ۱۰ درصد بوده است، پول متحمل کاهش شدید ارزش و افت بها شده و تورم در اوج خود در ژوئن ۲۰۱۳ به ۴۵ درصد رسید. ایجاد یک محیط اقتصاد کلان با ثبات به پشتوانه نهادهای معتبر، پیش شرط توانمند شدن ایران برای جذب سرمایه‌گذاری و افزایش صادرات، مصرف داخلی، اشتغال و استانداردهای معیشت طی ۲۰ سال آینده است. رسیدن به این توازن مستلزم سیاست مالی با تمرکز بر رشد و اقیعیت، سیاست پولی برای حفظ ثبات قیمت‌ها و موسسات شفاف و معتبر است. ایران همچنین باید به محیطی سهل‌تر برای کسب و کار تبدیل شود. در حال حاضر، ایران در رتبه بندی

جهان از نظر مقصد سرمایه‌گذاری دارای رتبه پایینی است؛ به عنوان مثال در شاخص‌های سهولت کسب و کار بانک جهانی در سال ۲۰۱۶ از میان ۱۸۹ کشور رتبه ۱۱۸ام را کسب کرده و در گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۱۶-۲۰۱۵ مجمع جهانی اقتصاد، رتبه ۱۷۴ام از میان ۱۴۰ کشور را داشته است. برای ارتقای رتبه و جذب کسب و کار بین‌المللی، ایران باید یک چارچوب مقرراتی شفاف و درست را به کار گیرد که مشوق رقابت باشد، موانع کارایی و بهره‌وری را از بین ببرد و یک زمین بازی یکسان را برای همه ایجاد کند.

قیمت‌ها را یارانه‌های دولتی بر کالاهای اساسی از جمله انرژی، برخی مواد غذایی و محصولات دارویی از شکل اصلی خود خارج شده است. تعرفه‌های بالا و الزام استفاده از توان داخلی نیز می‌توانند انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و نوآوری را کاهش دهند. کاهش تدریجی این انحراف بازار، برداشتن حمایت‌های جاری حاکم بر بخش‌هایی نظیر صنایع خودروسازی و دارویی و تسهیل فرآیندهای اداری، گام‌های اولیه برای کاهش هزینه‌های انجام کسب و کار هستند.

به عنوان مثال، اخذ مجوز برای ساخت یک انبار در ایران مستلزم طی ۱۵ رویه مجزا و ۹۷ روز است و بر اساس همین گزارش بانک جهانی، این تشریفات بیش از ۲ درصد ارزش خود انبار هزینه به بار می‌آورد. ایران همچنین باید حمایت قوی‌تری را از حقوق مالکیت فیزیکی و معنوی انجام دهد و مقررات ورشکستگی را بهبود ببخشد.

ایران نیاز به یک نیروی کار مولد و منطقی با مهارت‌های لازم دارد که کارفرمایان داخلی و خارجی به دنبال آن هستند. بازار نیروی کار به طور کلی با نقاط ضعف قابل توجهی همچون سطح پایین مشارکت نیروی کار به خصوص برای زنان و جوانان، سطح بالای بیکاری و اشتغال ناقص و کمبود مهارت‌های مدیریتی و کسب و کار، مواجه است. عدم تناسب چشمگیری بین مهارت‌های نیروی کار و نیازهای کارفرمایان وجود دارد. مضاف بر این باید اقداماتی صورت گیرد تا مانع افزایش بیکاری ناشی از تغییر الگوی جمعیتی شود. تنها در چهار سال آینده، ۲/۲ میلیون ایرانی به سن اشتغال می‌رسند و بسیاری از آن‌ها به نیروی کار می‌پیوندند و احتمالاً نرخ بیکاری را افزایش خواهند داد؛ مگر اینکه شغل جدید به اندازه کافی ایجاد شود.

همچنین نظام مالی به یک بازبینی کامل نیاز

دارد. بانک‌های ایرانی حجم زیادی از دارایی‌های کم بازده را در ترازنامه خود دارند و نیازمند تجدید سرمایه کلان هستند. سالها دوری از بانک‌های بین‌المللی باعث قدیمی‌شدن رویه‌های ریسک و انطباق شده است. به عنوان مثال، بانک‌های ایرانی هنوز با قواعد بازل ۱ در ارتباط با کفایت سرمایه و قبول ریسک اداره می‌شوند و احتمالا باید سریعا به سمت استانداردهای بین‌المللی بازل ۲ و بازل ۳ برای ایفای الزمات ریسک شرکت‌های بین‌المللی حرکت کنند.

به طور مشابه باید شفافیت، حسابرسی و رویه‌های فشار را بهبود بخشیده و رتبه‌های اعتباری خود را قبل از انجام کسب و کار با بسیاری از بنگاه‌های خارجی ارتقا دهند. لذا در حال حاضر، شرکت‌های چند ملیتی که می‌خواهند از طریق بانک‌های ایرانی معاملات خود را انجام دهند، مردد هستند. مضاف بر این، در حالی که تحریم‌های سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا رفع شده‌اند، اما تداوم تحریم‌های اولیه ایالات متحده آمریکا باعث پیچیده شدن تراکنش‌های بین‌المللی بلافاصله پس از توافق هسته‌ای شده است.

دستور کاری اجرایی برای دولت و کسب و کار

اصلاحاتی که در این گزارش مطرح می‌کنیم در هر شرایطی دشوار هستند اما در محیطی مملو از ابهام که استقرار مجدد اقتصادی در آن الزامی است، حتی از این هم دشوارتر است. پرداختن به این نااطمینانی بستگی به زمان بندی، تداوم و کیفیت اصلاحات دولت و پاسخگویی شرکت‌های داخلی و بین‌المللی دارد. دولت باید یک برنامه تغییر بلندپروازانه را در میان وزارتخانه‌ها و استان‌ها آغاز کند.

توانایی دولت برای ارتباط با سرمایه‌گذاران و صاحبان کسب و کارها و ایفای نقش به عنوان یک الگو برای تغییر اثربخش، خصوصا به دلیل در هم تنیدگی بالای بخش عمومی و خصوصی در ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است. برخی ابتکارات برای بهبود خدمات عمومی در آخرین برنامه پنج ساله دولت گنجانده شده است اما به بیشتر از این نیاز است. کاهش بروکراسی مستلزم تغییر ساختار و مدل اجرایی دولت است.

علاوه بر خصوصی سازی، دولت به دنبال اصلاح یارانه‌ها و تعرفه‌ها، تسهیل چارچوب‌های قانونی برای سرمایه‌گذاران خارجی و کاهش تعداد مجوزها و گواهی‌های مورد نیاز برای انجام کسب و کار در

ایران است. اگر این اصلاحات با سرعت و به طور کامل اجرا شود، می‌تواند ایران را به مقصدی جذاب تر برای سرمایه‌گذاران تبدیل کند.

لازم است اصلاحات پی در پی مبتنی بر یک استراتژی توسعه صنعتی شفاف و مشخص که تغییرات مورد نیاز برای توانمند ساختن هر یک از چهار موتور رشد و بخش‌های درون آنها را به منظور ایجاد رونق مشخص می‌کند، اعمال شود. اصلاحات پیچیده‌تر مستلزم برنامه‌ریزی سنگین و مکانیزم‌های پاسخگویی برای دستیابی به نتایج است. ایران برای ایده گرفتن در خصوص چگونگی اجرای سریع و با موفقیت تغییرات می‌تواند به بسیاری از کشورهای دیگر از سنونی تا مالزی بنگرد. دولت باید با اقتباس از دگرگونی‌های اثربخش کسب و کار، اهداف شفاف و نقاط ارزیابی عملکرد را مشخص کرده و مسیر پیشرفت را به سمت آنها مدیریت کند. آهنگ سریع حرکت اصلاحات نیز منظور به این است که دولت، نیروی کار و ظرفیت‌های خود را به خصوص در ارتباط با مدیریت تغییر، تقویت کند.

شرکت‌های ایرانی و بنگاه‌های جهانی هم در رشد و نوسازی اقتصاد نقش دارند. شرکت‌های داخلی می‌توانند از تخصص و شبکه خود در بازار ایران استفاده کنند، اما با رقابت جدید از ناحیه شرکت‌های بین‌المللی مواجه خواهند شد که شروع به بررسی شرایط ایران هم به عنوان یک بازار و هم به عنوان یک جایگاه تولید کرده‌اند. شرکت‌های ایرانی ممکن است پشت تعرفه‌ها و دیگر موانع حمایتی پنهان شوند. اما این موضوع تنها تلاش مورد نیاز برای افزایش کیفیت و کارایی را به تعویق می‌اندازد.

شرکت‌های ایرانی برای رقابت باید به ساختارهای هزینه خود را مطابق با شرکت‌های بین‌المللی تنظیم کنند و بهره‌وری نیروی کار و سرمایه را بهبود بخشند بسیاری از شرکت‌ها برای سال‌ها به تخصص‌های سطح بالا دسترسی نداشته‌اند؛ آنها باید به تجهیزات و دانش جدید دست پیدا کنند. به عنوان مثال در بخش خودرو، شرکت‌ها نیاز به بهبود کیفیت محصولات از طریق سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌ها و امکانات جدید دارند و در غیر این صورت با ریسک از دست دادن بازار مواجه خواهند شد. برخی از شرکت‌ها می‌توانند از طریق مشارکت با بنگاه‌های بین‌المللی وضعیت خود را بهبود بخشند و برای این کار باید خود را با شرایط این بنگاه‌ها انطباق دهند. با وجود رقابت بیشتر،

حفظ استعدادها بسیار دشوارتر خواهد بود؛ تقاضا برای کارکنان دارای مهارت‌های مدیریتی قوی و تجربه بین‌المللی، نسبتا بالا خواهد بود.

شرکت‌های ایرانی برای رقابت در سطح بین‌المللی باید بهره‌وری نیروی انسانی و سرمایه خود را بالا ببرند. برای شرکت‌های جهانی، ایران نمایانگر فرصت و چالش به صورت همزمان است. شرکت‌هایی که تصمیم می‌گیرند وارد ایران شوند از بازار بزرگ و غیرمتمرکز با فرصت‌های رشد در بسیاری از بخش‌ها، بهره‌مند خواهند شد. اما آنها با کمبود توانایی مدیریت محلی مواجه خواهند شد و باید برای حل آن، چه از طریق آموزش و چه از طریق انتقال دانش، اقدام کنند. محیط عملیاتی در ایران، منحصر به فرد است. برای شرکت‌های بین‌المللی نااطمینانی در خصوص تامین مالی، تحریم‌ها و دیگر محدودیت‌ها بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و کسب و کارشان وجود دارد.

آنها با بازاری روبرو خواهند شد که در آن، کپی‌رایت و حفاظت از داده‌ها به اندازه‌ای که انتظار دارند، قوی نیست. دولت ایران، تمایل خود را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد و در واقع اگر این کشور بخواهد پتانسیل‌های رشد خود را محقق کند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حیاتی خواهد بود. بنگاه‌های بین‌المللی می‌توانند از این تمایل به منظور فشار برای تغییراتی استفاده کنند که ایران را قادر به رشد سریع‌تر و تبدیل شدن به مکانی آسان‌تر برای کسب و کار خواهد ساخت.

کاهش تلفات و افزایش تجدیدپذیرها

خدمات عمومی برای تامین نیازهای ایرانیان و آرزوی کشور برای افزایش صادرات برق، نیاز به توسعه دارد. در همین حال، اقداماتی باید برای کاهش تلفات مصرف صورت پذیرد. مصرف داخلی ایرانیان از گاز، برق و آب به طور معناداری بیشتر از اغلب کشورهای دیگر است. مصرف سرانه گاز خانگی از سال ۲۰۰۶ سالانه ۵/۸ درصد رشد یافته و در حال حاضر بیش از دو برابر همتایان خود است. مصرف برق خانوارهای مسکونی ایران سه برابر خانوارهای ترکیه‌ای است. مصرف آب در ایران بسیار بالاتر از حدود پایدار زیست محیطی است.

این خدمات عمومی تحت مالکیت و اداره دولت است، به جز تولید انرژی که بازیگران خصوصی هم می‌توانند از طریق شیوه‌های ساخت - تملک - بهره‌برداری و ساخت - بهره‌برداری - واگذاری



است. انتقال گاز با مشکلات مشابهی مواجه است. در همین حال، تعرفه‌های پایین و دسترسی بالا، به تقاضای بالا و نامتناسب دامن زده است. قیمت‌های برق برای مصرف کنندگان خانگی و صنعتی حدود ۲ سنت برای هر کیلووات ساعت است. در حالی که در کشورهای هم‌تراز، این رقم حدود ۱۰ سنت است. یک افزایش تعرفه در سال ۲۰۱۰ منجر به کاهش ابتدایی در مصرف شد اما مصرف برق مجدداً به افزایش خود ادامه داد، به خصوص اینکه بخش‌های دیگر همچون کشاورزی شروع به حرکت از سمت انرژی دیزل به سمت برق کردند. در حالی که ایران دارای وسایل اندازه‌گیری برق است، اما بسیاری از مصرف کنندگان گروهی را به جای افراد مصرف کننده نهایی در نظر می‌گیرد.

دولت به عنوان یک اولویت به دنبال تنوع بخشی، نوسازی و توسعه سیستم برق خود است. ایجاد خدمات عمومی کارا شامل حداکثر سازی عملکرد برق و گاز به عنوان مثال از طریق تبدیل نیروگاه‌های سیکل ساده به سیکل ترکیبی است که از تلفات گرمایی برای تولید بخار جهت تولید برق بیشتر استفاده می‌کند. دولت در حال حاضر این تغییرات را آغاز کرده و احتمالاً می‌تواند تا ۵۰ درصد برق بیشتری با همان میزان سوخت، تولید کند. اما الگوهای مصرف کاربران نیز باید تغییر کند.

با رشد اقتصاد، مصرف برق نیز افزایش خواهد یافت و ایران باید اطمینان حاصل کند که این بخش‌ها کارایی خود را بالا می‌برند تا مانع اتلاف انرژی شود. نهایتاً فرصت‌هایی برای آنهایی که تولید خدمات عمومی را توسعه می‌دهند و آنهایی که مصرف کارا را میسر می‌سازند، وجود دارد.

مابروآورد می‌کنیم که ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در زیرساخت آب و همچنین گسترش و توسعه بخشی به تولید برق و ارتقای کارایی، اثرات سرریز زیادی در اقتصاد ایران خواهد داشت. علاوه بر اثرات اقتصادی گسترده این سرمایه‌گذاری، بخش خدمات عمومی می‌تواند ارزش افزوده ناخالص را تا ۳۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۵ افزایش دهد و این معادل رشد سالانه ۶ درصدی است.

برای کاهش بار منابع موجود عرضه آب نیز می‌تواند افزایش یابد. ایستگاه‌های نمک زدایی می‌توانند در کنار نیروگاه‌ها هم برای تامین آب توربین‌های بخار و هم افزایش تامین آب منطقه ای، قرار بگیرند. تاسیسات بیشتری برای تصفیه آب مورد نیاز است. شرکت‌های متعدد داخلی و خارجی تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری در تاسیسات نمک زدایی و تصفیه آب نشان داده‌اند. گروه مینا تاسیساتی در جزیره قشم ساخته که به طور همزمان برق و آب تولید می‌کند و در حال سرمایه‌گذاری برای ساخت تاسیسات مشابه در سواحل خلیج فارس و دریای عمان است. شرکت پسونو کره جنوبی و شرکت انرژی برق کره (کپکو) تفاهم نامه ای را برای ساخت تاسیسات نمک زدایی در ایران امضا کرده‌اند و شرکت‌های دیگر از نمایندگان بین‌المللی از جمله روسیه هم تمایل خود را برای ورود به این بازار اعلام کرده‌اند.

برای توسعه صادرات برق و تامین مصرف داخلی طی ۱۰ سال آینده، ایران باید برق بسیار بیشتری تولید کند. غالب این افزایش ظرفیت می‌تواند از ناحیه گاز طبیعی فراوان این کشور باشد، اما آب و هوای ایران برای تولید انرژی از طریق خورشید و باد هم مساعد است. آباده و بوشهر در کنار دیگر نواحی جنوبی و مرکزی ایران، بیشترین پتانسیل را برای تولید انرژی خورشیدی دارند. بنگاه‌های داخلی و خارجی به ساخت نیروگاه‌های بادی در مناطق دارای پتانسیل‌های لازم، تمایل دارند. مینا در حال توسعه یک نیروگاه بادی در کهک است، جایی که قرار است در قالب یک توافق ساخت - بهره برداری - واگذاری، ظرفیت برق بادی تا ۱۰۰ مگاوات را داشته باشد.

شاید یکی از مهمترین موضوعات این باشد که ایران باید از خدمات عمومی خود با کارایی بیشتری استفاده کند. در طرف عرضه، کارایی تولید برق ایران تنها ۳۹ درصد است و پایین تر از ترکیه با ۴۹ درصد قرار گرفته است. تلفات انتقال و توزیع در ایران حدود ۱۳ درصد است اما بر اساس برخی برآوردها این رقم به ۲۲ درصد هم می‌رسد. این رقم در آفریقای جنوبی ۹ درصد و در چین ۶ درصد

در آن مشارکت کنند. خدمات عمومی به طور وسیع و با قیمت پایین در دسترس است و این منجر به سطوح بالای مصرف شده است. به عنوان مثال، خانوارهای ایرانی حدود ۲ سنت به ازای هر کیلووات ساعت برق پرداخت می‌کنند، در حالی که این رقم در روسیه ۶/۵ سنت و در برزیل بیش از ۲۳ سنت است. مقادیر چشمگیر گاز، برق و آب به دلیل ناکارایی‌های فنی، قبل از تحویل به مصرف کننده از بین می‌رود. کارایی تولید انرژی در ایران تنها حدود ۳۹ درصد است و این کمتر از تونس با ۴۲ درصد و بسیار کمتر از ترکیه با ۴۹ درصد است. توربین‌های گازی سیکل باز قدیمی ایران نیز به این ناکارایی کمک می‌کنند و در واقع دولت برنامه تبدیل این تاسیسات به توربین سیکل ترکیبی را دارد. کارایی پایین، قیمت پایین و دسترسی بالا منجر به تقاضا و مصرف بالا در ایران شده و در برخی مواقع از میزان عرضه نیز تجاوز می‌کند.

تامین آب برای خانوارها، کشاورزی و صنایع، یک موضوع جدی و نگران کننده است. بیش از ۹۰ درصد آب در ایران در بخش کشاورزی مصرف می‌شود که عمدتاً به صورت ناکارا به کار گرفته می‌شود. به عنوان مثال میزان تولید غلات خشک در مزارع ایرانی به ازای هر کیلوگرم آب، تنها حدود یک چهارم بقیه دنیا است. ایران سالانه ۷۰ درصد منابع تجدیدپذیر آب شیرین خود را مصرف می‌کند و این حدود ۲ برابر مقادیر توصیه شده است.

دولت برنامه دارد تعرفه‌های آب و قیمت انرژی را تا پایان سال ۲۰۲۱ افزایش دهد و منابع آب زیرسطحی را با استفاده از تغذیه مصنوعی و مدیریت آبخیزداری، احیا کند. این کشور همچنین برنامه دارد تا از طریق مسدود کردن چاه‌های غیرمجاز و نصب تجهیزات هوشمند اندازه‌گیری حجم آب مصرفی در چاه‌های مجاز، کنترل و نظارت بهتری بر مصرف آب داشته باشد. علاوه بر این، دولت به کشاورزان در زمینه نوسازی سیستم‌های آبیاری کمک می‌کند. خدمات عمومی هم برای تامین نیازهای ایرانیان و قصد کشور برای افزایش صادرات برق، نیاز به توسعه دارد. در همین حال، اقداماتی باید برای کاهش تلفات مصرف صورت پذیرد.



۶۶

بیشتر از یک سال و نیم از توافق هسته‌ای (برجام) گذشته است و در این مدت اما و اگرهای بسیاری بر این توافق و بزنگاه مهم هسته‌ای کشور رفته است. موافقان و مخالفان با ادبیات و رویکردهای مختلف به بررسی تحولات و نتایج یک ساله توافق هسته‌ای پرداخته‌اند و هر کس از ظن خود این دستاورد را ارزیابی کرده است.

یک سال و نیم از توافق هسته‌ای گذشت

۹۰ میلیارد دلار تفاهم‌نامه بعد از برجام در حوزه آب و برق

● نفیسه زارع کهن

مختلف منجر شده است. از طرف دیگر در اطلاعات منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، رشد اقتصادی در فصل نخست سال ۱۳۹۵، ۴/۴ درصد اعلام شده است.

به گفته دکتر نیلی اولین پدیده تاثیرگذار بر رشد اقتصادی سال ۱۳۹۵، رفع تحریم‌های نفتی است. به گفته مشاور اقتصادی رییس جمهور با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شد در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۴ برجام به نتیجه رسیده و تحریم‌ها برداشته شود، وزارت نفت از چند ماه قبل برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از این رویداد را آغاز کرد تا به محض لغو محدودیت‌ها، بتواند تولید نفت را به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد. با اجرایی شدن برجام، این افزایش در تولید عملی شد. بنابراین رشد ۵۰ درصدی ارزش افزوده بخش نفت به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد ۴/۴ درصدی تولید ناخالص داخلی بهار سال ۱۳۹۵ ظاهر شد.

هرچند با کاهش قیمت جهانی نفت، افزایش در مقدار صادرات این محصول، تاثیر محسوسی بر میزان درآمدهای ارزی در سال جاری نخواهد داشت و می‌توان گفت درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت در سال ۱۳۹۵ چندان با سال گذشته متفاوت نخواهد بود؛ چرا که اولاً متوسط قیمت نفت در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۵ بالاتر بوده است و ثانیاً در سه‌ماهه پایانی سال ۱۳۹۴ عملاً بخشی از درآمد نفتی سال ۹۵ مورد استفاده قرار گرفته است و از این طریق، به نوعی هموارسازی درآمدها بین این دو سال انجام شده است.

اعمال شد، بدترین تحریم‌هایی بود که در تاریخ سازمان ملل علیه یک عضو این سازمان تحمیل شده بود. این تحریم‌ها در حوزه‌های نفت، بانک مرکزی، بانک‌های بزرگ ایران و تحریم سوئیت بود. اما با تصویب برجام هم اعمال تحریم‌های جدید متوقف شد و هم ساختار قانونی تحریم‌های یک جانبه و چند جانبه و بین المللی هسته‌ای در هم شکسته شد. از جانب دیگر، هم به خاطر سیاست‌های غلط در دولت اصولگرا و هم به سبب تحریم‌های ظالمانه روابط خارجی ایران با کشورهای دیگر به محاق رفته بود و بر همین اساس، ایران با امضای برجام به چهارمین هدف خود هم دست پیدا کرد، به این ترتیب که پس از برجام، رفت و آمدهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی به بالاترین سطح ارتقاء یافت به طوری که چنین حجمی از روابط دیپلماتیک در تاریخ جمهوری اسلامی بی سابقه بوده است.

پنجمین هدفی هم که با برجام محقق شد دسترسی به تکنولوژی‌های پیشرفته هسته‌ای جهان بود که در پی آن ایران به بازار مواد و تجهیزات و تکنولوژی هسته‌ای جهان دسترسی پیدا کرد و از این راه دسترسی به سایر تکنولوژی‌های مهم صنعتی نیز هموار شد.

اثر کلی برجام بر اقتصاد

آن طور که محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت گفته است نزدیک به ۳ میلیارد و ۴۸۱ میلیون دلار سرمایه خارجی پس از برجام وارد کشور شده است که به سرمایه‌گذاری در ۴۱ طرح در استان‌های

به باور صاحب نظران حوزه سیاست خارجی، برجام در طول تاریخ هسته‌ای جهان تنها قراردادی بود که همه اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل آن را امضا کردند و در نهایت در این شورا به صورت یک مصوبه درآمد.

اولین هدف ایران از امضای توافقنامه برجام، خروج از فصل هفت منشور سازمان ملل بود. چرا که بر اساس چند قطعنامه ای که در دوران دولت قبل به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید، برنامه هسته‌ای ایران به صورت رسمی به عنوان تهدید صلح و امنیت جهانی شناخته شده بود و این گونه بود که طبق بندهای ۳۹، ۴۰ و ۴۱ فصل هفت منشور، مجوز تحریم‌های ظالمانه جهانی علیه ایران صادر شد، تحریم‌هایی صدها میلیارد دلار خسارت به ایران وارد کردند.

دومین مساله ای که ایران با توافقنامه برجام به آن دست پیدا کرد، پذیرش حق ایران در بهره‌مندی از تکنولوژی صلح آمیز هسته‌ای به ویژه غنی سازی و تولید آب سنگین ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل بود؛ زیرا شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه‌های متعدد در دوران دولت پیشین، تصویب کرده بود که ایران باید تمام فعالیت‌های هسته‌ای و مرتبط با هسته‌ای را برای مدت نامعلومی متوقف کند.

متوقف کردن قطار اعمال تحریم‌ها و رفع تحریم‌های یک جانبه و چند جانبه و بین المللی، سومین هدفی بود که جمهوری اسلامی ایران آن را تعقیب می‌کرد. چرا که تحریم‌هایی که علیه ایران

چنانچه تولید نفت با میزان تولید شده پیش از اجرای برجام (معادل تولید ۱۰ ماهه نخست سال ۱۳۹۴) تداوم می‌یافت، در سال ۱۳۹۵، تنها در حدود ۲۲ میلیارد دلار از محل صادرات نفت نصیب کشور می‌شد. با این سطح درآمد نفتی، بودجه دولت مطمئناً در وضعیت بسیار سختی قرار می‌گرفت و در این حالت بودجه بدون اتکا به منابع بانک مرکزی غیرقابل مدیریت می‌شد. از طرف دیگر، در آن شرایط بازار ارز هم دستخوش تلاطم می‌شد. برآیند این شرایط، گرفتار شدن مجدد اقتصاد کشور در رکود تورمی بود. در مقابل، اگر قیمت جهانی نفت در حدود قیمت سال ۱۳۹۲ باقی می‌ماند، با افزایش تولیدی که اکنون در نتیجه برجام محقق شده است، حدود ۹۱ میلیارد دلار درآمد ارزی حاصل می‌شد که این وضعیت می‌توانست شرایطی کاملاً متفاوت را نسبت به وضع موجود رقم بزند. توجه به این نکته از آن جهت اهمیت دارد که عموماً در مقایسه شرایط پیش از برجام به موضوع کاهش قیمت نفت توجه نمی‌شود و در نتیجه در زمینه ارزیابی دستاوردهای برجام خطاهای بزرگی صورت می‌گیرد. اما این اثر کلی برجام بر اقتصاد کلان است و این درحالیست که برجام بر حوزه‌های دیگر نیز به ترتیب تاثیر گذاشته و منجر به رشد اقتصادی شده است.

حوزه انرژی و برجام

برداشته شدن تحریم‌ها، و توافق برجام به وزارت نفت این امکان را داد که تولید نفت را به میزان پیش از تحریم‌های هسته‌ای برگرداند. بر اساس آخرین آمار، هم اکنون نزدیک به ۴ میلیون بشکه نفت تولید می‌شود که ۲۶ میلیون بشکه آن صادر می‌شود. مشتری‌های قدیمی نفت ایران بازگشته‌اند و مشتری‌های تازه هم به این بازار اضافه شده‌اند. در اوپک، ایران مجدداً قدرت خود را بازیابی کرده است. مخالفت با طرح فریز نفتی در سه نشست - دو نشست در دوحه و دیگری در وین - سبب شد تا این طرح به نوعی با مخالفت ایران از دستور

کار اوپک خارج شود. هرچند که در این مدت رویارویی عربستان با ایران، باعث بروز مشکلاتی برای صنعت نفت ایران شد، اما تصمیم‌های درست بیژن زنگنه در بازار بین المللی نفت نشان داد که او هنوز مرد شماره یک مقابله با بحران‌های بازار نفت است. درست هم زمان با مذاکرات ژنو و نهایی شدن برجام، عربستان از دو جهت نگران بود؛ توافق ایران با کشورهای غربی بر سر موضوع هسته‌ای که می‌توانست گرانگانه تجاری و سیاسی منطقه را جابه‌جا کند از سویی و بازگشت ایران به بازار جهانی نفت که به معنای کاهش سهم دیگر تولیدکنندگان بزرگ به خصوص عربستان بود از سوی دیگر نگرانی‌های عربستان چندان هم بیراه نبود، چرا که جمهوری اسلامی ظرف کمتر از یک سال از توافق ژنو نه تنها توانست جایگاه سومی خود را در میان تولیدکنندگان اوپک بازپس گیرد، بلکه در تولید نفت و گاز نیز شاهد رشد بود. بنابر گزارش اوپک، ایران با رشد تولید نفت در نیمه نخست سال ۲۰۱۵ بار دیگر در جایگاه سوم تولیدکنندگان نفت قرار گرفت. تولید نفت خام ایران در ماه مه نسبت به آوریل، روزانه هزار بشکه افزایش یافت و به دو میلیون و ۸۴۵ هزار بشکه در روز رسید. این آمار نشان می‌دهد، ایران در ماه مه، امارات را که ماه پیش رقابت نزدیکی با آن داشت، کنار زده و پس از عربستان و عراق سومین تولیدکننده بزرگ سازمان کشورهای صادرکننده نفت شد.

در همین حال اما تولید نفت عربستان در ماه مه روزانه با چهار هزار و ۳۰۰ بشکه کاهش نسبت به آوریل به ۱۰ میلیون و ۱۰۷ هزار بشکه در روز رسید و این آغاز تلاش عربستان برای حفظ بازارهای جدیدی بود که در دوران تحریم‌های ظالمانه علیه ایران به دست آورده بود.

افزایش سرمایه‌گذاری آب و برق

پس از برجام هیات‌های خارجی متفاوتی برای انعقاد تفاهم در حوزه آب و برق به وزارت نیرو مراجعه کردند. این رفت‌وآمدها تاکنون منتج به امضای

تفاهم نامه‌هایی با ارزشی بالغ بر ۹۰ میلیارد دلار شده است. براساس آن چه کبیری مشاور وزیر نیرو در امور سرمایه‌گذاری گفته است تحریم‌ها مانعی بر گذر روند معمولی مذاکرات بین کشورها بود که بازگشت از آن دوران نیازمند گذشت زمان است.

وی با بیان این‌که کشورهای خارجی پروژه‌های ایران را شناسایی و به این اعتقاد رسیده‌اند که بخش خصوصی شرایط خوبی در ایران دارد، گفت: در بخش انرژی‌های فسیلی تجدیدپذیر استفاده از منابع آب، آب شیرین‌کن‌ها، سد و پروژه‌های انتقال آب پتانسیل‌های خوبی در ایران شناسایی شده است. به گفته وی، در گذشته به دلیل وجود تحریم‌ها شرکت‌های بیمه‌ای به خاطر وجود بدهی‌های ایران حاضر به تضمین نبودند، اما چند ماه قبل که بسیاری از این بدهی‌ها پرداخت شد این شرکت‌ها حاضر شدند که تمام شرکت‌های خارجی را حمایت کنند. طبق گفته کبیری در بخش برق نیز به صورت پراکنده تفاهم‌نامه‌هایی به امضاء رسیده است، و به‌طور مثال اخیراً با ترکیه برای نسب پنج هزارمگاوات به ارزش پنج میلیارد دلار قرارداد نهایی شد.

به گفته او در مجموع امضای بالغ بر ۹۰ میلیارد دلار تفاهم‌نامه پس از برجام با کشورهای مختلف سهم صنعت آب و برق بوده است. در واقع چنین می‌توان گفت که پس از برجام فرصت‌های سرمایه‌گذاری بسیار خوبی در وزارت نیرو به وجود آمده و کشورهای خارجی تمایل زیادی برای سرمایه‌گذاری در صنعت آب و برق پیدا کرده‌اند.

دستاوردهای برجام در حوزه تجارت

رفع تحریم‌ها در حوزه تجارت اگرچه قطعاً به کمک صادرکنندگان آمده و به بهبود مشکلات منجر شده اما اثرگذاری قطعی آن نیازمند گذشت زمان است. انتظار اینکه با اجرایی شدن برجام و لغو تحریم‌ها گره‌های اصلی اقتصاد ایران در کوتاه مدت باز شود، انتظار چندان منطقی نبود و اگرچه

۶۶

چنانچه تولید نفت با میزان تولید شده پیش از اجرای برجام (معادل تولید ۱۰ ماهه نخست سال ۱۳۹۴) تداوم می‌یافت، در سال ۱۳۹۵، تنها در حدود ۲۲ میلیارد دلار از محل صادرات نفت نصیب کشور می‌شد. با این سطح درآمد نفتی، بودجه دولت مطمئناً در وضعیت بسیار سختی قرار می‌گرفت

۴۴

جامعه بعد از سال‌ها انتظار، توقع داشت با برداشته شدن تحریم‌ها مشکلات برطرف شود ولی این امر زمان می‌خواهد. با این حال ولی رفت و آمدهای هیات‌های خارجی و مراودات اخیر با تجار خارجی طی این یک مدت که از نتایج این توافق است به صورت مستقیم بر صادرات محصولات اثرگذار بوده که از آن جمله می‌توان به مسائل بانکی و حوزه حمل و نقل اشاره کرد.

هرچند با وجود آنکه برخی از موارد تحریمی حوزه حمل و نقل لغو شده است اما هزینه‌های بالای حمل کالاهای صادراتی همچنان به قوت خود باقی است و بهبود این شاخص‌ها نیازمند زمان است و به تدریج امکان پذیر خواهد بود. طبق آمارهای موجود روابط بانکی ما با بعضی از کشورها در حال گشایش است، اما بازکردن این کلاف سردرگم نیز زمان بر است. با وجود این مشکلات صادرکنندگان و فعالین اقتصادی اظهار می‌کنند آرامش نسبی در فضای اقتصادی کشور حاکم شده است و از سوی دیگر دولت نیز درصد کنترل متغیرهای حوزه اقتصادی از جمله ارز، تورم و... است که اقدامات فوق‌موجب دلگرمی و اطمینان بیشتر تجار، صادرکنندگان و متعاقبا تولیدکنندگان می‌شود.

اگرچه تحریم‌های ناعادلانه علیه ایران موجب شد از حجم تجارت ایران کاسته شده و حضور در بازارهای جهانی و بازارهای سنتی مانند اروپا، کشورهای آمریکای شمالی، کشورهای شرق آسیا همچون ژاپن و کره قطع شود اما بعد از برجام راه‌های بسته شده یک به یک گشوده می‌شوند و سرمایه‌گذاران با اعتماد و باور ثبات نسبی در ایران دوباره تصمیم بر حضور در بازار ایران را دارند.

مهم‌ترین تحولات بانک‌ها پس از برجام

با گذشت نزدیک به ۱۸ ماه از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، امروز می‌توان گفت که بیخ تحریم‌ها به تدریج شکسته شده است و بانک‌های ایرانی هم به تدریج در حال ارتباط گیری با نظام بانکی بین

المللی هستند هرچند که بازگشت به ارتباطات بانکی پیش از تحریم‌ها امری زمان بر است و نمی‌توان انتظار داشت بانک‌های مختلف دنیا بتوانند اتصال مجدد را برقرار کنند.

اگرچه بانک‌های کوچک و متوسط و نیز بانک‌هایی که در گذشته تجربه کار را با نظام بانکی ایران داشتند، ارتباطات مجدد خود را با ایران آغاز کرده‌اند و بانک‌های بزرگ نیز به تدریج وارد خواهند شد اما به گفته رییس پژوهشکده پولی و بانکی برای ارتباط مجدد با بانک‌های خارجی ما نیز باید در داخل آمادگی لازم را برای ارتباطات پیدا کنیم که محور اصلی این آمادگی، شفافیت در عملکرد مالی بانک هاست؛ پس از شفاف‌سازی صورت‌های مالی، نوبت به رتبه‌بندی بانک‌های ایرانی توسط موسسات بین‌المللی می‌رسد که در این راستا بانک‌ها باید اقدام‌های لازم را برای تفاهم با این موسسه‌ها آغاز کنند.

از همین رو در جریان برگزاری نهمین نمایشگاه بورس، بانک و بیمه که ۲۰ تا ۲۳ تیر در تهران برگزار شد، نمایندگان از موسسات بین‌المللی رتبه‌بندی در ایران حضور پیدا کردند تا مذاکراتی را درباره رتبه‌بندی بانک‌ها و شرکت‌های ایرانی انجام دهند و به این ترتیب در سایه این رایزنی‌ها، موسسه‌های معتبر رتبه‌بندی در ایران حاضر شوند و کار رتبه‌بندی بانک‌ها را برای تسهیل ارتباطات بین‌المللی آنها آغاز کنند.

رشد سرمایه‌گذاری‌ها

پس از اجرایی شدن برجام با دو موج ورود هیات‌های خارجی مواجه شدیم، موج نخست در ماه‌های بهمن، اسفند و نیمه اول فروردین وارد کشور شد و بیشتر ماهیت دولتی داشت. هم‌چنین انتظار انجام سرمایه‌گذاری از سوی این هیات‌ها که بیشتر برای آشنایی با وضعیت فعلی اقتصاد ایران به کشور می‌آمدند، وجود نداشت. مقامات دولتی هم بیشتر به نیت بازسازی روابط سیاسی خود به ایران می‌آمدند، نه روابط اقتصادی.

به گفته مدیرکل دفتر سرمایه‌گذاری خارجی سازمان سرمایه‌گذاری کمیته و کیفیت هیات‌هایی که طی ماه‌های اخیر وارد ایران شده‌اند، بی‌سابقه بوده است و در چهار ماه پس از برجام و تا پایان سال گذشته، بیش از ۱۰۰ طرح در هیات سرمایه‌گذاری مورد تایید و پذیرش قرار گرفته است، درحالی که طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ کمتر از ۱۰۰ طرح سرمایه‌گذاری مصوب شده و تنها با هشت کشور موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری خارجی امضا شده بود که کشورهای برون‌دی و کومور جزو این کشورها بودند. در طول ۶۱ سال گذشته، حدود ۶۱ موافقت‌نامه با دیگر کشورها به امضا رسیده است، اما در سه الی چهار ماه اخیر، بیش از ۱۰ موافقت‌نامه با کشورهای بزرگ و اقتصادهای توسعه‌یافته دنیا از جمله روسیه، فرانسه، ژاپن و اسلواکی منعقد شده است.

به گفته جمالی خلاف آنکه گفته می‌شود، تاکنون سرمایه‌ای وارد کشور نشده، حدود ۷ میلیارد دلار رقم سرمایه‌گذاری مصوب بوده که ۶۰۰ میلیون دلار آن در هیات دولت به تصویب رسید. ۲۰۰ میلیون دلار از این رقم وارد کشور شده و همچنین ۴۰ تا ۵۰ درصد طرح‌های مصوب نیز اجرایی شده است. در طرح‌ها و موافقت‌نامه‌هایی هم که به امضا رسیده است، دولتی‌ها کمتر از بخش خصوصی نقش داشته‌اند و ورود ماشین‌آلات و دانش فنی نیز توسط برخی فعالان اقتصادی صورت گرفته است و البته ورود سرمایه خارجی به بورس هم در حال انجام است. حدود سه هزار فرصت سرمایه‌گذاری در کشور وجود دارد که شاید ۱۰ درصد آن قابل عرضه باشد و ۹۰ درصد باقیمانده در حد ایده است. به بیان دیگر بیش از ۳۰۰ طرح آماده سرمایه‌گذاری در کشور قابل عرضه به سرمایه‌گذاران است. ورود سرمایه و ماشین‌آلات و دانش فنی نیز در حال انجام است. مجموع خطوط اعتباری مذاکره شده توسط دولت بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار است که دولت برای آنها ضمانت‌نامه صادر می‌کند.



در مجموع امضای بالغ بر ۹۰ میلیارد دلار تفاهم‌نامه پس از برجام با کشورهای مختلف با سهم صنعت آب و برق بوده است. در واقع چنین می‌توان گفت که پس از برجام فرصت‌های سرمایه‌گذاری بسیار خوبی در وزارت نیرو به وجود آمده و کشورهای خارجی تمایل زیادی برای سرمایه‌گذاری در صنعت آب و برق پیدا کرده‌اند



حوزه صنعت حمل و نقل پس از برجام

قرارداد بی‌سابقه خرید ۲۳۸ فروند انواع هواپیمای مسافری با شرکت‌های مطرح صنعت هواپیماسازی جهان، امکان سوخت‌گیری هواپیماهای ایرانی در فرودگاه‌های اروپا، حضور سرمایه‌گذاران خارجی در طرح‌های راه‌سازی و از سرگیری فعالیت ۱۳ شرکت کشتیرانی بین‌المللی به بنادر ایران بخشی از دستاوردهای کشورمان بعد از توافق با ۵+۱ در حوزه صنعت حمل و نقل ایران است.

آن‌طور که در گزارشی در پرتال جامع اطلاعات تخصصی صنعت حمل و نقل آمده است اواخر سال گذشته همزمان با سفر رئیس جمهوری اسلامی ایران به فرانسه پیش‌قرارداد خرید ۱۱۸ فروند هواپیمای مسافری به ارزش ۱۰.۵ میلیارد دلار با شرکت ایرباس امضا و مقرر شد ایرباس بتواند در سال ۲۰۱۶ بین ۵ تا ۸ فروند از این هواپیماها را به ایران ایر تحویل دهد.

پس از آن شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران موفق شد با امضای پیش‌قراردادی دیگری با شرکت هواپیمای سازی بوئینگ خرید بیش از ۱۰۰ فروند هواپیما به ارزش ۱۷ میلیارد دلار را در دستور کار قرار دهد. همزمان با این پیش‌قرارداد، ایران ایر قرارداد دیگری را با شرکت هواپیما سازی «ای. تی. ار» ایتالیا به امضا رساند تا همه این هواپیماها به صورت اجاره به شرط تملیک به ایران ایر تحویل شود.

از طرفی ایران ایر اواخر سال گذشته برای خرید ۲۰ فروند هواپیمای سبک ۷۰ نفره ای. تی. آر-۷۲، با این شرکت هواپیماسازی به توافق رسید تا بتواند از این هواپیماها برای پروازهای کوتاه‌برد، استفاده کند و قرار است تا پایان سال جاری میلادی دو تا چهار فروند از این هواپیماها تحویل ایران شود.

امکان سوخت‌گیری هواپیماهای ایرانی در فرودگاه‌های اروپا

با اجرایی شدن برجام و پس از ۴۰ ماه، هواپیماهای ایرانی بار دیگر توانستند در فرودگاه‌های کشورهای اروپایی سوخت‌گیری کنند و از پشتیبانی‌های خدمات فرودگاهی و فنی و مهندسی برخوردار شوند. خودداری از تحویل سوخت مورد نیاز به هواپیماهای مسافری ایران در فرودگاه‌های اتحادیه اروپایی سبب شده بود که شرکت‌های هوایی از جمله هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران یک سوم هزینه‌های بیشتری را متحمل شوند، زیرا هواپیماها مجبور بودند برای سوخت‌گیری از فرودگاه‌های کشور ثالث استفاده کنند.

حوزه حمل و نقل هوایی پس از برجام

از دی ماه سال گذشته که اجرایی شدن برجام آغاز شد، برخی از شرکت‌های هوایی در ایران موفق شدند ۱۲ فروند هواپیمای مسافری با عمر کمتر از ۱۵ سال را وارد ناوگان هوایی کنند و متعاقب این اقدام ظرفیت ناوگان هوایی کشور بیش از ۲ هزار صندلی افزایش یافت.

همزمان با لغو تحریم‌های ظالمانه و افزایش پروازهای هوایی شرکت فرودگاه‌های کشور خرید ۲۵۰ میلیون دلار تجهیزات هدایت ناوبری هوایی و رادارهای مور نیاز را از شرکت‌های معتبر اروپایی در دستور کار خود قرار داد که بخشی از این تجهیزات وارد کشور شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین پس از لغو این تحریم‌ها شاهد افزایش پروازهای عبوری از آسمان ایران هستیم؛ به طور متوسط تعداد پروازهای عبوری از آسمان ایران از ۴۵۰ پرواز روزانه به بیش از ۹۰۰ پرواز افزایش یافته است تا درآمدهای ارزی ایران از این محل به دو برابر افزایش یابد. با اجرایی شدن برجام بسیاری از شرکت‌های هوایی جهان پروازهای هوایی خود را بار دیگر به ایران از سر گرفتند به طوری که طبق آخرین آمار که در این زمینه ارائه شده هم اکنون ۴۱ شرکت خارجی پروازهای خود را به ایران آغاز کرده‌اند که پیش از این به دلیل تحریم‌ها پروازهای خود را به ایران متوقف کرده بودند.

با افزایش رفت و آمد گروه‌های تجاری و اقتصادی به ایران برای نخستین بار اجلاس هوانوردی ایران ۲۰۱۶ صنعت هوانوردی جهان «کاپا» در تهران برگزار شد و نمایندگان بیش از ۱۰۰ شرکت فعال در زمینه تامین هواپیما و قطعات آن، تجهیزات فرودگاهی و ناوبری، شرکت‌های لیزینگ خرید و یا اجاره هواپیما، تعمیر و نگهداری و نمایندگانی از ایگائو و یاتا در این اجلاس در تهران شرکت کردند. همچنین با امضای قرارداد دیگری مدیریت دو هتل ۴ و ۵ ستاره فرودگاه امام خمینی (ره) بین گروه مالی گردشگری و گروه هتل‌داری آکور فرانسه، مدیریت ۵۰۰ اتاق این دو هتل به مدت ۱۵ سال به گروه هتلز واگذار شد و اکنون این دو هتل در فرودگاه امام از نام‌های ایبیس و نووتل استفاده می‌کنند. گروه «اکور هتلز» در حال حاضر مدیریت ۷۱ هتل را در ۱۰ کشور خاورمیانه برعهده دارد و ششمین گروه بزرگ هتل‌داری جهان به شمار می‌رود.

از دیگر سو، با اجرایی شدن برجام تردد کشتی‌های تجاری ایرانی به بنادر اروپایی پس

از چهار سال بار دیگر آغاز شد به طوری که برای نخستین بار یکی از کشتی‌های کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران موفق شد اوایل سال جاری در بندر هامبورگ آلمان پهلو بگیرد. با لغو تحریم‌ها و رفع موانع تردد کشتی‌های تجاری جمهوری اسلامی ایران به بنادر کشورهای مختلف جهان، مشکلات بیمه و پرچم کشتی‌های ایرانی برای رفت و آمد در بنادر اروپایی برطرف شد و اکنون محدودیت‌های تردد کشتی‌های شرکت ملی نفتکش ایران نیز به بنادر مختلف جهان برداشته شده است.

همچنین تردد شرکت‌های بزرگ حمل‌کننده کالا به بنادر ایران از سر گرفته شده است به طوری که اکنون بیش از هفت لاین بزرگ از کشورهای تایوان، چین، کره جنوبی و کشورهای اروپایی به بنادر ایران تردد خود را آغاز کرده‌اند.

حوزه حمل و نقل دریایی

به گزارش ایرنا از سرگیری فعالیت ۱۳ شرکت کشتیرانی بین‌المللی به بنادر ایران به ویژه بندر شهید رجایی را می‌توان از مهمترین دستاوردهای برجام در حوزه دریایی برآورد کرد ضمن آنکه شاهد برقراری مجدد خدمات صدور گواهینامه‌های قانونی برای کشتی‌های ایرانی توسط موسسات رده‌بندی بین‌المللی و بیمه حفاظت و غرامت بین‌المللی و گشایش اعتبارات اسنادی ۱۰۰ میلیون یورویی برای خرید تجهیزات کانتینری طرح توسعه بندر شهید رجایی بودیم.

انعقاد موافقت‌نامه حمل و نقل دریایی بین ایران و کره جنوبی و انعقاد ۹ یادداشت تفاهم در زمینه‌ها بندری و دریایی با کشورهای ایتالیا، کره جنوبی، پاکستان، الجزایر، عمان، پاناما، بلژیک و استرالیا و انجام مطالعات مورد نیاز برای توسعه فاز سوم بندر شهید رجایی با مشاوران بین‌المللی و فراهم شدن امکان سرمایه‌گذاری در پایانه‌های یک و دو بندر شهید رجایی از دیگر نتایج مثبت اجرایی شدن برجام است.

این توافق سبب شد ۹ شرکت معتبر بین‌المللی پیمانکار عملیات بندری از هشت کشور چین، سنگاپور، دانمارک، فرانسه، کره جنوبی، سوئیس، آلمان، فلیپین و عمان برای انجام سرمایه‌گذاری در بنادر ایران تقاضای خود را مطرح کنند. به این دستاوردها می‌بایست انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری و

شرکت برگیز اینشات ترکیه در سال ۱۹۷۵ در ترکیه تاسیس و تاکنون چندین طرح بزرگ راهسازی در داخل ترکیه و چند طرح راهسازی در کشورهای مختلف از جمله اوکراین و عراق توسط این شرکت انجام شده و قرار است این شرکت سرمایه گذار ترک ۶۵ درصد از منابع مالی ساخت آزادراه تبریز - بازرگان را تامین و ۳۵ درصد بقیه از سوی وزارت راه و شهرسازی تامین شود. در این قرارداد ۴۸ ماهه طراحی، ساخت، مهندسی، تکمیل مطالعات، تاسیسات جانبی مورد نیاز، نگهداری و بهره‌برداری از آزادراه به صورت سه باند رفت و سه باند برگشت در دوران بهره‌برداری و تامین هزینه‌های مربوطه و انتقال آزادراه به وزارت راه پس از اتمام دوره مشارکت و بازگشت اصل و سود سرمایه‌گذار برعهده شرکت ترک خواهد بود.

جذابیت شبکه ریلی ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی

به طور کلی در دوران پسا تحریم شاهد درخواست حضور شرکت‌های مختلف در بخش ریلی ایران هستیم به طوری که ایجاد روابط مثبت و سازنده با شرکت‌های بین‌المللی جهت تهیه و خرید واگن، لوکوموتیو و سایر ماشین‌آلات و ملزومات مورد نیاز این صنعت و البته انتقال تکنولوژی به کشور محور گفت و گوها در یک سال اخیر بوده است.

در این راستا اقداماتی همچون تسهیل قوانین در عرصه‌ها و بخش‌های مختلف به منظور ورود سرمایه، آسان‌سازی فرایند اداری برای کسب و کار، شناسایی اولویت‌های فعالیت‌های اقتصادی در این بخش و استفاده از تمامی پتانسیل بخش خصوصی می‌تواند در افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری در صنعت حمل و نقل ریلی بسیار موثر شود.

اختصاص ۵۰۰ میلیون دلار تسهیلات از سوی جمهوری آذربایجان برای تکمیل خط آهن قزوین - رشت - آستارا را می‌توان یکی از موارد مورد علاقه سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در شبکه حمل و نقل ریلی ایران ارزیابی کرد.

همچنین قرارداد توسعه ایستگاه‌های اصلی راه آهن شهرهای تهران، مشهد و قم بین شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران و شرکت آرپ فرانسه به امضا رسیده و قرار است جانمایی ایستگاه‌های راه آهن چندوجهی این سه شهر با هدف افزایش دسترسی ریلی، درون و برون شهری و بهینه‌سازی محوطه ایستگاه‌های راه آهن یادشده توسط این شرکت بزرگ فرانسوی به مبلغ هفت میلیون دلار انجام شود.

بهره‌برداری از فاز یک بندر شهید رجایی با شرکت هندی و انعقاد تفاهم‌نامه با دولت هند برای دریافت ۱۵۰ میلیون دلار فایناس از شرکت لیپهر برای اجرای طرح توسعه این بندر را نیز افزود.

توافق با شرکت‌های ایتالیایی برای انتقال دانش فنی و مکانیزه کردن بنادر از طریق تشکیل شرکت مشترک با ۵۱ درصد سهم طرف ایرانی و انعقاد تفاهم‌نامه با یک شرکت دیگر ایتالیایی خدمات کیفیت و بازرسی اسکله‌های بنادر از نتایج اجرایی شدن برجام در حوزه حمل و نقل دریایی کشور بود.

همچنین برگزاری همایش روز بندر آنتورپ بلژیک در تهران و امضای تفاهم‌نامه خواهرخواندگی بندر شهید رجایی و بندر آنتورپ با هدف توسعه همکاری‌های بندری، حفظ محیط زیست دریایی، مسیل آموزشی و مبادله مستقیم کالا بین این دو بندر از دیگر نتایج این توافق بوده است. بندر آنتورپ بلژیک از مهمترین بنادر اروپاست که سالانه با بیش از ۲۴۰ میلیون تن عملیات تخلیه و بارگیری یکی از دروازه‌های ورود کالا به اروپا به شمار می‌رود و سال گذشته ۸۵ میلیون کانتینر از این بندر مهم اروپایی تخلیه و بارگیری شده است.

حضور سرمایه‌گذاران خارجی در طرح‌های راه‌سازی

وزارت راه و شهرسازی در اواخر سال گذشته به منظور افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه‌های مختلف حمل و نقل و مسکن و شهرسازی ۱۲۲ پروژه سرمایه‌گذاری با ۲۵ میلیارد یورو را به شرکت‌های داخلی و خارجی معرفی کرد. همزمان با اجرای برجام شرکت آزادراه تهران - شمال موفق شد برای ساخت منطقه سه این آزادراه پیش قراردادی را با یکی از شرکت‌های زیرمجموعه دوو کره جنوبی به امضا برساند تا این شرکت کره‌ای بتواند یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار برای ساخت این منطقه آزادراه به طول ۴۶ کیلومتر از پل زنگوله تا سه راهی دشت نظیر سرمایه‌گذاری کند.

از طرفی شرکت ساخت و توسعه زیر بناهای حمل و نقل کشور از مذاکره با یک شرکت‌های ایتالیایی برای انجام سرمایه‌گذاری در آزاد راه همدان و آزادراه اهواز - اندیمشک خبر داد.

تمایل شرکت‌های خارجی برای انجام سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف راهسازی نیز در یکسال اخیر افزایش قابل توجهی یافته است از جمله اینکه برای نخستین بار شرکت برگیز اینشات ترکیه با امضای قراردادی ساخت آزاد راه بازرگان - تبریز به طول ۲۵۵ کیلومتر در طی ۴۰ ماه بر عهده گرفت.

برای ارتباط مجدد با بانک‌های خارجی ما نیز باید در داخل آمادگی لازم را برای ارتباطات پیدا کنیم که محور اصلی این آمادگی، شفافیت در عملکرد مالی بانک هاست؛ پس از شفاف‌سازی صورت‌های مالی، نوبت به رتبه‌بندی بانک‌های ایرانی توسط موسسات بین‌المللی می‌رسد که در این راستا بانک‌ها باید اقدام‌های لازم را برای تفاهم با این موسسه‌ها آغاز کنند

در این قرارداد شرکت فرانسوی آرپ طی ۲۰ ماه طراحی توسعه ایستگاه‌های چندوجهی حمل و نقل همگانی قطارهای تندرو، مترو و قطارهای حومه ای را در دستور کار قرار می‌دهد تا با احداث این طرح‌ها توسط شرکت‌های ایرانی تردد مردم در ایستگاه‌های تهران، مشهد و قم به سهولت انجام شود. با لغو تحریم‌ها راه‌آهن اقداماتی برای جذاب تر شدن مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تقویت افزایش سهم حمل و نقل ریلی انجام داده است که می‌توان به ورود اولین قطار باری چین به ایستگاه راه آهن و احیای جاده ابریشم در بخش ریلی اشاره کرد. اعلام آمادگی راه آهن ایتالیا برای حضور در پروژه‌های سریع السیر ریلی، آغاز عملیات اجرایی برقی سازی قطار تهران - مشهد و اتصال این مسیر به کربلا در سال آینده، برگزاری جلسه هم‌اندیشی با بازرگانان و صاحبان شرکت‌های حمل و نقل بین المللی در جهت توسعه ترانزیت ریلی، انعقاد توافق نامه با افغانستان در خصوص تکمیل قطعه ۲ و ۳ خواف - هرات، برنامه ریزی برای اتصال ریلی مسیر اینچه برون به ترکمنستان از دیگر مواردی است که در یک‌سال گذشته موضوع رایزنی مسئولان با سرمایه گذاران خارجی بوده است. آغاز عملیات اجرایی برقی کردن قطار تهران - مشهد و اتصال این مسیر به کربلا در سال آینده و برنامه ریزی برای اتصال ریلی مسیر اینچه برون به ترکمنستان و بررسی قرارداد راه آهن ایران و روسیه در جهت برقی سازی محور اینچه برون به گرمسار از دیگر نتایج برجام در حوزه ریلی است. از آنجا که صنعت حمل و نقل ریلی کشور نیازمند ۱۰ هزار واگن باری، یک هزار واگن مسافری و ۲۰۰ لکوموتیو است، یک شرکت روسی با امضای قراردادی با راه آهن جمهوری اسلامی ایران ساخت ۵۰۰ واگن باری را در سه شرکت داخلی برعهده گرفته است تا این واگن ها با ۲۲۰ میلیون منابع مالی در سه شرکت داخلی تولید شود.

توسعه شبکه ارتباطات زمینی

امروز در شبکه زیرساخت‌های حمل و نقل کشور دارای ۱۰ هزار و ۱۷۱ کیلومتر راه آهن، دو هزار و ۳۱۶ کیلومتر آزادراه، ۱۵ هزار کیلومتر بزرگراه و ۲۰ هزار کیلومتر راه اصلی هستیم که با اضافه شدن چهار هزار و ۷۳۱ کیلومتر راه آهن در دست ساخت، یک هزار و ۱۱۶ کیلومتر آزادراه در حال احداث، چهار هزار و ۵۰۰ کیلومتر بزرگراه و سه هزار کیلومتر راه

اصلی در دست اجرا به این میزان، شاهد تحوّل عظیم در این حوزه خواهیم بود.

در همین راستا، اکنون بیش از یک هزار و صد کیلومتر آزادراه و بیش از سه هزار کیلومتر راه آهن آماده سرمایه‌گذاری در کشور وجود دارد که بسترهای لازم برای مشارکت سرمایه گذاران خارجی در این زمینه فراهم شده است. در سایه لغو تحریم‌ها، تهران در اردیبهشت ماه امسال در بزرگترین نمایشگاه بین المللی حمل و نقل ریلی خاورمیانه، میزبان بیش از ۱۳۰ شرکت خارجی و ۱۸۰ شرکت داخلی بود تا این شرکت ها بتوانند آخرین دستاوردهای صنعت حمل و نقل ریلی جهان را در ایران عرضه کنند.

در این نمایشگاه خدمات مختلف ریلی بخش مسافری درون شهری، برون شهری و بخش باری، انواع واگن‌ها، واگن‌های نیرو محرکه، واگن مولد، واگن مانوری، لوکوموتیو برقی و دیزلی، قطعات مصرفی واگن‌های اتوبوسی، واگن‌های باری و خدمات تعمیر و نگهداری و خدمات بیمه‌ای توسط شرکت‌های فعال در حوزه حمل و نقل ریلی ارائه و در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفت. با به نتیجه رسیدن سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت حمل و نقل هوایی، ریلی و دریایی شاهد تحولات خوبی در این حوزه خواهیم بود که تامین رفاه عمومی مردم در حوزه‌های مختلف حمل و نقل از آثار مثبت آن خواهد بود.

اثر برجام بر بازار مسکن

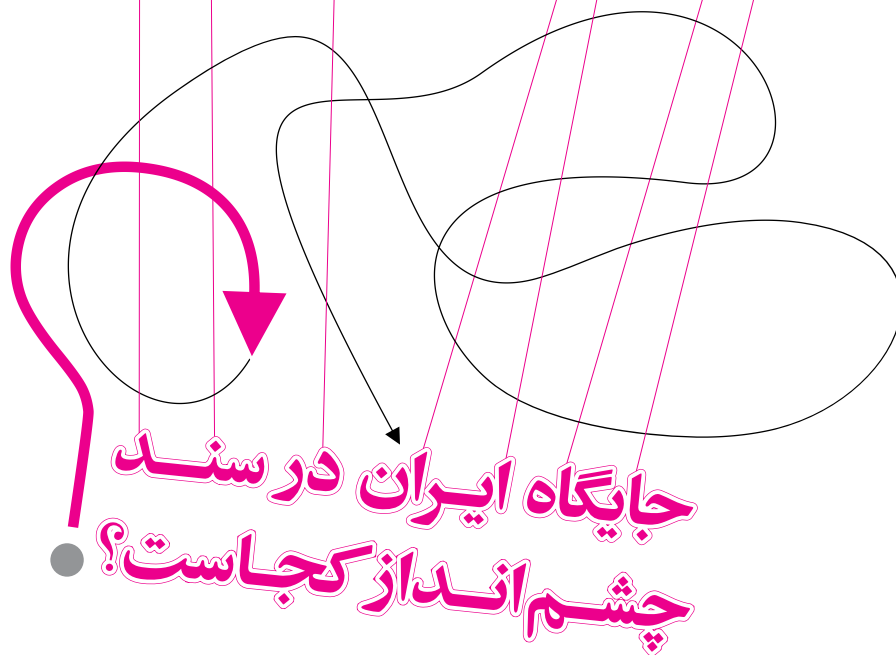
آن طور که روزنامه دنیای اقتصاد نوشته بود لغو تحریم‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای - از چهار کانال بر بازار مسکن اثر غیرمستقیم گذاشته و می‌گذارد. به این ترتیب با تزریق منابع تازه ناشی از آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده، زمینه سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی فراهم شده و در میان مدت و بلندمدت، افزایش توان وام‌دهی بانک‌ها، حمایت یارانه‌ای از بخش مسکن، بهبود درآمد خانوارها و در نتیجه تقویت قدرت خرید تحقق پیدا می‌کند. با کاهش هزینه «تجارت» و تسهیل مبادلات بانکی در شبکه جهانی، جذابیت فعلی بازار پول (سپرده‌گذاری) به سایر بازارها تسری می‌یابد که در این بین «بورس» و «مسکن» اولویت دارند.

فاز پیش رونق معاملات مسکن از نیمه پاییز سال

قبل شروع شد و در نتیجه خوش‌بینی‌ها نسبت به آینده اقتصاد، حجم معاملات مسکن به‌صورت نسبی افزایش یافت. با این وجود اما مصطفی ازگلی، کارشناس بورسی و تحلیلگر حوزه مالی مسکن درباره نحوه تاثیرگذاری اجرای برجام بر بازار مسکن، با تاکید بر اینکه این موضوع اثر مستقیم بر بخش مسکن ندارد، گفت: شواهد در نظام بانکی نشان می‌دهد با وجود تقویت سید تسهیلات خرید و ساخت مسکن، حجم «تقاضای موثر» خیلی پرنرنگ و در حد حجم تسهیلات تعریف شده، نیست. این موضوع نشان می‌دهد، رکود حاکم بر بازار مسکن، به آن شکل، ارتباطی با وام مسکن ندارد بلکه ناشی از توجیه‌پذیر نبودن سرمایه‌گذاری ملکی در مقایسه با مثلاً سپرده‌گذاری بانکی است.

این کارشناس با تاکید بر اینکه، اجرای برجام، چالش «توجیه اقتصادی خرید و ساخت مسکن» را تا حدودی مرتفع کرد، افزود: در دوران تحریم، هزینه‌های آشکار و پنهان فعالیت تجاری و اقتصادی هم برای بانک‌ها از بابت تامین مالی و هم برای تاجر و سرمایه‌گذاران، افزایش پیدا کرده بود اما با لغو تحریم‌ها، هزینه‌های جانبی و اضافی همچون کارمزدها و حق‌العمل مبادلات بازرگانی به سطح واقعی بازگشته و تولید و تجارت نسبت به قبل، ارزان شده است.

در حال حاضر قحطی نقدینگی در بازار معاملات مسکن باعث شده معاملات مصرفی به سمت تهاتر ملک با ملک و پرداخت اقساطی بهای معامله، پیش رود. با لغو تحریم‌ها، دولت، فعالان اقتصادی و بانک‌ها از شرایط جدید تاثیر می‌گیرند و به دنبال آن، آثار غیرمستقیم منابع مالی و سرمایه‌های خارجی ورودی به کشور، نصیب بخش مسکن خواهد شد. هر چند کاهش درآمد دولت از محل فروش نفت در رکود سرمایه‌گذاری ساختمانی و افت قیمت مسکن موثر بوده اما در دوره جدید می‌توان به تحریک رونق مسکن از محل تقویت منابع و اعتبارات بانکی امیدوار بود. رونق معاملات مسکن در این مقطع حتی به‌صورت انتظاری، نمی‌تواند عاملی برای تحریک قیمت مسکن شود، چون که هیچ زمینه‌ای هر چند جزئی برای تسلط انتظارات افزایشی بر سطح پایدار قیمت مسکن وجود ندارد. باز طرف دیگر بخش مسکن به دلیل ماهیت ویژه خود دیرتر از سایر بازارهای اقتصادی همچون طلا، ارز و بورس از تحولات اقتصادی و سیاسی تاثیر می‌پذیرد.



جایگاه ایران در سند چشم انداز کجاست؟

تولید ناخالص داخلی

متغیر مهم و اساسی برای ارزیابی توانمندی اقتصادی یک کشور، تولید ناخالص داخلی و تغییرات آن در طول زمان است. تولید ناخالص داخلی در واقع ارزش تمام کالا و خدمات نهایی تولیدشده در محدوده مرزهای جغرافیایی کشور را برای یکسال مالی بیان می‌دارد. در واقع نتایج تمامی تصمیمات در سطح خرد و حاصل کنش‌های دولت، بنگاه‌ها، خانوارها و بخش خارجی در بازارهای اقتصادی برای یک دوره زمانی مشخص است.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی برنامه چهارم و پنجم توسعه، ارتقاء قدرت و توان تولید اقتصاد کشور را با ویژگی‌های «رشد پرشتاب و مستمر» مورد تأکید قرار داده‌اند. باید به این نکته توجه داشت که مقایسه نرخ رشد اقتصادی کشورهایی که از نظر اندازه اقتصادی (حجم تولید ناخالص داخلی) نسبتاً هم‌اندازه‌اند، معنادارتر بوده و می‌توان تحلیل‌های معتبرتری را از نظر عملکرد اقتصادی آنها در یک مقایسه تطبیقی ارائه داد.

از این رو لازم است قبل از بررسی نرخ رشد اقتصادی کشورهای منطقه، اندازه اقتصادی این کشورها مورد توجه قرار گیرد. معمولاً برای اندازه اقتصاد، از تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید (PPP) و تولید ناخالص داخلی به دلار (قیمت ثابت) استفاده می‌شود. تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید (PPP) به قیمت ثابت ۲۰۱۱ به عنوان یکی از شاخص‌های مهم، برای اندازه اقتصاد، نشان می‌دهد

که ایران در سال ۲۰۱۳ در مکان سوم قرار گرفته است.

بالا بودن رشد اقتصادی باعث می‌شود تا کشورها سریع‌تر مسیر توسعه را پیموده و شکاف تولید با کشورهای دیگر که مسیر توسعه را پیموده‌اند، کمتر شود. بالا بودن رشد اقتصادی ترکیه و عربستان طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۳ باعث شد تا شکاف تولید ایران نسبت به کشورهای رقیب بادشده بیشتر شود. محاسبه شکاف تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید (PPP) به قیمت ثابت ۲۰۱۱ نشان می‌دهد تفاوت تولید ایران با ترکیه در سال ۲۰۰۵ میلادی (۱۳۸۴ شمسی) رقم ۱۰۸ میلیارد دلار بوده که شکاف مذکور تشدید شده و به میزان ۲۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۱ شمسی) رسیده است. براساس این شاخص نیز تداوم شرایط فعلی اقتصادی در سال‌های آینده، کشور ما را در رسیدن به هدف رتبه اول منطقه به لحاظ حجم تولید، مشکل‌تر خواهد کرد.

نرخ بیکاری

با توجه به جوان بودن ساختار جمعیتی کشور، ایجاد شغل یکی از چالش‌های جدی پیش روی مسئولان کشور در دو دهه اخیر بوده است. این مهم در سند چشم‌انداز نیز مورد توجه بوده به نحوی که ایجاد اشتغال کامل در اقتصاد یکی از محورهای مهم مورد توجه سند چشم‌انداز بوده است. معمولاً در بحث اشتغال به آمار بیکاری توجه می‌شود، زیرا بیکاری، عدم تعادل بازار کار

محاسبه شکاف تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید (PPP) به قیمت ثابت ۲۰۱۱ نشان می‌دهد تفاوت تولید ایران با ترکیه در سال ۲۰۰۵ میلادی (۱۳۸۴ شمسی) رقم ۱۰۸ میلیارد دلار بوده که شکاف مذکور تشدید شده و به میزان ۲۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۱ شمسی) رسیده است.

مقایسه آماری شاخص‌های کلان اقتصادی ایران با ۲۴ کشور همسایه برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز نشان می‌دهد، فاصله زیادی تا رسیدن به جایگاه اول در منطقه وجود دارد و باید استراتژی اقتصادی کشور تغییر کند.

نشریه برنامه، وابسته به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تحلیلی از عملکرد شاخص‌های کلان اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای دیگر حوزه سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور ارائه کرده است. در این گزارش آمده است:

”

را نشان می‌دهد.

ضمن اینکه بیکاری یکی از مهم‌تری متغیرهای اقتصادی است که دولت‌ها به دنبال کنترل و کاهش آن هستند. بدین سبب از این متغیر به منظور مقایسه تطبیقی بین کشورهای منطقه مورد نظر در سند چشم‌انداز استفاده شده است. با توجه به آمار بیکاری در پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی برای کشورهای عضو سند چشم‌انداز و آمار بیکاری محاسبه شده برای ایران، در سال ۲۰۱۲ ایران با دارا بودن نرخ بیکاری ۱۲٫۱ درصد، در میان ۲۴ کشور در رده ششم قرار دارد.

شاخص‌های بهره‌وری

نکته با اهمیت و مهم و مورد تأکید دیگر سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه چهارم و پنجم برای تحقق رشد اقتصادی «شتابان و مستمر بودن» ارتقای بهره‌وری است. به طور مشخص در قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه تأکید شده که بیش از یک سوم رشد اقتصادی باید از طریق ارتقای بهره‌وری باشد.

شاخص مناسب برای ارزیابی تحقق این هدف سند چشم‌انداز و مقایسه جایگاه ایران در میان کشورهای حوزه سند چشم‌انداز، شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید است. در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵)، هر شاغل ایرانی ۱۵۸۹۳ دلار به قیمت‌های ثابت ۱۹۹۰ تولید کرده که این شاخص به رشد متوسط سالانه ۲٫۱ درصد در سال به ۱۸۸۲ دلار به ازای هر شاغل در ۱۳۹۱ (۲۰۱۲) افزایش یافته است. به طور کلی بهره‌وری نیروی کار ایران از کشورهای رقیب ترکیه و عربستان پایین‌تر بوده است. ایران به لحاظ این شاخص بهره‌وری انرژی جایگاه خوبی در میان کشورهای منطقه ندارد و از رتبه ۱۵ در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴ شمسی) به رتبه ۱۶ در سال ۲۰۱۱ از ۲۲ کشور دارای آمار و اطلاعات تنزل یافته است.

شاخص رقابت‌پذیری

شاخص رقابت‌پذیری جهانی برای اقتصاد ایران از سال ۲۰۱۰ توسط مجمع جهانی اقتصاد با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران محاسبه و منتشر شده است. بنابراین، از سال ۲۰۱۰ ایران در رتبه‌بندی این مجمع قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۳ کشورهای قطر، عربستان، امارات، عمان بحرین، اردن ترکیه و جمهوری آذربایجان در رده‌های بالاتر از ایران قرار دارند.

آزادی اقتصادی

میزان آزادی اقتصادی در زمینه تجارت خارجی، شرایط رقابتی در اقتصاد را نشان می‌دهد. بیشتر بودن این شاخص به معنای رقابت بیشتر بین بنگاه‌های داخلی و خارجی است که به افزایش کارایی و بهره‌وری منجر می‌شود. مؤسسه فریزر برای آزادی اقتصادی مبادرت به تهیه شاخص‌های ترکیبی آزادی اقتصادی کرده است.

بودجه دولت

بودجه دولت یکی از اهرم‌های مالی دولت است که می‌تواند کنترل و بهداشت اقتصاد را برای رسیدن به اهداف جامعه فراهم آورد. در مجموع در ادبیات اقتصادی، ایفای نقش دولت در توسعه، حیاتی و ضروری دانسته شده، اما هیچ قاعده ساده و مشخصی که بیان کند دولت‌ها در این رابطه چه باید بکنند، وجود ندارد و یا توافق مشخص برای این موضوع نیست. برای حجم و اندازه دولت شاخص‌های مختلفی تعریف شده است. نسبت مخارج نهایی مصرفی دولتی به تولید ناخالص داخلی یکی از شاخص‌های اصلی است که آمار و اطلاعات آن در مجموعه آماری بانک جهانی وجود دارد. در سال ۲۰۱۳، ایران با داشتن سهم ۹٫۸ درصد در میان ۲۱ کشور منطقه در رتبه ۱۸ قرار دارد شاخص دیگر معرف‌اندازه دولت سهم مجموع هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری دولتی از کل تولید ناخالص داخلی است که آمار و اطلاعات آن در مجموعه آماری صندوق بین‌المللی پول وجود دارد. در سال ۲۰۱۳ ایران با داشتن سهم ۱۵٫۳ درصد در میان ۲۳ کشور (که آمار آنها وجود دارد) در رتبه ۲۱ قرار دارد.

اتکا بودجه دولت‌ها به درآمدهای بایات از جمله مالیات همواره از آرزوهای سیاستگذاران اقتصادی بوده است. بر این اساس، نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در متون اقتصادی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه قلمداد می‌شود. در مجموع نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی ایران در دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۲ به طور متوسط ۶٫۲ درصد بوده است. این نسبت در سال ۲۰۰۵ حدود ۵٫۵ درصد بود. این شاخص با نوسان‌هایی به حدود ۵٫۹ درصد در سال ۲۰۱۰ و ۶٫۲ درصد در سال ۲۰۱۲

رسیده است. به لحاظ این شاخص کشورهای رقیب اقتصاد ایران شامل ترکیه، پاکستان و مصر وضعیت بهتری نسبت به ایران داشته‌اند.

تورم

تورم به شرایطی از وضعیت اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن سطح عمومی قیمت‌ها به طور مستمر و غالباً به صورت غیر قابل بازگشت افزایش می‌یابد. تورم بر ساختار اقتصاد و متغیرهای کلان اقتصاد اثرگذار و اثرپذیر است. مهار تورم و ثبات آن همواره از مهمترین اهداف سیاستگذاران اقتصادی بوده و در تدوین برنامه‌های توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تورم پایین ذاتاً یک محرک اقتصادی است که موجبات رشد تولید و انگیزه افزایش ظرفیت تولیدی را در هر اقتصادی ایجاد می‌کند. لکن بر حسب درجه توسعه‌یافتگی این نرخ برای کشورها متفاوت خواهد بود.

ثبات سطح عمومی قیمت‌ها یکی از چالش‌های مهم است که در ایجاد فضای امن اقتصادی و جلب مشارکت سرمایه‌گذاران نقش کلیدی دارد. برعکس اگر این روند به صورت لجام‌گسیخته صعودی باشد، زمینه تخریب رشد و تولید و انحراف منابع کشور را فراهم می‌آورد. روند نرخ تورم در میان کشورهای منطقه برای دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که ایران از نظر تورم در منطقه جایگاه خوبی نداشته و همواره مواجه با تورم دو رقمی بوده است.

تجارت خارجی

بخش تجارت خارجی همواره به عنوان یکی از بخش‌های اصلی اقتصاد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در چشم‌انداز بیست ساله به منظور دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، بر رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان تأکید شده است که یکی از ابزارهای تحقق آن از طریق توسعه صادرات غیرنفتی، هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی دارای مزیت نسبی است.

نسبت واردات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۵ هم‌زمان با شروع اجرای سند چشم‌انداز، ۲۴٫۷ درصد بود که به لحاظ رتبه در بین ۲۴ کشور منطقه سند چشم‌انداز، در رده ۲۳ قرار داشت. در سال ۲۰۱۲ در اقتصاد ایران، نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۱۶٫۴ درصد بوده است که بعد

می‌دهد که ادامه روند گذشته در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت، اقتصاد ایران را با چالش‌ها و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و اجتماعی و عدم توازن‌های سخت و شکننده‌ای روبه‌رو خواهد ساخت و برای مواجهه و مقابله با آن و تحقق هدف سند چشم‌انداز مبنی بر دست‌یافته به جایگاه اول منطقه، ناگزیر باید ترکیب، دینامیسم و استراتژی رشد اقتصادی ایران تغییر کند تا آهنگ رشد به طور مستمر تسریع یابد، چرا که این مسئله نه تنها ناشی از عدم برنامه‌ریزی مناسب داخلی و با پایبندی به اجرای برنامه‌های مصوب بوده بلکه تا حدی ناشی از بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای موردنظر در سند چشم‌انداز بوده است.

تجربه سایر کشورهایی که این مسیر را پیموه‌اند، نشان می‌دهد که نیل به اهداف مطرح‌شده در این چشم‌انداز در پرتو تدبیر، تلاش و انسجام ملی قابل حصول است، لذا برای دستیابی به اهداف فوق و کاهش فاصله‌های موجود و هدف‌گذاری شده نیازمند الزاماتی در سطح سیاست‌گذاری‌ها می‌باشیم. توصیه می‌شود نه تنها سیاست‌ها و برنامه‌ها در مسیر سند چشم‌انداز باشد، بلکه نیازمند:

- توجه به نهادسازی و تنظیم قوانین و مقررات ثبات کلان اقتصادی
- توجه اساسی به منابع رشد به ویژه بهره‌وری کل عوامل تولید و به کارگیری از ظرفیت موجود اقتصاد ایران
- توجه اساسی به منابع انسانی، گسترش تحقیق و توسعه و انتقال فناوری نوین و کارآمد
- تشویق و هدایت منابع پس‌اندازی به امر سرمایه‌گذاری‌های مولد و توسعه‌بخش مالی در اقتصاد ایران به عنوان یک قاعده کلی و پذیرفته‌شده در سیاست‌گذاری کلان
- افزایش درجه رقابت‌پذیری اقتصاد، توسعه مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد
- افزایش درجه همگرایی اقتصادی و تجاری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی و بین‌الملل و افزایش اندازه تجارت و تولید کالا و خدمات در سطح گسترده‌تر از جغرافیایی ملی است.

• برگرفته از روزنامه دنیای اقتصاد

چشم‌انداز، تحول چشمگیری نداشته و در مرتبه و جایگاه اقتصاد ایران در سطح منطقه جنوب غرب آسیا بهبودی حاصل نشده است و برخی از موارد جایگاه کشور بدتر (شکاف بیشتر) شده است. به ویژه جایگاه کشور در شاخص‌های مهم رقابت‌پذیری، فضای کسب و کار، آزادی اقتصادی و بهره‌وری انرژی تنزل یافته است.

به طور کلی اگر عملکرد اقتصاد کشور در چهار شاخص تولید ناخالص داخلی، بیکاری، تورم و توزیع درآمد خلاصه کنیم، می‌توانیم بگوییم که وضعیت اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال شروع اجرای سند چشم‌انداز (۱۳۸۴) در زمینه تولیداشتغال و تورم بدتر شده اما در حوزه توزیع درآمد (به عنوان شاخصی از عدالت اجتماعی) نسبتاً بهتر شده است.

پیش‌بینی رشد اقتصادی لازم برای دستیابی به جایگاه اول در گزینه‌های مختلف نشان داد که متوسط تولید ناخالص داخلی کشور ترکیه در سال ۲۰۲۵ حدود ۱۱۰۰ میلیارد دلار خواهد بود. در این صورت در افق چشم‌انداز فاصله اقتصاد ایران با ترکیه به رقم ۷۰۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. بدین ترتیب اگر قرار باشد ایران در موقعیت برتر در منطقه جنوب غرب آسیا نسبت به سایر کشورها حتی ترکیه قرار گیرد، لازم است تولید ناخالص داخلی به دلار و قیمت‌های ثابت ۲۰۰۵، در سال‌های باقیمانده از اجرای سند چشم‌انداز (۱۳۹۲-۱۴۰۴)، حداقل با متوسط سالانه ۱۲ درصد رشد کند.

برای دستیابی به رشد اقتصادی ۱۲ درصد نیاز است تشکیل سرمایه ثابت حداقل با نرخ ۲۱ به طور متوسط سالانه رشد کند. به لحاظ منابع رشد اقتصادی، سهم بهره‌وری کل عوامل تولید در تأمین رشد اقتصادی ۳۵ درصد در افق سند چشم‌انداز در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب، از رشد اقتصادی ۱۲ درصد، ۴٫۲ درصد مربوط به رشد بهره‌وری کل عوامل از رشد (رشد کیفی تولید) و بقیه مربوط به رشد نهاده‌های نیروی کار و سرمایه است.

عملکرد اقتصاد ایران به وضوح نشان

از کشور مصر (با سهم ۱۷٫۴ درصد) قرار دارد. ایران با توجه به آمار موجود برای کشورهای منطقه، در مکان نوزدهم قرار دارد. در سال ۲۰۱۲ به دلیل محدودیت‌های به وجود آمده برای درآمدهای نفتی کشور نسبت واردات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی نسبت به سال ۲۰۰۵ کاهش یافته و باعث شده تا از نظر رتبه نیز به رده‌های پایین‌تر منتقل شود. متوسط سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI در تولید ناخالص داخلی GDP در دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۲ در ایران ۰٫۹ درصد بوده و در بین کشورهای مورد بررسی، ایران در رتبه‌های پایین قرار دارد.

تولید سرانه

ارتقای سطح نسبی درآمد سرانه و کاهش فاصله درآمدی یکی دیگر از اهداف سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ است. دو عامل در تغییرات میزان سطح درآمد سرانه نقش دارد، یکی میزان جمعیت و دیگری سطح تولید ناخالص داخلی که به نوبه خود از سطح کارایی عوامل تولید از جمله جمعیت فعال کشور تأثیر می‌پذیرد. برای بررسی تحولات درآمد سرانه از شاخص نزدیک به این متغیر یعنی تولید سرانه (تقسیم حجم تولید به تعداد شاغلان) استفاده شده است چرا که آمارهای بانک جهانی برای درآمد سرانه برای بیشتر کشورهای حوزه سند چشم‌انداز به ویژه برای سال‌های اخیر ناقص است.

مطابق آمارهای بانک جهانی، ایران در سال ۲۰۰۵ از لحاظ تولید سرانه با میزان ۱۳۱۸۸ دلار بر حسب شاخص برابری قدرت خرید (PPP) و قیمت ثابت ۲۰۱۱ رتبه نهم این منطقه را به خود اختصاص داده بود. با وجود افزایش شاخص یاد شده به ۱۵۴۶۱ دلار به ازای هر نفر در سال ۲۰۱۳، رتبه کشور ایران در میان ۲۴ کشور منطقه، یک رتبه تنزل یافته و در جایگاه دهم قرار گرفته است. تحلیلی از عملکرد اقتصاد نسبت به اهداف سند چشم‌انداز با توجه به عملکرد متغیرهای کلان اقتصادی (متغیرها و شاخص‌های بررسی‌شده) طی هشت سالی که از اجرای سند چشم‌انداز می‌گذرد، می‌توان گفت که اقتصاد ایران از نظر تحقق اهداف سند



در چشم‌انداز بیست ساله به منظور دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، بر رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان تأکید شده است که یکی از ابزارهای تحقق آن از طریق توسعه صادرات غیرنفتی است

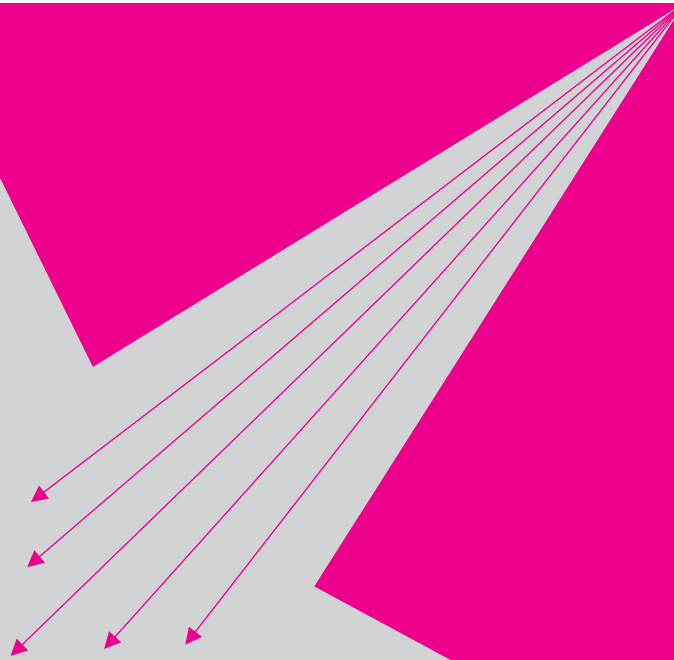




توسعه صادرات غیر نفتی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در همه برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب مورد توجه دولت بوده است. اما در این زمینه موفقیت‌های چشمگیری کسب نکرده‌ایم. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز بر ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد کشور و درون‌زایی و برون‌گرایی، تاکید شده است و این سیاست‌ها در پیش‌نویس اسناد برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه دولت قرار گرفته است.

در بیان اهمیت موضوع باید گفت تجربه کشورهای در حال توسعه‌ای که گام‌های موفقیت‌آمیزی در راستای توسعه اقتصادی و صنعتی برداشته‌اند، گویای آن است که عملکرد آن دسته از کشورهای در حال توسعه‌ای که بعد از جنگ جهانی دوم نهادهای اقتصاد بازار را در داخل به وجود آورده و فضای سرمایه‌گذاری را بهبود بخشیده‌اند و به طور همزمان رویکرد صادراتی را در پیش گرفته‌اند، به مراتب بهتر از اقتصادهایی است که دخالت دولت در آنها بیشتر و به روی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی بسته‌تر بوده‌اند. تجربه جمهوری کره، تایوان، مالزی، چین، سنگاپور، هند، ترکیه و ویتنام در چند دهه اخیر موید این ادعاست. تجربه کشور ما حداقل در دوره بعد از جنگ هشت ساله (۱۳۵۹-۱۳۶۷)، به وضوح بیانگر آن است که بدون آسیب‌شناسی ناکامی ما در این حوزه، صرف تکرار سیاست‌های فاقد بنیان علمی و تجربی نمی‌تواند به اهداف تعیین شده در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه صادرات صنعتی دست یافت.

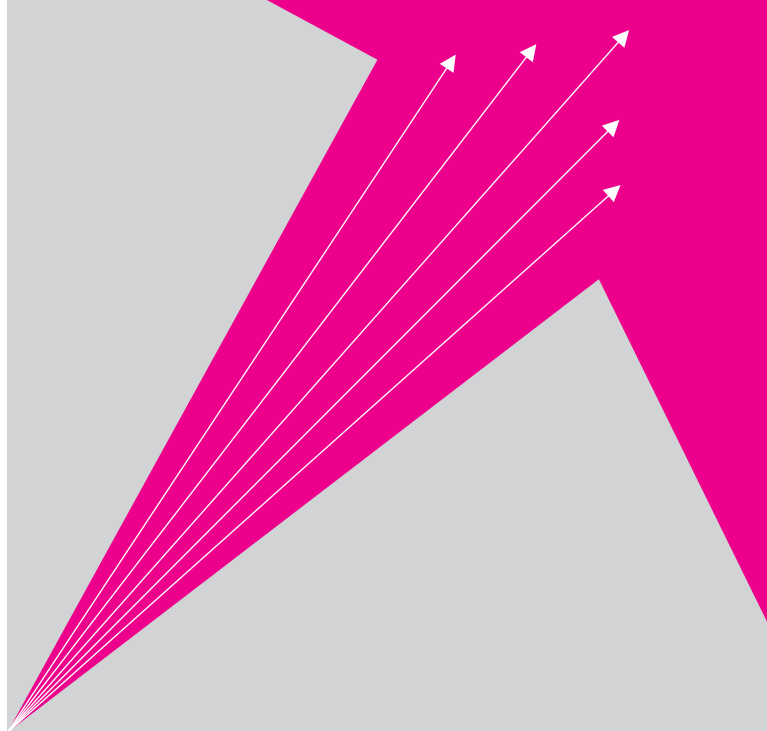
در این مقاله به منظور تبیین علل این ناکامی به چهار عامل عمده و هم‌بسته زیر توجه کرده‌ایم:



نقش تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد درازمدت اقتصادی

لزوم همزیستی مسالمت‌آمیز

بهروز هادی‌زنوز/ اقتصاددان



یکم - همسو نبودن سیاست خارجی کشور با سیاست تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی

دوم - فراهم نبودن بسترهای نهادی و نظام انگیزش‌های مالی با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سوم - ناسازگاری سیاست ارزی کشور با سیاست توسعه صادرات

چهارم - فقدان سیاست صنعتی در کشور برای گزینش صنایع دارای مزیت رقابتی بالقوه و حمایت از آنها برای ورود به بازار جهانی

واقعیت این است که در مورد هر یک از موضوعات فوق کتاب‌ها و مقالات آکادمیک متعددی انتشار یافته است و فهم کامل و دقیق این مباحث پیش‌نیاز سیاست‌گذاری علمی در زمینه تعامل سازنده با اقتصاد جهانی با توجه به منافع ملی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که با نیازهای اقتصاد کشور سازگار است، گزینش آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که می‌توان در آنها به خلق مزیت رقابتی دست زد و سیاست تجاری با جهت‌گیری صادراتی است.

هدف این مقاله، این است که ضمن توضیح مختصر مبانی نظری بحث و تبیین ابعاد مختلف موانع در کشور، بر اهمیت و ضرورت اتخاذ رویکرد جامع در سیاست‌گذاری تاکید و توجه سیاست‌گذاران به این مطلب جلب شود که تنها با اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر تجارب موفق جهانی، رعایت سازگاری میان سیاست‌هایی که در هر یک از حوزه‌های فوق اتخاذ می‌شود و ایجاد ظرفیت‌های لازم در دولت برای تضمین اجرای سیاست‌هاست که می‌توان موفقیت در نیل به اهداف مورد نظر را تضمین کرد. ناگفته پیداست که رعایت این پیش‌شرط‌ها از عهده هر دولتی بر نمی‌آید و گر نه امروزه شاهد موفقیت خیل عظیم کشورهای در حال توسعه در جهان می‌بودیم.

اهمیت تعامل سازنده با اقتصاد جهانی

به راستی در اقتصاد جهانی چه عواملی در کار است که امکان ایجاد رشد بلندمدت را فراهم می‌کند؟ پاسخ کوتاه به این پرسش اساساً در دو نکته نهفته است؛ دسترسی به دانش فنی و وجود بازار بالقوه عظیم. هر دو این عوامل مهم هستند و جالب آنکه با وجود یکدیگر، اثرگذار خواهند بود. در ادامه به این موضوعات خواهیم پرداخت.

این مطلب اساساً صحیح است که پیشرفت‌های اقتصادی از دانش، فناوری و ابداعاتی حاصل

می‌شوند که مشترکاً خلق کرده‌ایم و سپس برای خلق برخی از ارزش‌های اقتصادی به کار برده‌ایم. این همان نیروی محرکه رشد بلندمدت در کشورهای پیشرفته است. اما همین که دانش یک بار تولید شد، می‌توان آن را در هر جایی و بارها و بارها مورد استفاده قرار داد. از این نظر دانش از کالاهای دیگر متمایز است. اگر شخص A آن را در اختیار داشته باشد و به شخص B انتقال دهد، در این صورت هر دو این افراد آن را در اختیار خواهند داشت. این خصیصه در مورد کالاهایی همچون یخچال، اتومبیل، چوب و تقریباً هر چیز دیگری که آن را واجد ارزش اقتصادی تصور کنید، مصداق ندارد.

مسئله اینجاست که افراد باید بتوانند در انتهای جریان انتقال دانش، آن را دریافت کنند. برای آنکه اصول اقتصادی و اجتماعی ما ارزش خود را از دست ندهند، دانش قدیمی ناگزیر باید در هر نسلی منتشر شود. بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های آموزشی ما برای انتشار دانش قدیمی انجام می‌شود. البته دانش جدید هم ایجاد و سپس منتشر می‌شود.

خلق دانش و فناوری جدید هزینه‌بر و مستلزم صرف منابع انسانی زیادی است. اما انتشار آن به این خاطر که سرمایه‌گذاری قبلی در انتشار دانش قدیمی صورت گرفته است، چندان پرهزینه نخواهد بود. این به آن معناست که هزینه نهایی انتشار دانش جدید، اندک و از هزینه ایجاد آن بسیار پایین‌تر است. به یک معنا دانش کالای عمومی‌نهایی است. اگر کسی به آن دسترسی داشته باشد، برای افراد دیگری با پیشینه تحصیلی مورد نیاز برای جذب آن هم در دسترس خواهد بود.

در واقع این چیزی است که در جهان در حال توسعه در حال رخ دادن است. دستیابی به رشد بالای اقتصادی مستلزم برقراری شرایط متعدد است اما مهم‌ترین آنها یادگیری است. یادگیری به معنای دستیابی به دانش جدید و مولدی است که قبلاً به وجود آمده است. دانش، فناوری و شیوه‌های تجربی انجام کار از بازار اقتصاد جهانی و به ویژه از کشورهای پیشرفته (که شکاف دانش میان این کشورها و کشورهای در حال توسعه بیشتر است) وارد می‌شوند. برای این فرآیند انتقال، چندین مجرا وجود دارد. فرآیندهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مشارکت در اقتصاد جهانی از طریق زنجیره‌های عرضه چندملیتی، احتمالاً از مهم‌ترین این مجاری‌اند. فرآیندهای انتقال دانش و یادگیری، چندین قرن

است که در جریان بوده است. صنعتی شدن قاره اروپا و آمریکا تنها یک حادثه نبود بلکه تحت تاثیر پیشرفت‌های تکنولوژیک در بریتانیا اتفاق افتاد. در عصر ما، این انتقال دانش است که پتانسیل مولد یک اقتصاد در حال توسعه را برای افزایش رشد و بهبود سرعت آن ایجاد می‌کند. در واقع این نوآوری نیست که جهش کرده است بلکه انتقال آن (انتشار ستانده دانش) است که به شدت رواج یافته است.

نرخ‌های رشد هنگامی که سایر عوامل پیشران نرخ رشد بالا و پایدار سر جای خود قرار گیرند، از نرخ‌های رشد کشورهای پیشرفته و نرخ‌های رشد گذشته اقتصادهای در حال توسعه در دوره‌ای که موانع عمده‌ای بر سر راه آن وجود داشته بالاتر خواهد بود. نرخ رشد پایدار کشورهای پیشرفته، به هفت درصد یا بیشتر نمی‌رسد. پیشرفت پایه دانش (به عنوان سنگ بنای اقتصاد)، به نظر نمی‌رسد به این سرعت رخ دهد یا با سرعت لازم برای دستیابی به نرخ‌های رشد بالا اتفاق افتد. در واقع می‌توان گفت نرخ‌های بالای رشد در کشورهای در حال توسعه‌ای که گام در راه صنعتی شدن نهاده‌اند، ناشی از پر کردن شکاف فناوری است.

در آینده هر چند ممکن است سهم تولید ناخالص داخلی اختصاص یافته به نوآوری افزایش نیابد اما قدر مطلق آن به احتمال زیاد افزایش خواهد یافت. این موضوع باعث افزایش سرعت نوآوری و سپس اشاعه آن در بخش بزرگی از اقتصاد جهانی می‌شود. در مورد کشورهای در حال توسعه، اثرات اقتصادی انتقال دانش، تابعی است از اندازه و شکاف دانش. اندازه‌گیری دقیق دانش دشوار است چرا که مقادیر کمی‌سنجش دانش به شدت فرار است. هر قدر شکاف تکنولوژیک میان یک کشور فقیر و کشور پیشرفته بزرگ‌تر باشد، نرخ انتقال فناوری می‌تواند سریع‌تر باشد. در اینجا آگاهانه گفتیم که «می‌تواند»، چرا که یادگیری و انتقال دانش به صورت خودکار اتفاق نمی‌افتد. سرعت یادگیری کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. تفاوت در تحصیلات، نگرش‌ها، طیفی از عواملی که باید بیش از پیش نسبت به آنها آگاهی یابیم، سرعت یادگیری کشورهای مختلف را متفاوت می‌کند.

رشد شتابان ستانده بالقوه، به دلیل کاهش شکاف تکنولوژیک میان کشورهای پیشرفته و فقیر، تا ابد دوام نمی‌آورد. در این مسیر یک کشور در حال توسعه به واردات فناوری ادامه می‌دهد اما به تدریج تولید بیشتر را هم آغاز می‌کند. فناوری‌ای که در

داخل ایجاد شده، در سطح بین‌المللی هم به‌اشتراک گذاشته می‌شود. نهایتاً در پایان مسیر توسعه، یک کشور در حال توسعه به کشوری پیشرفته تبدیل می‌شود. چنین کشوری، دانش و فناوری محرک پتانسیل‌های اقتصادی و موجد رشد کشورهای پیشرفته و کل اقتصاد جهانی را خلق، جذب و به‌اشتراک می‌گذارد.

قابل مشاهده‌ترین جنبه‌های رشد و توسعه برای ما، مظاهر قابل‌اندازه‌گیری آن مانند بزرگراه‌ها، بنادر، ماشین‌آلات صنعتی، مسکن، سطح درآمدها، الگوهای مصرف، صادرات و واردات و جریان‌های سرمایه داخلی و خارجی‌اند. این تصویر هر چند انعکاسی واقعی و مهم از رشد و توسعه است اما کامل نیست. در واقع یک فرآیند موزی از تجمع دارایی‌ها و توانایی‌های ناملموس وجود دارد که کم‌اهمیت‌تر از جنبه‌های فیزیکی که ذکر شد، نیستند. این دارایی‌های غیرملموس را می‌توان انباشت دانش تجسم‌یافته نامید. منظور ما دانش تجسم‌یافته در افراد، نهادها و فرآیندها و نحوه تعامل آنها با یکدیگر است. ناچاریم بیشتر در مورد نحوه دستیابی به این دارایی‌های ناملموس و مجاری واردکردن و درونی کردن آن بدانیم. مطمئناً فرآیند یادگیری از طریق انجام کار و کسب تجربه، بخشی از آن است.

به طور خلاصه نرخ رشد بالا در دوره بعد از جنگ در کشورهای در حال توسعه با انتقال دانش و کاهش موانع و سدها در برابر جریان کالاها، خدمات و سرمایه در اقتصاد جهانی میسر شد. سرعت رشد کشورها با توجه به میزان تفاوت دانش آنها با کشورهای پیشرفته و سرعت انتقال دانش بین مرزها، محاسبه می‌شود.

در اواسط دهه ۱۹۸۰ رسانه‌های محلی کشور کره دریافته بودند که صادرات تولیدات کاربر که به مدت دو دهه رشد قابل توجهی را به وجود آورده بود، در حال از دست دادن مزیت رقابتی خود است. دستمزدها بسیار بالا بودند و مردم هر روز از مشاغل خود بیرون رانده می‌شدند. در این شرایط برخی پیشنهاد کردند که شاید بهتر باشد برای پیشگیری از بروز نتایج فجیع، دستمزدها را پایین نگه دارند. این پیشنهاد نادرست بود چرا که نقطه اتکای رشد و توسعه، داشتن درآمدهای بالاتر است. آنچه آنها به عنوان یک مشکل توصیف می‌کردند، در حقیقت نشانه‌ای از موفقیت بود.

داشتن یک منظر ایستا از جهان، همیشه بسیار جذاب بوده است. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات در

سیاست‌های معطوف به رشد اقتصادی، عبارت است از تلاش برای یافتن فرمولی برای موفقیت و سپس پافشاری بر آن در بلندمدت.

رشد پایدار و تغییرات ساختاری دست به دست هم می‌دهند. جهش قیمت‌ها، تغییرات ساختاری را تحریک می‌کند و نیروهای بازار، حیاتی‌ترین نهاده برای ایجاد بهره‌وری و رشد درآمدند. گرایش بسیار زیادی به مقاومت در برابر این تغییرات وجود دارد، به ویژه هنگامی که این تغییرات باعث ایجاد تخریب خلاق در مشاغل و شرکت‌ها می‌شود. فشار برای مقاومت معمولاً از جانب سیاست‌گذارانی است که می‌خواهند برای موفقیت به فرمول‌های شناخته‌شده متوسل شوند. این مقاومت از سوی مردمی که زیر بار قراردادهای کار و اضطراب ناشی از آن هستند هم اعمال می‌شود. عامل دیگر مقاومت در برابر این تغییرات، در منافع مستقر در دست بخش‌های صادراتی که می‌توانند اثرات سیاسی و سیاستی قابل ملاحظه‌ای داشته باشند، نهفته است. در این میان وظیفه اصلی دولت، تسهیل تغییرات ساختاری از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، پشتیبانی از مردم در جریان این گذار از طریق حمایت‌های درآمدی و دسترسی به خدمات اساسی و نهایتاً ایجاد شرایطی برای عمل نیروهای بازار و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری است. اما عملاً همه دولت‌ها در اغلب موارد از بخش‌های اقتصادی (از طریق مدیریت از بالا به پایین نرخ ارز یا اعطای یارانه)، شرکت‌ها و به ویژه مشاغل خاص حمایت می‌کنند. این کار مثال عینی از انداختن شن‌ریزه در چرخ‌دنده‌های یک دستگاه روغن‌کاری شده است. این عملکرد، بر بهره‌وری و درآمد و در نهایت رشد اقتصادی تأثیر منفی خواهد گذاشت.

در بندهای فوق اهمیت و تأثیر جهانی شدن بر انتقال دانش فنی و برخورداری از بازارهای بزرگ‌تر تحلیل و دلالت‌های آن بر رشد اقتصادی توضیح داده شد. تجربه تاریخی نیز گویای آن است که در سده نوزده، بیست و بیست و یکم میلادی هیچ کشوری بدون تعامل سازنده با دنیای خارج نتوانسته گام در راه رشد بلندمدت اقتصادی بگذارد و شکاف فناوری، بهره‌وری و سطح درآمد خود را با کشورهای پیشرفته صنعتی پر کند. تجربه کشورهای کره، تایوان، مالزی، چین، هند و ترکیه جملگی موید این نظر است.

جایگاه تجارت بین‌المللی در اقتصاد ایران
نکته‌ای که معمولاً از سوی انزواگرایان نادیده

گرفته می‌شود این است که سهم تجارت خارجی (مجموع ارزش واردات و صادرات) به قیمت جاری در تولید ناخالص داخلی کشور بالاست و جز در سال‌های بحرانی جنگ ایران و عراق و رکود نفتی سال‌های برنامه دوم، این نسبت هرگز از ۴۰ درصد کمتر نبوده است (نمودار ۱). در واقع اقتصاد ایران برخلاف تصور این گروه اقتصاد نسبتاً بازی است که به شدت تحت تأثیر شوک‌های مثبت و منفی نفتی است. در دوره بعد از انقلاب رکود اواسط دهه ۱۳۶۰، نرخ پایین رشد اقتصادی در برنامه دوم و رکود تومری سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۱ اساساً ناشی از شوک‌های منفی نفتی بوده است. صنعتی شدن به یک تعبیر عبارت است از تغییر جایگاه کشورها در تقسیم کار جهانی. نمودار ۲ گویای آن است که نقش کشور ما در تقسیم کار جهانی از اوایل دهه ۱۳۵۰ تا به امروز دستخوش تغییر بنیادی نشده و ایران هنوز هم اساساً صادرکننده نفت خام است.

ترکیب صادرات غیرنفتی کشور نیز گویای آن است که در چند دهه گذشته کشور ما صادرکننده محصولات کشاورزی، معدنی، محصولات صنعتی انرژی‌بری همچون فلزات اساسی و پتروشیمی و محصولات صنعتی با فناوری پایین بوده است. با نگاهی به ترکیب واردات کشور نیز مشخص می‌شود که سهم عمده واردات کشور از محصولات صنعتی (اعم از ماشین‌آلات و مواد نیم‌ساخته و واسطه صنعتی) تشکیل می‌شود.

تا جایی که به سیاست تجاری مربوط است باید گفت در برنامه سوم، رفع موانع غیرتعرفه‌ای تجارت خارجی، کاهش موانع تعرفه‌ای آن، یکسان‌سازی نرخ ارز و اجرای نظام نرخ شناور هدایت‌شده و انجام اصلاحات ساختاری در گمرکات کشور از اقدامات مهمی بود که به منظور هدایت اقتصاد کشور به سمت تعامل سازنده با اقتصاد جهانی و رویکرد صادراتی به عمل آمد. در همان زمان درخواست دولت ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی مورد پذیرش قرار گرفت. در برنامه چهارم نیز پیگیری سیاست‌های برنامه سوم پیش‌بینی شده بود. اما دولت نهم بی‌اعتنا به مفاد قانون برنامه چهارم سیاست‌هایی را در پیش گرفت که نتایج آن برای اقتصاد ملی زیانبار بود. در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۴ دولت با تثبیت نرخ اسمی ارز و اتخاذ سیاست درهای باز، موجب تبعیض علیه صادرات و کاهش توان رقابتی صنایع داخلی شد.



سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

در دهه اول انقلاب، دولت ایران بخش عمده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران را ملی اعلام کرد و تا پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷، مسوولان کشور نظر خوبی به سرمایه‌گذاری خارجی نداشتند. هر چند از برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در سال ۱۳۶۸ آغاز شد، رویکرد مسوولان کشور به سرمایه‌گذاری خارجی دگرگون شد. اما همین سابقه بد در رفتار با شرکت‌های بین‌المللی و تنش در مناسبات خارجی با کشورهای پیشرفته صنعتی به ویژه ایالات متحده آمریکا و انواع تحریم‌هایی که بعد از تصرف سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۹ برقرار و سپس دامنه آن گسترده‌تر شد، به مانع اصلی جذب سرمایه‌های خارجی تبدیل شد.

در دوره برنامه سوم با تصویب قانون جذب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، برداشتن موانع غیرتعرفه‌ای تجارت خارجی، یکسان‌سازی و شناورسازی نرخ ارز و اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و بالاخره تنش‌زدایی در مناسبات بین‌المللی بستر مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به وجود آمد و آمارهای رسمی نیز بیانگر اقبال شرکت‌های فرامیلتی از این فرصت بود.

اما در دوره دولت‌های نهم و دهم که مقارن با افزایش عایدات نفتی ایران بود، سیاست دولت در قبال تعامل سیاسی و اقتصادی با جهان تغییر کرد

و تا جایی که به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران مربوط می‌شد، در دولت نهم، مهم‌ترین پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت خودرو، مخابرات و فرودگاه امام زیر سوال رفت و از آن میان اجرای دو پروژه بزرگ منتفی شد. در دولت دهم نیز با افزایش تنش در مناسبات بین‌المللی و در پی آن صدور قطعنامه‌های شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای، ریسک سیاسی و اقتصادی ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی به شدت افزایش یافت. بالاخره با به رسمیت نشناختن قطعنامه‌های سازمان ملل از سوی ایران، اجماع جهانی علیه کشور شکل گرفت و از سال ۱۳۹۱، شاهد تشدید تحریم‌های بین‌المللی بودیم. در این وضعیت علاوه بر اعمال محدودیت مقداری بر صادرات نفتی کشور و ممنوعیت صدور برخی کالاهای صنعتی ایران مانند محصولات پتروشیمی و واردات قطعات خودرو، سپرده‌های بانک مرکزی و بانک‌های کشور در خارج بلوکه شده بود و با منع سوئیفت و معاملات ایران با دلار و تحریم‌های بانکی، روابط مالی ایران با دنیای خارج از مجاری رسمی تقریباً قطع شده بود. در این محیط تنش‌آمیز شرکت‌های بزرگ نفتی و خودروسازان بزرگ جهان از سرمایه‌گذاری در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع خودروسازی ایران منع شده بودند و ایران در انزوای کامل سیاسی و اقتصادی قرار گرفته بود.

با روی کار آمدن دولت یازدهم در بهار سال

۱۳۹۱، دولت و مجموعه حاکمیت به این نتیجه رسیده بودند که تداوم این تنش و انزوا می‌تواند عواقب وخیمی بر امنیت ملی و اقتصاد کشور داشته باشد. به همین جهت مذاکرات هسته‌ای در صدر اولویت‌های دولت یازدهم قرار گرفت. بالاخره بعد از یک دوره مذاکرات سخت و نفسگیر برجام به امضا رسید. انتظار می‌رفت با امضای این تفاهنامه و رفع تحریم‌های سازمان ملل و کشورهای بزرگ صنعتی، گشایش بزرگی در تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی رخ دهد. اما این انتظارات خوش‌بینانه با کارشکنی‌ها و بدعهدی دولت ایالات متحده و برخی از بازیگران صاحب نفوذ در عرصه سیاست داخلی به تدریج رنگ باخت و ریسک‌های سیاسی و محدودیت‌های اقتصاد داخلی مانند بحران بانکی، کاهش قیمت نفت در بازار جهانی، بدهی‌های سنگین دولت و نامساعد بودن محیط کسب و کار بیش از پیش به عنوان موانع تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی مورد توجه دولت‌ها و شرکت‌های خارجی و داخلی قرار گرفت.

آمارهای بین‌المللی موجود نیز گواه این مدعاست که به‌رغم پتانسیل بالای ایران برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌ویژه در بخش نفت و گاز، در سراسر دوره بعد از انقلاب، تنش در مناسبات بین‌المللی، تحریم‌های مالی و اقتصادی و نیز برخی از موانع قانونی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی به کشور را محدود کرده است. در دوره

زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴، ورودی به کشور و خروجی از آن به دلیل ریسک سیاسی و سایر ریسک‌ها اندک (جدول ۱) و پرنوسان بوده است (نمودار ۳) با توجه به این مساله موجودی ورودی به کشور در سال ۲۰۱۵ از ۴۵ میلیارد دلار فراتر نرفته است. در دوره ۱۰ ساله ۱۳۹۲-۱۳۸۳، مجموع قراردادهای بیع متقابل شرکت ملی نفت با شرکت‌های خارجی در حدود ۲۱۹۷۱ میلیون دلار و مجموع قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و تحویل ایران ۸۶۲ میلیون دلار بوده است (خلاصه سند برنامه راهبردی فرابخش نظام تامین منابع مالی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بی‌تا).

ریسک کشوری عامل عمده عملکرد ضعیف ایران در استفاده از منابع مالی خارجی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران است. در دهه ۱۳۸۰ نقاط قوت ایران در زمینه جذب منابع ایران درخور توجه بود. این نقاط قوت هم‌اکنون نیز وجود دارد.

- ایران دارای بزرگ‌ترین ذخایر شناخته‌شده گاز و چهارمین کشور دارای ذخایر نفت در جهان است و ذخایر نفت و گاز کشور بر اساس نرخ برداشت کنونی ۱۰۰ سال عمر خواهد داشت.
- ایران با جمعیت ۸۰ میلیون نفری و سطح درآمد متوسط، از مزیت بازار بزرگ داخلی برخوردار است.
- مازاد حساب جاری تجارت خارجی ایران در دهه ۱۳۸۰ درخور توجه بوده است. به همین دلیل ایران امروزه دارای ذخایر خارجی بزرگی (گرچه در حال کاهش) است و پوشش خوب واردات از این محل امکان‌پذیر است.
- تعهدات بدهی‌های خارجی ایران بسیار کم است.

اما از دید سرمایه‌گذاران خارجی مهم‌ترین نقاط ضعف ایران در گذشته و امروز عبارتند از:

- تعارض موردی میان ارکان قدرت داخلی
 - تمایل ایران به عنوان حضور قدرتمندانه در منطقه و سطح بین‌المللی
 - پویایی‌های منطقه‌ای منفی: ناآرامی در میان کشورهای همسایه و فعالیت‌های داعش و اختلافات شیعه و سنی در منطقه و حمایت ایران از جنبش‌های ضداستعماری در لبنان و فلسطین
 - محیط نامساعد کسب و کار
- به دلیل وجود ریسک کشوری (که مشتمل بر ریسک سیاسی، ریسک ناشی از محیط کسب و کار

نامساعد، ریسک اقتصادی، ریسک تامین مالی و ریسک تجاری است)، امروزه ریسک سرمایه‌گذاری در ایران بالا ارزیابی می‌شود.

به‌رغم آنکه دولت یازدهم تلاش فراوانی در زمینه بهبود محیط کسب و کار (که یکی از مولفه‌های ریسک کشوری است)، به عمل آورده و این تلاش‌ها در بهبود رتبه ایران در سطح جهانی موثر واقع شده، متأسفانه از این جهت هنوز هم وضعیت مناسبی ندارد.

اگر موضوع را قدری دقیق‌تر واکاوی کنیم، می‌توان گفت عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سه گروه قابل طبقه‌بندی است:

۱. با جهت‌گیری بازار

در این رویکرد سرمایه‌گذار خارجی برای عبور از موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در کشور میزبان سرمایه‌گذاری می‌کند. این رویکرد در دوره‌ای که در کشورهای در حال توسعه سیاست جایگزینی واردات با شدت و حدت فراوان و موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجارت خارجی درخور توجه بود، از سوی شرکت‌های فراملیتی دنبال می‌شد اما بعدها با عضویت تعداد روزافزونی از کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی (WTO) و کاهش موانع تجارت خارجی اهمیت خود را از دست داد.

در کشور ما به دلیل عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی و وجود موانع تجاری، به‌ویژه در برخی رشته‌های فعالیت از جمله خودروسازی، هنوز انگیزه تصرف بازار داخلی قوی است. در این نوع از سرمایه‌گذاری، اندازه بازار و درآمد سرانه، رشد بازار، دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی از طریق کشور میزبان و ساختار بازارها حائز اهمیت است. در این نوع سرمایه‌گذاری همکاری با تجار و تولیدکنندگان داخلی که به شبکه عمده‌فروشی و خرده‌فروشی آشنایی و دسترسی دارند، حائز نهایت اهمیت است.

۲. در جست‌وجوی منابع داخلی

در این نوع از سرمایه‌گذاری دسترسی به منابع طبیعی برای شرکت‌های فراملیتی حائز اهمیت است. در مورد ایران از دیرباز وجود منابع عظیم نفت و گاز توجه شرکت‌های خارجی را به خود جلب کرده و از اواخر سده نوزدهم امتیازاتی به خارجی‌ان برای استحصال نفت کشور اعطا شده است. بالاخره در سال ۱۳۱۱ اولین چاه نفت ایران

در مسجدسلیمان به نفت رسید. نفت ایران در تامین سوخت کشتی‌های جنگی بریتانیا در زمان جنگ جهانی اول نقش پراهمیتی داشت.

با آغاز جنگ جهانی دوم، ایران صحنه رقابت روسیه، بریتانیا و ایالات متحده برای دست‌اندازی به منابع نفت کشور بود و عاقبت با کودتای ۲۸ مرداد، کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی خارجی با تقسیم منافع میان خود به استخراج نفت ایران پرداختند. این قرارداد در سال ۱۳۵۴ منقضی و از آن پس به‌ویژه با معمول شدن قراردادهای مشارکتی، رابطه ایران با شرکت‌های خارجی در مورد قراردادهای نفتی دگرگون شد. بالاخره در اجلاس تهران در اوایل دهه ۱۳۵۰ کشورهای نفتی توانستند قیمت نفت را افزایش دهند و سهم بالاتری از عایدات حاصل از استحصال و صادرات نفت را به خود اختصاص دهند.

بعد از انقلاب اسلامی، مناسبات ایران با شرکت‌های خارجی به موجب اصل ۸۱ قانون اساسی دگرگون و سرمایه‌گذاری خارجی در میدانی نفت و گاز بر اساس قراردادهای بیع متقابل استوار شد. بعد از موافقتنامه برجام، شرکت ملی نفت با توجه به نارضایتی شرکت‌های خارجی درصدد تغییر مناسبات قراردادی خود با شرکت‌های نفتی برآمده که در جای خود توضیح داده خواهد شد. به هر حال بهره‌برداری از منابع طبیعی لزوماً منحصر به ذخایر نفت و گاز ایران نیست. سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در صنایع پایین‌دستی نفت و گاز و سایر منابع معدنی را نیز می‌توان با همین انگیزه توجیه کرد.

۳. در جست‌وجوی کارایی

به دنبال کاهش موانع تجاری و همچنین کاهش اهمیت نسبی منابع طبیعی در فرآیند تولید در عصر انقلاب ارتباطات و اطلاعات و کاهش هزینه‌های حمل و نقل و افزایش محتوای فناوری محصولات جدیدی که به بازار عرضه می‌شود، شرکت‌های فراملیتی بر آن شدند که اجزای فرآیند تولید خود را به چند جزء تقسیم کنند و هر جزء از زنجیره ارزش را در مکان‌هایی تولید کنند که دارای بیشترین کارایی باشد. آنگاه در مرحله نهایی با سرهم‌بندی (مونتاژ) قطعات مختلف و بسته‌بندی محصول نهایی آن را به بازارهای جهانی عرضه کنند. برای مثال این رویه در مورد تولید گوشی‌های هوشمند موبایل و قطعات خودرو مصداق دارد. در اینجا عوامل زیر در کشور میزبان برای آنها حائز اهمیت بیشتر است:

• دارایی‌های فناورانه، ابداعی و سایر دارایی‌های خلاقه

• زیرساخت‌های فیزیکی (بنادر، راه‌ها، برق و ارتباطات)

• نیروی کار ماهر و کم‌هزینه تعدیل شده بر حسب بهره‌وری

• هزینه نهاده‌های دیگر مانند هزینه حمل و نقل، ارتباطات به مقصد میزبان و از کشور میزبان به بازارهای هدف.

• عضویت کشور میزبان در سازمان تجارت جهانی.

• بدیهی است که برقراری نظام ارزی شناور تعادلی که ضامن رقابت‌پذیری کشور میزبان و نوسانات اندک نرخ ارز که موجب کاهش ریسک ارزی است، در این شیوه برای توسعه صادرات حائز اهمیت است.

نکته درخور اهمیت آن است که کشور ما در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی با جهت‌گیری بازار و منابع طبیعی دارای مزیت‌های انکارناپذیر است اما بسترسازی برای جذب نوعی از سرمایه‌گذاری که در جست‌وجوی کارایی است، نیازمند تهیه یک برنامه عمل مشخص از سوی سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی است. شایان ذکر است که این نوع سرمایه‌گذاری است که برای انتقال تکنولوژی و توسعه صادرات غیرنفتی ما حائز اهمیت اساسی است. ایران با داشتن نیروی انسانی متخصص و ارزان و وجود شرکت‌های دانش‌بنیان در رشته‌های مختلف، دارای مزیت‌های بالقوه برای جذب این نوع سرمایه‌گذاری است. اما فراهم کردن بسترهای نهادی و قانونی آن به مراتب دشوارتر از دو نوع سرمایه‌گذاری قبلی است.

«همزیستی مسالمت‌آمیز» پیش شرط اتخاذ رویکرد صادراتی

در ادبیات اقتصادی تاثیر تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. اما آنچه کمتر مورد عنایت قرار گرفته این است که نظم موجود جهانی یک نظام سلسله‌مراتبی از بازیگران اقتصادی و سیاسی است که هر یک از بازیگران آن درصد حداکثر کردن منافع خود است.

در عین حال این نظم جهانی تا جایی که به فعالیت‌های اقتصادی مربوط می‌شود از سوی شرکت‌های فراملیتی اداره می‌شود و دولت‌های کشورهای پیشرفته صنعتی تلاش می‌کنند از طریق

آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، کار این شرکت‌ها را تسهیل کنند. این دولت‌ها در عین حال از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و موسسات وابسته، قواعد بازی در محیط بین‌المللی را تنظیم می‌کنند.

این نظم جهانی که بر پایه نظام بازار سامان یافته، هژمونی خود را از طریق تبلیغ و ترویج یک سلسله ارزش‌های مورد وفاق کشورهای پیشرفته صنعتی برقرار می‌سازد. از آن جمله است ترویج مالکیت خصوصی و نظام بازار در برابر اقتصادهای دولتی، ترویج آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، پایبندی به حقوق بشر و دموکراسی و حل مناقشات بین‌المللی از طریق دیپلماسی و مذاکره.

با فروپاشی نظام‌های اقتصادی سوسیالیستی در جهان، تفوق ارزش‌های اقتصاد بازار و لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی بیش از پیش نمایان شده است. البته اگر این حربه‌ها کارگر نباشد نظام موجود جهانی می‌تواند به حربه تحریم و جنگ علیه کشورهایی که این نظم را نمی‌پذیرند، متوسل شود. شایان ذکر است که وابستگی متقابل اقتصاد کشورهای بزرگ عامل مهمی در از میان رفتن جنگ‌های گسترده امپراتوری‌ها شده است اما جنگ‌های محلی در دنیای در حال توسعه هنوز امکان‌پذیر است.

در اتخاذ سیاست خارجی باید شناخت علمی دقیقی از ساز و کار نظام بین‌المللی داشته باشیم. در این مورد تجربه کشورهایی همچون ژاپن، کره، چین و دیگر کشورهای در حال توسعه موفق در دوره بعد از جنگ جهانی دوم می‌تواند درس‌های بزرگی برای ما داشته باشد. ژاپن و کره جنوبی در دوره بعد از جنگ درصد مقابله‌جویی با نظام جهانی و غرب برنیامدند. چین نیز بعد از بر سر کار آمدن دنگ شیائوپینگ سیاست محاصمه‌جویانه قبلی خود را با غرب رها کرد و به سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز روی آورد. در واقع آوردگاه غرب و شرق بعد از جنگ جهانی دوم اساساً به حوزه رقابت اقتصادی برای تصرف بازار جهانی محدود شد. این کشورها با به دست آوردن قدرت اقتصادی روزافزون جایگاه بین‌المللی خود را ارتقا دادند و به شرکای تجاری قابل احترام غرب بدل شدند. امروزه اقتدار بین‌المللی چین، قدرت بازدارندگی و توان چانه‌زنی آن در سطح بین‌المللی متأثر از افزایش قدرت مالی و اقتصادی آن است. در واقع از دهه ۱۹۷۰ بدین سو به موازات افزایش سرعت جهانی‌شدن، سیاست خارجی نه تنها

در میان کشورهای صنعتی بلکه در میان کشورهای در حال توسعه نوظهور به اهمی برای افزایش ثروت ملی تبدیل شده است. قدرت کشورها امروزه نه بر اساس تعداد سلاح‌های کشتار جمعی و نیروی نظامی بلکه بر پایه اندازه تولید ملی و توان صادراتی آنها سنجیده می‌شود.

دولت ایران هر چند در سیاست خارجی خود موفق شده از تمامیت ارضی کشور حراست کند و از نظام سیاسی کشور نیز صیانت به عمل آورد، اما وارد مرحله بعدی یعنی تولید ثروت و قدرت نشده است و سیاست خارجی آن صرفاً در حوزه‌های امنیتی عمل کرده است. این در حالی است که سیاست خارجی کشور باید در خدمت تعامل سازنده تجاری و اقتصادی با جهان و بهره‌گیری هرچه بیشتر از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری قرار گیرد.

برای بهره‌گیری از این مزیت‌ها لازم است سیاست خارجی کشور در جهت کاهش خطرات امنیتی در سطح بین‌المللی و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در عرصه بین‌المللی به منظور حداکثرسازی منافع ملی هدایت شود. تنش‌زدایی از مناسبات بین‌المللی و همزیستی مسالمت‌آمیز امری است ضروری. اما دیدگاه‌هایی که بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی را تبلیغ می‌کنند در سطح جناح‌های سیاسی کشور قوی است. لذا برای پیشبرد رویکرد تعامل سازنده با جهان خارج کار فرهنگی سنگین در جامعه برای مجاب کردن مخالفان ضروری خواهد بود.

پیشبرد سیاست دموکراتیک در جامعه و وفاداری به حقوق شهروندی و معیارهای پذیرفته‌شده در کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌تواند به پیشبرد سیاست تنش‌زدایی کمک موثری کند. خوشبختانه دولت یازدهم به این مواضع وفادار است. اما نمی‌توان مصالح نظام را با حرکات ضد و نقیض در عرصه سیاست بین‌المللی به خطر انداخت. از این رو اتخاذ سیاست صحیح در عرصه بین‌المللی یک مساله است و مساله دیگر استمرار سیاست‌ها در بلندمدت است.

از برکات اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، کاهش خطرات امنیتی علیه کشور، حل مناقشه هسته‌ای در زمانی معقول، صرفه‌جویی در هزینه‌های دفاعی و بهبود تصویر ذهنی کشور در نزد جامعه بین‌المللی است. از جمله پیامدهای اقتصادی این سیاست می‌توان به رفع تدریجی تحریم‌های بین‌المللی و گسترش گردشگری اشاره کرد.

• بخش‌هایی از مقاله بهروز هادی زوز در هفته نامه تجارت فردا



1404

نقشه راه صنعت برق تا افق ۱۴۰۴

وزارت نیرو در سال ۹۲ برنامه راهبردی و اهداف و آرمان‌های خود در افق ۱۴۰۴ را منتشر کرد. این سند که تدوین چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، انسجام بخشی به برنامه‌ها و فعالیت‌ها و مستندسازی با نگاه به افق‌های دوردست صنعت آب و برق از اهداف گردآوری آن به شمار می‌رود مشتمل بر اسناد مأموریت، چشم‌انداز، ارزش‌ها و راهبردهای وزارت نیرو و بخش‌های «آب و آبفا»، «برق و انرژی»، «آموزش، پژوهش و فناوری» و «پشتیبانی صنعت آب و برق» و راهبردهای وظیفه‌ای وزارت نیرو در حوزه‌های ده گانه «منابع انسانی»، «ساختار و فرآیند»، «خصوصی‌سازی»، «فناوری اطلاعات و ارتباطات»، «مالی»، «مشترکین»، «توسعه صادرات»، «روابط بین‌الملل»، «روابط عمومی» و «مدیریت بحران و پدافند غیرعامل» است.

با توجه به اینکه در این شماره نشریه ستبران، چشم‌انداز اقتصاد کلان کشور و اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴ مورد بررسی قرار گرفته، انتشار بخش‌هایی از این سند که با عنوان «وزارت نیرو ۱۴۰۴- برنامه راهبردی» منتشر شده، خالی از لطف نیست. در این گزارش تنها راهبردهای کلان وزارت نیرو و سیاست‌های این وزارتخانه در حوزه برق انتشار یافته است:

راهبردهای وزارت نیرو

۱. تقویت توان و ارتقاء سطح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با تأکید بر؛
 ۱-۱. گسترش تعاملات و ارتقاء مشارکت ذینفعان در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی
 ۱-۲. تدوین، تصویب و اجرای قوانین جامع آب و برق کشور و به روزرسانی آنها
 ۱-۳. تدوین و استقرار برنامه‌های جامع آب و انرژی کشور
 ۱-۴. ایفای نقش اساسی در تدوین برنامه‌های آمایش سرزمین
 ۱-۵. اصلاح نظام برنامه‌ریزی عملیاتی و مدیریت طرح‌ها و پروژه‌ها
 ۱-۶. اعمال مدیریت به هم پیوسته آب در سطح ملی و حوزه‌های آب ریز
 ۱-۷. استقرار و ارتقاء نهاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و راهبری مؤثر آموزش، پژوهش و فناوری صنعت آب و برق و ایفاء نقش مؤثر در مراجع ذیصلاح راهبردهای وزارت نیرو
 ۲. استقرار و ارتقاء نظام پایش، ارزیابی و کنترل عملکرد براساس برنامه استراتژیک
 ۳. استقرار نظام قیمت‌گذاری، اصلاح شیوه نرخ‌گذاری و ساده‌سازی ساختار تعرفه‌ای خدمات با رویکرد تشکیل و استقرار نهادهای تنظیم مقررات و داوری به منظور ارتقاء بهره‌وری، استمرار خدمات و تحقق خوداتکایی مالی
 ۴. گسترش مشارکت و حضور بخش خصوصی و تعاونی در صنعت آب و برق با تأکید بر
 ۱-۴. انتقال مدیریت و مالکیت تأسیسات و سامانه‌های آب، آب و فاضلاب، برق و انرژی به بخش‌های خصوصی و تعاونی
 ۲-۴. بهبود فضای کسب و کار و تشویق بخش خصوصی و پشتیبانی از آنها به منظور سرمایه‌گذاری در صنعت آب و برق
 ۳-۴. ساماندهی و توسعه بازارهای آب و برق رو

راهبردهای وزارت نیرو

۴-۴. حمایت از بخش‌های خصوصی و تعاونی در جهت ارتقاء سطح کیفیت، کاهش قیمت تمام شده و زمان ارائه خدمات
 ۴-۵. استقرار نظام ارزیابی عملکرد بنگاه‌های خصوصی و تعاونی
 ۴-۶. جلوگیری از شکل‌گیری انحصار
 ۴-۷. تدوین و اعمال استانداردهای اجباری در صنعت آب و برق
 ۵. نهادینه‌کردن نظام مشتری‌مداری و حمایت از حقوق مشترکین با تأکید بر
 ۵-۱. بهره‌گیری از فناوری‌های جدید و اصلاح فرآیندهای موجود
 ۵-۲. استقرار نظام‌های پاسخگویی و پایش رضایت مشتریان
 ۵-۳. بهبود شاخص‌های کیفیت و کاهش قیمت تمام شده خدمات صنعت آب و برق
 ۶. ارتقاء مدیریت عرضه و تقاضا و اصلاح الگوی مصرف آب و برق با تأکید بر
 ۶-۱. ارتقاء بهره‌وری و استقرار نظام سنجش بهره‌وری آب و برق
 ۶-۲. اعمال سیاست‌های تشویقی و حمایتی راهبردهای وزارت نیرو
 ۶-۳. تدوین و اجرای استانداردهای مصرف آب و برق
 ۶-۴. پایداری و تعادل بخشی در عرضه و تقاضای آب با هدف کاهش بیلان منفی
 ۶-۵. برقراری تعادل منطقه‌ای بین عرضه و تقاضای برق
 ۶-۶. توسعه سامانه‌های هوشمند در مدیریت و بهره‌برداری شبکه‌های آب و برق
 ۶-۷. اصلاح نظام قیمت‌گذاری آب و برق
 ۶-۸. ارتقاء سطح فرهنگ و آگاهی‌های عمومی مصرف آب و برق
 ۷. ارتقاء سطح کارآمدی صنعت برق کشور با تأکید بر
 ۷-۱. توسعه ظرفیت‌های تولید، انتقال و توزیع برق متناسب با نیازهای مصرف مدیریت شده و نوسازی و بهینه‌سازی آنها
 ۷-۲. افزایش بهره‌وری تولید برق و ارتقاء بازده نیروگاه‌ها
 ۷-۳. کاهش تلفات در شبکه‌های برق در جهت نیل به سطح بهینه راهبردهای وزارت نیرو
 ۷-۴. ارتقاء توانمندی در تولید برق از انرژی‌های

نو و تجدیدپذیر

۷-۵. سازگاری زیست محیطی و ارتقاء ایمنی در فعالیت‌های صنعت برق
 ۷-۶. توسعه نظام مدیریت پروژه و مهندسی ارزش در طرح‌ها و پروژه‌های صنعت برق
 ۸. ارتقاء سطح کارآمدی بخش آب، استقرار و نهادینه‌سازی نظام بهره‌برداری، تخصیص، حفاظت و نگهداری از منابع و تأسیسات آبی
 ۹. ارتقاء سطح کارآمدی بخش آب و فاضلاب در تأمین آب شرب سالم و بهداشتی و تصفیه فاضلاب
 ۱۰. ارتقاء سطح دانش، پژوهش و فناوری در صنعت آب و برق با تأکید بر
 ۱۰-۱. استقرار مدیریت دانش و مدیریت دانش محور در بخش‌های وابسته
 ۱۰-۲. گسترش پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای و ارتقاء سطح تحقیق و توسعه
 ۱۰-۳. توسعه همکاری‌های مشترک با سازمان‌های مردم‌نهاد و مراکز علمی و پژوهشی داخلی و خارجی
 ۱۰-۴. تجاری‌سازی و مأموریت‌گرا کردن تحقیقات و نوآوری‌ها و حمایت از مالکیت معنوی
 ۱۰-۵. توسعه و تقویت مستمر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مراکز آموزشی و تحقیقاتی صنعت آب و برق
 ۱۰-۶. ایجاد نظام پایش تحولات علمی و فناوری مرتبط با صنعت در سطح بین‌الملل راهبردهای وزارت نیرو
 ۱۰-۷. شناسایی فناوری‌های نوین و انتقال و بومی‌سازی فناوری‌های دارای مزیت نسبی
 ۱۰-۸. ارتقاء نظام آموزش‌های عمومی، تخصصی و مدیریتی
 ۱۰-۹. توسعه شبکه خبرگان، نخبگان و متخصصین
 ۱۱. توسعه منابع انسانی صنعت آب و برق با تأکید بر
 ۱۱-۱. ظرفیت‌سازی، آموزش و توسعه توانمندی‌های منابع انسانی
 ۱۱-۲. اصلاح و ارتقاء نظام جذب و نگهداشت منابع انسانی
 ۱۱-۳. اصلاح و ارتقاء نظام ارزیابی عملکرد منابع انسانی
 ۱۱-۴. ارتقاء جایگاه مادی و معنوی متخصصان صنعت آب و برق
 ۱۱-۵. استقرار نظام پروانه صلاحیت حرفه‌ای
 ۱۱-۶. ارتقاء و توسعه نظام تأمین و پرورش مدیر
 ۱۲. توسعه روابط بین‌الملل و حضور مؤثر در مجامع، نهادها و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای راهبردهای

4041



وزارت نیرو و جهانی و ارتقاء سطح همکاری و هم افزایی برای تأمین منابع ملی

۱۳. توسعه مبادلات آب و برق و صادرات تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی با تقویت مؤلفه‌های رقابت پذیری ملی و بین المللی و استفاده از مزیت‌های نسبی و خلق مزیت‌های رقابتی پایدار

۱۴. تنوع بخشی به منابع مالی و تقویت توان مالی بخش‌های آب و برق با تأکید بر:

۱-۱۴. جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی

۲-۱۴. حمایت از تأسیس بانک تخصصی غیردولتی نیرو

۱۵. توسعه و استقرار نظام جامع و فراگیر اطلاعات مدیریت و ارتقاء سطح امنیت و کارآمدی آن

۱۶. توسعه مدیریت خطرپذیری و بحران و پدافند غیرعامل در صنعت آب و برق با رویکرد استمرار ارائه خدمات و کاهش آسیب‌پذیری منابع و تأسیسات با تأکید بر:

۱-۱۶. تعمیم ضوابط و دستورالعمل‌های مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در طراحی، راهبردهای وزارت نیرو ساخت و بهره برداری از تأسیسات صنعت آب و برق

۲-۱۶. طراحی و پیاده سازی نظام‌های پدافند غیرعامل و مدیریت بحران

۳-۱۶. آگاه سازی و توسعه فرهنگ مقابله با بحران

ماموریت، چشم‌انداز و راهبردهای بخش برق

چشم‌انداز بخش برق و انرژی وزارت نیرو در بخش برق با استفاده از منابع متنوع و در دسترس انرژی، مدیریت تقاضا، تکیه بر ساختاری منسجم و متخصصین توانمند و خلاق به گونه‌ای عمل می‌کند تا کشور در عرضه برق مطمئن و پایا و با کیفیت مناسب (در حد استانداردهای جهانی) سرآمد کشورهای منطقه شده و با ایجاد بسترهای لازم، دسترسی آزاد به

شبکه و رقابت منصفانه در بازار برق را میسر کند و جمهوری اسلامی ایران به عنوان مرکز راهبری شبکه برق در منطقه تثبیت شود.

راهبردهای بخش برق و انرژی

۱. بهبود فضای کسب و کار، توسعه خصوصی سازی و گسترش مشارکت و ارتقاء توانمندی بخش‌های خصوصی و تعاونی در حوزه برق و انرژی

۱-۱. ایجاد انگیزه و اطمینان برای سرمایه گذاری بخش‌های خصوصی و تعاونی

۲-۱. به حداقل رساندن فعالیت‌های تصدی بخش دولتی

۳-۱. ارتقاء بهره‌وری در فرآیند خصوصی سازی

۴-۱. تسهیل در سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و تعاونی و ایجاد بانک نیرو

۵-۱. حمایت از توسعه صادرات کالا و خدمات فنی و مهندسی برق

۶-۱. استقرار سازوکار اقتصادی-تجاری برای استفاده از قابلیت‌ها و فرصت‌های ICT و نظایر آن در صنعت برق

۲. بهبود فرآیند سیاست‌گذاری در بخش برق و انرژی

۱-۲. تهیه و تدوین برنامه جامع انرژی کشور

۲-۲. اعمال حاکمیت و نظارت بر فعالیت‌های بخش

۳-۲. گسترش تعاملات در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی

۳. ارتقاء و توسعه نظام مدیریت تقاضا و اصلاح الگوی مصرف انرژی در

بخش‌های مختلف با رویکرد کاهش شدت انرژی در کشور

۱-۳. جلب مشارکت مردم به منظور استفاده بهینه از برق

۲-۳. توسعه شرکت‌های خدمات انرژی غیردولتی در جهت بهینه سازی مصرف

۳-۳. تغییر در نظام پرداخت یارانه‌های برق، باتوجه به قانون هدفمند کردن یارانه‌ها

۳-۴. حمایت از توسعه حمل و نقل برقی

۳-۵. توسعه و ارتقاء سطح استانداردهای مصرف برق و تولید تجهیزات برقی

۳-۶. حمایت از مراکز پژوهشی و صنایع مرتبط به منظور توسعه فناوری‌های

جدید در راستای کاهش مصرف انرژی

۳-۷. اصلاح ساختار موجود جهت اعمال مدیریت تقاضا و کاهش شدت انرژی

۳-۸. توسعه سامانه هوشمند شبکه برق

۳-۹. استقرار نظام قیمت‌گذاری برق بر مبنای عرضه و تقاضا و توسعه بازار برق

۳-۱۰. ساده‌سازی تعرفه‌های برق

۴. اصلاح نظام مالی، تنوع بخشی، توسعه و جذب منابع مالی مورد نیاز برای توسعه صنعت برق

۴-۱. به روزرسانی ضوابط و مقررات به منظور تسهیل در تحصیل منابع

درآمدی جدید برای صنعت برق به ویژه استفاده چندمنظوره از تأسیسات صنعت راهبردهای بخش برق و انرژی

۴-۲. تنوع بخشی، مدیریت بهینه منابع مالی و تقویت توان مالی بخش با تأکید بر منابع غیردولتی و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی بخش برق و انرژی

متناسب با برنامه‌های توسعه

۵. ارتقاء سطح تحقیق و توسعه و فناوری بخش برق و انرژی

۵-۱. هدایت و حمایت از مراکز تحقیقاتی داخلی و شرکت‌های تحقیقاتی و با مشاوره‌ای غیردولتی

۵-۲. شناسایی و بررسی فرصت‌ها و مزیت‌های بخش

۵-۳. شناسایی، انتقال و بومی‌سازی فناوری‌های نوین و سازگار با محیط زیست

۵-۴. افزایش سطح تعامل بخش برق و انرژی با مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی توانمند و نهادینه‌سازی آن

۵-۵. بازنگری در نظام تعریف و ارجاع پروژه‌های تحقیقات کاربردی بخش

۵-۶. مطالعه و بررسی کاربرد روش‌های نوین انتقال و ذخیره سازی برق از جمله:

راهبردهای بخش برق و انرژی، ابررسانا، سیستم‌های انتقال برق با ولتاژ خیلی

- بالا (EHV)، سیستم های انتقال برق فشار قوی با جریان مستقیم (HVDC)، سیستم های انتقال برق متناوب انعطاف پذیر (FACTS)، باتری ها، هوای فشرده، هیدروژن و ...
۶. توسعه ظرفیت های تولید، انتقال و توزیع برق متناسب با نیازهای مصرف مدیریت شده و نوسازی و بهینه سازی آنها
۷. افزایش بهره‌وری تولید برق و ارتقاء بازده نیروگاه ها
- ۷-۱. توسعه کاربرد نیروگاه های با بازده بالاتر و اعمال هزینه های واقعی سوخت و هزینه های زیست محیطی در مناسبات مالی تولید و عرضه برق
- ۷-۲. به کارگیری فناوری مولدهای پراکنده، با تأکید بر تولید همزمان برق و حرارت و برودت
- ۷-۳. استقرار سازوکار اقتصادی- تجاری در بهینه سازی نیروگاه ها
- ۷-۴. استفاده از فناوری نوین و تجهیزیات با راندمان بالا
- ۷-۵. مدیریت بهینه بهره برداری از نیروگاه های برقی و افزایش هماهنگی آنها با تولید نیروگاه های حرارتی
- ۷-۶. تنوع بخشی در سوخت نیروگاه ها و توسعه ظرفیت های قانونی برای اولویت بخشی به تأمین سوخت نیروگاه ها
- ۷-۷. استفاده از انرژی حرارتی نیروگاه های مجاور یا داخل شهرها جهت مصارف منازل و واحدهای صنعتی
۸. توسعه مدیریت و منابع انسانی در بخش برق و انرژی
- ۸-۱. استقرار نظام پروانه صلاحیت حرفه ای
- ۸-۲. ارتقاء و توسعه نظام تأمین مدیر و جانشین پروری در کلیه سطوح صنعت برق
- ۸-۳. ارتقاء و توسعه نظام یادگیری فردی و سازمانی، با رویکرد مستندسازی و انتقال راهبردهای بخش برق و انرژی دانش و تجارب صنعت برق و استقرار و توسعه نظام مدیریت دانش
- ۸-۴. ارتقاء و توسعه نظام جذب، توانمندسازی و نگهداشت منابع انسانی متناسب با اهداف صنعت برق
۹. ارتقاء توانمندی در تولید برق از انرژی های نو و تجدیدپذیر
- ۹-۱. تمرکز بر تحقیق و پژوهش و بومی سازی فناوری در فعالیت های مربوط به تولید برق از انرژی خورشیدی و بادی در کشور
- ۹-۲. تخصیص درصد معین و فزایندهای از اعتبارات تحقیقاتی به بومی سازی فناوری های مرتبط با انرژی های نو و تجدیدپذیر
- ۹-۳. تعریف و اجرای پروژه های نمونه در زمینه انرژی های نو و تجدیدپذیر و تجاری سازی آنها
- ۹-۴. راهبردهای بخش برق و انرژی
- ۹-۵. جلب مشارکت مردم برای حمایت از تولید برق از انرژی های نو و تجدیدپذیر
- ۹-۶. تنظیم قوانین مناسب در بازار برق به منظور توسعه استفاده از انرژی های نو و تجدیدپذیر
۱۰. توسعه مبادلات منطقه ای برق
- ۱۱-۱. برقراری مناسبات قابل اتکا و شفاف در هزینه های سوخت و محیط زیست برای تولید برق صادراتی
- ۱۱-۲. حمایت از بخش خصوصی برای توسعه تجارت منطقه ای برق با توجه به بازارهای هدف و متناسب با ارزش افزوده ملی
- ۱۱-۳. افزایش ظرفیت تبادل برق با کشورهای منطقه و رفع موانع توسعه ظرفیت های تبادل سنکرون، متناسب با استانداردهای جهانی راهبردهای بخش برق و انرژی
- ۱۱-۴. اعطای مجوز صادراتی به تولیدکنندگان برق از منابع انرژی نو و تجدیدپذیر
۱۱. کاهش تلفات در شبکه های برق، در جهت نیل به سطح بهینه
- ۱۱-۱. اصلاح مقررات و ضوابط و توسعه سامانه های مناسب جهت جلوگیری از استفاده غیرمجاز از برق در شبکه های فشار ضعیف
- ۱۱-۲. استقرار سازوکار اقتصادی - تجاری در فعالیت های کاهش تلفات و هوشمندسازی شبکه
- ۱۱-۳. هماهنگی در طراحی و توسعه شبکه های فوق توزیع و توزیع برق
- ۱۱-۴. اصلاح معماری شبکه های توزیع
- ۱۱-۵. مدیریت بهینه سطح روشنایی معابر در طول مدت شبانه روز
۱۲. ارتقاء و توسعه نظام ارتباط و پاسخگویی مناسب به نیازها و انتظارات ذینفعان و بهبود شاخص های کیفیت خدمات به منظور احقاق حقوق شهروندی، تکریم مردم و ارتقاء راهبردهای بخش برق و انرژی رضایت آنان
۱۳. ارتقاء سطح کارآمدی و امنیت اطلاعات در بخش
- ۱۳-۱. استفاده بهینه از دستاوردهای نوین فناوری
- اطلاعات جهت حفظ امنیت و پایداری منابع اطلاعاتی و سیستم های عملیاتی صنعت برق
- ۱۳-۲. استفاده بهینه از ظرفیت های فناوری اطلاعات و ارتباطات صنعت برق جهت ارائه خدمات قابل دسترس از راه دور
- ۱۳-۳. ایجاد ارتباط ساختاری مناسب بین مراکز تصمیم سازی و بخش فناوری اطلاعات
- ۱۳-۴. استقرار و توسعه سیستم های یکپارچه اطلاعات مدیریت
- ۱۳-۵. توسعه نرم افزارها و بانک های اطلاعاتی
- ۱۳-۶. تقویت و توسعه زیرساخت های مخابراتی صنعت برق جهت پاسخگویی به نیازهای روزافزون حیاتی و اختصاصی این صنعت
۱۴. سازگاری زیست محیطی و ارتقاء ایمنی در فعالیت های صنعت برق
- ۱۴-۱. ارتقاء سطح ایمنی و سلامتی شهروندان در مقابل خطرات و مسائل زیست محیطی صنعت برق
- ۱۴-۲. الزامی کردن نصب سیستم زمین در کلیه تأسیسات صنعت برق و مشترکین
- ۱۴-۳. ارتقاء و توسعه نظام بهداشت، ایمنی و محیط زیست
- ۱۴-۴. تهیه طرح جامع زیست محیطی فعالیت های صنعت برق
- ۱۴-۵. ایجاد سامانه های پایش و کنترل آثار زیست محیطی بخش
۱۵. تقویت قدرت بازدارندگی و کاهش آسیب پذیری بخش با رویکرد استمرار ارائه خدمات
- ۱۵-۱. آگاه سازی و توسعه فرهنگ مقابله با بحران
- ۱۵-۲. طراحی و پیاده سازی نظام های پدافند غیرعامل و مدیریت بحران و خطرپذیری (ریسک)
- ۱۵-۳. برقراری تعادل منطقه ای بین عرضه و تقاضای برق و ایجاد شبکه های حلقوی
- ۱۵-۴. تنوع بخشی به منابع اولیه انرژی و فناوری های تولید برق
- ۱۵-۵. حصول اطمینان از تأمین سوخت نیروگاه ها
۱۶. توسعه نظام مدیریت پروژه و مهندسی ارزش در طرح ها و پروژه های صنعت برق
۱۷. به روز کردن قوانین مربوط به صنعت برق به ویژه برای مدیریت بهینه حریم تأسیسات و شبکه ها
۱۸. اصلاح و ارتقاء نظام ارزیابی عملکرد کارکنان، مدیران و سازمان با رویکرد توسعه نظام مدیریت عملکرد بر مبنای برنامه استراتژیک بخش



مقدمه‌ای بر اقتصاد مقاومتی

● مهدی زارع‌پور؛ مدیر دیپارتمان تحقیق و توسعه شرکت پرشین تابلو تابان

دغدغه آدمی برای دگرگون کردن وضع مادی زندگی خود در مسیر سودطلبی بیشتر و بیشتر. یکی از ابعاد توسعه، توسعه اقتصادی است و حکایت از فرایندی دارد که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور و در یک دوره طولانی مدت افزایش می‌یابد و طی آن، ظرفیت‌های تولیدی جامعه با تکیه بر گسترش به کارگیری و درونزایی دستاوردهای مدرن علمی و فنی، بیشتر می‌شود و رشد مداوم اقتصادی جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد آن ناشی از دگرگونی و تحول بنیان‌های اقتصادی سیاسی علمی و فرهنگی جامعه پدید می‌آید.

تحریم‌ها، آغاز جنبش تدوین الگوی بومی

از سال ۱۹۸۷ تا کنون دولت ایالات متحده آمریکا تحریم‌های متعددی را علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کرده است. بررسی دامنه اجرایی تحریم‌های اعمال شده از سوی دولت آمریکا نشان می‌دهد که این تحریم‌ها در گستره وسیعی از امور اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی، مدنی، بهداشت و درمان و... وضع شده‌اند. اتحادیه اروپا نیز در سال‌های اخیر و به منظور جلوگیری از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تحریم‌های

مقدمه

انگیزه دائمی پیشرفت که در انسان مدرن به صورت یک دغدغه درآمده است یکی از ارکان روح و تفکر مدرن است که صورت‌تئوریه اقتصادی-اجتماعی آن همانا طرح نظریه توسعه است و توسعه بیان دیگر همان نظریه پیشرفت و اصل ترقی تاریخی است. یکی از ابعاد توسعه، توسعه اقتصادی است و حکایت از فرایندی دارد که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور و در یک دوره طولانی مدت افزایش می‌یابد. همانگونه که می‌دانیم در سی سال گذشته دولت‌های غربی تحریم‌های مختلفی را علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کرده‌اند و مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۲ به تبیین اصول اقتصاد مقاومتی برای مقابله با این تحریم‌ها و رشد اقتصادی کشور پرداختند. دنیای مدرن ماهیتاً مبتنی بر سودجویی و کمیت‌انگاری و سوداگری است. در واقع انگیزه دائمی پیشرفت که در انسان مدرن به صورت یک دغدغه درآمده است یکی از ارکان روح و تفکر مدرن است که صورت‌تئوریه اقتصادی-اجتماعی آن همانا طرح نظریه توسعه است. توسعه بیان دیگر همان نظریه پیشرفت و اصل ترقی تاریخی است (که خود از ارکان جهان بینی عصر روشنگری بوده است)، یعنی ارایه تعبیری فرموله و عقلانی از یک

"ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند و یا این که ما عرض کردیم اقتصاد مقاومتی، این یک شعار نیست؛ این یک واقعیت است. کشور دارد پیشرفت می‌کند. ما افق‌های بسیار بلند و نویدبخشی را در مقابل خودمان مشاهده می‌کنیم. خوب، بدیهی است که حرکت به سمت این افق‌ها، معارضه‌ها و معارضه‌هایی هم دارد. بعضی از این معارضه‌ها انگیزه‌های اقتصادی دارد، بعضی انگیزه‌های سیاسی دارد، بعضی منطقه‌ای است، بعضی بین‌المللی است. این معارضه‌ها در مواردی هم منتهی می‌شود به همین فشارهای گوناگونی که مشاهده می‌کنید؛ فشارهای سیاسی، تحریم، غیر تحریم، فشارهای تبلیغاتی این‌ها هست لیکن در لایه لای این مشکلات، در وسط این خارها، گام‌های استوار و همت‌ها و تصمیم‌هایی هم وجود دارد که بنیاد استوار از وسط این خارها عبور کند و خودش را به آن نقطه‌ی مورد نظر برساند؛ وضع کشور الان به این شکل است." (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از محققان - ۱۳۹۲)



متعددی را در حوزه‌های تجارت خارجی، خدمات مالی، انرژی، فناوری، تکنولوژی و بیمه وضع نموده است. کشورهای دیگری نظیر استرالیا، کانادا، هند، ژاپن، کره جنوبی و سوئیس نیز طی سال‌های اخیر و به منظور همگرایی با سازمان‌های بین‌المللی و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران در جهت انصراف از پیگیری مطالبات قانونی خود، تحریم‌های گوناگونی را در بخش‌های مختلفی نظیر ارایه خدمات مالی، نظامی، مسافرتی، تکنولوژی، مبادلات الکترونیک، بانکداری، انرژی و... علیه ایران وضع نموده‌اند.

لذا به منظور مقابله با تحریم‌های بین‌المللی وضع شده در سال‌های اخیر و ایجاد راهکارهای مؤثر و عملی در جهت حداقل نمودن تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران، پایه‌گذاری و اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی برای نخستین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شده و در بهمن ماه ۱۳۹۲ به صورت "سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی" در بیست و چهار بند توسط ایشان ابلاغ گردید.

تحلیل محتوای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که این سیاست‌ها نقش تکمیل‌کننده و انسجام‌بخش برای مجموعه‌ی سیاست‌های کلی ابلاغ شده در حوزه اقتصاد را ایفا می‌کنند. همانطور که در ابتدای متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آمده است، این سیاست با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های متفاوت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درونزا، پیشرو و برون‌گرا است.

به عبارتی می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی شرایط بلند مدت اقتصادی را ترسیم می‌کند که در عین حال هم تعامل پویا با دنیای خارج داشته و هم توانایی مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی را نیز داراست. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف‌پذیری بالایی نسبت به شوک‌های وارده داشته باشد. برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی در بلند مدت باید برنامه‌ریزی‌های بلند مدت صورت گرفته و سیاست‌های اقتصادی به گونه‌ای اتخاذ شود تا اهداف تعیین شده، محقق شوند. اما اقتصاد مقاومتی در کوتاه مدت، در حقیقت برای گذر از شرایط بحران طراحی می‌شود. در چنین شرایطی، ضمن توجه به چارچوب‌های اولیه علم اقتصاد و عدم تخطی از آنها، ممکن است تصمیماتی اتخاذ شود که تنها برای گذر از شرایط بحرانی بوده و در بلند

مدت تطابق چندانی با مؤلفه‌های علم اقتصاد ندارند که در این میان می‌توان به دخالت دولت در برخی از بخش‌های اقتصاد نام برد. هرچند که این سیاست‌ها می‌توانند در طول سیاست‌های کلان و بلند مدت قرار گیرند، اما به نظر می‌رسد. برای شرایط بحران، سیاست‌های کوتاه مدت ضروری است و با عبور از بحران این سیاست‌ها می‌تواند در مسیر بلند مدت اقتصاد مقاومتی قرا گیرد.

از ویژگی‌های اساسی مدیریت اقتصادی موقت، داشتن الگوست. در ایران ما مسأله فقدان الگوی مشخص برای مدیریت اقتصاد، به ویژه در برخورد با شرایط چالش و بحران، به سادگی قابل درک است. آنچه به روشنی در واقعیت اقتصاد ایران دیده می‌شود آن است که سیاست‌های اقتصادی پولی، مالی، ارزی، بانکی، اشتغال و تولید بدون ارتباط منسجم و تعریف شده و بعضاً به صورتی کاملاً اقتضایی و موردی، آن هم پس از گسترش دامنه چالش‌ها، به کار بسته می‌شوند و از آنجا که ارتباط سیستمی مشخصی میان آن‌ها برقرار نیست، در بسیاری موارد یکدیگر را خنثی می‌کنند و در مجموع کارایی لازم را ندارند.

انعطاف‌پذیری اقتصادی (تئوری فنریت بریگاکلیو)

بریگاکلیو برای اشاره به توان سیاست از اصطلاحی به نام « فنریت اقتصادی » ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق) با آثار شوک‌های برون‌زای مخالف اقتصاد، استفاده کرده است. این اصطلاح با تعریفی که از آن شده، نزدیک‌ترین مفهوم به ادبیات مقاومتی رایج در کشور ماست. بریگاکلیو بیان می‌دارد که اصطلاح فنریت اقتصادی به دو مفهوم به کار می‌رود:

اول، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی

دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها

توان اقتصاد برای بهبود یافتن از آثار شوک‌ها مخالف به شدت محدود خواهد شد اگر برای مثال، کسری‌های مالی مزمن وجود داشته باشد. از طرف دیگر، این توان ارتقا خواهد یافت اگر ابزارهای سیاستی بتوانند برای خنثی‌سازی آثار منفی شوک‌ها مورد استفاده قرار گیرد، مانند موقعیتی که کشور از وضعیت مالی قوی برخوردار است و می‌تواند نخران احتیاطی یا تخفیف‌های مالیاتی را برای برخورد با

آثار منفی شوک‌ها است «تقابل با شوک» مورد استفاده قرار دهد. این نوع فنریت اقتصادی نوعی توانایی ایستادن در برابر شوک‌ها هنگامی متصور است که شوک‌ها خنثی یا ناچیز باشند. هم‌چنین این نوع فنریت هنگامی ممکن است که اقتصاد از مکانیسم‌هایی از آن به نام جذب شوک برخوردار باشد که آثار شوک‌ها را کاهش دهد. برای مثال، وجود بازاری انعطاف‌پذیر می‌تواند به عنوان ابزاری برای جذب شوک‌ها عمل کند.

برخی اهداف اقتصاد مقاومتی

۱) فعال‌سازی منابع مالی و به کارگیری سرمایه‌های انسانی در راستای توسعه کارآفرینی و همکاری‌های جمعی

۲) پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان و نظام نوآوری به منظور افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه

۳) ارتقای رشد بهره‌وری در اقتصاد با هدف تقویت تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری بین‌استانی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود در مناطق استانی کشور

۴) استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی

۵) افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص

۶) انجام برنامه‌ریزی صحیح برای ارتقا کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید

۷) اصلاح نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و تقویت بخش واقعی

۸) حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات با استفاده از اهرم‌هایی نظیر گسترش خدمات تجاری و ترانزیت، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی، ثبات روبه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف

۹) تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی

به‌اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه

نقش کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

خلاقیت به طور عام یعنی توانایی ترکیب‌اندیشه‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد یا ایجاد ارتباطی غیر معمول بین‌اندیشه‌ها یک سازمان که مشوق نوآوری است سازمانی است که دیدگاه‌های ناشناخته به مسایل یا راه‌حل‌های منحصر برای حل مسائل را ارتقا دهد. نوآوری فرایند کسب‌اندیشه‌ای خلاق و تبدیل آن به محصول و خدمت و یا یک روش عملیاتی مفید است.

به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان سرعت بالای رشد اقتصادی در بعضی کشورها ناشی از سرعت بالای نوآوری‌ها و اختراعات در این کشورها می‌باشد. به بیانی دیگر اصلی‌ترین محرک رشد و پیشرفت اقتصادی در بلندمدت تابع سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در حوزه اختراعات و نوآوری‌ها با جهت‌گیری خاص است. یعنی دو عامل اصلی می‌تواند منجر به جهش و رشد اقتصادی شود: اول افزایش ظرفیت خلاقیت، نوآوری و ابتکارات از طریق سرمایه‌گذاری در پژوهش‌ها و آموزش نیروی کار به طور پیوسته و دوم، ارتباط دادن پژوهش‌ها و آموزش‌ها با بازار و نیازها در یک اقتصاد باز ابداع و نوآوری، نه تنها به طور مستقیم رشد و توسعه اقتصادی را به همراه دارد بلکه به طور غیر مستقیم نیز از طریق اثر مثبت آن روی تجارت بین‌الملل باعث رشد اقتصادی می‌شود. در چند سال اخیر و با توجه به وضع نامناسب اشتغال در بخش دولتی، اقتصاد کشور نیاز اساسی به مسأله کارآفرینی دارد. یک سوم از تفاوت‌ها در نرخ رشد اقتصاد ملی را می‌توان به تفاوت در فعالیت‌های کارآفرینی نسبت داد. فعالیت‌های کارآفرینی می‌توانند تفاوت در رشد تولید ناخالص ملی در بین کشورها را توضیح دهند. هندرسون نشان می‌دهد که تأثیر قابل توجه کارآفرینان در سطح محلی بیشتر از طریق ایجاد اشتغال، ثروت و افزایش درآمد محلی و اتصال به اقتصاد محلی بزرگتر یعنی اقتصاد جهانی است. از طریق پژوهش و تحقیقات می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فعالیت‌های مولد کارآفرینی، منبع اصلی رشد اقتصادی است.

کارآفرینی، خلاقیت، نوآوری و کسب و کارهای مخاطره‌آمیز، سوخت موتور اقتصاد مدرن را فراهم می‌کنند. یعنی در هر سازمان اگر بستر کارآفرینی فراهم آمده و فرهنگ آن در سازمان ایجاد

شود اشتغال‌زایی ایجاد شده و عامل انتقال فن آوری خواهد بود. در صورتی که دو مقوله مدیریت دانش و تحقیق و توسعه در کنار هم، مرتبط و با هارمونی مطلوب مورد توجه قرار گیرند، با افزایش خلاقیت و نوآوری در سازمان توان رقابتی دائمی و رو به بهبود مستمر حاصل شده و این گونه ارتقا در سطح بنگاه‌های اقتصادی، توسعه پایدار کشور را به دنبال خواهد داشت.

نقش تولید و صنایع کوچک در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

بر اساس دیدگاه‌های موجود، این دسته از صنایع را می‌توان به عنوان منبع قابل اتکالی برای اشتغال‌زایی و رشد تولیدات به شمار آورد. اهمیت (Small & Medium Size Enterprises) (SME) به دلیل تأثیری که این بنگاه‌ها در کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه روستایی بر جای می‌گذارند، در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی نیز نمود می‌یابد. لذا اهمیت و جایگاه SME موجب شده تا در بسیاری از کشورها، دولت‌ها به منظور توسعه‌ی ظرفیت تولید و فعالیت SME، برنامه‌های مختلفی را در جهت حمایت از این بنگاه‌ها به اجرا گذارند. در ایران نیز صنایع کوچک و متوسط به دلیل مشارکشان در بهبود و ارتقای برخی شاخص‌های هم اقتصادی نظیر تولید، صادرات، ارزش افزوده، اشتغال مولد، بهره‌وری و... از اهمیت قابل توجهی برخوردار هستند.

از سویی وضع تحریم‌های بین‌المللی اخیر که در راستای پیگیری مطالبات قانونی ایران در حوزه مسایل هسته‌ای رخ داده و به دنبال آن ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (که با هدف توجه به توانمندی‌های داخلی صورت پذیرفته است)، ضرورت توجه جدی به این صنایع را به عنوان منشا پویایی، خلاقیت، نوآوری و توانمندسازی اقتصاد، بیش از پیش تبیین می‌کند. این اهمیت تا آنجایی است که در ده بند از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به افزایش تولید داخلی، ایجاد اشتغال مولد، به کارگیری سرمایه‌های انسانی در بخش‌های تولیدی، کاهش شدت مصرف انرژی، ارتقای بهره‌وری و... اشاره شده است.

بنگاه‌های کوچک و متوسط امروزه نه تنها در کشورهای پیشرفته صنعتی، بلکه در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور نیز منشأ پویایی،

خلاقیت و انعطاف‌پذیری به حساب می‌آیند. بخش اعظم ایجاد اشتغال خالص در کشورها توسط SME صورت گرفته و SME در افزایش خلاقیت، بهبود بهره‌وری و تشویق رشد در کشورهای مختلف خدمات ارزنده‌ای را انجام می‌دهند. در کشورهای در حال توسعه نیز SME به دلیل دارا بودن شاخصه‌هایی نظیر ایجاد اشتغال، بهبود در توزیع درآمد، کاهش فقر، رشد صادرات محصولات صنعتی و توسعه کارآفرینی نقش مهمی را در اقتصاد این کشورها ایفا می‌کنند.

یکی از مزایای قابل توجه SME، قابلیت انعطاف‌پذیری بیشتر آن‌ها نسبت به بنگاه‌های بزرگ است. به عقیده برخی توریسین‌های اقتصادی، SME در صنایع و اقتصادهایی که به سرعت در معرض تغییرات شرایط بازار قرار می‌گیرند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. لذا اهمیت توجه به SME در اقتصاد کشورهای در حال توسعه که طی سالیان اخیر با بحران‌های شدید اقتصادی مواجه بوده‌اند، ضرورت خود را بیش از پیش نشان می‌دهند.

همانگونه که از مطالب فوق بر می‌آید، بخش قابل توجهی از برنامه‌های ارایه شده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در راستای افزایش توان تولید داخلی، استفاده بهینه از ظرفیت‌های داخلی و توسعه فعالیت‌های تولیدی و کارآفرینی تعریف شده است. توسعه‌ی سرمایه‌های انسانی و تخصیص بهینه‌ی منابع مالی به بخش‌های نیازمند اقتصادی، ارتقای سهم دانش در فعالیت‌های تولیدی به منظور افزایش سهم تولید و صادرات بنگاه‌ها، رشد بهره‌وری با هدف ارتقای تولید، اشتغال و رقابت‌پذیری بنگاه‌های تولیدی، اجرای برنامه‌های زیر ساختی با هدف ارتقای کیفیت تولید محصولات، استفاده از ساز و کارهای مناسب به منظور جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تنوع بخشی در بازارهای جدید، ثبات رویه‌ها و مقررات و... که از مواد مطروحه در این قانون به شمار می‌روند، از جمله مهم‌ترین اهدافی هستند که می‌توان با ارتقای سطح فعالیت و عملکرد صنایع کوچک و متوسط در جهت تحقق آن اهداف اقدام کرد.

نقش مدیریت هزینه در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

"مسأله مدیریت مصرف (مدیریت هزینه)، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است، یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی. هم دستگاه‌های

دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم باید به این مسأله توجه کنند، که این واقعا جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است، انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد. یک بُعد دیگر این مسأله‌ی تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم، این را همه‌ی دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند و این موضوع باعث شکل دادن به اقتصاد ملی است، که این‌ها می‌تواند هم رونق ایجاد کند در تولید، در اشتغال و هم موجب رفاه شود، این‌ها مایه‌ی رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه‌ی اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین المللی پیدا می‌کند. این کار بایستی به انجام برسد."

(بیانات مقام معظم رهبری در جمع محققان - ۱۳۹۲)

کند. فلسفه و نگرش «مدیریت هزینه» متشکل از مجموعه‌ای از ابزار و تکنیک‌هاست که می‌تواند به تجزیه و تحلیل جامع تصمیمات مدیریت بپردازد و در هر مورد تصمیمات مدیریت را پشتیبانی کند. مجموعه ابزار و تکنیک‌های «مدیریت هزینه» که به پیشبرد اهداف و برنامه‌ها یاری می‌رساند «سیستم مدیریت هزینه» نامیده می‌شود.

اهداف اقتصاد مقاومتی یکی از موانع تحقق

امروزه یکی از مشکلات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، بالا بودن حجم اقتصاد زیرزمینی است. عاملی که باعث کاهش کارایی سیاست‌ها و انحراف در سیاست‌گذاری‌ها در سطح کلان خواهد شد و تأثیر نامطلوبی بر اقتصاد کشور داشته و در کشور ما نیز این مسأله می‌تواند به مانعی در جهت رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی تبدیل شود. در هر اقتصادی متناسب با نوع قانون و حکومت آن جامعه برخی فعالیت‌ها مشروع شناخته شده و برخی دیگر نامشروع هستند. فعالیت‌های اقتصادی که در قالب قانون یک کشور قرار نگیرد، مفهوم اقتصاد سیاه دارد. وجود بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی که در محاسبات ملی وارد نمی‌شوند می‌تواند باعث انحراف در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در سطح کلان شود و کارایی سیاست‌ها را شدیداً کاهش دهد. بنابراین در چند سال اخیر، اقتصاد سیاه و موضوعات مرتبط با آن، ذهن بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی در سراسر دنیا به ویژه در کشورهای توسعه یافته را به خود معطوف داشته و تعیین‌اندازه عوامل مؤثر در ایجاد اقتصاد سیاه و از بین بردن این عوامل برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، امری ضروری است.

از نظر مفهومی، اقتصاد سیاه شامل آن دسته از فعالیت‌هایی است که به منظور قانونی یا غیر قانونی انجام می‌شود و درجایی ثبت نمی‌شود. به کارگیری واژه‌های بسیار متنوع، مانند اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد سایه‌ای، اقتصاد موازی، اقتصاد غیر رسمی و اقتصاد ثبت نشده، با تعاریف یکسان یا دارای هم پوشانی زیاد، از جمله نشانه‌های این نابسامانی است. اقتصاد سیاه بخشی از فعالیت اقتصادی است که خارج از نظارت دولت و نظام مالیاتی قرار می‌گیرد. فرار مالیاتی، تقلب در پرداخت عوارض گمرکی و هزینه تأمین اجتماعی، فروش محصولات غیراستاندارد و عدم رعایت حقوق مالکیت معنوی

(حق انحصاری تکثیر)، جرایم سازمان یافته مانند پولشویی، قاچاق، رشوه خواری، کلاهبرداری‌ها اقتصادی، اختلاس، تهیه و مبادله مواد مخدر، مشروبات الکلی و سلاح‌های گرم، پول تقلبی و برخی مبادلات پول و ارز و ... مثال‌هایی از اقتصاد سیاه‌اند. مفاهیمی چون اقتصاد پنهان، غیر رسمی، نامشهود، سایه و زیر زمینی و اقتصاد موازی معادل اقتصاد سیاه هستند.

سخن پایانی

از سال ۱۳۹۲ تا کنون، یکی از اساسی‌ترین محورهای سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، به عنوان تعیین کننده خط مشی کلی نظام، مبحث اقتصاد مقاومتی بوده و هست، چنانکه می‌بینیم واژه ی "اقتصاد"، یکی از کلید واژگان نامگذاری سالیانه شده است.

اما نکته ی مهم در این خصوص، واکنش دولت‌ها به این حساسیت بوده و طرح این سؤال که آیا مسئولین امر، آنچه را که ما می‌دانیم و در قالب مقاله، سرمقاله، و... منتشر می‌کنیم، نمی‌دانند؟!

در برگزاری جلسات سخنوری، سمینارهای عریض و طویل، ارایه گزارشات و...، ید طولای و عزم راسخ ملاحظه می‌شود، اما ناگهان شنیدن خبر بحث بر سر واردات خودروهای آمریکایی، اختلاس و... در شرایطی که بنگاه‌ها، صنایع کوچک و بزرگ اقتصادی و تولیدی هر روزشان تبدیل به نبردگاه با مشکلات شده (آنهم مشکلاتی که بعضاً دولت آنها را پدید آورده) و آنچه در توان دارند می‌گذارند که تنها "باقی" بمانند، آب سردی است بر پیکر آنان که رؤیای عظیمشان، صنعت است و صنعت!

"نفس اهتمام آقایان به امر مبارزه با فساد را تحسین می‌کنم، لکن این سمینار و امثال آن بناست چه معجزه‌ای بکند؟ مگر وضعیت برای شما مسئولان سه قوه روشن نیست؟ با توجه به شرایط مناسب و امیدبخشی که از لحاظ همدلی و هماهنگی و همفکری بین مسئولان امر وجود دارد، چرا اقدام قاطع و اساسی انجام نمی‌گیرد که نتیجه را همه بطور ملموس مشاهده کنند. توقع من از آقایان محترم این است که چه با سمینار و چه بدون آن، تصمیمات قاطع و عملی بدون هرگونه ملاحظه‌ای بگیرند و اجرا کنند."

پیام مقام معظم رهبری به همایش ملی ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد - ۱۳۹۳



اخیرا با تمدید داماتو اظهارنظرهای مردم و بسیاری از مسئولان کشور حاکی از آن است که امریکا در تعهدات خود نسبت به برجام کارشکنی کرده و احتمالا قرار نیست در مناسبات اقتصادی با ایران رویکرد سازشکارانه از خود بروز دهد. در این میان برخی از صاحب‌نظران معتقدند با وجود اینکه داماتو نشان از غرض‌ورزی سیاستمداران امریکایی و بی‌وفایی آنان نسبت به برجام دارد؛ ولی نقض مفاد و مصوبات برجام نیست و هنوز تا ناامید شدن از این معاهده بین‌المللی فاصله‌ای زیاد داریم. اما واکنش درست چیست و ایران چگونه می‌تواند به‌گونه‌ای عمل کند که حتی در این آوردگاه حساس منافع خود را تضمین کند؟ در این شماره غلامرضا حیدری، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس دهم شورای اسلامی در گفت‌وگو با سستبران به این سوال پاسخ می‌دهد.



● گفت‌وگو با غلامرضا حیدری؛ نماینده مجلس دهم

اقتصاد نامرتقی، رابطه صفر و یکی،

از دیدگاه شما در حال حاضر چالش‌های اصلی اقتصاد ایران چیست؟

نامساعد بودن فضای کسب‌وکار از مهم‌ترین چالش‌های کنونی اقتصاد ایران است که یکی از فاکتورهای مهم آن رقابتی نبودن فعالیت اقتصادی است. تازمانی که فضای کسب‌وکار رقابتی نشود، طبیعی است که بخش خصوصی نخواهد توانست جایگاه واقعی خود را باز یابد. فضای رقابتی برای بخش خصوصی همچون آب و ماهی است و زمانی که این فضا محقق نشود کسانی که دسترسی نزدیک‌تر به اطلاعات و منابع رانتی دارند، میدان‌داران اصلی خواهند شد و این شرایط در مواقعی که یکی از بازیگران اصلی فضای کسب‌وکار دارای ابزارهای مانند زندان و سلاح و رسانه‌های بی‌حد و حصر باشد پررنگ‌تر می‌شود.

یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌ها پایین بودن بهره‌وری است. ما در برنامه‌های گوناگون برای رسیدن به یک بهره‌وری قابل قبول هدف‌گذاری

کرده‌ایم، اما کماکان با بهره‌وری تعیین‌شده فاصله داریم؛ مثلا در برنامه ششم توسعه رشد سالیانه ۸ درصد در نظر گرفته شده است که قرار است حدود ۲/۸ دهم آن از محل بهره‌وری کل عوامل تولید باشد. برخورداری از بهره‌وری قابل قبول، الزاماتی نظیر فضای رقابتی و دارا بودن از تکنولوژی‌های به‌روز را می‌طلبد.

ما صادرات غیرنفتی را به‌عنوان یکی از الزامات مهم کشور تعیین کردیم که در ابلاغ‌های مقام معظم رهبری در رابطه با اقتصاد مقاومتی و ابلاغیه ایشان در خصوص سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه بر آن تاکید شده است. لازمه حضور فعال در بازارهای جهانی روابط حسنه با سایر کشورهاست که برخی از آن‌ها خواه‌ناخواه نقش بسیار کلیدی دارند و حتی گاهی به‌مثابه یک گلوگاه عمل می‌کنند. واقعیت این است که اکنون تمرکز بیشتر ما روی کشورهای روسیه و چین است. این تمرکز ما را از داشتن تکنولوژی‌های به‌روز دنیا بی‌بهره می‌سازد و

ضمناً مانع از این می‌شود که ما سهم قابل توجهی از بازارهای جهان را به دست آوریم. چالش دیگر جذب سرمایه است. در برنامه ششم توسعه منابع مالی خارجی سالانه بیش از ۱۶۰ هزار میلیارد تومان است. جذب این میزان سرمایه در خلاء رخ نخواهد داد و نیازمند ارتباطات و بسترسازی است. اگر این ارتباطات محقق نشود، این اعداد و ارقام تنها روی کاغذ باقی مانده و به عنوان مصوبه مجلس مطرح می‌شوند اما نتیجه کار درست مانند فاصله قابل توجهمان با هدف گذاری‌های انجام شده در سند چشم‌انداز بیست ساله، برنامه‌هایی است که اجرای آنها غیرممکن به نظر می‌رسد.

یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌های کنونی اقتصاد ایران نبود تعادل منطقی میان پهنه شرقی و غربی کشور به لحاظ جمعیت، خدمات، امکانات، زیربناها و ... است. عدم تعادل حاکم بر غرب و شرق، کلان‌شهر تهران با سایر شهرها و روستاها و همچنین ساحل جنوبی با ساحل شمالی کشور یک چالش اساسی محسوب می‌شود. ما اوایل انقلاب گمان می‌کردیم اگر آب لوله‌کشی، برق، بهداشت، گاز جاده آسفالت و ... را به روستاها ببریم می‌توانیم باعث ماندگاری جمعیت در روستاها شویم، اما با این حال بسیاری از روستاها تخلیه شدند. در واقع مولدترین اقشار جامعه که نه تنها می‌توانند نیازمندی‌های خود را تامین کنند، بلکه نیاز شهرها را هم پاسخگو خواهند بود، مهاجرت کرده و حاشیه‌نشین شهرها شده‌اند و این خود به معضلی برای اداره کشور تبدیل شده و ممکن است روزی به یک بحران تبدیل شود.

صنعت برق ایران روزی یکی از مستحکم‌ترین صنایع کشور بود و نه تنها خود را اداره می‌کرد؛ بلکه به بخش آب وزارت نیرو نیز از سوی صنعت برق کمک می‌شد. اکنون این صنعت یکی از بدهکارترین صنایع کشور است. یارانه نقدی یکی از مشکلات این صنعت بود که به جای اینکه تنها به مستمندان و نیازمندان اختصاص یابد، به آزاری بیش از جمعیت رسمی کشور تعلق گرفت.

البته قیمت حامل‌های انرژی مقداری بالا رفت اما عدم تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها باعث شد از درآمد برق کمک گرفته شود و جریان یارانه‌ها تبدیل به یک نوع طنز شد.

یکی از مولفه‌های فلسفه وجودی دولت‌ها کمک به اقشار آسیب‌پذیر است، اما این هدف که می‌تواند سبب‌ساز رضایتمندی مردم یک کشور شود، کشور ما را به شرایطی رسانده که از سوی مردم راضی نیستند و از سوی دیگر بدهکاری‌ها روزبه‌روز بیشتر می‌شود. بسیاری از بستانکاران وزارت نیرو پیمانکاران جزئی هستند که از بانک وام و تسهیلات اخذ کرده‌اند و خبرها حاکی از آن است که بسیاری از آنان گرفتار قانون و زندان شده‌اند.

نکته مهم دیگر این است که هزینه‌های ما در مجموع بسیار بیشتر از درآمدها شده است. در مقطعی از زمان کار دولت‌های گذشته آنقدر به دستگاه‌های دولتی نیروی انسانی تزریق شد که اکنون هزینه‌های جاری ما به هزینه‌های عمرانی نزدیک شده است. این موضوع بدترین لطمه را به بهره‌وری می‌زند.

همواره مهم‌ترین منبع مالی ما نفت بوده است که قیمت آن کاهش یافت و از سوی دیگر تحریم ما را مورد صدمات مداوم قرار می‌داد و حتی در رابطه با نفتی که به فروش می‌رساندیم با مشکل برگشت سرمایه مواجه بودیم. تحریم بانکی هزینه‌های ما را بالا می‌برد و ما را گرفتار دلال‌ها، صراف‌ها و به اصطلاح تکنولوژی‌های دور زدن تحریم‌ها می‌ساخت. اکنون تعداد زیادی شرکت تحت عنوان دور زدن تحریم‌ها تاسیس شده است و تمامی اینها عواملی هستند که هزینه‌ها را در کشور بالا می‌برند.

منابع ما کک‌ش این هزینه‌ها را ندارند. باید کسب‌وکار رونقی داشته باشد تا گزینه‌هایی همچون مالیات مشکلات را حل کنند؛ در غیر این صورت به ضرب و زور نمی‌توان از مردم پول درخواست کرد. فشار بر کسبه سبب ایجاد شرکت‌هایی می‌شود که به صورت زیرزمینی فعالیت می‌کنند و از پرداخت مالیات فرار می‌کنند.

از مجموع سخنان شما برمی‌آید که ریشه تمام مشکلات اقتصادی ما در مدیریت ناهماهنگ است. آیا این نتیجه‌گیری درست است؟

بله، اکنون به عنوان مثال در ساختار قدرت همه مسئولیت‌ها متوجه دولت است، اما اختیارات آن به اندازه مسئولیت‌هایش نیست. در مدیریت باید مسولیت با اختیارات تناسب داشته باشد. از سوی دیگر قدرت نظارتی مجلس و پاسخگویی دولت در قبال مجلس نیز باید تقویت شود.

فضای کلان اقتصاد ایران چه فرصت‌های مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی دارد؟

سرمایه‌گذار باید ورای همه مسائل احساس امنیت داشته باشد. ضمناً بحث بازدهی سرمایه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. وقتی ما در چالش مداوم با جهان به سر بریم، نمی‌توانیم به قدر کافی جذب سرمایه داشته باشیم. البته در زمینه صنعت برق ما مزیت‌هایی داریم و به هر حال انرژی ما نسبتاً ارزان‌تر است. کودتای نافرجامی که در یک سال گذشته برای ترکیه به وجود آمد زمینه‌ای ایجاد کرد تا سرمایه‌گذاران ترک به سمت ایران سوق پیدا کنند و رفت‌وآمدهایی صورت گرفت اما در عمل اطلاع ندارم چه پیش آمد.

چرا تا الان نتوانسته‌ایم تجارب پر تعداد موفقیت در جذب سرمایه‌های خارجی داشته باشیم؟

یکی از عوامل آن بی‌اعتمادی خارجی‌هاست. باید فضای عمومی کشور آرام نگه داشته شود. کسانی که از بیرون به کشور نگاه می‌کنند باید شاهد یک صدایی، یکپارچگی و به هم پیوستگی همه اجزای کشور باشند. پیشرفت کشور نیازمند نگاه توسعه‌ای است. رویکرد حذفی و نظامی‌گری هزینه‌های خود را دارد.

یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های هر ملتی اعتماد عمومی است که اگر خدشه‌دار شود، کشور با مشکل مواجه می‌شود. رسانه‌ها رکن چهارم دموکراسی محسوب می‌شوند و این بدان معناست که اگر قرار است با فساد مقابله شود، نقش اصلی با رسانه‌های آزادی است که بیش از هر چیز نیاز به امنیت دارند.

امریکا با قدرت خود نبض بسیاری از صنایع را در اختیار خود دارد. هنر کار همین جا است که از نگاه صفر و یکی پرهیز کنیم، به عقیده من به همان میزانی که امریکا به ایران نیاز دارد، ایران نیز نیازمند امریکا است و در واقع دنیا بر همین طریق است. به همان میزانی که تلاش داریم رابطه خود را با شرق حفظ کنیم، باید راهکارهایی را بیابیم که رابطه خود را با غرب و امریکا نیز بهبود دهیم. من هنوز توجیه نیستم که چرا به فاصله چند روز پس از قبول برجام باید نسبت به پرتاب موشک اقدام می‌کردیم. سیاست بسیار پیچیده است. تدبیر

ایجاب می‌کند تا حد توان از افتادن در تله‌های گوناگون جلوگیری کنیم.

باتوجه به اینکه به‌نظر نمی‌رسد به این زودی به یک مدیریت هماهنگ در کشور دست یابیم، در شرایط فعلی و با در نظر گرفتن همین مدیریت ناهماهنگ کنونی از دست دولت چه کاری برمی‌آید؟

تصور می‌کنم یکی از مهم‌ترین الزامات، تمرکز روی کاستن از هزینه‌های غیرضروری در اداره کشور است. اموال عمومی نباید به‌منزله یک سفره برای همه باشد که هر کس بخواهد سهم بیشتری از آن بردارد. هزینه همه دستگاه‌ها به‌نسبت اثربخشی و بازدهی آن‌ها بسیار سنگین است و صداوسیما و دستگاه‌های نظامی و انتظامی در این راستا مثال‌های خوبی هستند. در تخصیص بودجه باید اولویت‌بندی صورت گیرد و درآمد محدودی که داریم می‌بایست به یک نسبت معقول بین اولویت‌ها تقسیم شود.

من معتقد صنعت برق کشور یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها است. گمان من این بود که پیچیدگی صنعت آب بیش از برق است اما طی تبادل نظر با اساتید جامعه‌شناسی به این نتیجه رسیدم که پیچیدگی صنعت برق و حساسیت آن از نظر مسائل اجتماعی و امنیتی بیشتر است. حال که از حساب صنعت برق به‌گونه‌ای برداشت شده که از اداره روزمره خود نیز بازمانده است، باید توجه جدی به آن شود.

البته ما خاطره خوبی از گران کردن کالاها و برق نداریم و این کار فشار بیشتر بر گرده مردم را به دنبال خواهد داشت. به‌رحال در این قیمت‌ها دلار نقش کلیدی دارد و باید با یک منطق درست ارزیابی شود. درست است که قیمت دلار یک بحث اقتصادی است اما واقعیت این است که عوامل غیراقتصادی مثل سیاست نقش بیشتری در آن دارند. به‌رحال اگر از سوی حاکمیت توجهی به‌موقع به صنعت برق نشود، شاید برق به سمتی پیش رود که به تهدیدی غیرقابل کنترل تبدیل شود.

باتوجه به اینکه بودجه صنعت برق کشور اندک و ناکافی است و از سوی دیگر بودجه برخی از بخش‌ها نظیر بخش فرهنگی با در نظرگیری عملکرد آنها بسیار زیاد است، از نظر شما آیا امیدی

هست و آیا لازم است در بودجه‌های آتی تجدیدنظری در این خصوص صورت گیرد؟ من در این مجلس نمی‌بینم تغییر خاصی در برنامه بودجه اتفاق بیفتد؛ چراکه در زمان بودجه گرفتن لشگرکشی‌های خاصی را شاهد هستیم. با این حال گمان من این است که بودجه ۹۶ بهتر از سال ۹۵ باشد.

وانگهی اگر هم فرض کنیم به بخش‌هایی که نیاز بیشتری دارند، ردیف بودجه تعلق گیرد و زمان تخصیص هم به بخش مزبور بودجه تخصیص بیاید، وقتی خزانه خالی است این کار چه فایده‌ای خواهد داشت؟ این یک فرآیند است که تمام قطعات آن باید هماهنگ باشد. بایستی میان منابع مالی و هزینه‌ها موازنه وجود داشته باشد.

من باور دارم که دستگاه‌های مختلف به‌نسبتی که تحت‌عنوان کارهای فرهنگی بودجه می‌گیرند، اثربخشی ندارند و ملموس‌ترین تبعات آن ناهنجاری در بحث اعتیاد، طلاق، زندان‌ها، وضعیت ظاهری پوشش مردم و ... است. متأسفانه دستگاه‌ها تنها در گرفتن بودجه اهتمام دارند و باقی کار را تعطیل کرده‌اند. بسیاری از سازمان‌ها زمان بررسی بودجه از سوی مجلس، از ما برای بازدید دعوت به‌عمل می‌آورند و بخش‌های سخت‌افزاری خود را به نمایش می‌گذارند تا دلیلی بر اثربخشی آنها باشد اما کاملاً مشخص است که آن‌اندازه که بودجه تخصیص یافته است، فرهنگ مردم تغییر چندانی نکرده است. ناگفته نماند که سندیکا و تشکل‌های مشابه می‌توانند در راستای ایجاد فضای گفت‌وگو برای تغییر ردیف‌های بودجه نقش موثری داشته باشند.

ما تا دستیابی به اهداف و آرمان‌های تصویرشده در افق ۱۴۰۴ فاصله بسیاری داریم. فکر می‌کنید آیا ظرف یک دهه باقیمانده، می‌توانیم این فاصله را جبران کنیم؟

بعید به نظر می‌رسد؛ ولی ما مزیت‌هایی داریم که اگر بسترهای استفاده از آن‌ها فراهم شود، ممکن است تا افق ۱۴۰۴ به آرمان‌هایی که تصویر شده است دست یابیم. مثلاً ما در زمینه گردشگری پتانسیل‌های زیادی نظیر آب‌وهوا و میراث فرهنگی داریم. یا در بحث پتروشیمی ظرفیت‌های خوبی داریم اما همه اینها در گرو این است که روابط خارجی ما واقع‌بینانه باشد.

ما باید با غرب تعامل مثبت داشته باشیم. تمرکز ما باید بر منافع ملی در درازمدت باشد؛ حتی اگر کارشکنی از سوی آنان را شاهد باشیم.

بگذارید برای شما خاطره‌ای در این زمینه بگویم. من در مجلس دوم و سوم نیز نماینده مردم بودم. در آن سال‌ها حضرت امام (ره) به‌عنوان سکان‌دار کشور مردم را به رفتن به جبهه‌ها و ایستادگی تا آخرین نفس تشویق می‌کردند و این کار تا نزدیک پذیرش قطعنامه نیز ادامه داشت. من آن زمان در هیات ریسه مجلس فعالیت می‌کردم و خبرهایی که می‌رسید حاکی از آن بود که حتی برای تامین مواد غذایی سربازان بودجه وجود ندارد؛ تا چه رسد به مهمات و تجهیزات جنگی. مقامات رسمی کشور نظیر ریاست سازمان برنامه و بودجه این شرایط را به‌صورت مکتوب به اطلاع امام (ره) رساندند و آنگاه همه شاهد بودند امام که تا دیروز آنقدر قاطع به عدم پذیرش قطعنامه اصرار داشتند، چگونه با نگاهی واقع‌بینانه به‌خاطر منافع ملی از رای خود بازگشتند و قطعنامه را به‌عنوان یک جام زهر پذیرفتند.

خاطره دیگر من به زمان مقام معظم رهبری بازمی‌گردد که من در مجلس سوم مشغول بودم و امریکا به‌دنبال حمله عراق به کویت، به عراق حمله کرده بود. یک دیدگاه در مجلس شورای اسلامی وجود داشت مبنی بر اینکه اکنون جنگ اسلام و کفر است؛ بدین معنی که صدام به‌عنوان سردار قادیسیه و پرچمدار اسلام و امریکا به‌مثابه پرچمدار کفر است و بنابراین ما باید به حمایت از عراق برخیزیم. اینجا بود که مقام معظم رهبری تدبیر و دوراندیشی به خرج دادند؛ وگرنه در دام یک جنگ دیگر افتاده بودیم؛ علی‌الخصوص که امریکا علیه عراق جنگ الکترونیکی راه‌انداخته بود و به یک‌باره تمامی رادارهای عراق را از کارانداخته و هواپیماهای جنگی این کشور را زمین‌گیر کرد.

بنابراین ما هم در دوران حضرت امام (ره) و هم در دوره مقام معظم رهبری اینگونه دوراندیشی‌ها و دیدگاه‌های واقع‌بینانه را شاهد بوده‌ایم. امیدوار هستیم با رویکردی اینچنینی ادامه راه را هم ببیماییم و با سیاست و درایت از پس الباقی مشکلات خود برآییم و از هزینه‌های اضافی اقتصادی و جانی و ... خودداری کنیم.

آیا امیدی هست که در دهه پیش‌رو به آرمان‌های و اهداف تصویرشده در افق ۱۴۰۴ دست یابیم؟



هنر کار اینجا است که از نگاه صفر و یکی پرهیز کنیم. به عقیده من به همان میزانی که امریکا به ایران نیاز دارد، ایران نیز نیازمند امریکا است و در واقع دنیا بر همین طریق است. به همان میزانی که تلاش داریم، رابطه خود را با شرق حفظ کنیم، باید راهکارهایی را بیابیم که رابطه خود را با غرب و امریکا نیز بهبود دهیم

”

در چین و برزیل و نسبت شهرنشینی معادل دوبرابر این نسبت در هند، فرهنگ کارآفرینی همراه با مجموعه‌ای پویا از شرکت‌های نوپا و موقعیت استراتژیک در محل اتصال شرق و غرب از نقاط قوت اقتصاد ایران است. در این گزارش گذار به یک اقتصاد دانش‌بنیان، بهره‌برداری از منابع طبیعی، توسعه و نوسازی زیرساخت‌ها و توسعه صنایع داخلی برای رقابت در سطح بین‌المللی دستوراتی هستند که می‌بایست در راستای اصلاحات اقتصادی نسبت به آن‌ها اقدام به عمل آید.

به‌عنوان سوال آخر، در شرایط فعلی اقتصاد ایران نقش بنگاه‌های تولیدی و البته سندیکیای صنعت برق و سایر تشکلهای اقتصادی چه می‌تواند باشد؟

از دیدگاه من سندیکیای صنعت برق ایران خیلی می‌تواند در ایجاد ارتباط با مولفه‌های قدرت در ایران ایفای نقش کند و البته اتاق بازرگانی نیز یک حلقه ارتباطی مهم در این زمینه است. در اتاق بازرگانی ریش سفیدهایی حضور دارند که روابط خوبی با مقامات و مسئولان عالی‌رتبه دارند و می‌توانند برخی از واقعیت‌ها را از زبان کسانی که در خط مقدم کسب‌وکار فعالیت می‌کنند به مسئولان مزبور انتقال داده و راهکارهای مناسب را نیز به آنان ارائه دهند.

به‌هرحال آدمی به امید زنده است. به این سوال نمی‌شود پاسخ مطلق داد. بله، اگر بسترهای فوق‌الذکر فراهم شود، ایران این استعداد و توانمندی را دارد؛ چنان‌که گزارش مکنزی نیز به آن اشاره کرده است. در این گزارش توانمندی‌های ایران با یک رویکرد مثبت واقع‌بینانه احصا شده است.

در صفحه ۱۱ این گزارش اشاره شده که ایران به‌تبع خروج از دوران تحریم تا سال ۲۰۳۵ از فرصت رشد یک تریلیون دلاری برخوردار است. همچنین صفحه ۱۳ این گزارش تصریح کرده است اتصال مجدد ایران به اقتصاد جهانی می‌تواند ۹ میلیون شغل جدید، ۳/۵ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری تجمعی و ۱ تریلیون دلار رشد سالانه ۶ درصدی GDP (تولید ناخالص داخلی) ایجاد کند.

در گزارش مکنزی ثبات اقتصاد کلان به‌منظور کاهش تورم و تعدیل نوسانات نرخ ارز، رقابتی کردن محیط کسب‌وکار به‌وسیله مقررات‌زدایی، بازار کار انعطاف‌پذیر برای افزایش مشارکت و کاهش بیکاری و نظام مالی کارا با سرمایه‌گذاری مجدد و ایجاد ارتباطات مجدد بانکی از چالش‌های اقتصادی ایران خوانده شده است.

براساس گزارش مکنزی اقتصاد متنوع که تنها یک‌چهارم GDP آن مربوط به نفت و گاز است، آموزش علمی که به‌اندازه امریکا مهندس تربیت می‌کند، طبقه مصرف‌کننده به میزان دوبرابر نسبت



تصمیم‌گیری غیر هیجانی، نیاز کشور در همه شئون اقتصادی

• گفت‌وگو با پدram سلطانی، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران

به نظر شما اصلی‌ترین چالش‌های کنونی اقتصاد کشور چیست؟
در درجه نخست موضوع رشد اقتصادی پایین کشور یکی از مهم‌ترین این چالش‌هاست. رشد اقتصادی ما در سال‌های پس از انقلاب به‌طور متوسط کمتر از ۳ درصد بوده و این در حالی است که اقتصاد جهانی در این مدت بالای ۴ درصد رشد داشته است و اقتصاد کشورهای رقیب ما در این مدت به‌طور متوسط بیش از ۵ درصد و اقتصاد کشورهای منطقه نیز به‌همین ترتیب بهتر از اقتصاد ما بوده است. این امر نشان می‌دهد ما در این مدت از منطقه، کشورهای رقیب و کل دنیا سال به سال عقب‌تر افتاده‌ایم.
این نرخ رشد پایین در اقتصاد چالش‌های دیگری را نیز رقم زده است که زیر پوست نرخ رشد پایین پنهان هستند. یکی از این چالش‌ها نرخ بالای بیکاری است که منجر به کاهش نرخ مشارکت در شهروندان بازه سنی فعالیت شده است. اگر نرخ مشارکت همچون گذشته بود، اکنون شاهد نرخ بیکاری بالای ۲۰ درصد بودیم. نرخ بیکاری ممکن است در سال‌های آینده با ورود تحصیل‌کردگان دانشگاهی، تغییر فناوری‌های صنعت و بیکار شدن بخش دیگری از شهروندان به‌واسطه تغییرات ساختاری، معضلی به‌نام بیکاری ساختاری را شدت بخشیده و شرایط را به بحرانی جدی بکشاند.
دیگر چالش مهم اقتصاد ما بدهکاری انباشته و فراوان دولت به بخش‌های

فارغ از تمامی بازی‌های سیاسی و بگومگوهای قدرت‌های جهان، اقتصاد بحثی است که نمی‌توان با آن شوخی کرد. اقتصاد بنیان هر جامعه و فرهنگی است و اگر دچار گزند جدی شود، چه بسا یک فرهنگ، دین یا منش به‌طور کامل از بین برود. بر این مطلب همه صاحبان عقل صحنه گذاشته‌اند و حتی در احادیث اسلامی نیز به آن اشاره شده است.
با این حال در وادی عمل همیشه سیاست و اقتضانات آن بر اقتصاد کشورها تأثیرات بی‌شائبه گذاشته‌اند و از این قاعده گریزی نیست. اقتصاد ایران در سال‌های اخیر به دلیل مناسبات سیاسی به شدت دستخوش محدودیت و تنگنا بوده است و برجام برای مردم ایران به‌مناب‌ه یک کورسوی امید به‌شمار می‌رفت؛ این در حالی است که طی مدت‌زمانی که از این معاهده گذشته است، مردم ایران هنوز بازخورد ملموسی از آن دریافت نکرده‌اند. آیا روند فعلی برجام معقول و طبیعی است؟ آیا کشور برای استفاده از دستاوردهای احتمالی برجام آمادگی دارد؟ چشم‌انداز آینده اقتصاد ایران چه شکلی به خود خواهد گرفت؟ این‌ها سوالاتی است که پدram سلطانی، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با سستبران به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

مختلف است که عملاً باعث شده گردش اقتصادی در کشور مختل شود. وقتی به‌طور مثال پیمانکاران طرف حساب دولت مطالبات خود را دریافت نمی‌کنند، این را به شرکت‌های زیرمجموعه، پرسنل خود و تامین‌کنندگان مواد و تجهیزات منتقل می‌کنند. از سوی دیگر وقتی دولت به بانک‌ها بدهکار می‌شود، بانک‌ها هزینه‌های خود را به سایر مشتریان خود منتقل کرده و ریسک سهامدارانشان را افزایش می‌دهند. با توجه به بدهی کلان دولت به صندوق‌های بازنشستگی و سازمان تامین اجتماعی، بار شرایط به مستمری‌گیری منتقل و از میزان خدمات به افراد تحت پوشش کاسته می‌شود؛ ضمن اینکه در بخش تامین اجتماعی فشار به بنگاه‌های اقتصادی برای افزایش منابع وصولی سازمان بالا می‌رود. به‌طور کلی بدهکاری انباشته دولت به بخش‌های مختلف اقتصاد سرمنشاء بسیاری از مشکلات است.

چالش دیگر منابع طبیعی است. ما از حیث منابع آبی و محیط زیست در وضعیت بسیار خطرناک و نامطلوبی به سر می‌بریم. طبیعتاً زمانی که اقلیم و محیط پایدار نباشد، این احتمال وجود دارد که سرمایه‌گذاری‌ها در کشور به ورطه نابودی بیفتند یا مشکلات ناشی از ناپایداری اقلیم هزینه‌های آن‌ها را افزایش دهد. بنابراین ناپایداری اقلیم از جذابیت‌های تولید و سرمایه‌گذاری می‌کاهد.

چالش بعدی نظام ناکارآمد تامین مالی است که باعث گران‌تر شدن هزینه تامین نقدینگی برای بنگاه‌ها می‌شود و شکاف تامین مالی را در اقتصاد افزایش داده، موجب کند شدن سرعت سرمایه‌گذاری‌های جدید یا توسعه فعالیت‌ها و طرح‌های موجود می‌شود. چالش دیگر محیط نامطلوب کسب‌وکار است که از انبوهی قوانین و مقررات و اختلالات حاصل از آن رنج می‌برد. محیط نامساعد کسب‌وکار هزینه تمام‌شده یک فعالیت اقتصادی را به‌شدت بالا می‌برد و امکان بروز کارآفرینی و خلاقیت را کاهش می‌دهد. این عامل جریان طبیعی رویش و ریزش فعالیت اقتصادی را مختل می‌کند؛ به‌طوری‌که ریزش‌ها بیشتر و رویش‌ها کمتر می‌شود و فرآیند ایجاد و توسعه بنگاه‌های جدید با آهنگی کندتر و فرآیند ورشکستگی و توقف فعالیت‌های قدیمی با روند سریع‌تری پیش می‌رود. مختل شدن این جریان طبیعی باعث تشدید مشکلات فوق‌الذکر مثل بیکاری، بدهی دولت و هزینه بالای تامین مالی در کشور می‌شود.

فضای اقتصادی ایران چه فرصت‌هایی برای جذب سرمایه‌های خارجی دارد و چرا تاکنون موفق نشده‌ایم به‌صورت پرتعداد سرمایه‌گذاران خارجی را به کشور جذب کنیم؟

اقتصاد ایران اقتصاد پرفرآیندی است و در کنار چالش‌های فوق‌الذکر فرصت‌های زیادی خوابیده است. حتی برخی از چالش‌ها فرصت‌هایی برای سرمایه‌گذاری نیز محسوب می‌شوند؛ به‌طور مثال ما در بخش مدیریت منابع آبی و صیانت از محیط زیست می‌توانیم جذب سرمایه‌گذاری با توجه‌های اقتصادی قابل قبول داشته باشیم.

اقتصاد ایران از جنبه‌های مختلف مزیت‌های بارزی دارد؛ ما صاحب صاحب منابع زیرزمینی غنی نفت، گاز و معادن هستیم که بر پایه آن‌ها صنایع متعددی قابل شکل‌گیری است. ما دارای مزیت‌های ژئوپلیتیکی نیز هستیم؛ ایران در چهارراه اتصال غرب به شرق و شمال به جنوب واقع شده و مزیت‌های اقلیمی و ژئوپلیتیکی ما می‌تواند در جهت توسعه انواع روش‌های حمل و نقل به کار گرفته شود. ایران کشوری گسترده با اقلیم‌های متفاوت و آب‌وهوای متنوع است که می‌تواند امکان سرمایه‌گذاری در کشاورزی نوین و صنعتی و هم‌منظور اکوتوریسم را فراهم کند.

ما از پیشینه تاریخی و آثار باستانی غنی برخوردار هستیم که سایر ابعاد گردشگری و صنایع وابسته به آن مثل هتلداری، رستوران‌داری، اماکن تفریحی و فضاهای ورزشی می‌توانند به‌عنوان بخش‌های مکمل این پیشینه مورد بهره‌گیری قرار گیرد.

علاوه بر این بازار بزرگ ۸۰ میلیون نفری و بازار در دسترس ۴۰۰ میلیون نفری ما می‌تواند زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای مصرفی، لوازم خانگی و ... باشد. ضمناً منابع انسانی تحصیل کرده، هوشمند و به‌روز ایران می‌توانند فرصت‌های مختلفی در حوزه‌های ITC، صنایع دانش‌بنیان، دیجیتال و ... ایجاد کنند.

پیش‌نیاز سرمایه‌گذاری محیط مساعد کسب‌وکار است. سال‌هاست که کشورها در بهبود و ارتقای محیط کسب‌وکار خود به مسابقه می‌پردازند. اهمیت محیط کسب‌وکار حتی از منابع طبیعی که ذکر آن رفت، بیشتر است. کشورهایی وجود دارند که از بسیاری از ویژگی‌های یادشده محروم هستند اما دارای محیط کسب‌وکار فوق‌العاده خوب، سالم، چابک، کم‌هزینه و عاری از فساد هستند و به‌سرعت

پیش‌نیاز سرمایه‌گذاری محیط مساعد کسب‌وکار است. اهمیت محیط کسب‌وکار حتی از منابع طبیعی بیشتر است. کشورهایی وجود دارند که از بسیاری از ویژگی‌ها محروم هستند اما دارای محیط کسب‌وکار فوق‌العاده خوب، سالم، چابک، کم‌هزینه و عاری از فساد هستند و به‌سرعت در حال سرمایه‌گذاری هستند



۶۶

اگر قرار باشد چرخي که به سرعت عليه ما می چرخيد، معکوس شده و به سود ما به چرخش درآيد، نیازمند آن است که در ابتدا از سرعت آن کاسته شود، بعد متوقف شود و آنگاه در جهت معکوس به حرکت درآيد که این کاری زمان بر است

۶۶

در حال سرمایه‌گذاری هستند. این در حالی است که ما با وجود منابع و امکانات فراوان در زمینه جذب ۱۰ درصد از میزان سرمایه‌گذاری در این کشورها عاجز هستیم. سرمایه‌گذاری خارجی نیاز به ارتباطات صلح‌آمیز، عاری از تنش و مثبت با دنیا دارد. از کشور ما مرتباً پیام‌هایی مبنی بر جدال، اختلاف‌نظر و تهدید صادر می‌شود. کمتر کشوری وجود دارد که گروه‌های سیاسی و نظامی آن اظهارنظرهای بین‌المللی داشته باشند و مواضع تند و تیزی نسبت به سایر کشورها و رهبران آن‌ها از خود بروز دهند. این فضا سرمایه‌گذاران کشورهای مذکور را نسبت به حضور در بازار ایران بی‌انگیزه و حتی نگران می‌کند.

از دیدگاه شما چه میزان از مشکلات اقتصادی به گردن خود ما و چه مقدار از آن به خاطر تحریم‌هاست؟

تحریم‌ها رویکردی دوجانبه دارد؛ بدین معنا که بخشی از آن‌ها ناشی از عملکرد ما و بخشی به خاطر حبّ‌بغض‌ها و زیاده‌خواهی کشورهای خارجی است. نمی‌توان گفت تنها عامل تحریم‌ها کشورهای خارجی هستند. شاید ما با یک دیپلماسی حساب‌شده‌تر و هوشمندانه‌تر می‌توانستیم در جایگاهی قرار بگیریم که علیه‌مان تحریمی وضع نشود.

در دنیا هیچ دو کشوری باهم دوست و برادر و دارای منافع صدرصد مشترک نیستند. ما با نزدیک‌ترین

کشورها نیز بعضاً اختلاف منافی داریم که برسر آن باهم رقابت می‌کنیم. عرصه جهانی عرصه هوشمندی برای کسب حداکثری منافع است. بسیاری از تصمیماتی که ما گرفتیم منجر به آسیب‌های بیشتر شد و رویکردهای شعاری و غیرواقع‌بینانه ما را بیشتر به انزوا کشاند؛ بنابراین سهم عمده‌ای از شرایط به‌وجودآمده مربوط به ماست.

تصور می‌کنید برجام بتواند تحول عمده‌ای در اقتصاد کشور به‌وجود آورد؟

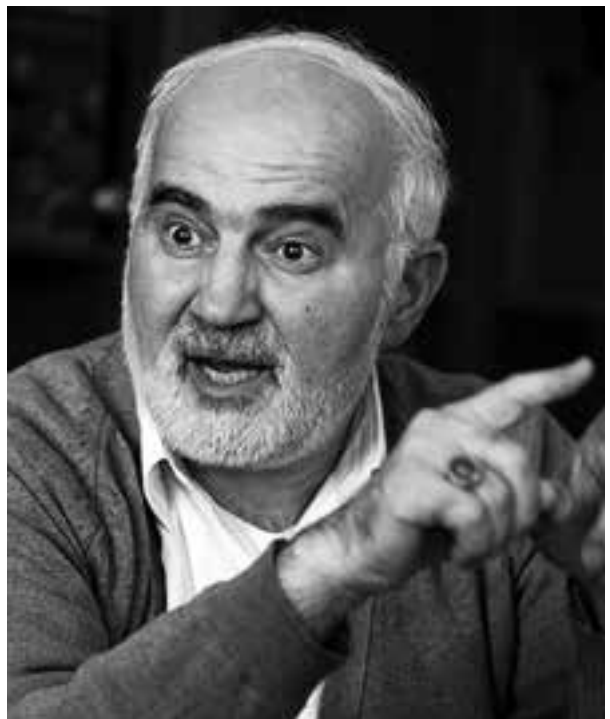
من به برجام خوشبین هستم. برجام از جمله اقدامات حرفه‌ای و حساب‌شده مسئولین کشور بود. کشور ما در شرایطی قرار داشت که اگر مذاکرات را جدی نگرفته و در آن ورود حرفه‌ای نمی‌کردیم، شاید امروز دچار وضعیتی وخیم و بغرنج بودیم. انعقاد برجام روند فزاینده و سرعت‌گیرنده تهدید منافع ملی ما را متوقف کرد. اگر قرار باشد چرخي که به سرعت عليه ما می‌چرخيد، معکوس شده و به سود ما به چرخش درآيد، نیازمند آن است که در ابتدا از سرعت آن کاسته شود، بعد متوقف شود و آنگاه در جهت معکوس به حرکت درآيد که این کاری زمان بر است و طبیعتاً با اتفاقات پیش‌بینی‌نشده‌ای نظیر انتخاب رییس‌جمهور جدید امریکا و تمدید قانون داماتو نیز مواجه خواهد شد.

به‌رحال برجام یکی از مهم‌ترین تصمیمات پس از انقلاب بود و من امیدوار هستم در سال‌های آینده با اجرای هرچه بیشتر برجام، بخشی از مخاطرات

جدی کشور مدیریت شده و کاهش یابد.

در حال حاضر برای خروج از رکود چه باید کرد؟ چه راهکاری را پیشنهاد می‌کنید؟

قطعا راهکارهایی برای خروج از رکود فعلی وجود دارد. با شناسایی چالش‌های اقتصاد می‌توان به روش‌های مناسب برای هریک از آن‌ها دست یافت. از دیدگاه من مهم‌ترین راهکار این است که از رفتارهای غیر حرفه‌ای و ضعف‌هایی که در روش‌های مدیریتی ما در سطح کلان وجود دارد، فاصله بگیریم و به سمت مدیریت اصولی و غیرهیبجانی برویم. نمونه بارز آن کاری بود که در مذاکرات برجام انجام شد. اگر در شئون دیگر نیز از افراد حرفه‌ای و صاحب‌نظر با نگاه به مصالح مردم و با رویکرد مثبت به اجماع ملی کمک بگیریم، تمام چالش‌های ذکر شده را تا حد زیادی مرتفع سازیم به‌نوعی که از درجه مخاطره آنها کاسته شده و در درازمدت به‌طور کامل برطرف شود. همه کشورها در مقاطعی با چالش‌های اساسی مواجه بوده‌اند و زمانی که به مدیریت تعاملی و با رویکرد مثبت نسبت به دنیا روی آوردند، وضعیت خود را بهبود بخشیدند. ما نیز با جایگزینی شایسته‌سالاری به جای دوست‌سالاری و فامیل‌سالاری، افزایش شفافیت، توجه به فساد اداری به‌عنوان یک مخاطره جدی، حذف یا به‌حداقل رساندن قوانین و مقررات مخلّ و توجه به اینکه منافع کشورها به یکدیگر گره خورده است، قادر خواهیم شد این اقتصاد پرتانسیل را به مسیرهای بهتر و بلندتری برسانیم.



سرمایه‌گذاران در ایران یا عاشق‌اند یا دیوانه!

● گفت‌وگوی اختصاصی ستبران با احمد توکلی،
نماینده مجلس نهم

چندین ماه از توافق برجام گذشته است؛ توافقی که چشم امید بسیاری به آن بود تا حلال مشکلات اقتصادی ایران بوده و به‌منزله گشاینده‌ای برای گره‌های کور اقتصاد کشور عمل کند اما متأسفانه هنوز با گذشت مدت زمانی طولانی تغییر ملموسی حس نکرده‌ایم. پیش از این کارشناسان اقتصادی هشدار داده بودند که شاید تا ۳۰ درصد مشکلات اقتصادی کشور از تحریم‌های جهانی نشأت گرفته و چیزی حدود ۷۰ درصد از آن متعلق به مشکلات داخلی کشور است. حال که وارد مرحله عمل شده‌ایم و زمان بالفعل شدن پیش‌بینی‌ها رسیده است، همه نگران آنند که آن ۷۰ درصد اجازه بهبود اقتصاد کشور را به ۳۰ درصد باقی‌مانده ندهد و بنابراین در راستای حل مشکلات کشور که ریشه آنها در اقتصاد است، از دست برجام نیز کاری بر نیاید. در این شماره، ستبران در گفت‌وگو با احمد توکلی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نهم چشم‌انداز اقتصاد کلان کشور را تصویر کرده است.

”

از نظر شما اصلی‌ترین چالش‌های فعلی اقتصاد ایران چیست؟
به عقیده من اصلی‌ترین چالش کنونی اقتصاد کشور وجود گسترده فساد سیستماتیک است. این فساد اقتصادی است که هزینه کسب‌وکار را بالا برده و تامین منابع را سخت می‌کند. فساد از حجم سرمایه‌گذاری‌ها کاسته و آن را به تاخیر می‌اندازد. همچنین این عامل اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها را طولانی می‌سازد و منابع را به جایگاه‌های غیرضروری تخصیص می‌دهد. فساد در مجموع هزینه تولید را چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی به شدت افزایش می‌دهد. دیگر تاثیر منفی فساد روی اخلاق کاری است که افراد را راحت‌خور و رانت‌خوار می‌سازد. ضمناً در اثر مشکلات دادرسی، حقوق مالکیت خدشه‌دار می‌شود که این امر عامل دیگر کاهش سرمایه‌گذاری‌ها است.

فکر می‌کنید برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران چه فرصت‌هایی داریم؟
زمانی که واقعیت عینی جامعه برای سرمایه‌گذاری داخلی مستعد نباشد، چرا شرکت‌های خارجی باید به سرمایه‌گذاری در ایران مبادرت ورزند؟ مگر اینکه ما امتیازات ویژه‌ای به سرمایه‌گذاران خارجی اعطا کنیم که این کار به صلاح کشور نیست. اگر ما بتوانیم امتیازات ویژه‌ای قائل شویم، حتماً باید به شرکت‌های داخلی تعلق گیرد.

اگر ما محیط را به‌شکلی مناسب‌سازی کنیم که شرکت‌های داخلی به سرمایه‌گذاری اشتیاق پیدا کنند، طبیعتاً می‌توانیم انتظار داشته باشیم شرکت‌های خارجی که به‌دنبال سود معقول هستند به سرمایه‌گذاری در ایران مایل شوند.



فشارهای غیرمنطقی و ظالمانه‌ای که از سوی دیگر کشورها بر ما وارد شود، به‌منظور این است که ما تسلیم محض آنها شویم؛ پس ناچار به مقاومت هستیم. مقاومت ما به تحریم از سوی آنها منجر می‌شود. البته تحریم آنگونه که آنان می‌خواستند نتیجه نداد. آنان می‌خواستند ما را به زانو درآورند اما ما باوجود اینکه به سختی افتادیم کماکان کار خود را پیش می‌بریم. مقاومت ما باعث شد با غرب به یک نوع تفاهم برسیم که از دیدگاه من برخی از بخش‌های آن درست و برخی نادرست است. پ

به‌هرحال تأثیر تحریم در گردش مالی واحدهای اقتصادی است و درنتیجه بعضی از کالاهای مورد نیاز ما با قیمتی گران‌تر از نرخ حقیقی به دست ما می‌رسید. طبق محاسبات من تحریم واردات ما را حداکثر حدود ۳۰ درصد گران‌تر می‌ساخت که به نسبت نقش واردات در تولید، قیمت محصولات ما را حول‌وحوش ۱۵-۱۰ درصد بالا می‌برد و خود را به‌شکل افزایش قیمت تولید داخلی نشان می‌داد. این مساله را به تأخیر در زمانبندی‌ها نیز اضافه کنید که همگی مخل تولید کشور بود.

علاوه‌براین یکی از اهداف دیگری که سبب پذیرش برجام از سوی نمایندگان شد این بود که آقای رییس‌جمهور اصرار داشتند همه تحریم‌ها بلافاصله برداشته می‌شود. البته ما در مجلس تأکید می‌کردیم سند امضاشده حاوی این مطلب نیست. حتی به ریاست مجلس گفتیم از وزیر خارجه درخواست در خصوص این موضوع سوال کنید و آقای ظریف بازمه بر قید «بلافاصله» تأکید کردند.

در ادامه روند بررسی برجام از سوی نمایندگان من از آقای دکتر نجابت از اعضای کمیسیون برجام درخصوص کلمات به‌کاررفته در متن از آقای ظریف سوال کنید و ایشان در پاسخ گفتند که کلمات مزبور را ندیده‌اند.

عجله در کارها دقت را کم می‌کند. من آقای ظریف را متهم به خلاف‌گویی نمی‌کنم؛ بلکه معتقد هستم واقعا برخی از کلمات درج‌شده را ندیده بودند. ضمن اینکه به‌عقیده من تعداد حقوقدانان در هیات مذاکرات هسته‌ای به‌میزان کافی نبود.

اکنون کلمات قرارداد بر بی‌وفایی و بی‌تعهدی طرف غربی مضاف شده که بدتر از نوشته است؛ بنابراین فعلا آثار مثبت چشمگیری از امضای برجام ندیده‌ایم.

می‌گویند مسائل بانکی حل شده است اما بنا بر پرس‌وجوهایی که من انجام داده‌ام، هنوز به‌شدت

هستند؛ وقتی مردم می‌توانند با سپرده‌گذاری در بانک ۲۸ درصد سود سالانه اخذ کنند و نه با مالیات، نه با بیمه، نه با عوارض و مامور شهرداری و بهداشت و ... سروکار داشته باشند، چرا باید به تولید سوق پیدا کنند؟ این درحالی است که اگر سود سرمایه‌گذاری بیش از نرخ بهره شود، اشتیاق به سرمایه‌گذاری زیاد می‌شود. زمانی که سرمایه‌گذار بخشی از سرمایه خود را خرج می‌کند، از آنجا که می‌تواند سپرده‌گذاری کرده و سود بدون دردسر اخذ کند، برای سرمایه خود هزینه فرصت قائل است و بنابراین نمی‌توان آورده سرمایه‌گذار را در محاسبه هزینه سرمایه نرخ صفر حساب کرد.

درنتیجه بانک‌ها هم به‌دلیل فساد و هم به‌علت رفتارهای اقتصادی غیرمنطقی یکی از بزرگ‌ترین موانع سرمایه‌گذاری هستند. بانک‌ها با فساد خود منابع را به جاهایی سوق می‌دهند که حداکثر بازدهی را ندارد؛ بلکه حداکثر دوستی و رفاقت در آن است. در چنین شرایطی سرمایه‌گذاری در ایران کار بسیار دشواری است؛ مگر اینکه انسان دیوانه یا عاشق باشد!

بنابراین از دیدگاه شما از برجام نیز در راستای افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران کاری بر نمی‌آید؟

به تعبیر امام (ره) کشورهای دنیا به‌مثابه محله‌های مختلف یک شهر هستند و نمی‌توانند بی‌نیاز از یکدیگر زندگی کنند؛ بنابراین باید باهم رابطه داشته باشند. این سخن صحیح به ما یادآوری می‌کند نمی‌توانیم منفک از کشورهای دیگر دنیا زندگی کنیم اما زندگی با دیگران قواعدی دارد که باید اسباب رضایت طرف‌های مختلف را فراهم سازد.

چه مشکلات و موانعی بر سر راه سرمایه‌گذاری داخلی قرار دارد؟

یکی از بزرگ‌ترین موانع این موضوع تأمین سرمایه است. در شرایط رکود بازار سرمایه چندان مساعد نیست و بنابراین درحال حاضر تأمین سرمایه در ایران عمدتاً از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد که متأسفانه اغلب آنها فاسد هستند. ضمناً نرخ سود تسهیلات بانکی بسیار بالا و غیرمنطقی است. زمانی نرخ تورم بالا بود و قرار شد نرخ سود تسهیلات بالا رود اما اکنون که این نرخ کاهش یافته است، سود بانکی را کاهش نمی‌دهند. این کار هیچ معنایی ندارد. بانک‌ها در زمان بالا بودن نرخ تورم با این منطق که در صورت عدم افزایش نرخ سود تسهیلات، نرخ بهره حقیقی منفی شده و افراد از سپرده‌گذاری خودداری می‌کنند، سود تسهیلات بانکی را تا ۲۸ درصد بالا بردند و تازه بازمه گله‌مند بودند. حال باید از منطق خود پیروی کنند. آنان که با استدلال منطقی جلو آمدند، حال که نرخ تورم تا حدود ۸ درصد پایین آمده است، چرا باید نرخ سود تسهیلات را تا ۱۸ درصد نگاه دارند؟

وقتی هزینه تأمین سرمایه برای تولیدکننده ایرانی در ظاهر ۱۸ درصد است و در باطن با در نظر گرفتن رشوه‌ها و هزینه بیمه و ... که از او اخذ می‌شود بالاتر از ۲۳ درصد می‌شود، چگونه باید با سرمایه‌گذار چینی که هزینه تأمین سرمایه او ۳ درصد است رقابت کند؟

برخی معتقدند هزینه تأمین سرمایه برای تولیدکننده زیاد نیست؛ چراکه بخشی از سرمایه را خود او می‌آورد و این پول با بخشی از سرمایه که از بانک تأمین می‌شود، سربه‌سر می‌شود و بنابراین هزینه تأمین سرمایه کاهش می‌یابد. این افراد در اشتباه

گرفتاری وجود دارد و انتقال پول مشکل است.

از نظر شما برای خروج از این رکود چه باید کرد؟ اگر دولت به هر دلیلی نتوانست کاری انجام دهد، از دست بنگاه‌های تولیدی چه کاری ساخته است؟

به‌رحال بنگاه‌های ما یاد گرفته‌اند در شرایط سخت راه را پیدا کنند. اگر دولت به شرکت‌های خصوصی خوش‌سابقه میدان دهد، حرکتی استراتژیک انجام داده است. باید از ظرفیت بخش خصوصی برای جابه‌جایی سرمایه استفاده کرد؛ مشروط به اینکه روابط اقتصادی سالم و به‌دور از رانت‌خواری ایجاد شود.

باتوجه به اینکه بودجه صنعت برق کشور اندک و ناکافی است و ازسوی دیگر بودجه برخی از بخش‌ها نظیر بخش فرهنگی با در نظرگیری عملکرد آنها بسیار زیاد است، از نظر شما آیا امیدی هست و آیا لازم است در بودجه‌های آتی تجدیدنظری در این خصوص صورت گیرد؟

البته من با این موضوع مخالف هستم که وزنه صنعت را از فرهنگ سنگین‌تر سازیم. البته باید روی بودجه‌ای که به بخش فرهنگی تخصیص می‌دهیم نظارت بیشتری کنیم تا برخی موسسات حقه‌باز که زیر چتر اسامی مقدس سرمایه کشور را هدر می‌دهند، از بودجه برخوردار نشوند و آنگاه این سرمایه را به کسانی بدهیم که بتوانند در بخش فرهنگی تغییر و تحولی ایجاد کرده و از بودجه به‌درستی استفاده کنند. اگر فرهنگ ملی تقویت نشود، در صنعت نیز تبعات منفی آن آشکار می‌شود و مثلاً ساخت نیروگاه به‌جای تعلق‌گیری به تولید داخلی به کشور ترکیه سپرده می‌شود. مطالبات صنعت برق کشور باید پرداخت شود اما نه از محل بودجه فرهنگی کشور؛ بودجه فرهنگی باید در جای خود مصرف شود و بودجه صنعتی نیز می‌بایست در جای خود مورد استفاده قرار گیرد. اکنون هردو بودجه به‌طور نادرست خرج می‌شود.

البته وقتی فساد وجود داشته باشد، تخصیص منابع به‌صورت نادرست صورت می‌گیرد. در حال حاضر یکی از عوامل بی‌عدالتی و فساد همین بودجه‌های سالانه است که مجلس تصویب می‌کند. نتیجه این بودجه‌ها بی‌انضباطی فراوان مالی است. هر جا هم که بی‌انضباطی مالی وجود داشته باشد، خطر فساد و بلکه خود فساد ایجاد خواهد شد. وقتی

بودجه به‌درستی تخصیص داده نشده و تصمیمات اتخاذ شده تحت تاثیر لابی‌های مختلف است و نه براساس هدایت عقل، البته که بودجه کارایی نخواهد داشت.

من در این رابطه به مثالی اشاره می‌کنم. در آخرین بودجه‌ای که رییس دولت اصلاحات به مجلس داده بود، وزیر راه‌وتراوری وقت در یک جدول ۱۰۰ پروژه راه‌سازی شامل طرح‌های فرودگاهی، راه‌آهن، بزرگراه و ... به مجلس داده بود و برای آنها ۱۰۰ میلیارد تومان پیشنهاد کرده بود. کسانی که دستی در کار دارند می‌دانند که بودجه پیشنهاد شده به‌هیچ وجه پاسخگو نیست و فقط هزینه مطالعاتی هر پروژه از متوسط یک میلیارد تومان بالا می‌زند! دلیل اینکه چنین بودجه‌هایی پیشنهاد می‌شود این است که پروژه شروع به کار کرده و به‌دلیل کمبود بودجه زخمی شود و آنگاه بتوان برای آن از دولت مطالبه بودجه کرد.

وقتی ما کلنگ زیاد می‌زنیم، باید منتظر باشیم که روبان کمتری ببریم. زمانی که کارها بی‌قاعده شروع می‌شود، تخصیص منابع تحت‌تاثیر فشارها انجام می‌شود و آنگاه دوره احداث طولانی می‌شود. وقتی یک پروژه ۳ ساله ۱۱ سال به‌طول انجامد، پول منجمد می‌شود و این انجماد بدان معنی است که هزینه می‌شود اما ظرفیت متناسب با آن خلق نمی‌شود. همیشه اثر درآمدی پروژه‌های عمرانی اول ظاهر می‌شود و پس از آن اثر ظرفیتی زیاد می‌شود؛ بنابراین کارهای عمرانی در مراحل اولیه اثر تورمی دارند. اگر به‌دلیل جریان یافتن کار بر اثر ظرفیتی پروژه‌های عمرانی به‌طور طبیعی اضافه شود، نرخ رشد را بدون اینکه بر تورم بیفزاید بالا می‌برد؛ ولی اگر اثر ظرفیتی با تاخیر طولانی ظاهر شود، شاهد اثر تورمی خواهیم بود؛ بدون آن که رشدی داشته باشیم. وقتی بازده سرمایه ملی و دولتی پایین بیاید، بازده سرمایه بخش خصوصی نیز کاهش می‌یابد و اینگونه است که هم از تورم رنج خواهیم برد و هم به‌طور نسبی با رکود مواجه می‌شویم.

همین سنگ کج که در آخرین بودجه دولت اصلاحات نهاده شد، در دلت دهم چند برابر شده و به ۳۹۰ پروژه با ۳۶۰ میلیارد تومان رسید. من معتقد نیستم که تمامی کارها به‌نیت دزدی است اما بسیاری از افراد عقلایی رفتار نمی‌کنند. وقتی کارها به‌طور غیرعقلانی صورت گیرد، فساد و هدررفت منابع زیاد می‌شود و وضعیت کشور نابه‌سامان می‌شود.



بانکها در زمان بالا بودن نرخ تورم با این منطق که در صورت عدم افزایش نرخ سود تسهیلات، نرخ بهره حقیقی منفی شده و افراد از سپرده‌گذاری خودداری می‌کنند، سود تسهیلات بانکی را تا ۲۸ درصد بالا بردند حال که نرخ تورم تا حدود ۸ درصد پایین آمده است، چرا باید نرخ سود تسهیلات را تا ۱۸ درصد نگاه دارند؟





برجام، شرطی که لازم است و کاف نیست

گفت‌وگوی اختصاصی ستبران با حسین میرشجاعیان حسینی، معاون اقتصادی وزیر اقتصاد

تمامی حلقه‌های زنجیره‌های ارزش در قالب استراتژی‌های مشخص و مدوم با توجه به ظرفیت‌های ارزش‌آفرینی بالا در سایر حلقه‌های زنجیره ارزش یک فعالیت و غلبه رویکرد خام‌فروشی، حمایت‌های عام دولت در طی سالیان دراز از صنایع با تکیه بر احداث کارخانه و حمایت از واحدهای تولیدی نوپا در کنار کم‌توجهی به شرایط متفاوت مورد نیاز برای رشد صنایع گوناگون، مشخص نبودن اولویت‌های تولید با توجه به ظرفیت‌های ارزش‌آفرینی و مزیت‌ها حسب کدهای چهار رقمی آیسیک و تعدد واحدهای خرد منفرد و شکننده تولیدی مواجه هستیم. برای تحقق یک رشد اقتصادی سریع به سرمایه‌گذاری نیازمند هستیم؛ این در حالی است که یکی از چالش‌های اقتصاد ایران عدم تامین سرمایه مورد نیاز برای فعالان اقتصادی است. عدم توسعه بازارهای مالی کارآمد و اتکای بیش از حد به نظام بانکی از مشکلات اقتصاد ایران تلقی می‌شود. علاوه بر این، از آنجا که منابع داخلی برای تشکیل

از دیدگاه شما اصلی‌ترین چالش‌های کنونی اقتصاد ایران چیست؟
باتوجه به اهمیت میزان تولید و رشد اقتصادی در هر جامعه، دستیابی به تولید بیشتر و نرخ رشد بالاتر، همواره دغدغه دولت‌ها و ملت‌ها بوده است. یکی از مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران، پرنوسان و پایین بودن نرخ رشد اقتصادی است. «نرخ رشد اقتصادی» سرعت افزایش یا کاهش تولید ناخالص داخلی و به تبع آن سرعت بهبود یا کاهش سطح رفاه و برخورداری مردم را نشان می‌دهد. به‌علاوه شاخص‌هایی چون بیکاری و فقر نیز عموماً تحت‌تاثیر تولید و رشد اقتصادی قرار دارند؛ به‌نحوی که رشد اقتصادی بالاتر، در بلندمدت به کاهش نرخ بیکاری و در صورت توزیع مناسب به کاهش سطح فقر می‌انجامد. رشد اقتصادی در ایران عمدتاً با دو معضل عمده پایین بودن نرخ و بی‌ثباتی و پرنوسان بودن آن روبه‌روست. در بخش تولید با چالش‌هایی از قبیل بهره‌وری نامناسب تولید، عدم مشارکت در زنجیره‌های تولید بین‌المللی، عدم تکمیل

این روزها همه مردم نسبت به رخدادهای اقتصادی حساس هستند و پای سخن هر که بنشینید، به‌زعم خود از وضعیت آینده اقتصادی ایران تصویری ارائه می‌کند اما پیش‌بینی این موضوع با توجه به مناسبات پیچیده‌ای که چه به‌لحاظ سیاسی و چه به‌لحاظ اقتصادی بر جهان حاکم شده و ایران نیز به‌عنوان یکی از مهره‌های مهم در آن نقش ایفا می‌کند، کار سختی است. هر اتفاق کوچک یا بزرگ اعم از فوت شخصیت‌ها، روی کار آمدن روسای جمهور در ایران و سایر کشورها و حتی ریزش یک ساختمان تجاری بر همه مناسبات اقتصادی کشور اثرات کوتاه یا بلندمدت دارد و این پیچیدگی حتی پیش‌بینی یک سال آینده را دشوار می‌کند، تا چه رسد به چشم‌انداز اقتصاد ایران در چند سال آینده. در این میان قطعاً پیش‌بینی مسئولان بالاتر تبه اقتصادی کشور از آینده اقتصاد ایران به واقعیت نزدیک خواهد بود. در ادامه گفت‌وگوی ستبران با حسین میرشجاعیان حسینی، معاون اقتصادی وزیر امور اقتصاد و دارایی کشور را در این رابطه می‌خوانید.

”

فعالیت‌های اقتصادی منجر به کاهش منابع دریافت مالیات و درآمد دولت خواهد شد. با بهبود محیط کسب‌وکار شاهد بهبود فرایند تاسیس و راه‌اندازی شرکت جدید، بهبود فرایند اخذ اعتبار، بهبود قوانین حاکم بر مالکیت فکری و وضعیت بررسی و رشکستگی بنگاه‌ها خواهیم بود.

فضای کلان اقتصاد ایران چه فرصت‌های مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی دارد؟

در قوانین و اسناد بالادستی کشور، مولفه‌های اصلی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مورد توجه قرار گرفته است. قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، فضای فعالیت‌های اقتصادی غیر از حوزه‌های خاص را به نفع بخش خصوصی تغییر داده است. حقوق و امنیت سرمایه‌گذاران خارجی در قوانین و اسناد مختلفی به‌خصوص قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی به رسمیت شناخته شده و حتی در اسنادی مثل سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر جذب سرمایه‌های خارجی تاکید شده است. بنابراین توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری برای تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، در سطوح عالی تصمیم‌گیری کشور موضوعی پذیرفته شده است.

این درحالی است که وجود نهادهای ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و امکانات بالقوه جغرافیایی، ژئوپولیتیکی، اقتصادی و قرار گرفتن در مرحله تغییرات توسعه‌ای،

ایران را در موقعیت منحصر به فردی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی قرار داده است.

طبق آمارهای بین‌المللی، اقتصاد ایران هجدهمین اقتصاد قدرتمند جهان از لحاظ برابری قدرت خرید بوده و تولید ناخالص داخلی اسمی ایران از کشورهایی همچون تایلند، اتریش و نروژ بالاتر بوده است. ایران در بسیاری از جهات دارای وضعیت منحصربه‌فردی است. دارا بودن ثروت‌های طبیعی به‌خصوص انواع هیدروکربن‌ها و منابع معدنی به ایجاد تنوع در اقتصاد کشور کمک کرده است. گزارشات بین‌المللی حاکی از آن است که هزینه‌های عملیاتی تولید نفت و گاز ایران کمتر از نصف

دولت به نفت انجام پذیرفت و سهم درآمدهای نفتی به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت سهم نفت در بودجه دولت از ۶۷ درصد در سال ۱۳۸۴ و ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۷ درصد در شش ماهه اول سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. لکن از آنجایی که کماکان بخشی از بودجه عمومی دولت از محل منابع نفتی تامین می‌شود، نوسانات در تحقق این بخش از درآمدها می‌تواند به عنوان یکی از چالش‌های پیش‌روی اقتصاد کشور محسوب شود.

تجربه جهانی نشان داده اگر قرار است یک کشور پیشرفت کند، این رشد پایدار بدون حضور موثر بخش خصوصی و افزایش سهم بخش غیردولتی در اقتصاد امکان‌پذیر نیست؛ زیرا توسعه بخش



براساس آمار مقدماتی حساب‌های ملی که در رابطه با سه ماهه اول و دوم سال جاری توسط بانک مرکزی اعلام شده است می‌توان گفت بیشتر بخش‌های اقتصادی کشور از رکود خارج شده‌اند. براساس این آمار رشد اقتصادی سه‌ماهه نخست سال ۱۳۹۵ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵/۴ درصد و رشد سه‌ماهه دوم ۹/۲ درصد بوده و رشد مجموع شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۵ معادل ۷/۴ درصد بوده است



خصوصی به افزایش بهره‌وری و درنهایت به رشد اقتصادی می‌انجامد. آمارها نشان می‌دهند بیشترین رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته امروز از محل ارتقای بهره‌وری حاصل شده است؛ به‌طوری‌که در برخی از کشورهای دنیا بیش از ۵۰ درصد رشد اقتصادی از محل افزایش بهره‌وری حاصل شده است. مهم‌ترین سیاست توسعه بخش خصوصی، بهبود محیط کسب‌وکار است. نامناسب بودن محیط کسب‌وکار منجر به افزایش هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی شده و از سوی دیگر انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را سرکوب می‌کند. کاهش سرمایه‌گذاری از یک‌سو باعث به‌وجود آمدن بحران بیکاری در بلندمدت شده و از سوی دیگر با کاهش

سرمایه در کشور کافی نیست، استفاده از منابع مالی خارجی به‌عنوان مکمل منابع داخلی و ابزاری جهت هموار کردن سرمایه‌گذاری‌های داخلی و گسترش ظرفیت‌ها ضروری است که به دلیل تنگناهای بین‌المللی و دشمنی نظام سلطه شرایط لازم برای جذب بالای منابع خارجی و تکنولوژی نوین برای اقتصاد ایران وجود ندارد.

از دلایل اصلی بی‌ثباتی اقتصاد ایران ماهیت ساختار نفتی آن است؛ به‌طوری‌که در دهه‌های گذشته رشد بخش نفت در اثر افزایش قیمت نفت رشد تولید سایر بخش‌ها را به همراه داشته است. در برهه‌هایی از زمان به‌دلیل برخورداری از درآمدهای سرشار نفتی، عرضه بالای ارز باعث ثابت ماندن نرخ اسمی آن شده است. در چنین شرایطی نرخ اسمی ارز با تورم بالا نمی‌رود و این امر کاهش قدرت رقابت محصولات کشور را به دنبال دارد که در نتیجه آن محصولات وارداتی برای مردم ارزان و صادرات گران می‌شود که این حالت همان پدیده بیماری هلندی است.

از سوی دیگر عدم امکان جایگزینی برخی کالاها غیرقابل مبادله نظیر مسکن منجر به جهش در این بخش و انتقال به سایر بخش‌های اقتصاد می‌شود. همچنین در کنار بی‌ثباتی رشد اقتصادی تورم بالا، تاثیر منفی بر قدرت خرید آحاد جامعه و مواجه کردن مردم با مشکل معیشتی را شاهد خواهیم بود. در بلندمدت نیز تورم بالا بر روند سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه تاثیر خواهد گذاشت که این امر تقاضا برای نیروی کار را با کاهش قابل توجهی مواجه می‌سازد و با توجه به جمعیت جوان کشور و عرضه

گسترده نیروی کار نرخ بیکاری افزایش می‌یابد. اتکای بیش از حد بودجه دولت به درآمدهای نفتی، با توجه به ویژگی‌های ذاتی این بخش از درآمدها از جمله بی‌ثباتی و تعیین قیمت نفت به صورت برون‌زا (خارج از اقتصاد ایران)، همواره به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی نظام اقتصادی ایران مطرح بوده است و بر همین اساس در اسناد بالادستی نظیر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر قطع اتکا به درآمدهای نفتی تاکید شده است. در این ارتباط اگرچه طی سال‌های اخیر و با تشدید تحریم‌ها اقدامات متعددی (از جمله مدیریت مخارج عمومی و افزایش سایر پایه‌های درآمدی به‌خصوص درآمدهای مالیاتی) در راستای کاهش وابستگی اقتصاد و بودجه

این هزینه‌ها برای روسیه بوده و ایران به‌طور کلی پایین‌ترین هزینه‌های عملیاتی را در میان کشورهای تولیدکننده نفت داشته است. همچنین ذخایر مواد معدنی همچون مس، سرب و روی در ایران قابل توجه بوده است. بر این اساس، سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی و معادن در ایران به‌عنوان نهاده‌های قابل دسترس از اهمیت و صرفه بالایی برخوردار است. از طرف دیگر این ظرفیت می‌تواند به‌عنوان نهاده در تولید انواع کالا مورد استفاده قرار گیرد.

برخورداری از جمعیت جوان، کارآفرین، با تحصیلات بالا و متخصص، از مختصات جمعیت ۸۰ میلیونی ایران است. طبق آمار موجود، بیش از نیمی از جمعیت کشور زیر ۳۰ سال و ۳۹ درصد از نسل هزاره هستند که این مقدار برای ایالات متحده آمریکا برابر با ۲۹ درصد است. علاوه بر این، ایران پایگاه متنوعی از تولیدات با امکان دسترسی به نیروی کار بسیار ماهر است که پتانسیل تبدیل شده به قطب منطقه را دارد. این درحالی است که بازار ایران به‌عنوان یک بازار بزرگ می‌تواند محیطی برای حضور جدی تولیدات جهانی در نظر گرفته شود.

از لحاظ موقعیت جغرافیایی، ایران دارای موقعیت ژئوپولیتیکال بوده و با در اختیار داشتن حوزه وسیعی از آب‌های دریای خزر در شمال کشور و خلیج فارس و دریای عمان در جنوب کشور همواره مورد توجه بوده است و این امر امکان تبدیل شدن به یک مرکز سرمایه‌گذاری را برای کشور ایجاد کرده است.

باتوجه به تنوع اقلیمی و آب‌وهوایی در کشور، پتانسیل قابل توجهی در بخش اکوتوریسم و گردشگری وجود دارد که ما بر این اساس رتبه ۱۵ جهان را از نظر جاذبه‌های گردشگری در اختیار داریم. همچنین وجود بخش‌های مختلف خدماتی همچون خرده‌فروشی، گردشگری، امور مالی و ساخت‌وساز، سرمایه‌گذاری خارجی را امکان‌پذیرتر کرده است. براساس گزارش موسسه بین‌المللی کنزی، ایران در ۲۰ سال آینده آماده جذب سرمایه‌گذاری ۵/۳ تریلیون دلاری است که حدود یک‌سوم آن از طریق سرمایه‌گذاری‌های خارجی تامین خواهد شد و بخش عمده‌ای از این سرمایه‌گذاری جذب صنعت توریسم ایران خواهد شد.

چرا ما تا امروز نتوانسته‌ایم تجارب پرتعداد موفق و تاثیرگذاری برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشیم؟

در سال‌های گذشته و تا قبل از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ ساختار اقتصاد ایران به‌طور عمده دولتی بود و خصوصی‌سازی و تشویق به افزایش سرمایه‌گذاری از اولویت‌های اقتصادی کشور محسوب نمی‌شد. با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سپس تصویب و اجرایی شدن قانون مربوط در سال ۱۳۸۶، سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از اولویت‌های کشور و عامل مهم رشد و توسعه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. این در حالی است که میزان



بر اساس آخرین گزارش عملکرد طرح رونق تولید، تا پایان آبان‌ماه سال جاری، از ۳۳ هزار و ۲۱۳ واحد بنگاه اقتصادی دارای مشکل که به بانک‌ها و موسسات اعتباری معرفی شده‌اند، ۱۶ هزار و ۸۷۶ واحد در فرآیند تخصیص تسهیلات قرار گرفته که مجموع پرداختی به آن‌ها بالغ بر ۱۱۴ هزار میلیارد ریال بوده است



در حالی است که با کاهش ریسک اقتصاد ایران، رتبه اعتباری بین‌المللی کشور در حال بهبود است. دولت یک دسته اقدامات هدفمند در راستای ایجاد اقتصاد پایدار و ارتقای صنعت و زیرساخت‌های کشور آغاز کرده است. به‌عنوان بخشی از این اصلاحات، دولت در حال تشویق بخش خصوصی داخلی و خارجی به سرمایه‌گذاری در کشور است. همچنین به دلیل نقش سرمایه‌گذاری خارجی در بهبود ساختار بازار رقابتی و محیط کسب‌وکار، این عامل به‌عنوان یکی از اولویت‌ها در برنامه‌های توسعه تعیین شده است.

دولت به‌ویژه علامند به تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است و این امر را یکی از ۳۱ اولویت اقتصادی در برنامه توسعه ششم قرار داده است. به‌عنوان اولین گام، بنابر اعلام دولت، اخذ ویزا برای مدیران خارجی راحت‌تر شده است. همچنین به‌عنوان بخشی از برنامه‌های اقتصادی، دولت به دنبال تقویت صنعت از طریق تشویق صنعتگران در به‌کارگیری فناوری‌های مدرن، اولویت دادن به تامین مواد اولیه، ایجاد استانداردهای کیفیت و صدور گواهینامه برای تمام محصولات داخلی بوده است.

به نظر می‌رسد با وجود برخی از ابهامات و ایجاد فضای تبلیغاتی منفی علیه کشور در سطح دنیا، ایران فرصتی هیجان‌انگیز برای شرکت‌های بین‌المللی به شمار می‌رود.

از دیدگاه شما آیا برجام می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تحولات اقتصادی برای کشور باشد؟ الزامات ایجاد این تحول چیست؟

تحریم‌ها تنها یکی از علل تشدیدکننده شرایط نامساعد اقتصادی کشور هستند و همانطور که اشاره شد، پیش از تشدید تحریم‌ها نیز اقتصاد کشور با چالش‌های گوناگونی مواجه بود. با این حال، برجام یک توافق هسته‌ای است که بخشی از اثرات مثبت آن از مسیر رفع تحریم‌های ظالمانه در حوزه اقتصاد نمایان شده است. دولت در حوزه اقتصاد به برجام به‌عنوان یک تسهیل‌کننده شرایط می‌نگرد و نه یک عامل اصلی و کلیدی. اجرای برجام فرآیند ورود سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش هزینه مبادلات

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران نسبت به تولید ناخالص داخلی کشور و همچنین نسبت به سایر اقتصادهای نوظهور پایین است. براساس مطالعه آنکتاد، ایران در زمره کشورهایی قرار دارد که به‌رغم بالا بودن توانایی بالقوه در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، هنوز از ظرفیت‌های خود برای جذب این سرمایه‌ها به نحو مناسبی استفاده نمی‌کند. یکی از مهم‌ترین عواملی که روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی را در کشور با مشکلات بیشتری مواجه کرده، اعمال تحریم‌های اقتصادی و تجاری بود و با لغو تحریم‌های بین‌المللی علاقمندی زیادی از سوی سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در ایران به‌وجود آمده است. این

آن‌ها برای بازپرداخت بدهی‌های دولت در جریان اجرا قرار گرفت.

وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز در این سال‌ها با همکاری کلیه دستگاه‌ها تدوین برنامه‌هایی را به‌منظور خروج از رکود، درمان مشکلات کوتاه‌مدت و میان‌مدت اقتصاد و رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب‌وکار در دستور کار قرار داد. در این راستا تدوین، تصویب و پایش مصوبه شماره ۴۹۵۱۵/۱۱۸۳۲۲ و مصوبه شماره ۴۹۵۱۵/۱۱۸۳۲۰ ت/۴۹۵۱۵ در تاریخ ۲۱ شهریورماه سال ۱۳۹۲، مصوبه شماره ۵۶۹۱۷/۵۶۸۲ ت/۵۰۵۸۲ مورخ ۲۵ مردادماه ۱۳۹۳ و مصوبه شماره ۵۰۵۸۲/۸۴۵۶۸ در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۹۳ در دستور کار قرار گرفت که توفیقات اجرایی متعددی را به دنبال داشت.

بخش دیگری از الزامات موردنیاز نیز با تلاش مشترک وزارتخانه امور اقتصادی و دارایی و سایر دستگاه‌های اجرایی در قالب لایحه «رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» تقدیم مجلس شورای اسلامی شد و پس از تصویب در تاریخ یکم اردیبهشت ۹۴ بلافاصله در جریان اجرا قرار گرفت. علاوه بر این، وزارت امور اقتصادی و دارایی از طرق دیگری نیز بهبود محیط کسب و کار را به‌طور مشخص مورد توجه قرار داده است.

این وزارتخانه در حوزه ساماندهی مجوزهای اقتصادی، اقدام به راه‌اندازی دبیرخانه «هیات مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» کرده است. تاکنون بیش از هزار و ۸۰۰ مجوز از سوی دستگاه‌های اجرایی ملی احصا شده است

و هزار و ۲۱۶ مجوز دستگاه‌های اجرایی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. همچنین وزارت امور اقتصادی و دارایی برای اولین بار در کشور اقدام به تهیه نقشه ملی سرویس‌های مبادلاتی بین دستگاهی و ارتباط بین مجوزهای کشور کرده است.

در حوزه شناسایی قوانین و مقررات مخل کسب‌وکار، سامانه شناسایی قوانین مخل کسب‌وکار به‌طور کامل راه‌اندازی شده و حدود ۴۰ قانون و مقرر مخل توسط دستگاه‌های اجرایی و عموم مردم در سامانه بارگذاری شده است. در این راستا با ارزیابی شرایط محیطی کسب‌وکار، تصویب‌نامه‌های شماره ۴۲۲۱۰ ت/۵۰۵۴۴ هـ هیات وزیران در تاریخ ۱۶

سال ۱۳۹۳ تصویب‌نامه‌ای با عنوان «ممنوعیت خرید کالاها خارجی (اعم از کالای ساخته‌شده، قطعات، ملزومات، تجهیزات و غیره تحت هر عنوان) دارای تولید مشابه داخلی» صادر کرد که شامل فهرستی از ۱۹۲ قلم کالای مشمول می‌شد. این دولت همچنین حسب مصوبه هفدهمین جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در تاریخ نهم فروردین ماه ۱۳۹۵، به‌منظور فعال کردن واحدهای نیمه‌فعال و راکد از تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه سال جاری «کارگروه ملی تسهیل و رفع موانع تولید» را با مسئولیت وزارت صنعت، معدن و تجارت تشکیل داد که تاکنون تصمیمات متعددی در جهت رونق تولید و تعیین تکلیف هفت هزار و ۵۰۰ واحد تولیدی

تجاری و نقل و انتقالات ارزی و افزایش صادرات نفت را بهبود می‌بخشد اما این تنها بخش کوچکی از اهداف و برنامه‌های دولت و همچنین قسمتی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود. دولت هم‌زمان با پیگیری تعامل سازنده در سیاست خارجی و جلوگیری از شوک‌های بیرونی به اقتصاد داخلی در پی اجرای سیاست‌های مبتنی بر رشد درون‌زا و تکیه بر ظرفیت‌ها و مزیت‌های اقتصاد کشور است؛ به‌طوری‌که تشکیل ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و برگزاری جلسات و برنامه‌های آن به‌طور منظم در حال پیگیری است. بنابراین برجام برای ایجاد تحول اقتصاد کشور شرط کافی محسوب نمی‌شود اما یک شرط لازم است.



**وجود قوانین و مقررات دست‌وپاگیر،
منسوخ و غیر کارآمد موجبات دخالت
بیشتر دولت در اقتصاد را فراهم می‌آورد
که این امر منجر به محدود شدن
فعالیت بخش خصوصی شده و در نتیجه
کارایی اقتصادی را کاهش می‌دهد**



صنعتی دارای مشکل به‌ویژه در حوزه استهمال و تقسیم بدهی‌های بانکی و همچنین بخشودگی جرایم مترتبه واحدهای تولیدی اتخاذ کرده است. براساس آخرین گزارش عملکرد طرح رونق تولید، تا پایان آبان‌ماه سال جاری، از ۳۳ هزار و ۲۱۳ واحد بنگاه اقتصادی دارای مشکل که به بانک‌ها و موسسات اعتباری معرفی شده‌اند، ۱۶ هزار و ۸۷۶ واحد در فرآیند تخصیص تسهیلات قرار گرفته که مجموع پرداختی به آن‌ها بالغ بر ۱۱۴ هزار میلیارد ریال بوده است.

علاوه بر این، به‌منظور رفع تنگنای مالی و کاهش بار بدهی دولت در اقتصاد، بازار بدهی‌های دولت و انتشار اوراق مالی اسلامی راه‌اندازی شد و استفاده از

در شرایط کنونی تقریباً تمام بخش‌های اقتصادی و صنعتی کشور با رکود دست و پنجه نرم می‌کنند. از نگاه شما برون‌رفت از این رکود مستلزم چه تدابیری است؟

البته براساس آمار مقدماتی حساب‌های ملی که در رابطه با سه ماهه اول و دوم سال جاری توسط بانک مرکزی اعلام شده است می‌توان گفت بیشتر بخش‌های اقتصادی کشور از رکود خارج شده‌اند. براساس این آمار رشد اقتصادی سه‌ماهه نخست سال ۱۳۹۵ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵/۴ درصد و رشد سه‌ماهه دوم ۹/۲ درصد بوده و رشد مجموع شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۵ معادل ۷/۴ درصد بوده است. درعین حال

دولت یازدهم در راستای رونق و شکوفایی اقتصادی به اقدامات مهمی مبادرت ورزیده است. دولت یازدهم در اجرای سیاست‌های تحریک تقاضا و رفع تنگنای مالی، شورای پول و اعتبار، سیاست‌های انبساطی از جمله رفع مشکلات نقدینگی بانک‌ها و هدایت نرخ‌های سود به دامنه قابل قبول و متناسب با نرخ تورم، کاهش نرخ سپرده قانونی برای بانک‌ها براساس عملکرد آن‌ها، افزایش سقف تسهیلات ساخت و خرید مسکن، اعطای تسهیلات خرید کالای مصرفی بادوام (از جمله اتومبیل)، صدور کارت اعتباری بر مبنای عقد مراجعه، تسهیلات خرید دین و ... را اتخاذ کرد. هیات دولت همچنین در تاریخ یازدهم خردادماه



انتخاذه شده متناسب نباشد، می‌تواند نظام حقوق اداری کشور را با چالش مواجه کند.

در حال حاضر به نظر می‌رسد برخی از مقررات موجود به‌جای تسهیل‌کنندگی از اهداف خود دور شده و با ایجاد موانع غیرضروری و دست‌وپاگیر مانع بروز نوآوری در محیط کسب‌وکار شده‌اند. عدم تناسب قوانین و بوروکراسی منجر به قانون‌گریزی و قانون‌شکنی، ایجاد اقتصاد غیررسمی و عدم استفاده از ظرفیت نیروی جامعه برای رشد و توسعه کشور شده است. وجود قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، منسوخ و غیرکارآمد موجبات دخالت بیشتر دولت در اقتصاد را فراهم می‌آورد که این امر منجر به محدود شدن فعالیت بخش خصوصی شده و در نتیجه کارایی اقتصادی را کاهش می‌دهد.

باتوجه به این موضوع گسترش فعالیت‌های اقتصادی موجب رشد سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد مردم، افزایش مالیات برای دولت و توسعه رفاه جامعه می‌شود. کلیه کشورها در جهت ایجاد محیط مناسب کسب‌وکار برای فعالان اقتصادی تلاش می‌کنند؛ زیرا توسعه بخش خصوصی مبتنی بر مجموعه پیچیده‌ای از قوانین، زیرساخت‌ها، محیط باثبات اقتصاد کلان، توسعه بازارهای مالی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه صنایع کوچک و متوسط، مقررات بازار کار و ... است و باتوجه به اینکه فراهم شدن این مجموعه در یک اقتصاد به‌صورت خودکار اتفاق نمی‌افتد، ایجاد زیرساخت‌های نهادی و زیربنایی برای توسعه رفع موانع کسب و کار در زمره وظایف ضروری دولت است.

آنچه مسلم است اصلاح فضای کسب‌وکار و بهبود شاخص‌های مزبور در عرصه جهانی نه‌تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد، ارتقای سطح اشتغال و افزایش تولید در کشور محسوب می‌شود، بلکه به‌طور قطع پیامی مهم برای سرمایه‌گذاران خارجی به‌منظور ورود به کشور و ارتقا و تسهیل جریان انتقال فناوری به‌شمار می‌رود. پس به‌طور خلاصه می‌توان گفت محیط کسب‌وکار، محیطی است که خارج از اراده و کنترل صاحبان کسب‌وکار بوده و به‌عبارتی برای آنان محیط خارجی محسوب می‌شود. درحقیقت محیط کسب‌وکار فضایی است که فعالیت یک کارآفرین یا فعال اقتصادی بالقوه بتواند در آن کسب‌وکار ایجاد کرده و آن را رشد دهد؛ بنابراین ضعف یا قوت مدیر بنگاه تأثیر به‌سزایی در محیط کسب‌وکار ندارد.

۲/۸ درصد، رشد صادرات غیرنفتی و خدمات به‌طور متوسط سالانه ۲۱/۸ درصد پیش‌بینی شده است. به نظر می‌رسد در صورت تحقق این اهداف در پایان برنامه ششم جایگاه اقتصادی کشور در وضعیت بسیاری مطلوب‌تری قرار گیرد. به‌علاوه در برنامه ششم سهم روش‌های مختلف در جهت تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری به تفکیک مشخص شده است. سهم تسهیلات بانکی ۲۴/۸ درصد، منابع مالی خارجی ۲۲/۲ درصد، بازار سرمایه ۱۳/۱ درصد، منابع صندوق توسعه ملی ۸ درصد و سهم سایر روش‌ها ۳۱/۹ درصد است.

به عقیده شما کاستی‌ها و چالش‌های موجود در فضای کسب‌وکار کشور تا چه اندازه ناشی از ضعف مدیریتی در بنگاه‌های اقتصادی است؟ منظور از فضای کسب و کار، عوامل موثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاه‌های حاکمیتی، ثبات قوانین و مقررات، کیفیت زیرساخت‌ها و مانند این‌هاست که تغییر دادن آن‌ها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه‌های اقتصادی است. حاکمیت قانون یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در فضای کسب و کار است. دولت‌ها تلاش می‌کنند با وضع قوانین و مقررات بودجه‌ای، تعرفه‌ای، پولی و اعتباری به اهدافی همچون رشد توسعه توزیع درآمد و ... دست پیدا کنند. این قوانین و مقررات جهت عملیاتی و اجرایی شدن به بوروکراسی نیاز دارند. چنانچه بوروکراسی

اردیبهشت سال ۹۳ و شماره ۵۳۶۰۷/ت/۵۰۴۴۱-هـ هیات وزیران مورخ ۱۵ مردادماه همین سال تدوین شده است.

بر این اساس و حسب بند (۸) مصوبه فوق، این وزارت با اخذ گزارشات سه‌ماهه دستگاه‌های اجرایی و براساس محاسبات استاندارد بین‌المللی، وضعیت بهبود امتیاز و رتبه ایران را شبیه‌سازی و نتیجه را به هیات وزیران گزارش می‌کند. شایان ذکر است تاکنون اقدامات قابل‌توجهی در حوزه تجارت فرامرزی، سهولت پرداخت مالیات و دسترسی به برق توسط دستگاه‌های مرتبط صورت پذیرفته است.

ما تا دستیابی به اهداف و آرمان‌های تصویرشده در افق ۱۴۰۴ فاصله بسیاری داریم. آیا ظرف یک دهه باقی‌مانده می‌توانیم این فاصله را جبران کنیم؟

تا افق چشم‌انداز از نظر زمانی تنها دو برنامه توسعه پنج‌ساله باقی مانده است. با تصویب لایحه برنامه ششم توسعه قبل از پایان سال ۱۳۹۵ و اجرای آن در سال ۱۳۹۶ و تحقق اهداف این برنامه می‌توان امیدوار بود که با استمرار کار در برنامه هفتم، اهداف سند چشم‌انداز نیز تا حدود زیادی محقق شود. توسعه نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی، تورم یک‌رقمی و نرخ بیکاری یک‌رقمی اهداف مهم برنامه ششم توسعه هستند. همچنین در این برنامه متوسط رشد سالانه سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۱۵/۴ درصد، رشد بهره‌وری عوامل تولید

افق روشن صنعت برق برای جذب سرمایه‌های خارجی سهام داخلی‌ها را با سرمایه‌گذاران خارجی سهیم نمی‌شویم

• گفت‌وگو با ستار محمودی؛ قائم مقام وزیر نیرو



برق؛ صنعتی پردرد اما پیش رو

صنعت برق در کشور ما صنعتی روزآمد است که همواره حرکتی رو به جلو داشته است. این صنعت همیشه و حتی در شرایط دشوار تحولات اقتصادی و تکنولوژیکی متعددی را تجربه کرده و در حال حاضر هم خوشختانه با شتاب بیشتری در مسیر پویایی قرار دارد. پتانسیل‌ها و توانمندی‌های شرکت‌های مختلف از جمله سازندگان تجهیزات و پیمانکاران این حوزه، به خوبی نشان می‌دهد که امروز ما شاهد نوآوری‌های بسیار ارزشمندی در این مجموعه‌ها هستیم. یکی دیگر از نقاط قوت صنعت برق مدیران و فعالین این صنعت است. عمده کسانی که در صنعت برق مشغول به کارند، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، افکار و دیدگاه‌های توسعه‌ای دارند و همین دیدگاه‌ها پایه‌های بنیادین پیشرفت این صنعت را بنا نهاده است.

نکته دیگری که باید آن را به شکل جدی مد نظر قرار دهیم این است که بسیاری از شرکت‌های سازنده تجهیزات و خدمات در صنعت برق، با اتکا به پتانسیل‌ها و توانمندی بسیارشان توانسته‌اند علاوه بر فعالیت در بازارهای داخلی، از مرزهای کشور بگذرند و جایگاه خود را در عرصه‌های بین‌المللی تثبیت کنند. فراموش نکنیم که کمبود شدید نقدینگی و نوسانات قابل توجه اقتصادی، کار را برای فعالین اقتصادی و از جمله صاحبان صنعت برق در داخل و خارج از کشور سخت کرده اما باز هم با اینحال صاحبان این صنعت، بنگاه‌های خود را به گونه‌ای مدیریت کردند که هیچگاه از تکاپو، تحقیق و توسعه و ساخت دست‌نکشیدند و همواره حرکت رو به جلوی خود را ادامه دادند.

راه هموار توسعه صنعت برق

بر همین اساس من بر این باورم که صنعت برق با اتکا به زیرساختی که اینچنین استوار

و محکم بنا شده، انشالله در آینده هم توسعه‌ای بیش از پیش خواهد داشت. البته ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که وزارت نیرو هم در این مسیر تلاش خواهد کرد با اتکا به مجموعه‌ای از تجربیات خود، حتی الامکان از شرکت‌های داخلی حمایت کند. لذا با این رویکرد هر شرکت خارجی که قصد فعالیت در ایران را داشته باشد، ناگزیر است با مشارکت شرکت‌های داخلی کار خود را پیش ببرد. هر چند ما در زمینه ساخت و تجهیزات به شکل کامل بر ساخت داخل تکیه کرده‌ایم و فقط در زمینه انتقال تکنولوژی و سرمایه است که باید با کمک شرکت‌های داخلی بعد تکنولوژیکی صنعت برق را توسعه دهیم.

سندیکا؛ پل ارتباطی قدرتمند و اثربخش

در اینجا لازم می‌دانم از سندیکای صنعت برق ایران تشکر کنم که یکی از تشکلهای فعال، هوشمند و اثرگذار بوده و با اتکا به تجربیات مدیرانش به شکل مناسب و اثربخشی سازماندهی شده است. در حقیقت سندیکا امروز بدل به یک پل ارتباطی قدرتمند بین بخش خصوصی و وزارت نیرو و کارفرمایان صنعت برق شده و با توجه به توانمندی‌هایش به خوبی قادر است کار انتقال پیام و پیگیری حقوق اعضای خود و منافع صنعت برق را به شکلی قوی و هدفمند دنبال کرده و به خوبی به پیشبرد اهداف کلی این صنعت کمک کند.

حفظ بازارهای داخلی با اتکا به توان ساخت داخلی

شرکت‌های داخلی، مجموعه‌هایی هستند که به صورت نهادینه شده در ظرفیت کشور و با دلسوزی بسیار و نیز علیرغم تحمل مشقات و ناملایمات بسیار در جریان تحریم‌ها صنعت

برق را سرپا نگه داشته، آن را توسعه دادند و نوآوری‌های بسیاری داشتند. این یک قوت و قابلیت است که حتی اگر متعلق به کشور دیگری هم بود باید آن را جذب می‌کردیم و امروز که این پتانسیل متعلق به کشور خودمان است، حفظ آن یک رسالت و وظیفه ملی است. امروز من اعلام می‌کنم که شرکت‌های داخلی به هیچ عنوان نباید از بابت اینکه زمانی جذب سرمایه از خارج از کشور بازارهای آنها را تحت الشعاع قرار دهد، نگرانی داشته باشند. چرا که بر اساس قانون حتی سرمایه‌گذاران خارجی هم ناگزیرند بیش از ۵۱٪ از توان ساخت داخل استفاده کنند و شرکت‌های داخلی ما هم اگر به دنبال مشارکت با مجموعه‌های خارجی باشند، قطعاً در این پروسه بخشی از کار را عهده دار خواهند شد تا کار بر اساس منافع مشترک دنبال شود.

البته وزارت نیرو هم در نظر دارد تنها در مواردی که سرمایه‌های داخلی جوابگو نیست سرمایه‌گذاری‌های خارجی را بپذیرد. سرمایه‌های خارجی فرصتی در درون خود دارند و آن هم این است که هزینه تامین سرمایه در خارج از ایران بسیار کمتر از کشور ماست و این می‌تواند با مشارکت بخش داخلی ما به جذب سرمایه‌های ارزان‌تر و تولید تجهیزاتی با قیمت تمام شده پایین‌تر، طراحی‌های جدید و تکنولوژی‌های به روز شده منجر شود.

ضمن اینکه از این طریق زمینه برای ورود شرکت‌های ایرانی به بازارهای ثالث نیز فراهم می‌شود و فرصتی برای توسعه بازارهای صادراتی و اشتغال‌زایی ایجاد می‌شود. ما در وزارت نیرو به هیچ عنوان به دنبال این نیستیم که با جذب سرمایه‌های خارجی سهم شرکت‌های ایرانی را از بازارهای داخلی در اختیار خارجی‌ها قرار دهیم.

سیصد میلیارد دلار تا رسیدن به افق ۱۴۰۴

گفت‌وگو با علی اصغر اسماعیل‌نیا،
مدیرکل دفتر تنظیم مقررات بازار
آب و برق و خصوصیه سازی وزارت نیرو



۶۶

پیش‌بینی تحولات اقتصادی آینده همواره از دغدغه‌های فعالان اقتصادی بوده است. این گروه برای برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خود به یک نوع ثبات اقتصادی نیاز دارند که متأسفانه چندی است در کشور کمیاب شده است. طبق گفته کارشناسان و صاحب‌نظران یکی از دلایل ناکامی ایران در رابطه با جذب سرمایه‌های خارجی نیز همین عدم ثبات اقتصادی و ناتوانی در پیش‌بینی مناسبات آینده است. اما باوجود بی‌ثباتی‌ها فعالان اقتصادی ناچار به ادامه حرکت هستند و در این مسیر هر کمکی به پیش‌بینی شرایط آینده اقتصاد کشور برای آنان مفید خواهد بود. در شماره حاضر علی اصغر اسماعیل‌نیا، مدیرکل دفتر تنظیم مقررات بازار آب و برق و خصوصیه سازی وزارت نیرو ضمن تشریح شرایط فعلی اقتصاد ایران، تصویری از آینده اقتصاد ایران را ارائه می‌دهد.

۶۷

از دیدگاه شما اصلی‌ترین چالش‌های کنونی اقتصاد ایران چیست؟
مهم‌ترین چالش میان‌مدت اقتصاد ایران مساله اشتغال است که نیازمند رشد پایدار اقتصاد کشور است.

فضای کلان اقتصاد ایران چه فرصت‌های مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی دارد؟
ایران رتبه اول منطقه را از نظر تولید علم داراست. همچنین کشور در صورت ملی شدن و سلب مالکیت، پرداخت غرامت را تضمین می‌کند. به علاوه ما جبران خسارت‌های ناشی از ممنوعیت و توقف موافقتنامه‌های مالی، خسارت‌های احتمالی در روند خرید کالا و مشکلات پیش‌آمده در روند خدمات تولیدی را نیز عهده دار می‌شویم. همچنین امکان انتقال آزادانه ارز به کشور، انتقال آزادانه اصل سرمایه و منافع آن به صورت ارز و کالا، حمایت‌های یکسان بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، امکان سرمایه‌گذاری خارجی به صورت صددرد، پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در همه زمینه‌ها و امکان تملک زمین در ایران وجود دارد.

علاوه بر این امکان ارائه پروانه اقامت سه‌ساله برای مدیران و وابستگان درجه یک آن‌ها در ایران فراهم شده و تمدید اقامت آنان نیز امکانپذیر است. حداکثر نرخ مالیات در ایران ۲۵ درصد است؛ ضمن اینکه امکان سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با معافیت مالیاتی ۲۰ ساله وجود دارد و ورود و خروج بدون نیاز به اخذ ویزا و ورود و خروج مواد اولیه و کالا در این مناطق آزاد است. به‌علاوه در کشور ما چشم‌انداز رشد اقتصادی بالا با

جمعیت ۸۰ میلیونی، نیروهای جوان و تحصیلکرده و تنوع جغرافیایی و اقلیمی در مجاورت بازار ۳۰۰ میلیونی حوزه دریای خزر وجود دارد. اخیراً کاهش تورم از بالای ۴۰ درصد به ۱۱ درصد و رشد اقتصادی مثبت (۷٫۶ درصد در شش ماهه نخست سال ۹۵) بعد از یک دوره رشد منفی ناشی از اعمال تحریم‌های بین‌المللی محقق شده است و این عامل نیز از دیگر مزایای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران محسوب می‌شود.

البته ذکر این نکته را هم ضروری می‌دانم که اجرای قانون رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری، ظرفیت جدیدی را برای ایجاد فضای رقابتی در کشور ایجاد کرده است. در کنار آن سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی نیز شرایط جدیدی را به وجود آورده است تا بتوانیم به سمت ثبات، بهره‌وری بالا و کاهش موانع و محدودیت‌های اداری و اقتصادی حرکت کنیم. همچنین موافقتنامه حمایت از سرمایه‌گذاری با بیش از ۶۰ کشور دنیا امضا شده و زیرساخت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری فراهم است.

همه موارد فوق‌الذکر نشان‌دهنده فضای مثبت اقتصاد ایران بوده و فرصت‌های بزرگی را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر با قرارداد خرید تضمینی ۲۰ ساله، احداث نیروگاه‌های حرارتی با قرارداد خرید تضمینی ۵ ساله، احداث نیروگاه‌های برقابی بزرگ، پروژه‌های آب‌شیرین‌کن و تصفیه آب، پروژه‌های تصفیه و انتقال فاضلاب، پروژه‌های انتقال آب، پروژه‌های سدسازی، شبکه‌های آبیاری و زهکشی، پروژه‌های صرفه‌جویی سوخت در رستای استفاده از ظرفیت ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید و دیگر زمینه‌ها فراهم می‌کند.

چرا ما تا امروز نتوانسته‌ایم تجارب پر تعداد موفق و تاثیرگذاری در جذب سرمایه‌های خارجی داشته باشیم؟

دلایل متعددی منجر به عدم تحقق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به خصوص پس از برجام شده‌اند که رتبه بالای ریسک سرمایه‌گذاری در ایران، مشکلات بازگشت تحریم‌ها، مشکلات اتصال سیستم بانکی کشور به سیستم پیشرفته بانکی بین‌المللی، فضای نامناسب کسب‌وکار در ایران، حجیم بودن دولت و ضعیف بودن بخش خصوصی از آن جمله است. از دیدگاه شما آیا برجام می‌تواند زمینه‌ساز

ایجاد تحولات بزرگ اقتصادی برای کشور باشد؟ الزامات ایجاد این تحول چیست؟

برجام قطعاً می‌تواند زمینه تحولات مثبتی نظیر حضور سرمایه‌گذاران و تامین‌کنندگان مالی در کشور از سوی کشورهای متعدد (برخلاف قبل از تحریم که تنها تامین‌کننده مالی خارجی ایران کشور چین به حساب می‌آمد)، انتقال تکنولوژی به کشور و صادرات آن به سایر کشورها در زمینه‌های نیروگاهی، انتقال برق، شبکه فاضلاب و ... و همچنین رشد صادرات خدمات حوزه آب و برق را برای کشور فراهم آورد، اما تمامی این امور مشروط به آن است که طرفین برجام به تعهدات خود پایبند باشند.

در شرایط کنونی تقریباً تمام بخش‌های اقتصادی و صنعتی کشور با رکود دست‌وپنجه نرم می‌کنند. از نگاه شما برون‌رفت از این رکود مستلزم چه تدابیری است؟

به طور کلی چند عامل موجب رکود تورمی در اقتصاد ایران شده‌اند که خروج از این وضعیت مستلزم رفع آن‌هاست. عدم توازن بودجه در کنار ضعف خدمات دولت، مشکلات بخش پولی و بانکی (عواملی که منجر به رشد نقدینگی و تورم می‌شوند)، ضعف سیستم بانکی در تجهیز منابع و جمع‌آوری پس‌اندازهای مردم، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، عدم بازگشت مطالبات بانکی و طرح مسکن مهر از جمله این عوامل هستند.

در مقابل عوامل یادشده، اصلاح سیستم بانکی جهت ایجاد جذابیت برای جذب منابع بیشتر، رقابتی کردن سیستم بانکی (افزایش قدرت رقابت بانک‌ها با سایر دارایی‌ها)، کنترل نقدینگی و استقلال بانک مرکزی، پررنگ‌تر ساختن نقش بازار سرمایه و بازار اوراق مشارکت در تامین مالی بنگاه‌های بزرگ دولتی و فعال شدن بانک‌ها فقط در تامین سرمایه در گردش بنگاه‌ها از جمله اقداماتی هستند که برای برون‌رفت از رکود فعلی باید نسبت به آن‌ها اقدام کرد.

از سوی دیگر در نتیجه مداخلات تاریخی دولت در اقتصاد و نبود یک چهارچوب قابل پیش‌بینی از سوی دولت، محیط کسب‌وکار نامناسب شده که با توانمندسازی بخش خصوصی، توجه به خصوصی‌سازی‌های جدید، توجه به شبه‌دولتی‌ها و اصلاح قوانین ورشکستگی می‌توان در جهت بهبود آن قدم برداشت.

نظام ناکارآمد یارانه و بروز خطاهای بزرگ در شیوه اصلاح آن نیز از دیگر مشکلات کنونی کشور است؛ که در این زمینه لازم است دولت رابطه بین بازار انرژی و بازار ارز را در خصوص هدفمندسازی یارانه‌ها اصلاح کند و قیمت انرژی را به صورت یک‌باره یا ظرف چندسال افزایش دهد.

مساله دیگر دولت در این حوزه، پرداخت نقدی یارانه غیرمتناسب با درآمد حاصل شده از اجرای قانون بود که در مراحل بعد نیز این روند اشتباه در قالب پرداخت یارانه به گروه‌های هدف ادامه پیدا کرد.

شرایط نامساعد ارزی نیز از دیگر عوامل رکود اقتصاد کشور است. دولت باید مشخص کند در سال به چه میزان ارز نیاز دارد؛ چرا که در حال حاضر رفتار او در بازار ارز غیرقابل پیش‌بینی است. تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی اقتصاد ایران نیز از دیگر عوامل رکود است که راه برطرف ساختن این مشکل تعامل مثبت با دنیا است.

ما تا دستیابی به اهداف و آرمان‌های تصویر شده در افق ۱۴۰۴ فاصله بسیاری داریم. فکر می‌کنید ظرف یک دهه باقیمانده می‌توانیم این فاصله را جبران کنیم؟

برای رسیدن به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ صنعت آب و برق، به بیش از سیصد میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید نیاز داریم و برای تحقق این حجم سرمایه‌گذاری به استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی نیازمند هستیم؛ چراکه منابع داخلی کشور برای سرمایه‌گذاری محدود است و امکان این حجم از سرمایه‌گذاری بدون بهره‌گیری از سرمایه‌گذاران خارجی وجود ندارد.

به عقیده شما کاستی‌ها و چالش‌های موجود در فضای اقتصادی و کسب‌وکار کشور تا چه اندازه ناشی از ضعف مدیریتی در بنگاه‌های اقتصادی است؟

چالش‌ها و کاستی‌های کنونی اقتصاد ایران عمدتاً از دو ناحیه ناشی می‌شود: محیط بین‌المللی (اقتصادی و سیاسی) و محیط داخلی (دولت و بنگاه‌ها).

به نظر می‌رسد عمده چالش‌های اقتصادی کشور ناشی از محیط بین‌المللی و دولت است و بخش‌اندکی از آن‌ها شامل کیفیت پایین محصول، استفاده از تکنولوژی قدیمی، پایین بودن بهره‌وری و ... به مدیریت بنگاه‌ها برمی‌گردد.

زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری خارجی با مشارکت طرف ایرانی

● گفت‌وگو با بهرام نظام‌الملک،
معاون امور پشتیبانی صنعتی
مرکز پشتیبانی صنایع آب و برق
و توسعه صادرات وزارت نیرو

رویکردهای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بعد از برجام به چه صورت پیگیری شده است؟ آیا صرفاً فاینانس‌ها را شامل شده و یا اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم یا FDI هم دنبال می‌شود؟

برنامه‌هایی که ما در مرکز توسعه صادرات و پشتیبانی صنایع آب و برق اعلام کرده‌ایم مبتنی بر آن است که شرکت‌های خارجی که قصد ورود به بازار ایران و سرمایه‌گذاری در آن را دارند باید با یکی از شرکت‌های ایرانی فعال در زمینه مورد نظر هماهنگ شوند و از طریق شرکت‌های ایرانی مورد نظر وارد بازار ایران شوند تا هم انتقال تکنولوژی صورت پذیرد و هم استفاده حداکثر از توان داخلی محقق شود.

این امر از چه طریق امکان‌پذیر است؟ یعنی شرکت‌های خارجی چگونه و از چه طریق می‌توانند با پتانسیل شرکت‌های مختلف ایرانی آشنا شوند و همکاری و سرمایه خود را از مجرای مناسب وارد بازار صنعت برق ایران کنند؟ مشخصاً

نمی‌توان چشم‌اندازی به چشم‌اندازهای یک جامعه کلان اقتصادی داشت، بی‌آنکه ابعاد سرمایه‌گذاری خارجی آن را بررسی و به طور دقیق و شفاف تنظیم کرد و این مسأله‌ای است که سوای آنچه در گفتار مسئولین شنیده می‌شود می‌بایست در کردار اجرایی‌ترین بخش‌های مرتبط با موضوع جویای آن شد. از این رو از بهرام نظام‌الملک معاون امور پشتیبانی صنعتی مرکز پشتیبانی صنایع آب و برق و توسعه صادرات وزارت نیرو راجع به رهیافت عملی این بخش از وزارت نیرو برای ورود مشر ثمر سرمایه‌گذاران خارجی به صنعت برق کشور جويا شدیم که هر چند به تناسب فرصت اندک پاسخ‌ها کوتاه بود اما به همان اندازه صریح و بی‌تردید از لزوم پابندی تمام سطوح این وزارتخانه به اصول مدون قانونی خبر می‌داد. در ادامه این گفتگو را خواهید خواند:

“



نقش دفتر توسعه صادرات و پشتیبانی صنایع آب و برق وزارت نیرو در این زمینه چیست؟

بخش پشتیبانی و صادرات وزارت نیرو در خدمت شرکت‌های ایرانی و تشکل‌های آب و برق بخش خصوصی کشور است و تا کنون سعی داشته در جلسات و همچنین براساس پیشنهادها واصله از طرف‌های خارجی، آن‌ها را با شرکت‌های ایرانی فعال در آن زمینه مشخص مرتبط کند.

این فرمایش شما در حالی است که از طرفی هم می‌شنویم قراردادهای و مراوداتی تجاری بدون به بازی گرفتن بخش خصوصی با هیات‌هایی از ترکیه و کره جنوبی آن‌هم صرفاً به شکل فاینانس صورت گرفته است. برای این موارد چه توضیحی را قابل ارائه می‌دانید؟

به هر حال طبق قانون حداکثر استفاده از توان داخلی در بخش فنی و مهندسی، هر گونه مراودات تجاری خارج از محدوده تعیین شده خلاف قانون بود. طرف خارجی را موظف به هماهنگی و اقدام از کانال شرکت‌های ایرانی می‌کند. بنابراین رعایت قانون فوق در کشور برای کلیه شرکت‌های خارجی که قصد ورود به بازار ایران را دارند اجباری است.

از سوی دیگر به نظر می‌آید نسبت به روزهای اولی که برجام به نتیجه رسیده بود استقبال خارجی‌ها کمتر شده باشد، آیا این امر را تصدیق می‌فرمایید و دلایل آن را چه می‌دانید؟

بدیهی است خارجی‌ها در هر شرایطی منافع سازمانی و ملی خود را دنبال می‌کنند و ما نیز متعاقباً باید منافع خود را در نظر داشته باشیم و چشم امیدمان نه به خارج از کشور که به توان و اقتدار فنی و مهندسی شرکت‌های ایرانی برای آباد کردن مملکت باشد. شرکت‌های ایرانی علی‌رغم مشکلات و تحریم‌هایی که وجود داشته است علاوه بر اجرای پروژه‌های داخلی و مطالبات معوقه‌شان از وزارت نیرو، همچنان در مناقصات بین‌المللی نیز شرکت می‌کنند و با وجود تحریم‌ها و سیستم بانکی که همچنان در صدور ضمانت‌نامه و ارائه تسهیلات ارزان قیمت با ایشان همراه بوده، در مناقصات بین‌المللی برنده می‌شوند که باید از

شرکت‌های ایرانی واقعا قدردانی شود.

آیا در این مدت سندیکا و مرکز توسعه صادرات و پشتیبانی صنایع آب و برق وزارت نیرو برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی و هماهنگی مابین طرفین داخلی و خارجی عملکرد مناسبی ارائه داده‌اند؟

ببینید آنچه واضح است دولت و نهادهای مربوطه می‌بایست هر شرکت یا هیات خارجی که به آنان مراجعه می‌کند را پیش از هر چیز به تشکل‌های مربوطه در بخش خصوصی ارجاع دهند و اگر زمینه فعالیت‌شان صنعت برق است آنان را به سندیکا معرفی سازد تا آن پیوند و انتقال تکنولوژی که انتظار می‌رود برای شرکت‌های ایرانی بخش خصوصی حاصل شود. بدیهی است دستگاه‌های دولتی خود نمی‌توانند شرکت تاسیس کنند. امروزه در دنیا هر کشوری که پیشرفت کرده، به بخش خصوصی خود اهمیت داده که متأسفانه این کار در کشور علی‌رغم قوانین و دستورالعمل‌هایی که وجود دارد صورت نمی‌گیرد.

آیا در عمل هم این مهم محقق شده است؟

در اصل هنوز قراردادی در این زمینه منعقد نشده است و این قراردادها توسط هر نهاد یا گروهی اعم از وزارت نیرو یا هر وزارتخانه دیگر صورت پذیرفته باشد می‌بایست از قانون حداکثر استفاده از توان داخلی تبعیت کند.

عدم انعقاد قراردادهای فی‌مابین با وجود مراجعات متعدد طرفین ایرانی و خارجی چیست؟

مشکل اصلی کشور این است که بعضی از مسئولین متأسفانه به توانمندی و قابلیت‌های داخلی معتقد نیستند و چشم به بیرون از کشور دوخته‌اند.

اگر واقعا به توانمندی و قابلیت شرکت‌ها در حوزه‌های مختلف توجه شود می‌بایست مشابه آنچه در سایر کشورها شاهدیم، تسهیلات ارزان قیمت در اختیار شرکت‌ها قرار گیرد و طلب‌های آن‌ها به موقع پرداخت شود. شرکت‌های ایرانی نه تنها می‌توانند مشکلات طرح‌های داخلی را حل کنند، بلکه نقش فعال‌تری نیز در پروژه‌های برون مرزی خواهند داشت. متأسفانه سیستم مالی و بانکی کشور به جای اینکه در خدمت تولید، صادرات و عمران و آبادی کشور باشد عملاً به امور بنگاهداری مشغول است و تا این امر در کشور اصلاح نشود، کارها به نتیجه نخواهد رسید.



شرکت‌های ایرانی علی‌رغم مشکلات و تحریم‌هایی که وجود داشته است علاوه بر اجرای پروژه‌های داخلی و مطالبات معوقه‌شان از وزارت نیرو، همچنان در مناقصات بین‌المللی نیز شرکت می‌کنند و با وجود تحریم‌ها و سیستم بانکی که همچنان در صدور ضمانت‌نامه و ارائه تسهیلات ارزان قیمت با ایشان همراه بوده، در مناقصات بین‌المللی برنده می‌شوند که باید از شرکت‌های ایرانی واقعا قدردانی شود



شلختگی، ریشه‌ای ترین چالش اقتصادی کشور

● گفت‌وگو با مهدی پازوکی، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی



به تبع آن فساد دولتی افزایش خواهد یافت. علی‌رغم تعدد دانشگاه‌های دولتی که هزینه تحصیل دانشجویان آنها از منابع عمومی دولت تامین شده و فارغ‌التحصیلانشان اکنون بیکار هستند، شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۳۱ استان ۳۱ دانشگاه فرهنگیان ایجاد کرده است. فارغ‌التحصیلان بهترین دانشگاه‌های ما مثل دانشگاه تهران، شریف، پلی‌تکنیک، دانشگاه شیراز و دانشگاه مشهد دارای شغل نیستند و آنگاه به رتبه ۱۴ هزار کنکور که در دانشگاه فرهنگیان مشغول به تحصیل شده است، از روز اول خوابگاه دانشجویی رایگان، کمک‌هزینه دانشجویی و حقوق تعلق می‌گیرد و دوره دانشجویی او سابقه محسوب می‌شود و زمانی که فارغ‌التحصیل می‌شود، برای او شغل تضمینی موجود است. با چنین وضعیتی هیچ تحولی در آموزش و پرورش ایجاد نخواهد شد. شهری مثل قم حدود ۶۷ دانشگاه دولتی اعم از دانشگاه قم، دانشگاه مفید، دانشگاه صنعتی، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه علوم قضایی و ... دارد. اگر این شهر هزار دانشگاه خصوصی داشته باشد، مشکلی ایجاد نمی‌شود اما دانشگاه‌های دولتی از منابع دولتی تغذیه می‌شوند.

وقتی دولت حجیم می‌شود و شلختگی اقتصادی بر دستگاه‌ها حاکم می‌شود، مشکلاتی نظیر این به‌وجود می‌آید. اکنون صدها موسسه تحقیقاتی داریم که اگر ۵۰ درصد بودجه آنها صرف امور تحقیقاتی شود، عملکرد خوبی داشته‌اند اما متأسفانه اینطور نیست و بسیاری از اینها تنها حقوق می‌گیرند و برای دولت هزینه‌بر هستند.

درحال حاضر با رشد و توسعه دانشگاه‌هایی نظیر دانشگاه آزاد، پیام نور و علمی-کاربردی در بخش فرهنگی کشور کارخانه مدرک‌سازی به‌شدت درحال گسترش است و این به اعتقاد

از دیدگاه شما چالش‌های کنونی اقتصاد ایران چیست؟

به نظر من اصلی‌ترین مشکل فعلی اقتصاد ایران، بی‌انضباطی اقتصادی است. این بی‌انضباطی در قالب سه گروه قابل دسته‌بندی است. یکی از این موارد بی‌انضباطی پولی است که در سیستم بانکی قابل مشاهده است که شامل بدهی‌های دولت، شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی به سیستم بانکی و به طور کلی حجم بالای معوقات پولی به سیستم بانکی است. بی‌انضباطی پولی علت رشد فزاینده نقدینگی در اقتصاد ایران نیز محسوب می‌شود.

دومین مورد بی‌انضباطی مالی است که در سند بودجه دولت قابل مشاهده است. متأسفانه در سال‌های اخیر بودجه دولت به‌شدت بزرگ شده و این دولت بنا به دلایلی هنوز سعی نکرده در جهت کوچک شدن اقتصاد دولتی قدم بردارد. در سند بودجه به مواردی سرمایه تخصیص داده شده که درست نیست، نه تنها این تخصیص بودجه به نفع اقتصاد ملی نیست؛ بلکه حتی اقتصاد را با زیان‌های فزاینده‌ای مواجه می‌سازد.

به‌عنوان مثال شورای عالی انقلاب فرهنگی که یک نهاد سیاست‌گذاری است، دبیرخانه‌ای دارد که می‌توان آن را با حداکثر ۲۰ نفر پرسنل به بهترین شکل اداره کرد اما اکنون صدها نفر در آن مشغول به کار هستند و درحد یک وزارتخانه گسترش یافته است. این دبیرخانه دارای بیش از ۱۲ اداره کل است. از سوی دیگر وضعیت فرهنگ کشور نیز به‌هیچ وجه مساعد نیست. مشکل همینجاست که سرمایه کشور به‌جای اینکه صرف ارتقای فرهنگی شود، صرف نهادهایی می‌شود که باعث بزرگ شدن و ناکارایی دولت می‌شوند.

ریشه فساد اقتصادی در اقتصاد دولتی است و بنابراین هرچه اقتصاد دولتی بزرگ‌تر شود،

با گذشت زمان از توافق برجام و نبود تغییر محسوس در وضعیت اقتصادی کشور، صنعتگران و سایر فعالان اقتصادی نگران آن شده‌اند که پیش‌بینی‌ها از تأثیرات برجام تحقق نیافته و شرایط بر همان وضعیت سابق خود باقی بماند. از سوی دیگر اسنادی مانند برنامه ششم توسعه و سند چشم‌انداز اقتصاد کلان ایران در افق ۱۴۰۴ نیز انتظاراتی را در میان اقشار گوناگون اقتصادی کشور برانگیخته که شرایط فعلی را پاسخگوی آن نمی‌دانند. این نگرانی‌ها ما را بر آن داشت تا با اختصاص این شماره نشریه ستبران به موضوع چشم‌انداز اقتصاد کلان ایران به بررسی شرایط اقتصادی کشور بپردازیم که تا حدودی از این ابهام پرده برداریم. مهدی پازوکی، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی در گفت‌وگو با ستبران به ارزیابی چشم‌انداز اقتصادی ایران پرداخته است.



من نتیجه سیاست‌های ناپرخدانه دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی است. البته ستاد انقلاب فرهنگی تنها یک نمونه از بی‌انضباطی‌های مالی گسترده در کشور است.

سومین بی‌انضباطی، بی‌انضباطی اداری است که نمونه آن را اخیراً در ماجرای موسوم به حقوق‌های نجومی مشاهده کردیم. سیستم حقوق و دستمزد ایران یکی از ناعادلانه‌ترین سیستم‌های حقوق و دستمزد در جهان است. در گذشته نسبت حداقل به حداکثر حقوق ۷ برابر بود و اکنون به بیش از ۲۰ برابر افزایش یافته است.

مجلس نهم در برنامه پنجم توسعه بیمه و بانک‌ها را از قانون خدمات مدیریت استثنای خود یا شورای عالی انقلاب فرهنگی کارکنان دبیرخانه خود را از برخی قوانین استثنای خود و این درحالی است که شورای عالی انقلاب فرهنگی اصلاً یک نهاد قانونگذار نبوده و حق اعمال نظر در قانون را ندارد. این کاری تبعیض‌آمیز است.

مجموع این بی‌نظمی‌ها، بی‌انضباطی اقتصادی است که از دیدگاه من بزرگ‌ترین چالش اقتصادی ایران محسوب می‌شود.

این بی‌انضباطی‌ها باعث به‌وجود آمدن فضای نامناسب برای کسب‌وکار می‌شود که از سرمایه‌گذاری و افزایش تولید ملی جلوگیری کرده و سبب رکود در اقتصاد می‌شود. دولت باید به‌عنوان سیاست‌گذار ارشد کشور به دنبال ایجاد فضای مناسب برای فعالان اقتصادی و خصوصاً بخش خصوصی باشد. این فضای مناسب شامل ایجاد شفافیت در اقتصاد، ایجاد رقابت اقتصادی و نفی هرگونه انحصار است.

از سوی دیگر باید ایجاد زمینه سرمایه‌گذاری داخلی و حمایت از آن را در دستور کار مجموعه حکومت قرار دهیم. قوه قضاییه نقش بسزایی در ایجاد این امنیت داراست و نقش آن حتی از قوه مجریه نیز بیشتر است. مراجعه فعالان اقتصادی به قوه قضاییه باید به آنان این اطمینان را بدهد که مشکل در سریع‌ترین زمان و به صحیح‌ترین روش ممکن حل خواهد شد. فعالان اقتصادی برای آنکه نسبت به سرمایه‌گذاری اقدام کنند، نیازمند یک قوه عدلیه چابک و کارا هستند. اگر قوه قضاییه از تولیدکنندگان ملی حمایت کرده و با کلاهبرداران و قانون‌شکنان برخورد کند، زمینه برای سرمایه‌گذاری داخلی فراهم خواهد شد.

فضای کلان اقتصاد ایران چه فرصت‌های

مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی دارد؟ برای اینکه جذب سرمایه‌های خارجی به کشور صورت گیرد، در ابتدا باید از سرمایه‌های داخلی حمایت شود. به دنبال سرمایه‌گذاری داخلی، سرمایه‌گذاری خارجی نیز محقق خواهد شد.

برای جذب سرمایه‌های خارجی اقتصاد ایران دو مزیت دارد که یکی از آنها نیروی کار تحصیلکرده و در عین حال ارزان است. ایران از نیروی انسانی کارآمدی برخوردار است که قیمت آن نسبت به قیمت‌های بین‌المللی پایین‌تر است. دومین مزیت اقتصادی ایران انرژی ارزان است. علی‌رغم افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سال‌های اخیر، قیمت‌های ما هنوز از نرخ‌های بین‌المللی پایین‌تر است.

بنابراین با در نظر گرفتن دو مزیت فوق‌الذکر زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در کشور مهیا است؛ ولی امنیت از این دو مورد مهم‌تر است. در ایران افراد خاصی قدرت دارند و پاسخگوی رفتارها و حرکات خود نیستند.

در حال حاضر صادرات کشور عراق که نیمی از آن در اختیار اجانب است، از صادرات کشور ما بیشتر است. عراق اکنون دومین صادرکننده نفت اوپک شناخته می‌شود و این درحالی است که ما جایگاه پنجم را در این رتبه‌بندی داریم. دلیل آن هم سرمایه‌گذاری شرکت‌های امریکایی و تعامل اقتصاد عراق با اقتصاد جهانی است.

چرا ما تا امروز نتوانسته‌ایم تجارب پر تعداد موفق و تاثیرگذاری در جذب سرمایه‌های خارجی داشته باشیم؟

نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی ما ضعیف است. در همه جای دنیا بهترین کارشناسان جذب نظام تصمیم‌سازی می‌شوند و افراد نخبه و فهیم در نظام تصمیم‌گیر جذب می‌شوند. ما در ایران ساختار حزبی نداریم و گاه کسانی که حتی قابلیت اداره یک دهداری را ندارند در سمت‌های بالا مشغول به کار می‌شوند. ما می‌خواهیم یک جامعه صنعتی را با یک مدیریت سنتی اداره کنیم و همین باعث ایجاد مشکل می‌شود.

من آینده ایران را در ۱۰-۱۲ سال آینده خوب می‌بینم و دلیل من ارتقای سطح آگاهی و شعور جامعه به واسطه تحولات تکنولوژی اطلاعات است. به گمان من عقب‌ماندگان علمی و ذهنی جایی در سیستم مدیریتی آینده ایران نخواهند داشت.

چرا برجام تاکنون نتوانسته زمینه‌ساز ایجاد تحولات اقتصادی برای کشور باشد؟ الزامات ایجاد این تحول چیست؟

مشکل اقتصادی ما با برجام حل نمی‌شود. اقتصاد ایران بسته و قفل بود و اگر برجام را نمی‌پذیرفتیم بهترین اقتصاددانان و نویسندگان هم نمی‌توانستند برای آن کاری کنند. یکی از اثرات برجام این است که ما را از بسته بودن اقتصاد نجات داده و زمینه را برای تعامل با جهان فراهم ساخته است. باقی کار به خود ما بازمی‌گردد. ما باید بدانیم نه دوست دائمی در دنیا داریم و نه دشمن دائمی؛ آنچه که دائمی است، منافع ملی ماست. بنابراین باید به دنبال یک سیاست بردیبرد اقتصادی با جهان بین‌الملل در چارچوب منافع ملت ایران باشیم.

با توجه به آرمان‌هایی که در چشم‌انداز اقتصاد کلان ایران در افق ۱۴۰۴ تصویر شده است، در چه شرایطی می‌توانیم از رکود فعلی کشور خارج شده و نیل به اهداف و آرمان‌های چشم‌انداز اقتصاد را تحقق بخشیم؟

اسنادی مانند چشم‌انداز اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴ صرفاً کاغذ هستند. ما باید تعامل با جهان را در دستور کار قرار دهیم و با تکیه بر مواهب ارزان و مناسب کشور خود تحت یک مدیریت صحیح در آینده منطقه و جهان نقش به‌سزایی داشته باشیم. ما نبایدست بازارهای خود را تنها در ایران ببینیم؛ بلکه در اشل‌های بین‌المللی تولید کنیم و این مهم در صورتی ممکن است که تولید ما اقتصادی و کارشناسی شده باشد.

اگر انضباط را به اقتصاد ایران بازگردانیم، فضای کسب‌وکار را مناسب‌سازی کنیم، از تولیدکننده حمایت کنیم و زمینه را برای تشویق سرمایه‌گذاران داخلی در درجه اول و سرمایه‌گذاران خارجی در درجه دوم مهیا سازیم، می‌توانیم در منطقه موفق عمل کنیم. ولی اگر با روش‌های تحکمی و دستوری با اقتصاد برخورد کنیم قطعاً عقب خواهیم ماند. نمونه این امر کره شمالی و کره جنوبی است که دو نقطه مقابل هم هستند. کره شمالی یک اقتصاد عقب‌مانده با یک حکومت بسته است و کره جنوبی به‌عنوان کشوری که فاقد منابع طبیعی است، دارای تولید ناخالص ملی است که ۲۰ برابر این آمار در کره شمالی محسوب می‌شود، بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار صادرات صنعتی در جهان دارد و یکی از ۱۵ اقتصاد برتر دنیا است.

فاینانس؛ بیراهه‌ای رو به بن‌بست

● گفت‌وگو با علیرضا کلاهی؛
رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران



اقتصاد ایران در پس‌برجام منتظر رخدادها و اتفاقات بسیاری بود. شاید همگان انتظار گشایش‌های ناگهانی و نتایج سریع داشتند اما واقعیت این است که اثرات این توافق تاریخی آرام آرام در رگ و پی اقتصاد ایران ریشه خواهد دوانید. نمونه بارز آن، رفت و آمد هیات‌های بلندپایه سیاسی و تجاری و جذب آرام و بی‌دغدغه سرمایه‌های خارجی در بخش‌های مختلف است. صنعت برق اما داستان متفاوتی دارد. صنعتی بحران زده اما کلیدی که توانمندی‌های داخلی‌اش، جوابگوی نیازهای منطقه نیز هست. تحولات صنعت برق در پس‌برجام موضوع گفتگوی ما با علیرضا کلاهی، رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران است که البته سکان هدایت شرکت کابل ابهر را نیز در دست دارد. کلاهی بر این باور است که علیرغم گشایش‌های ایجاد شده، وزارت نیرو به دلیل شرایط اقتصادی نابسامان و یا تصمیمات مدیرانش نتوانسته به خوبی از فرصت‌های قانونی موجود بهره بگیرد. او فاینانس را بالای جان صنعت برقی می‌داند که دخل و خرجش با هم نمی‌خواند. از نگاه رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران تنها راه چاره جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی و توسعه صادرات است. حاصل گفتگوی ما با علیرضا کلاهی را می‌خوانید:

لمس و مشاهده است. آماري که اخيرا بانک مرکزی از رشد اقتصادی بالای ۷ درصد منتشر کرد، اگرچه با انتقاداتی از سوی برخی از صاحب‌نظران مواجه شد اما با توجه به تایید این آمار از سوی موسسه‌های بین‌المللی، می‌تواند نویدبخش فصل جدیدی از رونق و توسعه اقتصادی برای کشور باشد. موضوع دیگری که باید پس از برجام منتظر آن باشیم، شکل‌گیری جدی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. البته تاکید می‌کنم که جذب سرمایه‌های خارجی بحثی کاملا متفاوت از استقرار و فاینانس است. جذب سرمایه‌گذاری

مختلف از جمله صنعت برق به دولت یازدهم و به هم ریختگی مدیریتی ایجاد شده در بدنه دولت را نیز در نظر بگیریم. همه این عوامل در کنار هم به دولت یازدهم اجازه نداد که خیلی سریع و آنطور که انتظار داشت، برخی از مشکلات را حل کند. شاید حتی به جرات بتوان گفت که عمق مشکلات بیش از تصور دولتمردان دولت یازدهم بوده است. من بر این باورم که اگر در دوره بعد انتخابات ریاست جمهوری، شاهد انتخاب شدن مجدد آقای روحانی باشیم تا حدی اثرات جدی بعد از برجام را خواهیم دید. کما اینکه امروز هم بخشی از آثار برجام قابل

سمت و سوی اقتصاد ایران پس از برجام را چطور ارزیابی می‌کنید؟
پیش از هر چیز باید این نکته را مد نظر قرار دهیم که باید انتظاراتی معقول از برجام داشته باشیم. به نظر می‌رسد که در این مدت انتظارات از برجام بیش از حد بالا بود. برای قضاوت در خصوص اثرات برجام ابتدا باید عدم تحقق رشد اقتصادی مورد انتظار در طول یک دهه گذشته، ایرادهای ساختاری و مشکلات انباشته ناشی از عملکرد دولت نهم و دهم، انتقال رقمی بالغ بر ۵۴۰ هزار میلیارد تومان تعهدات معوق، کسری سرمایه‌گذاری در حوزه‌های

مستقیم خارجی و ورود شرکت‌های مطرح و رده یک بین‌المللی به ایران، می‌تواند دولت را برای عملی کردن شعار تبدیل ایران به هاب منطقه یاری کند. دولت بر این باور است که ایران به عنوان یک بازار ۶۰۰ میلیون دلاری می‌تواند در نقش هاب منطقه ظاهر شود و این امر تنها با کمک دانش مدیریتی برند و دسترسی به زنجیره تامین جهانی شرکت‌های معتبر بین‌المللی امکان‌پذیر است.

رقم سرمایه‌گذاری‌های جذب شده ممکن است تا اندازه‌ای پایین‌تر از ارقام اعلام شده باشد، اما اینگونه نبوده که ما موفقیتی در این زمینه کسب نکرده باشیم. مثلاً در حوزه تنباکو یکی از سه شرکت برتر این حوزه در جهان، یکی از شرکت‌های ایرانی را خریده و در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده است. کالاهای مصرفی، لوازم آرایشی، غذاهای دریایی حوزه‌هایی هستند که در زمینه جذب سرمایه‌گذاران خارجی پس از اجرای برجام تجربه بسیار موفق داشته‌اند. نکته دیگری در این خصوص باید مد نظر قرار دهیم این است که در دوران پسابرجام حداقل در زمینه صادرات دسترسی به منابع مالی بسیار آسان‌تر شده و همین امر می‌تواند به گام مثبتی برای رسیدن به آمارهای پیش‌بینی شده برای صادرات خصوصاً در کشور عراق تبدیل شود.

آیا وزارت نیرو توانسته از فرصت‌های ایجاد شده در پسابرجام به درستی استفاده کند؟ موضوع وزارت نیرو تفاوت‌های اساسی با سایر بخش‌ها دارد و ابعاد اثرات برجام از دیدگاه‌های مختلف در آن قابل بررسی است. از یک سو فارغ از قضاوت‌های درست و نادرستی که در مورد عملکرد دولت ارائه می‌شود در خصوص وزارت نیرو می‌توان گفت که از یک بعد افزایش فروش نفت و موفقیت‌های سیاسی دولت در ایک، اثرات مثبتی بر حوزه فعالیت این وزارتخانه داشته که قطعاً هنوز هم ابعاد گسترده آن به درستی روشن نشده و به نظر می‌رسد مشخص شدن اثرات واقعی این رخدادهای مثبت، مدتی زمان لازم دارد.

اما از سوی دیگر وزارت نیرو به دلیل ایرادات ساختاری مهم خود که شامل عدم برابری دخل و خرج صنعت برق و وابستگی وزارت نیرو به بودجه‌های عمومی کشور است، با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده است. چرا که قطعاً بودجه عمومی کشور کفاف هزینه‌های این وزارتخانه را نمی‌دهد و در نهایت این سیستم را با بدهی‌های

معوق بزرگی مواجه می‌کند.

از دیدگاه من وزارت نیرو کمی در استفاده از برخی از ظرفیت‌های قانونی کوتاهی کرده است. به عنوان مثال وزارت راه تا امروز از محل ظرفیت‌های ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابتی، ۱۹ میلیارد دلار از شورای عالی رقابت بودجه دریافت کرده است. وزارت نیرو هم جزو دستگاه‌هایی بود که می‌توانست خیلی خوب از ظرفیت‌های قانون رفع موانع تولید به ویژه در پروژه‌های کاهش تلفات و حوزه توزیع، استفاده کند. اما متأسفانه تا امروز اتفاق خاص و چشمگیری در این حوزه رخ نداده است.

اگرچه در همان ابتدای کار در حوزه کاهش تلفات و شبکه‌های توزیع جنب و جوشی شکل گرفت، کمیته تشکیل شد و شرکت‌ها پروژه‌های مناسبی را در همین حوزه تعریف کرده و به وزارت نیرو پیشنهاد دادند، ولی ظاهراً بوروکراسی داخلی یا شاید ترس، نگرانی یا انحصار طلبی این وزارتخانه باعث شد که اجازه حضور بخش خصوصی را ندهد. در نهایت امروز که سه سال از تصویب قانون حمایت از تولید داخلی رقابت پذیر می‌گذرد، هنوز هم گام اثربخشی در راستای اصلاح شبکه توزیع کشور برداشته نشده و اقدامی برای بهره‌برداری بهینه از این قانون صورت نگرفته است.

از دیدگاه شما مهمترین ریسکی که اجرایی شدن برجام برای صنعت برق به دنبال دارد، چیست؟

موضوعی که در شرایط پس از برجام به عنوان یک ریسک برای صنعت برق قابل بررسی است، استفاده از فاینانس خارجی است. امروز ما شاهد حضور فعال کشورهای نظیر چین و کره در بازارهای کشورمان هستیم، به طوری که مثلاً شرکت برق دولتی کره - کیکو - یک دفتر کار ۲۵ نفره برای کار بر روی بازار ایران راه‌اندازی کرده است. دقت کنید که آنها برای بازار ایران ۲۵ نفر را تجهیز می‌کنند، ولی ما هنوز هم برای بازار مساعدی مثل عراق برنامه ریزی هدفمندی انجام نداده‌ایم.

مقامات ایرانی بارها از سوی این دفتر و برای بازدید از پروژه‌های سوپر کاندکتور و ذخیره سازی نیرو و ... به کره دعوت شده‌اند. به این ترتیب کره ای‌ها با یک برنامه ریزی درست به قول معروف قاب مسئولین ما را زدیده‌اند و آنها را تحت تاثیر قرار داده‌اند.

این امر می‌تواند برای تولیدکنندگان داخلی به یک

استثنا بزرگ ما استفاده از فاینانس خارجی با گارانتی دولتی است. در این شرایط ما با گارانتی بانک مرکزی وارد چارچوب خط اعتباری صادراتی کشور دیگری می‌شویم که با قانون کشور ما در خصوص استفاده حداکثری از توان ساخت داخل تناقض دارد

تهدید تبدیل شود به ویژه وقتی که پای فاینانس خارجی با گارانتی بانک مرکزی در میان باشد. البته من معتقدم اگر فاینانس بدون گارانتی‌های دولتی باشد، باز هم می‌توان آن را به عنوان یکی از راهکارهای تامین مالی مد نظر قرار داد. ولی اشتباه بزرگ ما استفاده فاینانس خارجی با گارانتی دولتی است. در این شرایط ما با گارانتی بانک مرکزی وارد چارچوب خط اعتباری صادراتی کشور دیگری می‌شویم که با قانون کشور ما در خصوص استفاده حداکثری از توان ساخت داخل تناقض دارد.

اگر قرار است گارانتی دولتی به فاینانس‌های خارجی تعلق گیرد، بهتر است فاینانسور به صورت مستقیم با بانک مرکزی وارد مذاکره شده و اوراق قرضه منتشر کند و در نهایت سرمایه مورد نظر در هر جای کشور که صلاح دیده می‌شود، هزینه شود. من فکر می‌کنم بهترین کار این است که این نوع فاینانس‌ها را به سمت رشته‌هایی مثل حمل و نقل هوایی یا قطارهای سریع السیر و برخی قسمت‌های حوزه نفت و گاز و پتروشیمی، توسعه صنایع فلزی که در آنها توانمندی عمومی نداریم، هدایت کنیم.

اما ما فاینانسورها را دقیقاً وارد صنعتی توانمند با چند صد شرکت فعال و پر قدرت کرده‌ایم. فراموش نکنیم که پتانسیل‌های بخش خصوصی صنعت برق در طول سال‌های اخیر، یکی از چیزهایی بوده که کشور به آن افتخار کرده است. ما صنعت برق توانمندی داریم که از تمام هم‌تایان جهانی سومی خود جلوتر است و حالا می‌خواهیم در این حوزه از فاینانس خارجی استفاده کنیم و زمینه را برای نابودی صنایع داخلی فراهم آوریم.

چرا با وجود توانمندی‌های بسیار صنعت برق ایران و بازار مساعدی که در منطقه در اختیار دارد، هنوز هم در جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی موفق نبوده‌ایم؟

عدم شکل‌گیری واقعی سرمایه‌گذاری خارجی تا حدی هم تقصیر خود ماست. درگیری‌های جناحی و داخلی ایجاد شده در کشور، سیگنال عدم اطمینانی به سرمایه‌گذاران خارجی فرستاد که کمی در تصمیم‌گیری آنها تأخیر ایجاد کرد و در نهایت منتهی به انتخاب ترامپ به عنوان رییس جمهور آمریکا شد. این بدان معنی است که مجدداً یک مکث دیگر خواهند داشت تا ببینند سیاست دولت جدید آمریکا نسبت به ایران چیست و بعد هم مجدداً یک مکث دیگر تا نتیجه انتخابات ایران

خواهند داشت.

شاید اگر ما با یک نگرش وحدت ملی و فارغ از مشکلات جناحی و سیاسی، منافع ملی را در نظر می‌گرفتیم و یک صدا این پیام را القا می‌کردیم که ایران کشوری امن و باثبات است، تا امروز حجم قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشور انجام شده بود. در این صورت درگیر شدن منافع شرکت‌های بزرگ خارجی حتی می‌توانست شرکت‌های داخلی را در مقابل تحرک غیرمنطقی دولت ترامپ بیمه کند. لذا من بر این باورم که کوتاهی خود ما در این زمینه کاملاً اثرگذار و مخرب بوده است.

به نظر می‌رسد سیاست هسته روابط خارجی و امنیت ملی ترامپ این باشد که با افزایش فشار بر ایران، ایران را به عکس العمل‌هایی خارج از چارچوب‌های قانونی وادار کند که امیدوارم اتفاق نیفتد. چرا که اگر ما خویشتن داری کرده و رفتار منطقی داشته باشیم، مجدداً اجماع جهانی علیه ما شکل نخواهد گرفت، حتی اگر آمریکا به صورت یک جانبه دست به هر اقدامی بزند، همراهی اروپا ژاپن و چین و ... را نخواهد داشت. اگر ما بتوانیم این موضوع کلیدی را مدیریت کنیم، در دوره بعدی با یک دولت کارآمد و منطقی می‌توانیم به آینده امیدهای بسیاری داشته باشیم.

از دیدگاه شما آیا دولت در دوره پسابرجام اقدامات موثری داشته است؟

به نظرم بهتر است این سؤال را اینگونه باید مطرح کنیم که دولت با تصویب برجام از چه اتفاقاتی جلوگیری کرد. لزوماً همه چیز با مدرک مثبت عیان نمی‌شود. اگر سیاست‌های پوپولیستی دولت‌های نهم و دهم ادامه پیدا کرده بود، همان سیاست‌هایی که با درآمد افسانه‌ای نفت ۱۴۵ دلاری و هفتصد تا هشتصد میلیارد دلار درآمد نفتی، کشور را به اینجا

رساند امروز با این قیمت نفت کجا بودیم؟

قطعا به کشوری مثل ونزوئلا تبدیل می‌شدیم که دچار یک بی‌ثباتی کامل اقتصادی و اجتماعی شده و قتل و غارت و ناامنی بر آن حاکم است. اگر سیاست‌های درست دولت نبود قطعا ما هم همان مسیر را می‌رفتیم، پس حداقل می‌دانیم که یک دولت کارآمد و منطقی از بروز این حوادث جلوگیری می‌کند.

من امیدوارم که در دور بعدی با رفع یکسری چالش‌های خارجی که در این دوره شاهد بودیم،



بتوانیم مسیر توسعه را با شتاب بیشتری طی کنیم. متأسفانه حتی پس از اجرایی شدن برجام باز هم برخی از بانک‌های بین‌المللی درجه یک خارجی کماکان در برقراری رابطه با ایران، تعلل کردند که البته امیدواریم با عبور از این دوران گذار، آرام آرام این رابطه را برقرار می‌کنند.

در دولت بعدی اگر موضوع جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی و صادرات محور کردن اقتصاد کشور که برای دستیابی به آن باید به برخی پیش‌نیازها توجه شود در دستور کار دولت قرار بگیرد، می‌توانیم به رشد اقتصادی ۸ تا ۹ درصد هم دست پیدا کنیم. اگرچه دستیابی به رشد اقتصادی ۹ درصدی هدف بلندپروازانه‌ای به نظر می‌رسد اما این پتانسیل در کشور وجود دارد. رسیدن به این رقم با توجه به ساختار جمعیتی، منابع طبیعی موجود و ظرفیت‌های خالی صنایع کشور کاملاً شدنی است.

سرمایه‌گذاری خارجی چطور می‌تواند فضای کسب و کار صنعت برق را متاثر کند؟

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زمانی اتاق می‌افتد که شرکت‌های صاحب نام دنیا در شرکت‌های ایرانی سهام شریک شوند و یا در ایران شرکت تاسیس کرده و در هیات مدیره این شرکت‌ها حضور داشته باشند. تنها در این صورت است که آنها می‌توانند تجارب مدیریتی خود را به مدیران ایرانی انتقال دهند. ما در ایران ضعف فنی نداریم، بلکه دچار ضعف‌های مدیریتی و بازاریابی زنجیره تامین هستیم. در صورت پیاده سازی مدیریت و تجارت بین‌المللی در کشور، قطعاً زمینه برای افزایش بهره‌وری هم هموار خواهد شد. دوباره تاکید می‌کنم که فاینانس و استقرار به ویژه در صنعتی که دخل و خرجش با هم نمی‌خواند دردی را دوا نمی‌کند.

حتی مسئولین وزارت نیرو هم بر این مسأله صحه می‌گذارند که دخل و خرج صنعت برق با هم نمی‌خواند و این صنعت دچار عدم تعادل اقتصادی است. در چنین صنعتی استقرار یعنی عمیق تر رفتن در باتلاق. اما باز هم با این حال امروز شاهدیم که صنعت برق به سرعت به سمت استفاده از فاینانس‌های خارجی حرکت می‌کند.

به نظر می‌رسد مسئولین وزارت نیرو آسان‌ترین مسیر را انتخاب کرده‌اند. یکسری شرکت از کشورهای خارجی مثل چین و کره که به دنبال فروش تجهیزات خود به ایران بوده‌اند، تصمیم گرفته‌اند که یک خط اعتباری در اختیار ایران

قرار دهند و از این طریق به بازارهای کشورمان راه بیابند.

قطعاً جذب یک شرکت خارجی که در ایران سرمایه‌گذاری کرده و کارخانه داری و شرکت داری کند، بسیار دشوار است. بی‌ثباتی‌ها و درگیری‌های جناحی که خودمان به آن دامن می‌زنیم، به سادگی این نوع سرمایه‌گذاران را می‌ترساند. اما استقراض آنقدرها از این دست ریسک‌ها متاثر نمی‌شود. به ویژه زمانی که گارانتی بانک مرکزی را هم داشته باشد.

در این شرایط با ریسک بسیار جدی واردات و از بین رفتن توانمندی صنعت برقی که ۵-۶ سال است که از بیکاری و عدم پرداخت مطالباتش رنج برده مواجه خواهیم بود. تاکید می‌کنم که فاینانس برای صنعت برق حکم اسب تروای واردات را پیدا خواهد کرد و در نهایت چیزی از این صنعت باقی نخواهد گذاشت.

در این میان سندیکا چه وظایفی بر عهده دارد؟

ما در سندیکای صنعت برق چند وظیفه بر عهده داریم که مهمترین آنها بهبود فضای کسب و کار اعضا است. هر چند فضای کسب و کار داخلی با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای که به آن اشاره شد، دست ما را هم برای بهبود این شرایط بسته است. قطعاً مدیران وزارت نیرو هم علاقه‌ای به ادامه این شرایط ندارند، اما به نظر می‌رسد خروج از شرایط کنونی با دشواری‌های بسیاری همراه است.

از دیدگاه من مدیران وزارت نیرو در این خصوص مقداری کوتاهی کردند، اما ما هشدارهای بسیاری در این خصوص داده‌ایم. ما تلاش کردیم با توجه به مشکلاتی که دولت و وزارت نیرو از دولت‌های نهم و دهم به ارث برده بودند، منصف باشیم و فشار بی‌موردی که منجر به کلافه شدن و پس زدن ما شود را به آنها وارد نکنیم و در کنار آن حرف خود را بزنیم. موضوع بعدی بحث زمینه سازی برای صادرات بوده که کمیته توسعه صادرات اقدامات موثری در این خصوص داشته است. حرکتی هم که اخیراً در این حوزه آغاز کردیم توزیع عادلانه منابع کشور است. ما هم جزو تشکلهایی بودیم که به امتیازات بسیاری که به صنایع مادر از جمله مس، آلومینوم، فولاد و پتروشیمی داده می‌شود، اعتراض کردیم. در حقیقت اعتراض به یارانه قابل توجهی که به صنایع مادر داده می‌شود بدون آنکه کوچکترین مزیتی برای صنایع کشور داشته باشد، بخش دیگری از

بسترسازی است که ما تلاش کردیم برای بهبود فضای کسب و کار اعضا انجام دهیم.

اگر بتوانیم بخشی از این ده‌ها میلیارد دلار منابعی که وارد صنایع مادر می‌شود را عادلانه به اعضای خود منتقل کنیم، قطعاً شرایط بسیار متفاوتی خواهیم داشت. به عنوان مثال آمار نشان می‌دهد که فولاد مبارکه فقط از محل یارانه گاز، بالای ۱/۲ میلیارد دلار در سال و تنی ۱۲۰ تا ۱۸۰ دلار یارانه می‌گیرد. در مقابل این یارانه به جای اینکه فولاد ارزان قیمت تر در اختیار دکل سازان ما قرار دهد و زمینه را برای صادرات محصولات آنها فراهم کند، فولاد را در ایران با ۲۰ تا ۳۰ درصد گران تر از قیمت‌های منطقه عرضه می‌کند.

به طور خلاصه می‌توان گفت که تقریباً همه مواد اولیه از سوی تولیدکنندگان داخلی بالاتر از قیمت منطقه به ما عرضه می‌شود. با توجه به همه این نکات تنها راه نجات ما صادرات است. ما ناگزیریم به سمت صادرات حرکت کنیم خودمان را با شرایط منطقه سازگار کنیم و زمینه سازی‌های این موضوع باید در داخل انجام شود که تامین مواد اولیه و حمایت‌های مالی از مهمترین آنهاست. میزان ارزش افزوده صادرات خدمات فنی و مهندسی، تفاوت معناداری با صدور کالا و یا مواد اولیه دارد. ضمن اینکه این نوع از صادرات نیاز به چرخه بلند مالی دارد که بیش از هر چیز پشتیبانی مالی نهادهای صادراتی را می‌طلبد.

ماهیت کار اعضای ما به گونه‌ای است که به حمایت‌های دولت نیاز دارند. اگر این زمینه سازی‌ها انجام شود بدون تردید ما فقط در کشور عراق می‌توانیم سالانه ۱۰ میلیارد دلار کار انجام دهیم و خدمتی هم به اقتصاد کشور و رشد تولید ناخالص داخلی بکنیم.

تاکید من بر این است که اگر پیش‌نیازهای توسعه فراهم شده و ثبات و امنیت اقتصادی کشور تامین شود ما ظرف ۵ سال آینده قادریم به هاب انرژی منطقه تبدیل شویم. اما نباید این نکته را نیز فراموش کنیم که اقتصاد کشور ما فرصت چندانی برای توسعه ندارد. ما سال‌های طلایی زیادی را با طی کردن رونداشتباه هدر داده و فرصت‌ها را یک‌به‌یک از دست دادیم. ولی در شرایط کنونی فرصت‌های طلایی به اسم عراق و افغانستان داریم و البته دیپلماسی سیاسی درستی را هم در پیش گرفته‌ایم. اگر این فرصت را هم بسوزانیم فکر نمی‌کنم فرصت مناسب دیگری برای ما پیش بیاید.



مرمت ساختار اقتصادی صنعت برق، نسخه خروج از رکود

پیام باقری،
عضو هیات مدیره سندیکا،
رئیس کمیته توسعه صادرات
و مدیر عامل شرکت پارسان

دولت با فرض مستمر بودن این درآمدها، به عوض سرمایه‌گذاری در بازارهای بین‌المللی و واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه مورد نیاز و یا اجرای پروژه‌های زیربنایی در کشور، با تبدیل درآمدهای ارزی به پول داخلی و تزریق آن به بدنه اقتصاد، موجبات تقویت بخش غیرقابل مبادله اقتصاد را فراهم می‌آورد که در این مرحله اولین نشانه‌های بیماری هلندی نمایان شده و در ادامه، چرخه این بیماری عملاً با مداخله مستقیم دولت جهت کنترل اوضاع تکمیل می‌شود. موضوع از این قرار است که با تزریق پول نفت به اقتصاد و در نتیجه بالا رفتن درآمد جامعه، تقاضا افزایش یافته و برهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا منجر به افزایش نرخ تورم می‌شود. در چنین شرایطی دولت با روش‌های غیرمولد از جمله واردات کالاهای مصرفی ارزان، نسبت به مهار قیمت و پایین نگه‌داشتن مصنوعی آن از طریق افزایش عرضه اقدام می‌کند؛ به گونه‌ای که تولیدات داخلی توان رقابت با واردات ارزان را نداشته و به صنایع و کارخانجات ذی‌ربط آسیب وارد می‌شود اما نکته اینجا است که این رویکرد مانع افزایش تورم نمی‌شود بلکه فقط آن را به بخش‌های دیگر اقتصاد منتقل می‌کند، چراکه قیمت کالاهای قابل مبادله و مصرفی با واردات ارزان قابل کنترل

بی‌تردید در اختیار داشتن منابع غنی سوخت فسیلی همچون نفت و گاز، فی‌نفسه نمی‌تواند به شکوفایی اقتصادی منجر شود بلکه نحوه استفاده از این منابع و درآمدهای حاصل از آن در ساختار اقتصادی یک کشور است که از اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود. تجربه نشان داده موفقیت یا عدم موفقیت اقتصادهایی که درآمدهای نفتی در آن جریان دارند کاملاً به برنامه‌ریزی و نحوه مدیریت این درآمدها بستگی دارد چراکه بهره‌مند بودن از این منابع خدادادی، ظرفیتی بالقوه محسوب می‌شود که اگر به مسیر درست هدایت شود اتفاقاً به کمک اقتصاد هر کشوری خواهد آمد حال آنکه عدم مدیریت صحیح این جریان‌ها قدرتمند ارزی در ساختار اقتصادی یک کشور، می‌تواند آثار و تبعات مخرب به‌همراه داشته باشد.

بررسی این روند در کشورهای وابسته به درآمدهای نفتی بر این امر دلالت دارد که این کشورها در جریان افزایش ناگهانی قیمت جهانی نفت، همواره با تهدیدات ناشی از شیوه سیاست‌گذاری و مدیریت تخصیص این منابع به اقتصاد مواجه هستند چراکه تجارب گذشته حاکی از آن است که در اغلب موارد، بالا رفتن قیمت نفت و به تبع آن افزایش درآمدهای ارزی، ازدیاد ثروت یک کشور را به دنبال دارد و

است اما مهار قیمت کالاهای غیر قابل مبادله مانند زمین و مسکن و امثالهم از این طریق امکان‌پذیر نیست زیرا این قبیل کالاها را نمی‌توان وارد کرد، در نتیجه قیمت این دسته کالاها با سرعتی هیجانی و غیر طبیعی رشد کرده و با ایجاد تقاضای کاذب، سرمایه‌ها را به سمت خود جلب می‌کند. از طرفی به محض اینکه به هر دلیل خدشه‌ای به این جریان درآمدزایی وارد شود، واردات کالاهای ارزان تحت‌الشعاع محدودیت منابع مالی واقع شده و قیمت در این بخش نیز که تاکنون به‌صورت مصنوعی پایین نگه‌داشته شده بود با سرعت بالایی رشد می‌کند و در عین حال، تولید داخلی نیز به دلیل صدمات ناشی از واردات بی‌رویه، دیگر توان پاسخگویی به تقاضاهای جدید را نخواهد داشت و در چنین وضعیتی، شاهد غلبه بیماری هلندی بر اقتصاد یک کشور خواهیم بود.

مصادیق متعددی در این ارتباط وجود دارند اما شاید کشور نروژ از جمله نمونه‌هایی باشد که هر دو مرحله را تجربه کرده است. کسب درآمدهای سرشار نفتی در خلال سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ سبب شد دولت نروژ ضمن پیش‌بینی ادامه روند افزایش قیمت، اقدام به اجرای برنامه‌های اقتصادی پرهزینه کند اما محقق نشدن شرایط پیش‌بینی شده از یک طرف و هدایت این درآمدها به مسیر واردات بی‌رویه و اجرای طرح‌های گران غیراقتصادی از دگرسو، پدید آمدن عارضه بیماری هلندی را در این کشور در پی داشت و نزول قیمت جهانی نفت باعث شد در سال ۱۹۷۷ با رسیدن میزان بدهی به ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی، بدهکارترین دولت در طول تاریخ این کشور شکل گیرد. پس از نزول قیمت‌ها، دولت نروژ تصمیم گرفت برای کاهش تاثیرپذیری اقتصاد خود از نوسانات قیمت نفت، محدودیت‌هایی را در نحوه تخصیص درآمدهای نفتی وضع کند و این امر موجب شد تا پارلمان نروژ در سال ۱۹۹۰، تشکیل صندوق ذخیره ارزی را به تصویب برساند. این صندوق چند سال بعد فعالیت رسمی خود را آغاز کرد و با اختصاص میزان قابل توجهی از منابع حاصل از فروش نفت به پروژه‌های زیرساختی، تحول بزرگی در اقتصاد نروژ به‌وجود آورد و با وضع قوانین جدید، درآمدهای نفتی صرف سرمایه‌گذاری در سایر کشورها و یا پروژه‌های زیربنایی شد به‌طوری‌که اکنون تنها کمتر از ثلث درآمدهای نفتی نروژ سهم دولت این کشور است و مابقی هزینه‌ها از محل اخذ مالیات و صادرات غیرنفتی تأمین می‌شوند، به همین

دلیل در حال حاضر صندوق ذخیره ارزی این کشور بالاترین میزان ذخایر را در دنیا به خود اختصاص داده است.

ایران نیز در زمره کشورهای قرار می‌گیرد که درآمد نفت در اقتصاد آن تاثیر مستقیم دارد لذا در صورت عدم تخصیص صحیح این درآمدها به اقتصاد، همواره با خطر ابتلا به بیماری هلندی مواجه است. ورود موج بیماری هلندی به اقتصاد ایران به دهه ۱۳۵۰ بر می‌شود. در آن زمان افزایش قیمت جهانی نفت منجر به اختصاص درآمدهای نفتی به پروژه‌های پرهزینه کم‌منفعت و رشد واردات بی‌رویه شد که نتیجه آن، کاهش سطح تولیدات داخلی بود لذا رشد بیش از حد مصارف ارزی ناشی از فروش نفت، شرایط را برای گسترش بیماری هلندی در اقتصاد ایران فراهم کرد تا اینکه با افت درآمدهای نفتی، فصلی از رکود اقتصادی در کشور رقم خورد. اما بار دیگر افزایش درآمدهای نفتی در اواسط دهه ۱۳۸۰ و شتابزدگی در هزینه کردن این درآمدهای هنگفت در کنار نادیده انگاشتن اصول مسلم علم اقتصاد و تجارب گذشته، باعث بروز مجدد این بیماری در اقتصاد کشور شد. در این مقطع زمانی به دلیل افزایش چشمگیر قیمت جهانی نفت، کشورمان از بیشترین میزان درآمدهای ارزی بهره‌مند شد. اما این بار نیز با تکرار همان سناریوی قبل، این منابع سرشار مستقیماً به هزینه‌های بدون بازده و طرح‌های گران غیر اقتصادی تخصیص داده شد. پروژه مسکن مهر و اعطای تسهیلات ارزان در قالب وام‌های زود بازده نمونه‌هایی از این نوع عملکرد محسوب می‌شوند. از سوی دیگر ورود جریانات قدرتمند ارزی، میزان تقاضا را در میان آحاد جامعه بالا برد و واردات ارزان با تثبیت دستوری نرخ برابری ریال نسبت به ارزهای خارجی افزایش چشمگیری پیدا کرد. اوضاع بر وفق مراد بود تا اینکه محدودیت فروش نفت و دسترسی به درآمدهای آن همراه با سایر تحریم‌ها از راه رسید و یکبار دیگر عوارض بیماری هلندی دامن اقتصاد کشور را فرا گرفت و لاجرم دولت به همان نسخه همیشگی متوسل شد؛ یعنی پافشاری بر واردات کالاهای ارزان به منظور مهار قیمت‌ها. اما آنچه این موضوع را شدت بخشید تزیق نقدینگی به شکل مستقیم به جامعه در قالب یارانه نقدی بود که موجب به‌وجود آمدن موج نقدینگی در کشور و هجوم سرمایه‌های سرگردان مردم به سمت کالاهای مصرفی و لوکس شد. با شدت گرفتن تحریم‌ها، منابع ارزی در سایر

کشورها مسدود شد و نتیجتاً کاهش درآمد دولت همراه با نقدینگی رو به افزایش، همان‌طور که انتظار می‌رفت موج فزاینده تورم را رقم زد و جریان نقدینگی به سمت بازار مسکن و بازارهای غیرمولد همچون سکه و ارز سرازیر شد و عملاً به رشد مفرط قیمت در این بازارها از یک طرف و کاهش حجم فعالیت‌های تولیدی و به دنبال آن افزایش نرخ بیکاری از دگر سو منتهی شد که نتیجه این سلسله اتفاقات، منفی شدن نرخ رشد اقتصادی بود. نرخ ارز نیز که سال‌ها به صورت دستوری پایین نگه‌داشته شده بود تحت‌الشعاع این شوک‌های اقتصادی به‌ویژه کاهش عرضه و افزایش تقاضا، نسبت به این موضوع واکنش نشان داد و به سرعت روندی صعودی پیدا کرد تا فاصله قیمت دستوری با قیمت واقعی را پر کند و در مدت زمانی کوتاه، قیمت ارز در بازار حدوداً سه برابر شد در نتیجه ارزش سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی و منابع مالی در اختیار آن‌ها به یک سوم تقلیل یافت. گرچه علم اقتصاد قائل به کشف قیمت هر کالایی همچون ارز در بازار عرضه و تقاضا است و به همین منظور قانون‌گذار، افزایش قیمت ارز را به‌صورت سالیانه و تدریجی به میزان تفاوت نرخ تورم داخلی با متوسط نرخ تورم خارجی در قوانین بالادستی معین کرده لیکن دل بستن به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و کم توجهی به تعدیل تدریجی آن، منجر به باز شدن فنر فشرده نرخ ارز در مدتی کوتاه شد که متأسفانه آثار و تبعات آن همچنان در بنگاه‌های اقتصادی و زندگی مردم مشاهده می‌شود.

تشدید تورم همراه با نرخ منفی رشد اقتصادی، رکود تومی را در کشور رقم زد و به کوچک شدن اقتصاد، افزایش بیکاری و کاهش قدرت خرید مردم انجامید و به تعبیری سخت‌ترین دوران اقتصاد ایران به وقوع پیوست به‌گونه‌ای که هزینه‌های زیادی در این برهه به کشور تحمیل شد. گرچه دولت یازدهم مهار تورم را به درستی در اولویت اقدامات خود قرار داد و بی تردید به توفیقات قابل اعتنایی نیز در این خصوص نائل شد لیکن نسخه‌های تحریک تقاضا به‌منظور عبور از پیچ تند رکود چندان موثر واقع نشد. از جمله این قبیل اقدامات می‌توان به ارائه بسته‌های حمایتی و تشویقی از جمله وام خرید خودرو یا تسهیلات خرید لوازم خانگی اشاره کرد که به دلیل هدف‌گیری بخش‌های محدودی از بدنه تولید داخلی و بازار مصرف، عملاً تناسبی با ابعاد وسیع رکود نداشته و در تحریک تقاضای



تحریم‌ها، کاهش قیمت جهانی نفت و گاز، افزایش نرخ تورم، سه برابر شدن نرخ ارز و به تبع آن‌ها کاهش درآمدهای دولت، به‌مثابه سرعت‌گیر در مسیر اجرای مفاد این قانون و تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه عمل کرد و علی‌رغم اینکه قیمت برق هر سال افزایش یافت لیکن این افزایش هیجگاه با نرخ تورم در انطباق نبود و کار تا جایی پیش رفت که وزارت نیرو بیشترین میزان بدهی در طول دوران فعالیت خود را تجربه کرد به‌گونه‌ای که منجر به برهم خوردن تعادل منابع و مصارف در بودجه صنعت برق شد و کمبود منابع سبب شد تقاضا در وزارت نیرو به حداقل برسد و با توجه به اینکه به غیر از مواردی معدود، وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه آن به‌عنوان خریداران عمده تجهیزات و خدمات بنگاه‌های اقتصادی فعال در صنعت برق محسوب می‌شوند. لذا همان‌طور که اکنون قابل مشاهده است، آثار این روند به‌صورت کوچک شدن بازار کار و ریسک دریافت مطالبات در این صنعت نمایان شده؛ چراکه سازوکار حاکم بر صنعت برق ایران مبتنی بر اقتصاد یارانه‌ای است که مستعد کسری منابع مالی و نقدینگی بوده و ماحصل چیزی نیست جز اختلال در منابع و مصارف، بدهی سنگین انباشت شده و معوق به نظام بانکی و بخش خصوصی، کاهش

مورد نیاز جهت به اتمام رساندن ۴۰۰ طرح نیمه تمام در صنعت آب و برق در حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. از طرفی با توجه به اینکه ایران در جمع ۱۰ کشور اول آلاینده دنیا طبقه‌بندی می‌شود لذا تعهد کشورمان مبنی بر کاهش گازهای گلخانه‌ای در همایش زیست‌محیطی پاریس مشهور به کاپ ۲۱ سبب شده تا افزایش سهم تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر به میزان ۵۰۰۰ مگاوات در برنامه ششم توسعه گنجانده شود که مستلزم سرمایه‌گذاری سنگین است. کافی است مبالغ مورد نیاز جهت اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی، کاهش تلفات و هوشمندسازی شبکه برق، افزایش راندمان نیروگاه‌های حرارتی با تبدیل آن‌ها به نیروگاه‌های سیکل ترکیبی و جایگزین کردن توربین‌های موجود با توربین‌های کلاس بالاتر و امثالهم را به موارد فوق اضافه کنیم تا دریابیم چه حجم قابل توجهی از سرمایه‌گذاری می‌بایست در این صنعت صورت پذیرد. در فرایند اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها مقرر شد قیمت حامل‌های انرژی از جمله برق در خلال برنامه پنجم توسعه افزایش یابد و در یک جریان تدریجی با شیبی ملایم، به قیمت واقعی برسد لیکن دست به دست دادن عواملی همچون شدت گرفتن

بخش وسیعی از جامعه ناتوان بودند بنابراین چنانچه ملاحظه می‌شود، سایه رکود و کساد بازار کسب و کار همچنان بر اقتصاد کشور سنگینی می‌کند. صنعت برق ایران نیز که با ماهیتی زیربنایی و مولد، تاکنون نقشی حساس در همه ابعاد اقتصادی و اجتماعی کشور به‌عهده داشته، از آثار زیان بار دومینوی بیماری هلندی مصون نبوده و رکود حاکم بر فضای کسب و کار به این بخش از اقتصاد کشور نیز سرایت نموده است اما آنچه رکود در صنعت برق را تشدید می‌کند، اقتصاد نامتعادل و گره خورده این صنعت است. علی‌رغم کسب موفقیت‌های کم نظیر در طول سال‌ها تلاش بی‌وقفه در ایجاد رفاه و ظرفیت سازی در تولید تجهیزات و رسیدن به مرزهای خودکفایی و درنوردیدن بازارهای صادراتی، صنعت برق همواره با دغدغه کمبود منابع مالی ناشی از تفاوت قیمت تمام شده و قیمت تکلیفی مواجه بوده است آن هم در شرایطی که سرمایه‌گذاری در تمام حوزه‌های این صنعت از الزامات همیشگی محسوب می‌شود. تنها پوشش ۵ تا ۷ درصد رشد مصرف سالانه، نیازمند حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری جدید برای احداث ۵۰۰۰ مگاوات نیروگاه و توسعه شبکه‌های انتقال و توزیع متناسب با آن می‌باشد مضافاً اینکه منابع مالی

قابل توجه سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز جهت پوشش روند تقاضا و نتیجتاً احتمال وقوع ناپایداری در شبکه و اعمال خاموشی‌های برنامه ریزی شده در سنوات آتی و مادامی که اولاً اقتصاد صنعت برق روی ریل منطقی شدن تعرفه‌ها قرار نگیرد و ثانیاً فرایند خصوصی‌سازی در بخش‌های تولید و توزیع برق تکمیل نشود و در پی آن بازار عرضه و تقاضا به شکل واقعی فعال نشود، متأسفانه همچنان شاهد تداوم این روند خواهیم بود. نکته حائز اهمیت اینکه در همین ارتباط، ظرفیت‌های قانونی نیز به کمک آمده‌اند لیکن کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند از جمله سیاست‌های اصل ۴۴ ناظر بر موضوع خصوصی‌سازی و یا ارتقاء میزان تولید برق توسط بخش خصوصی به میزان ۸۰ درصد تا پایان برنامه ششم توسعه و از همه مهم‌تر ماده ۶ قانون حمایت از صنعت برق ابلاغی آذر ماه ۱۳۹۴ که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را موظف کرده اعتبار لازم جهت پرداخت مابه‌التفاوت قیمت فروش تکلیفی انرژی برق را در بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی و در فواصل زمانی سه ماهه به وزارت نیرو پرداخت کند.

کاهش تقاضای داخلی ناشی از تنگنای مالی به وجود آمده منجر به گرایش بنگاه‌های اقتصادی به سمت جذب منابع از بازار پول جهت تامین سرمایه در گردش و پوشش هزینه‌های جاری شد و درحالی که بانک‌ها قاعدتاً می‌بایست برای جذب منابع مالی کوتاه‌مدت مورد توجه قرار گیرند لیکن به دلیل ضعف بازار سرمایه در تامین منابع مالی میان و بلندمدت ناشی از کوچک بودن آن در قیاس با تولید ناخالص داخلی از یک طرف و کمبود ابزارهای متنوع و روزآمد تامین مالی از دگرسو، تامین منابع مالی عمدتاً بر بازار پول استوار شد (قریب به نود درصد) تا آنجا که بانک‌ها در این ارتباط نقشی انحصاری عهده‌دار شدند و بدین ترتیب بنگاه‌های اقتصادی از نظر جذب منابع مالی از هر دو سمت عرضه (جذب منابع مالی) و تقاضا (فضای کسب و کار) در مضیقه قرار گرفتند که خود عاملی در جهت تشدید رکود بود به گونه ای که اکنون پیامدهای آن به صورت انباشت بدهی‌ها، افول ضرب آهنگ تولید، تعدیل نیروی انسانی و توقف فعالیت خودنمایی می‌کند. شاید بتوان از دولتی بودن هشتاد درصد فعالیت‌های اقتصادی به عنوان یکی از بزرگترین مشکلات نظام بانکی کشور نام برد. بر این اساس مدت‌هاست دولت‌ها ضمن حفظ نقش تصدی‌گری خود در امور اقتصادی، مستقیماً نسبت به تامین مالی بخش عظیمی از اقتصاد اقدام و از نظام بانکی در جهت تزریق منابع مالی به بخش‌های مورد نظر خود استفاده کرده‌اند و گاه

سیاست‌های پولی به عوض تخصیص بهینه منابع، تحت‌الشعاع ملاحظات غیر اقتصادی قرار گرفته‌اند، در نتیجه بخش عمده‌ای از این منابع به مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول تبدیل شده‌اند. گرچه این موضوع در دولت‌های مختلف شدت و ضعف داشته اما همواره در بر همین پاشنه چرخیده است.

یکی از مصادیق بارز مداخله دولت‌ها در نظام بانکی را می‌توان در عدم استقلال بانک مرکزی جستجو کرد. قرار داشتن بانک مرکزی زیر نظر وزارت امور اقتصاد و دارایی، عملاً بستر سلطه دولت‌ها بر نظام بانکی را فراهم آورده به‌گونه‌ای که این وزارتخانه به عنوان مسئول اجرای سیاست‌های مالی، قادر است از نظام بانکی و به‌ویژه بانک مرکزی که مجری سیاست‌های پولی هستند در جهت تحقق سیاست‌های مالی دولت استفاده کند و ماحصل آن، ناکارآمد شدن سیاست‌های پولی در عرصه اقتصاد است که پیامد استیلای اقتصاد نفت‌محور در کشور است. با چنین رویکردی، دولت‌ها در برخی مقاطع زمانی به سیستم بانکی همچون صندوقی برای رفع تنگنای مالی خود نگریسته‌اند و بر همین اساس هرگاه قیمت جهانی نفت افزایش یافته، به فروش درآمدهای ارزی حاصل از نفت خام به بانک مرکزی پرداخته‌اند و هرگاه قیمت جهانی نفت پایین آمده، به استقراض از بانک مرکزی جهت جبران کسری بودجه مبادرت ورزیده‌اند که این دست اقدامات نه تنها بدهی دولت به نظام بانکی را به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد بلکه رشد پایه پولی و در نتیجه افزایش نقدینگی و تداوم تورم را به دنبال دارد.

در همین اثنا، با رشد قارچ‌گونه موسسات مالی و اعتباری غیر مجاز، تولد بازار غیر متشکل پولی رقم خورد که با استفاده از محدودیت‌ها و نقاط ضعف بازار پول و سرمایه، تاکنون موفق به جذب بخش معتنابهی از نقدینگی شده‌اند و علی‌رغم شرایط مساعد به‌وجود آمده برای کاهش نرخ سود بانکی به دلیل تک‌رقمی‌شدن تورم، این موسسات که عملاً خارج از حیطه نظارت بانک مرکزی عمل می‌کنند به این موضوع وقعی ننهادند و با پیشنهاد سود بالاتر از نرخ‌های توافق شده، عملکرد بانک‌هایی که ملزم به تبعیت از مقررات هستند را تحت تاثیر قرار داده‌اند و بانک‌ها نیز با توجه به دغدغه ناشی از سرازیر شدن جریان نقدینگی به سمت این موسسات، ناگزیر به تبعیت از سایر بازیگران وارد رقابتی غیراصولی شده و در مقابل کاهش نرخ سود مقاومت می‌کنند.

از سویی دیگر، ساختار نظام بانکی کشور به‌طور جدی نیازمند اصلاحات اساسی درونی است.



بانک‌ها قاعدتاً می‌بایست

برای جذب منابع مالی

کوتاه‌مدت مورد توجه قرار

گیرند لیکن به دلیل ضعف

بازار سرمایه در تامین منابع

مالی میان و بلندمدت ناشی

از کوچک بودن آن در قیاس

با تولید ناخالص داخلی از

یک طرف و کمبود ابزارهای

متنوع و روزآمد تامین

مالی از دگرسو، تامین منابع

مالی عمدتاً بر بازار پول

استوار شد



شاخص‌های سودآوری، توانمندی مدیریتی، کیفیت دارایی‌ها و کفایت سرمایه بانک‌ها از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. تردید طرف‌های خارجی برای همکاری با بانک‌های کشور به دلیل وضعیت نامناسب تراز مالی، میزان بدهی به بانک مرکزی، فاصله با دانش روز صنعت بانکداری، گرایش به سمت بنگاه‌داری و بازارهای غیر مولد و عدم تنوع در ابزارهای تامین مالی از جمله مشکلات جدی سیستم بانکی کشور محسوب می‌شوند و مادامیکه ساختار و سیاست‌های کلان نظام بانکی اصلاح نشوند، همچنان شاهد بالا رفتن قیمت تمام‌شده بنگاه‌های اقتصادی فعال در صنعت برق ناشی از نرخ گران تامین مالی و در نتیجه از دست رفتن فرصت‌ها در عرصه رقابت خواهیم بود خصوصا در بازارهای بین‌المللی که رقبا تا بن دندان مسلح به انواع و اقسام حمایت‌ها در آن قدم می‌گذارند.

بی تردید توسعه صادرات به‌عنوان موتور پیشران خروج از رکود و نسخه رهایی بخش اقتصاد از بحران نزد اقتصاددانان کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است لیکن شکل‌گیری این فرایند در صنعت برق اعم از صادرات تجهیزات و یا خدمات فنی و مهندسی، نیازمند عملکرد مناسب تمام حلقه‌های زنجیره صادرات است که مهم‌ترین آن‌ها نظام بانکی است اما متأسفانه این بخش کارکرد مطلوبی نداشته و با تحمیل هزینه‌های مازاد، قیمت تمام شده فعالیت‌های اقتصادی را بالا برده است. آنهم در شرایطی که پروژه‌های مطرح در بازارهای هدف عمدتا با شرط تامین مالی واگذار می‌شوند لذا اعمال سیاست‌های اصلاحی در ساختار نظام بانکی کشور به‌عنوان اصلی‌ترین منبع تامین مالی در کنار تقویت سایر منابع از جمله بازار سرمایه، جریانات ورودی ارز، سرمایه‌گذاری خارجی، منابع صندوق توسعه ملی و امثالهم، لازمه تامین سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی جهت ورود قدرتمند به بازار هستند. به ویژه اکنون که بخش خصوصی صنعت برق به‌دلیل کاهش پروژه‌ها و کوچک‌شدن بازار داخلی ناشی از کمبود منابع مالی وزارت نیرو و ضعف بنیه مالی به دلیل ناکامی در وصول مطالبات معوق ایضا کاهش ناگهانی ارزش سرمایه در گردش حاصل از رشد ناگهانی نرخ ارز، بیش از هر زمان دیگری نحیف و آسیب‌پذیر شده است.

یکی از راهکارهای تامین مالی در تمام صنایع از

جمله صنعت برق، جذب سرمایه خارجی است. امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه که از کمبود منابع مالی داخلی در مضیقه هستند، بهره‌گیری از سرمایه خارجی را در جهت تداوم برنامه‌های توسعه اقتصادی خود ضروری می‌بینند. سرمایه‌گذاری خارجی معمولا به دو طریق، سرمایه‌گذاری مستقیم و سرمایه‌گذاری در سبد مالی (غیر مستقیم) صورت می‌گیرد. خرید اوراق قرضه، سهام شرکت‌ها در معاملات بورس، قبوض سپرده در بانک‌های خارجی، استقراض و فاینانس از انواع سرمایه‌گذاری غیر مستقیم هستند که در این حالت، سرمایه‌گذار در تولید نقش مستقیم نداشته و مسئولیت مالی نیز متوجه وی نیست. مهمترین ویژگی این نوع سرمایه‌گذاری، فرآورد بودن آن است با این تعبیر که به دلیل چسبندگی پایین به اقتصاد کشور، سرمایه‌گذار خارجی در هر لحظه قادر است با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه‌اش را به کشور خود و یا کشور ثالث منتقل کند. اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که به‌عنوان موثرترین و واقعی‌ترین نوع سرمایه‌گذاری قلمداد می‌شود، به‌منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در موسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت می‌پذیرد و سرمایه‌گذاران خارجی به شکل مستقل یا مشارکتی در تولید و ساخت کالا، استخراج مواد اولیه و یا سایر فعالیت‌های اقتصادی در کشور میزبان حضور می‌یابند. لذا آنچه در اولویت توجه کشورهای سرمایه‌پذیر قرار دارد و بر سر جذب آن با یکدیگر در رقابت هستند، عمدتا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است؛ چراکه مطالعات صورت‌پذیرفته توسط موسسات بین‌المللی حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثرات قابل ملاحظه‌ای بر روی متغیرهای کلان اقتصادی از جمله افزایش رشد اقتصادی، افزایش درآمدهای مالیاتی، کاهش بدهی دولت، انتقال دانش فنی و تکنولوژی پیشرفته، ورود سیستم‌های مدیریتی نوین، اشتغال‌زایی، گردش نقدینگی، توسعه صادرات و امثالهم دارد. با این وصف علی‌رغم جذابیت‌های فراوان موجود در صنایع انرژی کشور به ویژه صنعت برق برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی، کسب رتبه ششم منطقه در جذب سرمایه خارجی بر این امر دلالت دارد که کشورهای منطقه با ایجاد زیرساخت‌های لازم، در این خصوص موفق‌تر عمل کرده‌اند از جمله کشورهای ترکیه و امارات که حائز رتبه‌های اول و دوم در منطقه هستند. قدر

مسلم آنچه که امروز مورد نیاز صنعت برق است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است تا از این طریق زمینه لازم جهت به حرکت درآوردن چرخ اقتصاد این صنعت و نتیجتا خروج از رکود را فراهم آورد اما تحقق این امر در گرو تسهیل ورود سرمایه‌گذاران خارجی است و در همین ارتباط، ضروری به نظر می‌رسد که نسبت به بهبود مستمر محیط کسب‌وکار کشور از طریق پرداختن به شاخص‌های تعیین‌کننده جذب سرمایه خارجی اقدام شود.

البته ناگفته نماند صنعت برق ایران علی‌رغم موانعی که به برخی از آن‌ها اشاره شد، از جمله صنایع پیشرو در امر صادرات غیرنفتی محسوب شد و از آنجا که این صنعت در بالاترین سطوح زنجیره ارزش قرار دارد. بنابراین صادرات تجهیزات و خدمات آن با درآمدزایی قابل‌اعتنایی همراه است و با توجه به ظرفیت‌های ایجاد شده، کاملا با دو شاخص اصلی اقتصاد مقاومتی یعنی درون‌زایی و برون‌گرایی همسو و هم راستا است. تقاضای فزاینده موجود در تمام کشورهای همسایه و بسیاری از کشورهای منطقه و دنیا نسبت به تجهیزات و خدمات این صنعت از یک طرف و توانمندی و تجارب شرکت‌های ایرانی فعال در این عرصه از دگرسو سبب شده است که صنعت برق در سنوات اخیر، طلاهدار صدور خدمات فنی و مهندسی در میان تمام صنایع باشد و اکنون با در دست داشتن قریب به ۳ میلیارد دلار پروژه در خارج از کشور و صادرات به بیش از ۴۰ کشور از صنایع توانمند در این حوزه قلمداد می‌شود.

سخن پایانی اینکه توسعه صادرات در صنعت برق که از قابلیت‌های مطلوب و استانداردهای قابل قبولی برخوردار است، در کنار منطقی‌شدن تعرفه‌ها و خصوصی‌سازی بخش‌های تولید و توزیع، از اصولی‌ترین راهکارهای خروج از رکود در این صنعت به حساب می‌آیند. لیکن باید پذیرفت که هنوز برای رسیدن به صادراتی منطبق با توانایی‌های بالقوه موجود، راهی طولانی در پیش است و مادامیکه مشکلات برشمرده در این صنعت که توان صادراتی آن چندین برابر شرایط کنونی است، مرتفع نشوند و حمایت‌های لازم صورت نپذیرند، نمی‌توان انتظار رشدی چشمگیر در این بخش داشت که در این صورت، شرکت‌های فعال در عرصه صنعت برق علی‌رغم برخوردارگی از سازوکار فنی و اجرایی مناسب، عملا نسبت به اخذ پروژه در کشورهای هدف متناسب با ظرفیت‌های ایجادشده ناکام خواهند ماند.



حضور شرکت‌های یکپارچه‌ساز داخلی را قانونمند و الزام‌آور کنید

● گفت‌وگو با ایمان رجایی؛ رییس کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکا و مدیر عامل گروه مهندسی پارسیس

در مقطع کنونی و با استفاده از فرصت ایجاد شده، تصمیمات صحیح صنعتی و اقتصادی خصوصا در نحوه تعریف و اجرای پروژه‌ها می‌تواند ضمن ایجاد رونق نسبی شرایط آیمنی لازم را در قبال شرایط بحرانی احتمالی در آینده ایجاد کند. از سوی دیگر متولیان صنعت ما می‌توانند با اتخاذ تصمیمات نادرست اقداماتی انجام دهند که منجر به رکود مضاعف و مخاطرات مجدد شود. باتوجه به اینکه ما بودجه کافی نداریم و درحال دست و پنجه نرم کردن با رکود ناشی از نبود منابع مالی هستیم، اگر رکودی مضاعف ناشی از تصمیم‌گیری‌های اشتباه در نحوه اجرای پروژه‌ها هم به آن اضافه شود، سرمایه‌گذاری‌هایی که در چند سال اخیر انجام شده است، با چالش جدی مواجه خواهد شد و ضریب آسیب‌پذیری صنعتی کشور در بحران‌های آتی افزایش خواهد یافت.

یکی از تصمیمات بسیار استراتژیک که متولیان صنعت برق باید اتخاذ کنند این است که با سازندگان اصلی تجهیزات و سیستم‌های حفاظت، اتوماسیون و مخابرات که در حال بازگشت به کشور هستند چگونه برخورد کنند. هریک از سازندگان یاد شده می‌توانند سیاست‌های خاص خود را داشته باشند. ممکن است برخی شرکت‌های خارجی بخواهند تکنولوژی را در اختیار گذاشته و در اجراء مهندسی و راه‌اندازی از شرکت‌های ایرانی کمک بگیرند. بعضی

از دیدگاه شما اصلی‌ترین چالش‌های کنونی اقتصاد ایران چیست؟
باتوجه به جایگاهی که در سندیکا یا صنعت برق داریم، نگاه ما کمتر به سمت مسائل بالادستی و کلان معطوف می‌شود. بیشترین توجه ما به تاثیر اقتصاد کلان در زیرمجموعه‌ها و افق پروژه‌ها است و برای برنامه‌ریزی اقتصاد کلان چاره‌اندیشی نمی‌کنیم. تمرکز شرکت‌های ما بیشتر روی بحث‌های فنی و تخصصی است.

باتوجه به این موضوع، با تحولات اقتصادی اخیر در کشور اعم از توافق هسته‌ای، باز شدن حدودی دروازه‌های تجاری، مالی و فنی و ارتباط با سازندگان معتبر جهانی درحال حاضر در حوزه تخصصی شرکت‌های اتوماسیون و مخابرات در یک نوع دوران گذار قرار داریم. تصمیماتی که در مراجع کارفرمایی و وزارت نیرو گرفته می‌شود، به شدت بر سرنوشت فعالان این صنعت اثرگذار است. اینک دنیا درحال تجربه چندین انتخابات مهم است که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، انتخابات ریاست جمهوری ایران و انتخابات برخی کشورهای اروپایی از جمله آن محسوب می‌شود. به این ترتیب شکل و ماهیت سیستم‌های مدیریتی در کشورهای امضاننده برجام درحال تحول است و ممکن است این موضوع به تغییر نوع نگاه به این توافق و تحولات و گشایش‌های پس از آن منجر شود.

تصمیمات اقتصاد کلان کشور از بالا تا پایین جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تصمیمات مثبت و کارآمد ممکن است حتی خردترین بنگاه‌های اقتصادی را به تحرک و پویایی وادارد و درمقابل، تصمیمات نادرست کوچکترین لایه‌های اقتصاد را به خواب و رخوت فرو می‌برد. بازار اقتصادی جایی است که در آن هر حرکت و تصمیم کلان بازخوردی وسیع و چشمگیر و البته بلندمدت از خود برجای می‌گذارد و به همین دلیل نه جای ریسک است و نه جای تصمیمات بی‌مبالات. اما در اقتصاد امروز ایران بخش‌های خرد جامعه چه شرایطی دارند و چه آینده‌ای را برای خود متصور هستند؟ بخش‌های زیرین صنعتی و اقتصادی کشور چه انتظاری از تصمیم‌گیری‌های سطوح بالا دارند؟ ایمان رجایی، رییس کمیته اتوماسیون و مخابرات سندیکای صنعت برق ایران به نمایندگی از شرکت‌های فعال در حوزه سیستم‌های اتوماسیون، حفاظت و مخابرات این موضوع را تشریح می‌کند.



دیگر ممکن است خواهان حضور مستقیم در بازار و عرضه بی‌واسطه کالا و خدمات باشند.

کشورهایی که برای این موضوع برنامه یا سیاستی از خود نداشته باشند، اجازه می‌دهند هر سازنده یا وندوری براساس سیاست‌های خود عمل کند اما با تجربه‌ای که ما در ایران و کشورهای متعدد داشته‌ایم، در جایی که متولیان بازار به‌صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند و با در نظر گرفتن مسایل کلان صنعتی و اقتصادی به این موضوع ورود کرده و تعیین می‌کنند که سازنده باید با چه سازوکاری با بازار تعامل کند، همه سازندگان و ارائه‌کنندگان فناوری از آن پیروی می‌کنند.

در حال حاضر در کشور شرکت‌های توانمندی را در حوزه صنعت برق دارا هستیم که حاصل سال‌ها اجرای پروژه‌ها و سیستم‌ها توسط مهندسان ایرانی به‌عنوان دانش و ارزش افزوده در آن‌ها نهادینه شده است. حال اگر شرکت یا سازنده خارجی اعلام کند که قصد ارائه مستقیم کالا به همراه خدمات ارزش افزوده مهندسی را در بازار دارد، درواقع عملا از روی تمامی سرمایه‌گذاری‌ها، منابع انسانی و شرکت‌های ایجاد شده عبور کرده است و این بدین معناست که ما میوه رسیده را بدون اینکه بچینیم رها کرده‌ایم تا از بین برود.

با چنین عملکردی دچار رکود در این بخش خواهیم شد؛ چراکه ارزش افزوده خدمات مهندسی و اجرایی در شرکت سازنده خارجی باقی می‌ماند، دانش به شرکت‌های ایرانی منتقل نمی‌شود و مهندسی ما توان نگهداری این سیستم را پس از اجرا توسط شرکت خارجی سخت‌تر به دست می‌آورند. خطر بالقوه دیگر چنین عملکردی این است که در صورت تکرار تحریم، شرکت خارجی مزبور کشور ما را ترک کرده، دانش، سابقه پروژه، سوابق عیب‌یابی و سوابق به‌روزرسانی تجهیزات را با خود می‌برد که در چنین شرایطی هیچ شرکت ایرانی نمی‌تواند جایگزین آن شود و برای رفع مشکلات مربوطه ارائه راهکار نماید. بنابراین به‌شدت توصیه می‌کنیم از ورود مستقیم شرکت‌های سازنده خارجی در اجرای پروژه‌ها - به‌ویژه پروژه‌های با فناوری پیشرفته مثل سیستم‌های اتوماسیون، حفاظت و مخابرات - جلوگیری شود. بهتر است شرکت‌های خارجی حتما از طریق شرکت‌های یکپارچه‌ساز ایرانی به سمت پروژه‌ها کانالیزه شوند تا مزایای مورد نظر حاصل شود. سندیکا نیز به‌عنوان یک بازوی فکری می‌تواند به کمک توانیر و وزارت نیرو بیاید.

به این ترتیب هم در حوزه سیستم‌های اتوماسیون، مخابرات و حفاظت رونق اقتصادی حاصل خواهد شد، هم اشتغال‌زایی با ارزش افزوده بالا ایجاد می‌شود تا مهندسی نخبه رشته برق در بهترین موقعیت مشغول به کار شوند و ضمن برقراری مسیری مطمئن برای انتقال دانش فنی این سیستم‌ها به صنعت برق کشور، اطلاعات، فایل‌ها و سوابق پروژه‌های مهم کشور مانند پست‌های فشار قوی که از نظر امنیتی جزو پروژه‌های بسیار حساس و زیربنایی است و درواقع یکی از پاشنه آشیل‌های هر کشوری محسوب می‌شود، صرفاً در اختیار شرکت‌های ایرانی قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر با کانالیزه شدن شرکت‌های خارجی اگر دوباره شیطنت یا تحریمی از سوی کشورها و شرکت‌های خارجی بروز کرد، در موضوع اتوماسیون و مخابرات شبکه برق دارای امنیت کامل هستیم و شرکت‌ها و مهندسی ایرانی دارای توانایی اجرای پروژه‌های ناتمام و عیب‌یابی و رفع مشکلات خواهند بود.

ما در مراحل قبلی به‌خوبی از فواید کانالیزه کردن فناوری شرکت‌های خارجی از طریق شرکت‌های داخلی استفاده کردیم؛ به این معنی که سیستم‌ها از طریق شرکت‌های ایرانی اجرا می‌شد و در نتیجه پس از اعمال تحریم‌ها با کمترین چالش مواجه بودیم و تنها مشکل تامین کالا را داشتیم که آن هم از طریق مسیرها و شرکت‌های واسطه تا حد زیادی انجام می‌گرفت.

حسن دیگر این کار این است که ایران در منطقه کم‌کم به‌عنوان یک مرکز ارائه خدمات مهندسی با ارزش افزوده بالا تثبیت می‌شود؛ بنابراین ایران خصوصا پس از اتمام بحران‌های امنیتی در منطقه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ارتباط همه‌جانبه با کشورهای منطقه می‌تواند یک بازار پر رونق با ارزش صادراتی بالا برای خود ایجاد کند. اجرای پروژه‌های اتوماسیون و مخابرات شبکه‌های برق خصوصا با توجه به ویژگی‌های خاص این پروژه‌ها می‌تواند یکی از ماشین‌های مولد صادرات خدمات مهندسی باشد.

ما در حال حاضر در کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکا در حال تدوین آیین‌نامه‌ای مرتبط با حضور شرکت‌های یکپارچه‌ساز ایرانی در قراردادهای EPC پست هستیم و البته تا زمانی که از سوی توانیر حمایت وجود نداشته باشد، تلاش‌ها به ثمر نخواهد نشست.

انتظار ما از برنامه‌ریزی‌های اقتصاد کلان کشور این

“

اگر شرکت یا سازنده خارجی اعلام کند که قصد ارائه مستقیم کالا به همراه خدمات ارزش افزوده مهندسی را در بازار دارد، درواقع عملا از روی تمامی سرمایه‌گذاری‌ها، منابع انسانی و شرکت‌های ایجاد شده عبور کرده است

”

شرکت‌های خارجی اجرا شده باشد. دلیلی بهتر و مستندتر از این وجود ندارد.

در کنار این امر، شرکت‌های داخلی ما بعضاً در خارج از کشور با سازنده‌های خارجی در حال انجام پروژه و رقابت هستند؛ این بدین معناست که شرکت‌های داخلی در مهندسی محصولات خارجی و تبدیل آن به سیستم بعضاً سازندگان محصولات را شکست می‌دهند. این شرکت‌ها حتی گاهی همان کیفیت شرکت‌های خارجی را با قیمتی رقابتی‌تر و سرویسی بهتر ارائه می‌کنند. باید توجه داشت برای شرکتی که در سوییس، آلمان یا فرانسه قرار دارد، سرویس‌دهی به کشورهایی مثل عمان، ارمنستان، ترکمنستان و تاجیکستان سخت و هزینه‌بر است اما ما در نزدیکی این بازار هدف و به یاری ارتباط فرهنگی فی‌مابین سرویس‌دهی خوبی انجام می‌دهیم.

این موضوع صحت ندارد که شرکت‌های ما نمی‌توانند ارتباط خوبی با کشورهای خارجی برقرار کنند. ما در کمیته اتوماسیون و مخابرات سنديکا بیش از ۵۰ شرکت عضو داریم که سرمایه‌گذاری و در اجرا و نگهداری پروژه‌های کشور مشارکت کرده‌اند. مشکل اصلی ما این است که در کشور زیربنا و نقشه راه حضور این شرکت‌ها حتی در رابطه با پروژه‌های داخلی تدوین نشده است. مشکل توانمندی شرکت‌های داخلی نیست و نشانه آن تأیید این شرکت‌ها از سوی سازندگان معتبر خارجی و اعطای نمایندگی به آن‌ها است.

شرکت‌های داخلی به‌رغم مشکلات اقتصادی، نبود قراردادهای استاندارد، عدم تعریف دقیق و شفاف نقش شرکت‌ها در قرارداد و عدم تعیین چگونگی حفظ منافع آن‌ها حجم وسیع پروژه‌های کشور را به انجام رسانده‌اند. شبکه برق کشور در طول این سال‌ها توانسته است به حدود ۷۰ هزار مگاوات ظرفیت انتقال برسد و همه این کار در بخش اتوماسیون، مخابرات و حفاظت به‌دست شرکت‌های داخلی و شرکت‌های عضو کمیته اتوماسیون و مخابرات سنديکا انجام گرفته است.

چالش اصلی ما ساماندهی و تدوین ساختاری جامع برای اجرای پروژه‌ها است و حمایت و پشتیبانی آیین‌نامه‌ای از حضور شرکت‌های داخلی را می‌طلبد. ما نه به وام نیاز داریم و نه حمایت‌های خاص؛ نیاز ما این است که نقشمان در این صنعت به رسمیت شناخته شود و شرکت‌های سازنده و فناوری این سیستم‌ها صرفاً از کانال تخصصی (شرکت‌های یکپارچه‌ساز داخلی) به پروژه‌ها ورود کنند.



برای این سیستم‌ها اتخاذ شود؛ چون تنها بخشی که در یک پست حالت سیستمی و نرم‌افزاری دارد و باید سوابق آن وجود داشته باشد، سیستم اتوماسیون، مخابرات و حفاظت پروژه است؛ این بدان معناست که سایر تجهیزات از قبیل ترانسفورماتور، سیستم زمین، سیم و لوله و مبدل‌های جریان ولتاژ از کارخانه تولیدکننده خریداری شده و مستقیماً نصب می‌شوند اما سیستم اتوماسیون سیستمی‌زنده، هوشمند و پویا است و وابستگی شدیدی به زنجیره خدمات مهندسی ایجاد کننده خود دارد.

از آنجا که محصولات اتوماسیون خارجی هستند، در هیچ‌یک از بسته‌های پیشنهادی بخش داخلی دیده نشده است. خواسته ما این است که محصولات خارجی همچنان ایفای نقش کنند اما ارائه و اجرای پروژه از مسیر شرکت‌های یکپارچه‌ساز داخلی بگذرد؛ در غیر این صورت می‌توان گفت مسئولیت مهم‌ترین بخش پروژه به بیرون از کشور محول شده و همواره در معرض آسیب‌های سیاسی، اقتصادی یا تکنولوژیکی قرار خواهیم گرفت؛ همانگونه که اگر در طول هشت سال تحریم این موضوعات رعایت نمی‌شد، اکنون شبکه برق ما با بحران شدید مواجه بود.

اشاره کردید که در داخل کشور شرکت‌های توانمندی داریم که می‌توانند با شرکت‌های خارجی ارتباط حاصل کنند. از آنجا که گاهی گفته می‌شود شرکت‌های داخلی در این زمینه ضعیف دارند، لطفاً این موضوع را بیشتر تشریح کنید.

تاکنون صدها پست انتقال و فوق‌توزیع به شکل اتوماسیون در کشور انجام شده است و از این تعداد شاید کمتر از پنج پست به‌دست

است که اگر پروژه‌هایی مثل مناقصه‌های تجمعی پست‌های برق تهران تعریف می‌شود، حتی در همین مرحله در رابطه با شیوه اجرایی آن‌ها بازنگری صورت گیرد. تمامی سازندگان معتبری که به‌عنوان تأمین‌کننده در لیست وندور پروژه پست‌های برق تهران قرار دارند، دارای نمایندگان بسیار توانمند در داخل کشور هستند. این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری انجام داده‌اند و دارای منابع انسانی ماهر هستند؛ بنابراین اگر وزارت نیرو نقش این شرکت‌ها را در پازل اقتصادی صنعت برق کشور نبیند، سال‌ها وقت، سرمایه‌گذاری و تجربه به هدر رفته و درست در زمانی که باید مورد بهره‌گیری قرار گیرد، بدون استفاده مانده است.

در پروژه و مناقصه برق تهران به‌عنوان بزرگترین پروژه جاری وزارت نیرو جای دارد به موضوعات یادشده چه در مرحله خرید و چه در مرحله اجرا نگاه ویژه‌ای شود. به این ترتیب این حجم از پروژه‌ها با مدیریت بهتر، کنترلی کامل و تخصصی، اطمینان از صحت اجرا و تقویت اطلاعات و سابقه مهندسی در داخل کشور به پیش می‌رود.

باتوجه به «قانون استفاده حداکثری از توان داخلی» آیا در رابطه با پروژه‌هایی که تاکنون اجرایی شده یا در دست اجرا هستند، موردی از نقض این قانون وجود داشته است؟

براساس قانون «حداکثر استفاده از توان داخلی» باید ۵۱ درصد از پروژه‌ها از داخل کشور تأمین شود اما این قانون نیازمند تعداد زیادی تبصره است. این خیلی مهم است که این ۵۱ درصد در قالب مصالح و مواد اولیه بدون ارزش افزوده بالا محقق می‌شود یا از طریق محصولات استراتژیک و با ارزش افزوده مهندسی بالا.

پیشنهاد کلیدی ما این است که بخش سیستم اتوماسیون و مخابرات به دلیل حساسیت‌ها از این موضوع استثنا شود و به‌جای تعیین محدودیت در تأمین خارجی یا داخلی برای آن یک ساز و کار تعریف شده مشخص در نظر گرفته شود؛ چراکه موضوع سیستم اتوماسیون و مخابرات هم نیازمند تأمین خارجی است و هم تأمین و مهندسی داخلی. اکنون محصولاتی که به‌عنوان تجهیز یا سیستم و نرم‌افزار در صنعت اتوماسیون به کار می‌رود، از سوی سازندگان خارجی تأمین می‌شود و ما با آن مخالفتی نداریم. نظر ما این است که این مقوله از قانون ۵۱ و ۴۹ مستثنی شود و در این زمینه یک روش مناسب

راهنمای اشتراک نشریه ستیران

از فعالان صنعت برق و انرژی کشور دعوت می‌شود در صورت تمایل به اشتراک نشریه ستیران، ضمن تکمیل فرم ذیل، بهای اشتراک را بر اساس تعرفه، به حساب شماره ۱۴۷۵۱۸۱۷/۰۸ بانک ملت جاری جام، شعبه امیراتابک به نام سندیکای صنعت واریز و رونوشت فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک تکمیل شده به شماره نمابر ۶۶۵۷۰۹۳۰-۶ دبیرخانه سندیکا دورنگار نمایید.

هزینه اشتراک یکساله:	پست عادی: ۲۴,۰۰۰ تومان	پست پیشتاز: ۶۰,۰۰۰ تومان
هزینه اشتراک دوساله:	پست عادی: ۴۸,۰۰۰ تومان	پست پیشتاز: ۱۲۰,۰۰۰ تومان

نشریه ستیران

لطفاً در این قسمت چیزی ننویسید

حقیقی:

نام متقاضی:

شغل:

تحصیلات:

حقوقی:

نام شرکت / سازمان:

نام متقاضی:

سمت:

تعداد نسخه درخواستی از هر شماره:

نسخه شروع اشتراک از شماره: اشتراک جدید تمدید اشتراک

نشانی:

استان:

شهر:

کد پستی:

تلفن:

نمابر:

موبایل:

ایمیل:

شماره فیش:

مبلغ:

بانک:

تاریخ:

امضا:

- دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه‌ها با ارسال کارت یا گواهی نامه معتبر از ۱۰ درصد تخفیف برخوردار می‌شوند.
- خواهشمند است، مشترکین محترم در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را مطلع نمایند.
- با توجه به اینکه تنها عدم وصول مجلاتی که بصورت پیشتاز ارسال می‌شوند قابل پیگیری است لذا توصیه می‌شود از خدمات پست پیشتاز استفاده شود.

میزگرد اختصاصی

در آستانه شش سالگی یک همکاری ثمربخش با شعبه خراسان آری به اتفاق جهان می توان گرفت!

میزگرد ستبران با موضوع «شعبه خراسان سندیکا»؛



محسن شادمان، رئیس هیات‌مدیره شعبه خراسان سندیکا
نصرآبادی، نایب‌رئیس هیات‌مدیره شعبه خراسان سندیکا
احمدرضا صفار، بازرگش شعبه خراسان سندیکا
مدنی، عضو هیات‌مدیره شعبه خراسان سندیکا
معین تقوی، عضو هیات‌مدیره شعبه خراسان سندیکا
محمود صدرا، عضو هیات‌مدیره شعبه خراسان سندیکا
رضا نمازی، دبیر شعبه خراسان سندیکا

ارتباط نزدیک با اعضا از نوع شعبه

ستبران: در ابتدا ضمن معرفی از شعبه خراسان سندیکای صنعت برق، بفرمایید تاسیس شعب استانی چه هم‌افزایی‌هایی را می‌تواند برای فعالیت‌های تشکلی‌هایی چون سندیکای صنعت برق ایجاد کند؟

شادمان: سندیکای صنعت برق ایران به‌منظور ساماندهی فعالیت‌های تولیدی و ارائه خدمات در امور مربوطه به صنعت برق، فراهم کردن امکان بهره‌برداری بیشتر از سرمایه‌گذاری و انتقال تجربیات علمی و عملی دست‌اندرکاران و به هنگام کردن آن و نیز دفاع از منافع مشروع اعضا در چارچوب اهداف و سیاست‌های کلان صنعت برق کشور از سال ۱۳۷۹ تشکیل که با توجه به اهمیت استان خراسان و حضور شرکت‌های معتبر صنعت برق کشور در این استان، شعبه خراسان به عنوان اولین شعبه استانی با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع و معادن استان و مشارکت بیش از ۳۰ عضو فعال از اسفند ماه ۸۹ آغاز به کار کرد.

در ارتباط با تاثیر ایجاد شعب استانی باید گفت که با توجه به موقعیت شعب در استان‌ها به لحاظ دارا بودن ارتباط نزدیکتر با نمایندگان مجلس و مدیران استانی، قادرند پیگیری مباحث شهرستان را با سهولت بیشتری پیش برند. همچنین شعب استانی می‌توانند کارهای تشکلی را نیز پیگیری و خواسته‌های شرکت‌های واقع در شهرستان را به کشور منتقل کنند.

انتقال مسائل و مشکلات به سطوح بالاتر جهت دفاع از خواسته به‌حق خود کارساز خواهد بود.

نصرآبادی: نظر به امکانات وسیع و تخصصی شرکت‌های عضو سندیکای خراسان که نقش موثری جهت رفع بخشی از مشکلات اشتغال نیروهای جوان متخصص و تحصیل کرده داشته‌اند، شعبه خراسان نیز از ظرفیت‌های خود در جهت مذاکره و چانه‌زنی با مسئولان استان استفاده و سعی بر آن داشته از این ابزار برای رفع مشکلات مبتلابه شرکت‌های عضو، بهره لازم را ببرد.

ستبران: در ارتباط با برنامه‌های سندیکای برق شعبه خراسان و وضعیت شرکت‌ها در امسال و سال آینده توضیحاتی ارائه بفرمایید؟

معین تقوی: براساس آیین‌نامه کشوری محدودیت‌هایی در زمینه فعالیت‌های شعب استانی وجود دارد و ما باید در چارچوب همان حرکت کنیم اما با توجه به پتانسیل استان و حرکت خوب هیات‌مدیره که ابتکار عمل‌هایی همچون مذاکره و افزایش قدرت چانه‌زنی با دو سازمان بزرگ دارایی و تامین اجتماعی داشته‌اند، باید گفت که اگر شعبه استانی تشکیل نمی‌شد اعضا نمی‌توانستند چنین آثار مثبتی را مشاهده کنند و امروز ما توانسته‌ایم مشکلات اعضا را از طریق سندیکای استان در بیمه تامین اجتماعی و مالیات تا حد بالایی برطرف کنیم.

مدنی: سندیکای صنعت برق ایران مشتمل بر بیش از ۵۰۰ عضو است که بیش از نیمی از این شرکت‌ها خارج از تهران هستند. بدون وجود شعب استانی، عدم مشارکت بیش از نیمی از اعضا عملاً توان بالقوه سندیکای صنعت برق را به دلیل بعد مسافت و ... بسیار محدود می‌کند. همچنین بسیاری از معضلات و مسایل شرکت‌های خارج از تهران با ارتباطات درون استانی حل و فصل می‌شود و عملاً این ارتباطات در سندیکای مرکز در تهران وجود ندارد، لذا ایجاد شعب استانی و حمایت از آن‌ها یک ضرورت است. بدیهی است با فعالیت شعب استانی امکان هم‌افزایی و جلوگیری از موازی‌کاری حتماً وجود دارد که در گرو نحوه تعامل شعب با مرکز است.

ستبران: شعبه خراسان امکان ارائه چه اقدامات مثبتی را برای اعضای خود در جهت رفع مشکلات آنان دارا است؟

شادمان: آنچه مسلم است در کشور ما دولت در نسبت با بخش خصوصی از قدرت و اختیارات بیشتری برخوردار است. بنابراین ممکن است در مواردی به بخش خصوصی اجحاف شود. در این راستا نیاز است تا فعالان بخش خصوصی از طریق تعامل با یکدیگر، در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور دخالت کنند. برای این کار به‌عنوان مثال اقداماتی چون گفت‌وگو و رایزنی با نمایندگان مجلس و

شرحی از عملکرد یک ساله

ستبران: سندیکای صنعت برق شعبه خراسان برای توسعه عضویت و مشارکت اعضا چه اقداماتی انجام داده و عملکرد سندیکا در یک ساله اخیر فعالیت آن چطور ارزیابی می‌کنید؟

صفار طبسی: در جهت مشارکت اعضا کمیته‌های تخصصی شامل صادرات، پیمانکاران و سازندگان و کمیته‌های عمومی شامل آموزش و روابط عمومی و حل اختلاف تشکیل شده است و پیگیری و دفاع از منافع مشترک شرکت‌های مستقر در محدوده جغرافیایی شعبه، ساماندهی فعالیت اعضای شعبه در راستای بهبود کیفیت تولید و خدمات، انتقال سازمان یافته مسائل مشکلات و نظرات اعضای شعبه به سندیکا، شرکت و برگزاری در نمایشگاه‌های مرتبط، تلاش برای ایجاد فرصت‌ها و ظرفیت‌های تجاری برای شرکت‌های عضو شعبه، ایجاد ظرفیت‌های تحصیلی آموزشی و همچنین اطلاع‌رسانی و آموزش قوانین، بخشنامه‌ها و تغییرات مرتبط با صنعت برق برای اعضای شعبه از جمله اقداماتی است که برای توسعه عضویت توسط سندیکای استان صورت گرفته است.

صدرا: شعبه خراسان سندیکا به عنوان یک بازوی کشوری برای این شکل تشکیل شده و توانسته اعضای جدیدی را جذب کند. نقطه قوت شعبه استانی این بوده که برخی مسائل که باید توسط اعضا در سندیکای صنعت برق ایران پیگیری می‌شد در شعبه مطرح و نتیجه مطلوبی نیز حاصل شد و از اقدامات موثر ما در سال جاری کارگاه‌های آموزشی و جلسات مشترک با دارایی جهت کمک به اعضا بوده است.

امکان اقدامات بهتر با اخذ اختیارات بیشتر

ستبران: شعبه خراسان تا چه میزان در تحقق اهداف خود موفق بوده و انتظاراتی که شعبه خراسان از سندیکای صنعت برق ایران چیست؟

مدنی: سندیکای صنعت برق ایران در تاسیس و فعال سازی شعب استانی اهتمام دارد و رویه‌ای را هم تعیین کرده است. اما به لحاظ محدودیت‌ها و مشکلات و بحران‌های موجود در صنعت برق ایران، پیاده‌سازی و اجرایی شدن آن دچار نقصان است که امیدوارم با تعامل بیشتر سندیکای مرکز و شعبه خراسان روند خدمت‌رسانی شعبه خراسان بیش از پیش تسهیل شود. در حال حاضر در ایران سه شعبه استانی برای سندیکا تاسیس شده است که استان‌های خراسان، اصفهان و فارس هستند که شعبه خراسان فعال‌ترین شعبه استانی سندیکا است. در چند سال اخیر به همت هیات‌مدیره قبلی و همچنین هیات‌مدیره جدید و با مساعدت سندیکای مرکز، پیشرفت قابل

قبولی داشته است هر چند میزان توفیق این شعبه را باید از اعضا جویا شد.

معین تقوی: به نظر من موفقیت یا عدم موفقیت را باید با وظایف محوله سنجید که ۸ بند وظایف بر عهده ما در شعبه استانی گذاشته شده بود و به خوبی عمل کردیم. ممکن است ضعف‌هایی وجود داشته باشد اما بنا بر آیین‌نامه مثبت حرکت کرده‌ایم. برای مثال طبق آیین‌نامه می‌توانیم ۳۰ درصد از حق عضویت را استفاده کنیم، اما عملاً برای برگزاری کلاس‌های آموزشی کمبود بودجه داریم. نکته دیگری که وجود دارد این است که تمرکز تصمیم‌گیری و اختیارات در تهران است و اگر بحث تمرکززدایی صورت گیرد با دستی بازتر امکان انجام اقدامات بهتری را خواهیم داشت.

نصرآبادی: متعاقباً شعبه از اعضا انتظار دارد چالش‌هایی را که با آن مواجه هستند به‌طور مناسب و به موقع به دبیرخانه شعبه منتقل کنند و جهت پاسخگویی بهتر شعبه همکاری بیشتری را مبذول دارند.

صدرا: زمانی می‌توانیم به موفقیت دست یابیم که به اعضای خود کمک شایان توجهی کنیم و با توجه به اینکه شرکت‌هایی که در سندیکای شعبه خراسان فعالیت می‌کنند توانمند و موفق هستند انتظار ما این است که سندیکای برق استان به عنوان نماینده این اعضا بتواند در مجامع قانونی حضور پیدا کند و با کمک مسئولان بتوانیم در کشورهای همسایه فعالیت داشته باشیم.

سد محکم شعبه در برابر مشکلات مالیاتی و تامین اجتماعی

ستبران: لطفاً در زمینه نحوه تعامل شرکت‌های عضو با شعبه خراسان نیز توضیحاتی ارائه بفرمایید.

صفار طبسی: نحوه تعامل باید از دیدگاه عضو بیان شود و تاکنون نسبتاً تعامل خوبی بین طرفین وجود داشته و در همین راستا نیز هیات‌مدیره جلساتی برگزار می‌کند تا اعضا با حضور خود اعمال نظر داشته باشند، همچنین کارگروه مشترکی تشکیل شده که هر کدام از اعضای سندیکا در این کارگروه‌ها عضو هستند و امیدواریم این تعاملات در جهت هم‌افزایی اعضا و سندیکا بیشتر شود.



تبعیض در جرایم مطالباتی دولت و بخش خصوصی

ستبران: وضعیت شرکت‌های سندیکای برق در سال جاری چگونه بوده و پیش‌بینی می‌کنید در سال آینده چه وضعیتی داشته باشند؟

شادمان: در پی کاهش منابع مالی دولتی تولیدکننده‌های صنعت برق که توان زیادی را تدارک دیده بودند با کمبود کار مواجه شدند و به طوری که هم‌اکنون این مشکلات سبب شده تا بسیاری با مشکل بیکاری در صنعت برق مواجه شوند که این بزرگترین مشکل سال‌های اخیر در صنعت برق است، همچنین یکی از بزرگترین مشکلات این صنعت کمبود نقدینگی است که این مساله سبب شده صنعت برق رشد کافی نداشته باشد.

بسیاری از شرکت‌های عضو سندیکا در حال حاضر بدهی‌های قابل توجهی به سیستم بانکی کشور دارند، شاید شرکت‌های بزرگ به دلیل پتانسیل‌های مالی خود قادر به جابجایی وام‌های بانکی خود باشند تا به نقطه‌ای برسند که بتوانند از این دارایی‌ها استفاده کنند.

همچنین عدم توانایی شرکت‌ها برای پرداخت بیمه، مالیات و جرایم آن‌ها از دیگر مشکلات این حوزه به‌شمار می‌رود. جالب آنکه در صورت عدم توانایی شرکت‌ها جهت عمل به تعهدات خود با جرایمی سنگین مواجه می‌شوند، در حالی که تاخیر دولت در پرداخت مطالبات هیچ جریمه‌ای به دنبال ندارد.

حال در این شرایط که شرکت‌های صنعت برق در حال احتزاز بوده و دیگر رمقی برای مقاومت در برابر مشکلات عدیده ندارند، طرح‌هایی در حال اجرا است که کار چندین سال آینده کشور نیز به شرکت‌های احتمالاً خارجی و در قالب فاینانس واگذار شود و این یعنی تیر خلاص به بخش عمده‌ای از تولیدکنندگان

فرمودند، اخیراً دبیرخانه شعبه خراسان نسبت به راه‌اندازی باشگاه خدماتی رفاهی سندیکا اقدام کرده است که بسیار حرکت ضروری و مفیدی است که علاوه بر ارائه خدمات با کیفیت به اعضا شعبه می‌تواند در تحکیم روابط اعضا و مشارکت بیشتر آنها موثر باشد.

نمازی: دبیرخانه سندیکای شعبه خراسان سعی بر این داشته که ضمن برگزاری منظم جلسات هیات‌مدیره و پیگیری مصوبات آن با شرکت در کلیه جلسات، همایش‌ها و کارگروه‌های مرتبط، همچنین برقراری ارتباطات مناسب با مدیران ارشد استانی نسبت به انعکاس مشکلات اعضا اقدام کند. از دیگر فعالیت‌های انجام‌شده، برگزاری مجامع عمومی سالیانه و گردهمایی صمیمانه با مدیران استانی ذی‌ربط و شرکت‌های عضو است. گفتنی است شعبه خراسان همه ساله در نمایشگاه‌های صنعت برق در محل نمایشگاه بین‌المللی مشهد شرکت کرده که در سال‌های متوالی به عنوان غرفه برتر انتخاب شده‌ایم؛ کمیته‌های حل اختلاف، آموزش و پیمانکاران در این شعبه فعال بوده و تشکیل کمیته انرژی ذیل کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی از دیگر اقدامات موثر این شعبه بوده است. همچنین در راستای ایجاد همکاری متقابل در زمینه‌های علمی پژوهشی، شناسایی دانشجویان مستعد و نخبه، جذب آنان در شرکت‌های عضو، تعریف پروژه‌های پژوهشی و همچنین حمایت مالی از این پروژه‌ها، تفاهم‌نامه همکاری بین سندیکای شعبه خراسان و دانشگاه فردوسی مشهد امضا و براساس آن در بخش ارتباط با صنعت دانشگاه این سندیکا از کرسی اختصاصی بهره‌مند است.

ستبران: در رابطه با مهمترین دستاوردهای شعبه از زمان تاسیس تاکنون توضیحاتی ارائه بفرمایید؟

صفار طبسی: کارگروه دارایی و تامین اجتماعی تشکیل شده و سعی کردیم با دوره‌های آموزشی موضوعات مختلف را بررسی و به نقطه ایده‌آل برسیم. اما در این رابطه سوالی که مطرح می‌شود این است که اگر شعبه نبود چه اتفاقی می‌افتاد؟ باید گفت مشکلاتی که اکنون توسط رایزنی شعبه با امور مالیاتی و تامین اجتماعی حل شده هنوز پابرجا می‌ماند ضمن اینکه شعبه خراسان باعث شد تا رابطه خوبی با سازمان‌های کارفرمایی و صنعت برق ایجاد شود.

صدرا: از جمله دستاوردهای مهم سندیکای شعبه خراسان این بوده که از روز تشکیل، حرکت رو به رشدی داشته و پیشرفت بسیار خوبی در حوزه آموزش با برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های تخصصی و عمومی در سطوح مختلف آموزشی داشته و توانسته است کمک شایانی به شرکت‌های عضو کند.

معین تقوی: مهمترین دستاورد شعبه این بوده که به عنوان نهاد غیردولتی توانستیم خود را به سازمان‌های مختلف معرفی کنیم و در جلسات تصمیم‌گیری و بررسی مشکلات صنعتگران و حوزه برق حضور داشته باشیم و در حقیقت تشکلی منسجم هستیم که برای تصمیم‌گیری‌ها از ما دعوت می‌شود.

مدنی: علاوه بر دستاوردهایی که دوستان



توانمندی خراسانی‌ها در صرف فعل اقتصاد مقاومتی

فنی و مهندسی و صادرات غیر نفتی اتفاق می‌افتد قابلیت ارتقا دارد و ظرفیت بالقوه در صنعت کشور بسیار بیش از اینها است.

میانگین شاخص نسبت دلار به حجم صادرات در صنعت کشور حدود یک دلار به ازای هر کیلوگرم صادرات است، اما در صنعت برق حدود ۸ دلار برای هر کیلوگرم است. بنابراین متوجه می‌شویم که صنعت برق یک صنعت مبتنی بر ایجاد ارزش افزوده و ارزش‌آور است. از این‌رو تأکید بسیار زیادی برای صادرات در این بخش و آماده کردن شرکت‌ها برای استفاده از ظرفیت‌های موجود صادراتی وجود دارد.

صاحبان کسب و کار در صنعت برق خراسان در یک دهه اخیر با بلندنظری، پشتکار و درایت و تدبیر جزو محدود گروه‌هایی بودند که توانستند در این سال‌های سخت و صاقت فرسا، تشکلی قدرتمند، پرنفوذ و تاثیرگذار در عرصه اقتصادی در بخش برق ایجاد کنند. ناگفته پیدا است که امروز سندیکای صنعت برق خراسان در بین صاحبان کسب و کار و تشکل‌ها به عنوان یک الگو مطرح است.

نصرآبادی: توانمندی‌ها در صنعت برق کشور و به‌ویژه استان خراسان بالا است، اما استفاده از این توانمندی‌ها مخصوصاً در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله انرژی‌های باد و خورشید و سایر به‌دلیل عدم همراهی‌های مناسب از طرف نهادهای ذی‌ربط و قوانین دست‌وپاگیر، با وجود حضور سرمایه‌گذار مناسب پیشرفت قابل توجهی نداشته است که می‌توان از عملکرد سال‌های اخیر در این زمینه نتیجه‌گیری کرد که باید مسئولین کشور قبل از دعوت سرمایه‌گذار بستر مناسب آن را آماده کنند.

ستبران: توانمندی‌ها و جایگاه صنعت برق در کشور و به‌ویژه استان خراسان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نصرآبادی: صنعت برق از لحاظ درون‌زایی و برون‌گرایی و دانش‌بنیان بودن کاملاً منطبق بر اهداف اقتصاد مقاومتی است، بنابراین در واقع می‌توانیم فعل اقتصاد مقاومتی را در صنعت برق کشور به عنوان یک صنعت پیشرو صرف کنیم.

توانمندی کشورهای منطقه به استثنای ترکیه، کسری از توانمندی صنعت برق ایران هم نیست و امیدواریم با رفع چالش‌ها و مشکلات موجود توسط مسئولان فضای مناسبی برای بروز توانمندی فراوان ایران در صنعت برق فراهم شود.

سطح کمی و کیفی تجهیزات و قطعه‌های تولیدی از سوی سازندگان ایرانی توان رقابت با نمونه‌های تولیدی دیگر کشورها را دارد و در مسیر صادرات خدمات فنی و مهندسی نیازمند حمایت وزارت نیرو هستیم تا با بازاریابی‌های دقیق و جامع بتوانیم حضوری بلندمدت در کشورهای منطقه داشته باشیم. برنامه‌ریزی برای توسعه صادرات به عنوان مهمترین برنامه سندیکای صنعت برق در دستور کار خواهد بود و علاوه بر آن در تلاشیم تا نگذاریم با باز شدن درب‌های واردات در کشور، منافع اعضا به خطر بیفتد.

شادمان: اگر توانمندی‌های صادراتی صنعت برق را بررسی کنیم در می‌یابیم در سال ۹۵ نزدیک به ۹۹ درصد صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور در صنعت آب و برق اتفاق افتاده که البته بخش بزرگی از آن در صنعت برق بوده است. صادرات کالا و تجهیزات صنعت برق نسبت به آن چیزی که امروز به عنوان صادرات خدمات

و پیمانکاران صنعت برق و نابودی سرمایه عظیمی که طی چندین سال ایجاد شده است. علاوه بر این از مهم‌ترین چالش‌های موجود در صنعت برق کشورمان می‌توان به عدم توازن درآمدها با هزینه‌های بهره‌برداری و سرمایه‌گذاری و روش‌های نامناسب قیمت‌گذاری برق و محدودیت شدید منابع مالی و بدهی‌های قبلی و کاهش شدید میزان سرمایه‌گذاری‌های جدید بخش‌های دولتی و خصوصی در تولید اشاره کرد.

و با توجه به اینکه صنعت برق با استفاده از یارانه‌ها اداره می‌شود و طبیعی است که جبران این یارانه‌ها باید از طریق انجام می‌گرفت که مشکلاتی برای آن‌ها به وجود نیامد اما در سال‌های گذشته به دلیل محقق نشدن این امر، و انباشت بدهی‌ها متأسفانه این بخش با چالش‌هایی مواجه است. اعتقاد ما برای حل بخشی از این مشکلات اصلاح قیمت برق در سطح کشور است چرا که قیمت فروش برق مهم‌ترین عامل بروز این مشکلات بوده است.

نصرآبادی: با پیش‌بینی‌های سال گذشته در خصوص وضعیت شرکت‌های عضو مقداری خوش‌بینانه بود و علی‌رغم ثبات نسبی حاکم بر کشور محقق نشد. اما امید می‌رود این وضعیت در سال آینده با توجه به بهبود وضعیت درآمدی کشور و رشد شاخص اقتصادی طبیعتاً بهتر باشد ولی با تحولات منطقه و بدخواهان کشور نمی‌توان به درستی پیش‌بینی کرد امیدواریم در تمام زمینه‌ها وضعیت اعضا بهتر از این شود.

اشاره:

یازدهمین کنفرانس بین‌المللی حفاظت و اتوماسیون در سیستم‌های قدرت در آخرین روزهای دی ماه امسال شاهد یکی از همکاری‌های مهم و سازنده بین دو حوزه صنعت و دانشگاه و به اذعان حاضرین و دست‌اندرکاران نمودی موفقیت‌آمیز از پیوند بارور این دو حوزه بود بازگویی جزئیات این هم‌نشینی مبارک علاوه بر تقدیری از یک اقدام مثبت، جهت نمایاندن تجربه‌ای که امید می‌رود به عنوان یک الگوی موفق در دیگر بخش‌ها مورد استقبال قرار گیرد، خالی از لطف نخواهد بود در ادامه گفتگویی با سه تن از دست‌اندرکاران اصلی این کنفرانس جهت آگاهی از جزئیات این اقدام تقدیم حضور می‌شود:

مشروح اقدام مثبت یک کمیته

میزگرد ستبران با موضوع «همکاری کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکا در یازدهمین کنفرانس حفاظت و اتوماسیون در سیستم‌های قدرت»



موسی احمدیان؛
نایب‌رییس کمیته تخصصی
اتوماسیون و مخابرات سندیکا و
مدیرعامل شرکت راین فرآیند گستر



علیرضا شیخی؛
فنی، دبیر اجرایی یازدهمین
کنفرانس بین‌المللی حفاظت و
اتوماسیون در سیستم‌های قدرت



ایمان رجایی؛
رییس کمیته تخصصی اتوماسیون و
مخابرات سندیکا و مدیرعامل گروه
مهندسی پارسیس





رجایی: همیشه بعد فعالیت‌های ترویجی و دانش‌نهاد ما باید بسیار قوی باشد تا این کمیته بتواند با یک هویت قابل اتکا، چه در داخل سندیکا و چه از دید نهادهای دولتی و کارفرمایی و نیز دانشگاهی عمل کند. بخشی از فعالیت‌های ترویجی این کمیته، دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی است و بخش دیگر آن حضور فعال در برگزاری کنگره‌ها، میزگردها و پنل‌های سخنرانی و نشست‌ها در حوزه پوششی این کمیته است

”

فعالیت‌های ترویجی این کمیته، دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی است که برپا می‌کند و بخش دیگر آن حضور فعال و حتی به عنوان متولی برگزاری کنگره‌ها، میزگردها و پنل‌های سخنرانی و نشست‌ها در حوزه پوششی این کمیته است.

کنگره بین‌المللی حفاظت و اتوماسیون یکی از همایش‌های بسیار مهم داخلی است که سالانه برگزار می‌شود و از شاخصه‌های مثبت آن برای ما متولی بودن دو نهاد اثرگذار شرکت توانیر و دانشگاه است. اهمیت حضور شرکت‌توانیر در این کنگره برای ما از جهت نیاز به حمایت و همراهی‌های لازم از سوی این نهاد بوده و فرصت ارتباطی ما با نهاد دانشگاه از آن رو است که در اصل تقویت‌کننده منابع انسانی مورد نیاز ما است و در آینده امید می‌رود مرکزیت اصلی تحقیق و توسعه مورد نیاز این صنعت را بر عهده داشته باشد. کمیته اتوماسیون و مخابرات با این دیدگاه و با توجه به دعوت و حسن نیتی که شرکت توانیر خصوصا جناب آقای دکتر علی‌پور و دانشگاه‌های میزبان نسبت به این کمیته به عمل آورده‌اند، هرساله در این کنگره حضوری پررنگ و حامیانه داشته است. جنس این حضور آنجا که لازم بوده در قالب ترغیب شرکت‌ها برای اخذ غرفه و تشکیل پایوبون و غرفه سندیکا نمود یافته و در مواردی نیز ارائه مقالات تخصصی، ارائه کارگاه‌های آموزشی عملی و کاربردی و تخصصی، حضور در سخنرانی‌ها و نشست‌های مدیریتی و بازرگانی و گاه دعوت از کارشناسان شاخص صنعت حتی از خارج کشور برای ارائه مطالب پیشرو در این کنگره را شامل شده است.

چنان‌که اشاره شد ما در کنگره‌های سال‌های قبل هم حضور داشتیم، اما در کنگره امسال به جهت آنکه محل برگزاری در شهر تهران و دانشگاه علم و صنعت ایران بود، امکان همکاری‌های گسترده‌تری فراهم شد و این موضوع از ماها

کنفرانس اولین‌ها و اولین‌های کنفرانس

ستبران: جناب مهندس رجایی کنفرانس بین‌المللی حفاظت و اتوماسیون شبکه‌های قدرت امسال در حالی برگزار شد که نقش کمیته اتوماسیون و مخابرات سندیکا با برگزاری کارگاه‌های تخصصی در آن برجسته بود، لطفاً ما را از کیفیت و ابعاد مختلف این همکاری‌ها از سوی کمیته محترم اتوماسیون و مخابرات آگاه بفرمایید.

رجایی: من ضمن تصحیح نکاتی در پرسش شما پاسخ خود را بیان می‌کنم. در کنگره بین‌المللی حفاظت و اتوماسیون شبکه‌های قدرت، کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکای صنعت برق ایران نه تنها در بحث کارگاه‌ها که در سایر موارد هم همکاری و فعالیت‌های گسترده‌ای داشت که آقایان دکتر شیخی و مهندس احمدیان در خصوص جزئیات آن آگاهی کامل‌تری دارند و به تفصیل می‌توانند در این باب ورود کنند.

بنابراین من با توضیح مختصری در خصوص ماهیت کمیته شروع می‌کنم که به هر معنا از کمیته‌های تخصصی و دانش‌نهاد است که دانش الکترونیک، مخابرات، نرم افزار، سخت افزار، برق، شبکه، حفاظت و در واقع مجموعه‌ای از دانش‌های پیشرو در آن تجمع می‌شود تا با عنوان اتوماسیون و مخابرات مورد اطلاق قرار گیرد. مجموعه‌ای که زیرمجموعه‌هایی چون حفاظت، تله‌متری و اسکادا در بخش اتوماسیون و در بخش مخابرات رشته‌های مختلفی از جمله مخابرات بی‌سیم و باسیم، مخابرات نوری و مفاهیم پیشروی ICT را در بر می‌گیرد.

بنابراین می‌توان گفت همیشه بعد فعالیت‌های ترویجی و دانش‌نهاد ما باید بسیار قوی باشد تا این کمیته بتواند با یک هویت قابل اتکا، چه در داخل سندیکا و چه از دید نهادهای دولتی و کارفرمایی و نیز دانشگاهی عمل کند. بخشی از

این مقوله داشته باشیم.

ستبران: آیا برای سال‌های آتی هم تداوم همکاری کمیته با مسئول برگزاری این کنگره را با این ابعاد در دستور کار خواهید داشت؟

رجایی: از آنجا که این کنگره هر ساله در شهرهای مختلفی برگزار می‌شود و برای مثال سال آینده دانشگاه بابلسر مازندران میزبان آن خواهد بود، هر ساله دانشگاه متولی با هدایت شرکت توانیر با سندیکا برای برقراری همکاری ارتباط برقرار می‌کند، اما اعلام حمایت و همکاری ما در کمیته اتوماسیون و مخابرات با این کنگره همیشگی و دائمی است. علاوه بر این در صدد هستیم تا تعاملی دائمی و در طول سال را نیز با چند دانشگاه در حوزه اتوماسیون و مخابرات حداقل در سطح شهر تهران برقرار کنیم تا علاوه بر برهه زمانی کنگره، کارگاه‌هایی را در طول سال برپا داریم تا دانشجویان با دیدی عملی از مهندسی برق در حوزه اتوماسیون و مخابرات فارغ التحصیل شوند.

ستبران: جناب مهندس رجایی آیا کمیته اتوماسیون و مخابرات در این ارتباطات سازنده با دانشگاه‌ها، برنامه‌ای برای جذب و تربیت نیروی متخصص در این صنعت رانیز دنبال می‌کند؟

رجایی: صد درصد، اساس این فعالیت‌ها بر مبنای احساس نیازی بود که خود ما نیز در دوره‌ای به عنوان دانشجویان مهندسی برق و بعد به عنوان مهندسين تازه‌کار برای ارتباط با فضاهای صنعتی داشته‌ایم. بالاخص که مبحث اتوماسیون و مخابرات شبکه‌های قدرت آنچنان پیچیدگی‌هایی دارد که معمولاً در دانشگاه‌ها به عنوان یک درس منسجم آموزش داده نمی‌شود. بنابراین فارغ‌التحصیلان هر چند با اجزای این صنعت آشنایی دارند، اما با مقوله‌های ترکیبی چون اتوماسیون و ICT قرابت ذهنی و عملی ندارند. در نتیجه یکی از هدف‌گذاری‌های ما توانمندسازی دانشگاه‌ها در ارائه این مطالب است و به تعاقب آن، از آنجا که این مباحث خود جذابیت لازم را برای دانشجویان ایجاد خواهد کرد، جذب دانشجویان نخبه این رشته به گرایش حساس و زیربنایی اتوماسیون و مخابرات را مد نظر داریم.

قبل در دستور کار کمیته قرار گرفت. در این راستا مهندس احمدیان که خود شخصی بسیار حرفه‌ای هستند، به جهت سبقه دوستی با پرفسور شهرتاش به عنوان یکی از شاخص‌ترین دانشمندان این حوزه در کشور که عهده‌دار مدیریت اجرایی این کنگره نیز بودند، به عنوان هماهنگ‌کننده فی‌مابین کمیته و دانشگاه علم و صنعت ایران عمل کردند، که نتیجتاً همکاری بسیار خوبی شکل گرفت و جلسات متعددی در این رابطه بین طرفین برگزار شد.

براین اساس از زمره فعالیت‌های عمده کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکا در این کنگره افتخار حضور و برعهده گرفتن بخشی از داوری تخصصی مقالات بود. علاوه بر این طی رایزنی‌های گسترده‌ای با شرکت زیمنس آلمان موفق شدیم از پرفسور گنجوی که در تیم‌های R&D و بسیار پیشرفته این شرکت در بخش حفاظت فعالیت داشته‌اند، جهت ارائه کارگاهی در این کنگره دعوت به عمل آوریم که بسیار مورد توجه قرار گرفت. خاصه آنکه ایشان تقبل فرمودند تا با هزینه شرکت زیمنس تشریف فرما شده و کارگاه بسیار سودمندی را برگزار کنند که این امر حاصل اعتبار و قدرت سندیکا بوده است. براین اساس کمیته به جهت هماهنگی چنین کارگاهی بدون تحمیل هزینه‌ای به کنگره، از طرف دانشگاه بسیار مورد تقدیر قرار گرفت.

گذشته از این، کمیته نیز خود اقدام به برگزاری دو کارگاه آموزشی بسیار ارزشمند کرد که مورد توجه قرار گرفت. نمایندگان کمیته همچنین در پنل مدیریت مقالات حضور داشتند. همچنین یک پنل سخنرانی را به‌طور مشترک با شرکت توانیر و مشاورانی چون شرکت مشانیر در خصوص مسائل مدیریتی صنعت اتوماسیون و مخابرات برگزار کردیم و در مجموع توانستیم حضور موثر و چشمگیری را در این کنگره داشته باشیم و صحبت‌های خود را به نمایندگی از بخش خصوصی صنعت اتوماسیون و مخابرات مطرح کنیم. برپایی غرفه‌ای به نام سندیکا در حاشیه این کنفرانس که موجبات مراجعه و آشنایی با شرکت‌های عضو را فراهم می‌آورد از دیگر اقداماتی بود که با تلاش و هماهنگی سرکار خانم نقره، دبیر کمیته صورت پذیرفت. در مجموع همکاری کمیته در این کنفرانس نیز مانند دیگر فعالیت‌ها نقاط ضعف و قوت خود را داشت، اما سعی کردیم تا در حد توانمان اثرگذاری مورد انتظار را در

“

شیخی: متأسفانه آنچنان که انتظار می‌رفت و این کنفرانس استحقاق آن را داشت شاهد حضور کارشناسان صنعت برق برای فراگیری و حتی تبادل نظر نبودیم. برای مثال در این کنفرانس دو پنل تخصصی با حضور شخصیت‌های برجسته دانشگاهی و صنعتی و متخصصین این حوزه ارائه شد، اما صنعت برق در این حوزه‌ها چندان استقبالی در معرفی کارشناسان خود برای استفاده از امکانات و دانش و مهارت مورد تبادل در این پنل نداشت

”

حضور ضعیف نمایندگان صنعت در کنفرانسی قوی

ستبران: جناب دکتر شیخی لطفا ضمن ارائه توضیحاتی در خصوص این اقدام مشترک که بین کمیته اتوماسیون و مخابرات سندیکا و دانشگاه علم و صنعت ایران صورت گرفته است، بفرمایید که این همکاری نوید چه افق‌هایی را برای آینده طرفین خواهد داشت؟

شیخی: یازدهمین کنفرانس حفاظت و اتوماسیون در سیستم‌های قدرت در واقع اولین دوره‌ای بود که کنفرانس حفاظت و کنگره بین‌المللی اتوماسیون با یکدیگر ادغام و در تحت عنوان مشترک کنفرانس حفاظت و اتوماسیون برگزار می‌شد. همچنین لازم به ذکر است این رویداد در دی‌ما امسال برای اولین بار به صورت بین‌المللی برپا شد. بر همین اساس از دو تن از اساتید برجسته بین‌المللی از دانشگاه منچستر و شرکت زمینس برای ارائه کارگاه دعوت به عمل آمد که همان‌طور که اشاره شد با مساعدت سندیکا صورت گرفت. در خصوص کارگاه‌های برگزار شده از سوی سندیکا در زمینه سیستم‌های اتوماسیون پست نیز باید خاطر نشان کنم که از کیفیت بسیار بالایی برخوردار بودند و علاوه بر دانشجویان، اساتید و مهندسين این صنعت نیز از این کارگاه‌ها بهره‌فراوانی بردند.

در خصوص برنامه‌های آتی نیز با توجه به تجربه بسیار موفقی که در این کنفرانس با سندیکا داشتیم، چنان که ذکر شد در حال برنامه‌ریزی مشترکی جهت برگزار شدن کارگاه‌های دیگری در این زمینه و دیگر موضوعات مرتبط برای دانشجویان هستیم که از اسفندماه سال جاری آغاز به کار خواهد کرد و امید می‌رود برگزاری چندین کارگاه را تا قبل از پایان ترم برای آشناسازی دانشجویان با مباحث عملی و کاربردی شاهد باشیم.

ستبران: جناب دکتر ما قدری هم می‌خواهیم در این رابطه بدانیم که دانشگاه علم و صنعت در این رابطه چه نقشی داشته است و تداوم این همکاری از سوی این دانشگاه و دیگر دانشگاه‌ها با سندیکای صنعت

برق ایران و کمیته اتوماسیون و مخابرات آن چگونه خواهد بود؟

شیخی: همان‌طور که می‌دانید دانشجویی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود، اگر تجهیزات برقی را ندیده باشد و برای مثال بازدید از یک پست فشار قوی نداشته باشد یا با طرز کار تجهیزات پست آشنا نشود، طبیعی است صنعت نیز نمی‌تواند او را به جهت دارا نبودن کیفیت آموزشی مناسب پذیرا باشد. به همین خاطر ترجیح ما در دانشگاه علم و صنعت ایران بر آن است که دانشجویان در حین تحصیل مباحثی عملی را نیز فراگیرند و تنها متکی به دروس تعیین شده توسط وزارت علوم نباشند. از این رو در تلاشیم تا برای دانشجویان سال آخر بازدیدهای علمی از خطوط انتقال، پست و ... برای آشنایی با این بخش‌ها ترتیب دهیم. علاوه بر این آنچه به یک دانشجوی رشته برق برای کسب فرصت‌های شغلی کمک می‌کند شرکت در دوره‌های آموزشی معتبری است که نه تنها به کسب مهارت‌های لازم کمک می‌کند، بلکه اساسا فرصت آشنایی دانشجویان با بخش‌های مختلف این صنعت را فراهم می‌آورد تا بتواند با توجه به علائق خود شاخه‌ای از این انبوه فعالیت‌ها و شغل‌های موجود در این صنعت را انتخاب و به عنوان حرفه آتی خود ادامه دهد. بر این اساس از همکاری سندیکا بسیار استقبال کردیم. امید می‌رود از این طریق علاوه بر دلگرم کردن دانشجویان به ادامه تحصیلشان در این رشته، از فقدان تجربه و تخصص در میان خیل فارغ‌التحصیلان کاسته شود.

ستبران: همان‌طور که جناب مهندس رجایی نیز اشاره داشتند، چندی است در محافل مرتبط با صنعت اتوماسیون صحبت از زمینه‌سازی برای تاسیس رشته‌ای با عنوان اتوماسیون صنعتی در سطح تحصیلات تکمیلی رشته مهندسی برق می‌شود. به نظر شما آیا این ظرفیت در حال حاضر به لحاظ علمی و تجهیزات در دانشگاه‌های ما وجود دارد؟

شیخی: سوال بسیار خوبی مطرح فرمودید. در دانشگاه به طور قطع پتانسیل کافی برای راه‌اندازی این رشته‌ها وجود دارد و از طرفی نیز با نیاز صنعت به چنین تخصص‌هایی روبرویم. اما مشکلی که

فارغ‌التحصیلان این قسم گرایش‌های تخصصی در واقعیت امر با آن مواجه می‌شوند عدم آگاهی بسیاری از صنایع از چستی واحدهای درسی این گرایش‌ها است که این امر به جذب نیرو با عنوان کلی مهندسی برق گرایش قدرت منتج می‌شود. در نتیجه برای افرادی که با گرایشی چون اتوماسیون فارغ‌التحصیل می‌شوند، عمدتا در آزمون‌های استخدامی مقداری مشکل ایجاد می‌شود. به همین خاطر علی‌رغم آنکه تفکیک و مرزبندی باریک این رشته‌ها از یکدیگر کار بسیار پسندیده‌ای است و منجر به فعالیت عمیق و کاربردی دانشجویان در این رشته‌ها و در فعالیت‌های آتی آنان در صنعت می‌شود، اما از سوی دیگر آگاهی لازم به مسئولین استخدام داده شود تا بهتر بتوانند نیروهای با زمینه تحصیلی مرتبط را جذب کنند.

اما به عنوان نکته پایانی که باید در رابطه با این دور از کنفرانس علی‌رغم تمام نتایج شیرین آن ذکر کنم، این گلایه است که ما دعوت‌نامه‌های بسیار زیادی را برای بخش‌های مختلف صنعت برق اعم از شرکت توانیر، وزارت نیرو و از آن طریق برای تمامی برق‌های منطقه‌ای و نیز تمام دانشگاه‌های ایران دارای رشته مهندسی برق ارسال داشتیم. اما آن‌طور که باید و شاید شاهد حضور چشمگیر ایشان جهت بهره‌برداری از سخنرانی‌ها و کارگاه‌های بسیار مفیدی که تدارک دیده شده، نبودیم. این در حالی بود که همان‌طور که ذکر شد در این دوره از کنفرانس مجموعاً ۹ سخنرانی کلیدی توسط اساتید برجسته داخلی و خارجی، ۲ کارگاه بین‌المللی و ۴ کارگاه با ارائه متخصصین داخلی ترتیب داده شد. علاوه بر این سطح کیفی تمامی این بخش‌ها در این دوره بسیار بالا بود، اما متأسفانه آنچنان که انتظار می‌رفت و این کنفرانس استحقاق آن را داشت شاهد حضور کارشناسان صنعت برق برای فراگیری و حتی تبادل نظر نبودیم. برای مثال در این کنفرانس دو پنل تخصصی در زمینه اتوماسیون سیستم‌های توزیع و اتوماسیون سیستم‌های انتقال با حضور شخصیت‌های برجسته دانشگاهی و صنعتی و متخصصین این حوزه ارائه شد، اما صنعت برق در این حوزه‌ها چندان استقبالی در معرفی کارشناسان خود برای استفاده از امکانات و دانش و مهارت مورد تبادل در این پنل نداشت.



جادوی تبدیل کت رقابت به ردای حمایت و همکاری

توافقی بین دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت و کمیته اتوماسیون و مخابرات سنديکا جهت برگزاری دوره‌های عملی به صورت کنفرانس‌ها و سمینارهایی در این دانشگاه صورت گرفت. این دوره‌ها حتی می‌تواند به صورت شبه سمینارهایی چند ساعته ارائه شود که نکات و موارد عملی حوزه اتوماسیون را آموزش می‌دهد؛ به بیانی نکاتی آموزش داده می‌شود که دانشجویان با واحدهای معمول درسی خود چندان در جریان آن قرار نمی‌گیرند، اما مهندسين در محیط صنعتی با آن به کرات مواجه می‌شوند. در نتیجه تقویمی آموزشی بین دانشگاه علم و صنعت و سنديکا برای سال ۹۶ آماده شد که در راستای ارتباطاتی است که برای برگزاری کنگره ایجاد و پس از آن ادامه خواهد یافت. این ارتباط بین صنعت برق و دانشکده‌های مربوطه توسط سنديکای صنعت برق ایران ایجاد شد و در ادامه نیز با برقراری این ارتباط با سایر دانشگاه‌ها استقبال می‌کنیم.

ستبران: جناب مهندس احمدیان، جنابعالی رمز موفقیت کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات را در برقراری این ارتباط سازنده با نهاد دانشگاه چگونه توصیف می‌کنید و آیا از نظر شما می‌توان چنین نسخه‌ای را برای سایر کمیته‌های تخصصی سنديکا هم در نظر داشت تا آنان نیز با ورود به عرصه دانش‌محوری بدل به مرجعی حتی برای دانشگاه شوند؟

احمدیان: من رمز این موفقیت را در این نکته می‌بینم که افراد حاضر در این کمیته مفهوم سنديکا را به درستی درک کرده‌اند. به طوری که شاهد هم‌اندیشی و هم‌افزایی رقاباتی در کنار هم هستیم که با ورود به سنديکا کت رقابت از تن به در می‌کنند و به منافع گروهی خود می‌اندیشند. از این گذشته بدون آنکه کوچکترین قصد جسارت و خودستایی مد نظر باشد، از نظر من در واقع دانش فنی و مهندسانی بهتر را با چگالی بیشتری در این کمیته می‌توان سراغ گرفت.

ستبران: جناب مهندس احمدیان، بر اساس فرمایش مهندس رجایی جنابعالی اساسا صاحب ایده اصلی در نحوه برقراری ارتباطاتی این چنین با دانشگاه‌ها بوده‌اید و اطلاعات کامل تری از چگونگی شکل‌گیری این هماهنگی‌ها داشته‌اید. بر این اساس لطفا بفرمایید کمیته اتوماسیون و مخابرات در این رابطه چه اقداماتی داشته است، بر همین منوال در آینده امید انجام چه فعالیت‌هایی در زمینه‌های مشابه آن می‌رود؟

احمدیان: ابتدا باید اشاره کنم با توجه به تجاری که از کنفرانس دانشگاه تبریز و دانشگاه تهران در سال‌های گذشته داشتیم چنین برداشت شد که ارتباط سنديکا با دانشگاه مربوطه و این کنفرانس چندان نزدیک و در نتیجه در یک راستا نبوده است. تا جایی که حتی سوء تفاهم‌هایی را در ارتباط با کلیت سنديکا در کنفرانس تبریز شاهد بودیم که تصور می‌شد این تشکل یک نهاد انتفاعی و صاحب سرمایه است. در کنگره امسال اما به سبب ارتباط نزدیکی که سنديکا با مسئولین برگزاری این کنفرانس برقرار کرد و آغاز به کار این همکاری‌ها از شهریور ماه که نسبت به سال‌های گذشته زودتر اقدام شده بود، زمینه تفاهمات بیشتری فراهم شد. به طوری که بر خلاف دوره‌های پیشین، با دانشگاه میزبان به صورت یک کارگروه مشترک عمل کردیم که در قالب آن به خوبی روشن شد هر یک از طرفین امکان ارائه چه خدماتی را دارند. نتیجه آنکه، کنگره امسال بسیار پربارتر دایر شد و نشانگر آن برگزاری دوره‌های آموزشی در این دور از کنگره و حضور اعضای هیات‌ریسه کمیته اتوماسیون در پنل‌های سخنرانی بود که این موارد ارتباط بسیار خوبی را نشان می‌دهد.

ستبران: از نظر شما این دست اقدامات چه دستاوردهای مثبتی را می‌تواند برای کمیته، سنديکا و اعضای آن به بار آورد؟

احمدیان: به طور مشخص نتیجه مثبت آن ارتباط سازنده‌ای بود که در ادامه این کنفرانس در قالب

احمدیان: افراد حاضر در این کمیته مفهوم سنديکا را به درستی درک کرده‌اند. به طوری که شاهد هم‌اندیشی و هم‌افزایی رقاباتی در کنار هم هستیم که با ورود به سنديکا کت رقابت از تن به در می‌کنند و به منافع گروهی خود می‌اندیشند



گزارش



**MIDDLE EAST
ELECTRICITY**

ENERGISING THE INDUSTRY

FEBRUARY 14-16, 2017
DUBAI WORLD TRADE CENTRE

INTERNATIONAL
US PAVILION

به همت سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد

پاویون ایران در نمایشگاه بین‌المللی برق خاورمیانه

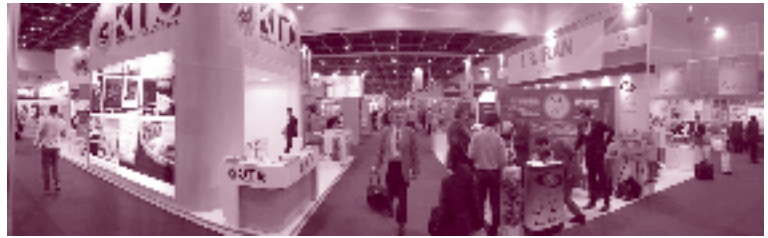
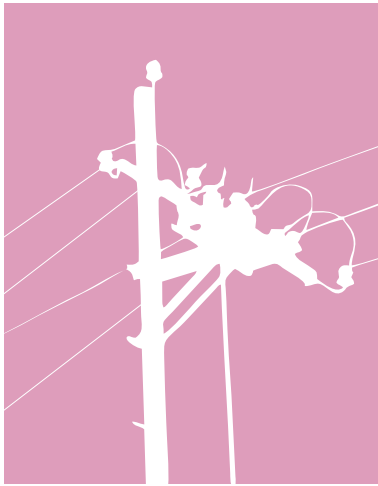
در جهان شناخته می‌شود.

چهل و دومین دوره نمایشگاه برق خاورمیانه (MEE) از بیست‌وسوم الی بیست‌ونجم بهمن ماه سال جاری برابر با ۱۴ الی ۱۶ فوریه ۲۰۱۷ در فضایی حدود ۶۰ هزار مترمربع با حضور ۱۵۰۰ شرکت کننده و ۵۸ هزار نفر بازدیدکننده از ۱۳۳ کشور جهان در حالی برگزار شد که به جز ایران، کشورهای آمریکا، کانادا، آلمان، انگلیس، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، سوئیس، اتریش، فنلاند، رومانی، جمهوری چک، کره جنوبی، مالزی، تایوان، هند، ترکیه و چین نیز در آن به صورت پاویون کشوری حضور داشتند.

طبق هماهنگی سندیکا با شرکت Informa به عنوان برگزارکننده نمایشگاه، فضایی به مساحت ۱۵۰ متر مربع را برای شرکت‌های ایرانی علاقمند به حضور در نمایشگاه در نظر گرفته شد و شرکت‌های عضو سندیکا برای حضور در این رویداد مهم بین‌المللی از ۱۵ درصد تخفیف برخوردار شدند. پس از کسب مجوز از سازمان

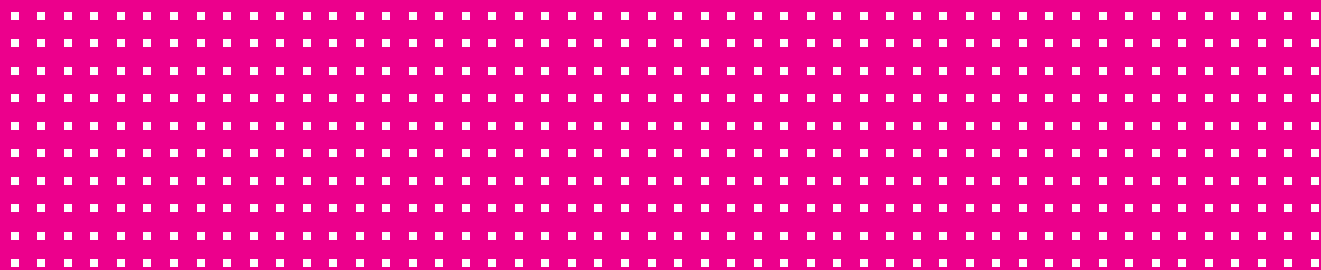
یکی از شاخص‌های برجسته تشکل‌های صادراتی، حضور فعال در رویدادهای تخصصی بین‌المللی و مدیریت اعزام یا پذیرش هیات‌های تجاری و بازرگانی است. سندیکای صنعت برق ایران به عنوان تشکل صادراتی فعال کشور در حوزه برق و انرژی، با اتکا به تجربه موفق برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی داخلی و برپایی پاویون ایران در نمایشگاه‌های معتبر در کشورهای هدف صادراتی، امسال نیز با فراهم شدن شرایط پسابرجام و امکان حضور مجدد شرکت‌های ایرانی در بازارهای بین‌المللی، برپایی پاویون جمهوری اسلامی ایران در نمایشگاه بین‌المللی برق خاورمیانه را برنامه‌ریزی و برگزار کرد.

نمایشگاه بین‌المللی برق خاورمیانه (Middle East Electricity 2017) بزرگترین نمایشگاه تخصصی برق در سطح خاورمیانه است و همه‌ساله در زمینه برق، آب، روشنایی و انرژی‌های نو در مرکز نمایشگاهی شهرداری برگزار می‌شود و از سوی شرکت‌کنندگان و بازدیدکنندگان به عنوان مهم‌ترین رویداد صنایع مذکور



جمهوری اسلامی ایران، پیگیری دریافت یارانه‌های نمایشگاهی از معاونت فناوری ریاست جمهوری و دریافت یارانه‌های نمایشگاهی از صندوق حمایت از صنایع الکترونیک از دیگر اقدامات سندیکا جهت حضور هر چه بهتر نمایندگان صنعت برق کشور در چهل و دومین دوره نمایشگاه برق خاورمیانه بود. بر این اساس علاوه بر اطلاع‌رسانی به تمامی شرکت‌های عضو از طریق فکس، بولتن و سایت سندیکا، بررسی و انتخاب شرکت حمل و نقل بین‌المللی معتبر و آژانس مسافرتی جهت ارسال کالای نمایشگاهی به دب‌ی و هماهنگی سفر، اخذ بلیط هواپیما و رزرو هتل برای اعضا صورت پذیرفت. گفتنی است این اقدامات با اطلاع‌رسانی و دعوت از مدیران ارشد صنعت برق، تشکل‌ها و سازمان‌های مرتبط بین‌المللی، وزارتخانه‌های برق و انرژی کشورهای همسایه و اداره برق امارت دب‌ی برای بازدید از پاورپون ایران و توانمندی‌های صادراتی شرکت‌های ایرانی در نمایشگاه و معرفی سندیکا، شرکت‌های حاضر در پاورپون و سایر شرکت‌های عضو به بازدیدکنندگان از طریق تهیه و توزیع کتابچه معرفی سندیکا و شرکت‌های عضو به زبان انگلیسی تکمیل شد.

توسعه تجارت ایران برای پاورپون کشور ایران، اقدامات لازم برای حضور شرکت‌های عضو صورت پذیرفت و کرمان‌تابلو، الکترونیک افزار آزما، صانع شرق، نامدار افروز، تدبیرسازان فناوری انرژی آپادانا و ایتاسریر ایرانیان از شرکت‌های ایرانی حاضر در پاورپون کشور ایران در این دور از این نمایشگاه بودند. در این راستا میزبانی از مدیران نمایشگاه برق دب‌ی در حین نمایشگاه صنعت برق تهران و معرفی زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های نمایشگاهی در ایران و توانمندی‌های شرکت‌های عضو در کنار انعقاد قرارداد پاورپون کشور ایران، اخذ تخفیف برای اعضای سندیکا و انعقاد قرارداد برای غرفه‌سازی ویژه و متحدالشکل برای شرکت‌های ایرانی از اهم اقدامات انجام شده توسط سندیکا برای برگزاری پاورپون ایران در این نمایشگاه بود. علاوه بر این سندیکای صنعت برق ایران اطلاع‌رسانی نمایشگاه به شرکت‌های فعال صنعت برق و دریافت تخفیف و تسهیلات برای شرکت‌های حاضر در پاورپون ایران را به‌منظور توسعه ارتباطات بین‌المللی صنعت برق ایران در خاورمیانه در دستور کار داشت. همچنین اخذ مجوز سازمان توسعه تجارت برای برگزاری پاورپون





بودجه‌ای با بخش‌های نابرابر و تخصیص‌های نامتوازن

برگزار شد و برخی از مواد و تبصره‌های بودجه مورد رایزنی قرار گرفت.

یکی از نقدهایی که کارشناسان طی این رایزنی بر لایحه بودجه وارد دانستند، این بود که با توجه به رد پاره‌ای از مصوبات برنامه ششم توسعه از سوی شورای نگهبان و لزوم اصلاح آن‌ها در مجلس، مشخص نیست بودجه سال ۹۶ چگونه قرار است در راستای برنامه ششم توسعه تنظیم شود.

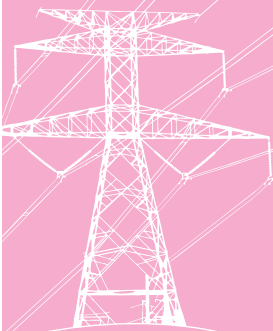
نقد دیگر کارشناسان به عدم شفافیت اهداف بودجه ۹۶ بود. طبق نظر کارشناسان مشخص نیست بودجه در راستای حل کدام یک از مشکلات اساسی کشور تنظیم شده است؛ به عنوان مثال در برنامه ششم توسعه، مساله آب و محیط زیست به عنوان یکی از محورهای اساسی برشمرده شده اما در لایحه بودجه ۹۶ اثری از توجه ویژه به این بخش مشهود نیست.

همچنین طبق نظر کارشناسان برای حل و فصل مشکلات کشور برنامه دقیقی در لایحه بودجه ۹۶ وجود ندارد؛ مثلاً برای برطرف ساختن رکود اقتصادی که یکی از مهم‌ترین مشکلات مبتلابه است، برنامه روشنی در نظر گرفته نشده است؛ ضمن اینکه در لایحه تقریباً توجهی به آسیب‌های اجتماعی نشده است.

وقتی لایحه بودجه ۹۶ تقدیم مجلس شد، بسیاری از امیدهای صنایع گوناگون نقش بر آب شد. یکی از صنایعی که برای پرداخت بدهی‌های معوقه خود چشم امید به لایحه بودجه جدید دوخته بود، صنعت برق کشور بود؛ اما در اولین بررسی‌های لایحه منتشر شده مشخص شد بازهم این صنعت مورد بی توجهی برنامه‌های کلان کشور قرار گرفته است. این نقدهای جزئی تنها نقص لایحه بودجه نیست و نقدهای کلان تری هم به بودجه‌های هرساله می‌شود؛ یکی از نقدهای بسیار مهم ناسازگاری زمانی قانون بودجه با برنامه‌های توسعه کشور است که هر کدام به صورت پنج ساله تنظیم می‌شوند و بنابراین گنجاندن آن‌ها در قوانین یک ساله بودجه با دشواری روبه رو است. به هر روی حذف تمامی معایب و نواقص از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین برنامه کشور ناممکن است اما شاید نظرخواهی از بخش خصوصی و کارشناسان ذی‌ربط بتواند تا حد زیادی این نقص‌ها را برطرف کند.

نقدهای کلان بر لایحه ۹۶

در روز ۲۳ بهمن برای بررسی لایحه بودجه سال ۹۶ جلسه‌ای مشترک با حضور کارشناسان خبره و تعدادی از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی



رپرتاژ آگهی



محصولات جدید جابون بر پایه دانش فنی و استاندارد IEC

است که از حیث کیفیت و امکانات تولیدی در رده سازندگان مطرح در منطقه قرار دارد. رییس هیات‌مدیره شرکت جابون با ذکر این مطالب افزود: جابون دارای ۷ قرارداد انتقال تکنولوژی همراه با بازرسی و کنترل کیفیت محصول توسط شرکت انتقال‌دهنده تکنولوژی نظیر اشنایدراکتربیک (Schneider Electric) فرانسه و آلستوم (ALSTOM) است. همچنین این شرکت به عنوان اولین مجموعه فعال در صنعت برق ایران است که موفق به امضای قرارداد لیسانس تابلوهای GIS نسل جدید با شرکت اشنایدراکتربیک فرانسه شده که این مهم در سفر هیات اقتصادی همراه ریاست محترم جمهور به کشور فرانسه در بهمن ماه سال ۱۳۹۴ صورت گرفته است. وی در ادامه خاطر نشان کرد: در همین راستا شرکت جابون در حال عقد قرارداد و انتقال تکنولوژی در زمینه راهکارهای مدیریت انرژی و اتوماسیون صنعتی با شرکت اشنایدراکتربیک (Schneider Electric) فرانسه است که در این زمینه نیز به عنوان یک مجموعه پیش‌تاز در صنعت برق خواهد توانست نیاز صنایع و بازار

نوع بارهای مصرفی تعیین می‌شود. استفاده از تجهیزات با تکنولوژی روز و بهره‌گیری از روش‌های هوشمندسازی در تابلوهای برق می‌تواند صنایع را در مدیریت مصرف انرژی، کاهش تلفات و برقراری ارتباطات مرکزی و کنترل از راه دور کمک کند. شرکت جابون با ساخت تابلوهای تمام کشویی مطابق آخرین ویرایش استاندارد بین‌المللی IEC و استفاده از تجهیزات روز اروپا توانسته است نیاز صنایع حساس به وجود انرژی الکتریکی مانند نفت، گاز و پتروشیمی را فراهم کرده و سهم بسزایی در شکوفایی صنعت برق کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی داشته باشد. محمدعلی سعادت‌رییس هیات‌مدیره شرکت جابون در این راستا طی گفت‌وگویی عنوان داشت: شرکت جابون در سال ۱۳۶۴ در زمینه ساخت تابلوهای برق صنعتی تاسیس شده و در حال حاضر این شرکت با بیش از ۴۰ هزار متر مربع فضای تولیدی و ۳۰۰ نفر پرسنل بزرگترین مجموعه تابلوسازی در خاورمیانه و کشور است. خط تولید شرکت جابون مجهز به ماشین‌آلات مدرن و رباتیک مورد استفاده در صنعت تابلوسازی

انرژی الکتریکی از تولید تا مصرف نیازمند بهره‌گیری از ادوات و تجهیزات قدرت، لوازم‌اندازه‌گیری و پایش انرژی و نیز رله‌های حفاظتی است. در این راستا نیروگاه‌ها وظیفه تولید انرژی الکتریکی و خطوط انتقال و پست‌های فوق توزیع و توزیع وظیفه رساندن انرژی الکتریکی به محل‌های مصرف را دارند. انرژی الکتریکی در محل مصرف باید مطابق نیاز طرح، پایش، اندازه‌گیری و حفاظت شود که این مهم توسط تابلوهای برق مستقر در محل تامین می‌شود. تکنولوژی ساخت تابلوهای برق توسط استانداردهای روز دنیا مدیریت می‌شود و این اسناد مدل‌های مختلف تابلو را برای مصارف گوناگون معرفی می‌کنند. صنایع حساس به وجود انرژی الکتریکی از مدل تابلوهای تمام کشویی استاندارد بهره گرفته تا تداوم انرژی را به صورت کامل حفظ کرده و شرایط لازم را برای تعمیر و تعویض قطعات آسیب‌دیده یا توسعه تابلو را در حالت برقرار بودن فراهم کند. ادوات توزیع انرژی الکتریکی در تابلوهای برق متناسب با قدرت ترانسفورماتورهای توزیع و



شرکت SIEMENS، ABB، Schneider Electric، Hyundai و LS صورت می‌گرفت. شرکت جاپون اولین سازنده ایرانی است که موفق به طراحی، تست و تولید کنتاکتور فشار متوسط شده است و این امر منجر به صرفه‌جویی ارزی سالانه ۳ میلیون یورو و ایجاد اشتغال ۳۰ نفری خواهد شد. بر این اساس میزان صرفه‌جویی ارزی با استفاده تولید داخل براساس نوع کنتاکتور برابر ۷۰ الی ۸۵ درصد است.

طراحی و ساخت کنتاکتور فشار متوسط در شرکت جاپون بر اساس آخرین تکنولوژی روز دنیا (قطع و وصل در کپسول خلاً) صورت گرفته که از این نظر از لحاظ مشخصات فنی با نمونه‌های خارجی کاملاً برابری می‌کند.

خط تولید پیش بینی شده در شرکت جاپون ظرفیت تولید ۳۰۰۰ دستگاه کنتاکتور در سال را دارا است که به معنای ایجاد پتانسیل مناسب برای فروش این محصول به صورت مجزا و یا نصب شده داخل تابلوهای فشار متوسط خواهد بود.

چنانچه این شرکت بتواند سالانه پانصد دستگاه کنتاکتور، داخل تابلوهای فشار متوسط و یا به‌صورت مجزا صادرات داشته باشیم درآمد ارزی حاصل از صادرات این محصول می‌تواند به رقمی بالاتر از ۳ میلیون یورو برسد.

است. گفتنی است سید محصولات جاپون به شرح ذیل، در سی سال گذشته نیاز صنایع گوناگون نظیر صنعت نفت، گاز، پتروشیمی، صنایع نیروگاهی، انتقال و توزیع، فولادی و ... را در زمینه تابلوهای صنعتی فراهم کرده است:

سید محصولات جاپون:

- تابلوهای فیکس و کشویی فشار ضعیف
 - تابلوهای فیکس و کشویی فشار متوسط تا سطح ولتاژ ۳۶ کیلو ولت
 - تابلوهای کنترل و حفاظت
 - سیستم‌های اتوماسیون و مدیریت انرژی (همکاری مشترک با شنایدر الکتریک فرانسه)
 - تابلوهای GIS (تولید مشترک با همکاری شرکت Schneider Electric فرانسه)
- محصول جدید شرکت جاپون کنتاکتور فشار متوسط است که در زمینه کنترل بارهای الکتریکی فشار متوسط نظیر موتورها، پمپها و ... تا سطح ۱۲ کیلو ولت و ۳۰۰۰ کیلووات و همچنین سویچینگ بانک‌های خازنی فشار متوسط به‌منظور تصحیح ضریب قدرت شبکه‌های توزیع برق مورد استفاده قرار می‌گیرد. تا پیش از این، تامین این محصول صرفاً از طریق واردات و از سازندگانی نظیر

داخل را بر اساس آخرین تکنولوژی روز دنیا مرتفع سازد.

محمدعلی سعادت گفت: در راستای سیاست بومی‌سازی تکنولوژی‌های نوین و کاهش وابستگی به سازندگان خارجی شرکت جاپون موفق به طراحی، ساخت و تایپ تست محصولات جدیدی نظیر کنتاکتورهای فشار متوسط، طراحی و ساخت تابلوهای فشار ضعیف کشویی و ... شده است. تولیدات این شرکت در جشنواره‌های علمی مختلف نیز به عنوان طرح برگزیده انتخاب شده‌اند که نمونه آن تابلوی سری Power Block در جشنواره دانایی خلیج فارس است.

وی افزود: محصولات جدید شرکت جاپون مطابق آخرین استانداردهای روز صنعت برق (IEC) همگی در آزمایشگاه معتبر بین المللی و داخلی تست و تایید شده‌اند. لازم به توضیح است که از بدو تاسیس شرکت تا به حال قسمت تحقیق و توسعه جاپون توانسته است بیش از ۷۵ مورد تست نوعی تایپ تست (TypeTest) موفقیت‌آمیز در آزمایشگاه‌های معتبر جهت محصولات خود انجام دهد که در صنعت تابلو سازی کشور بی‌همتا است.

به گفته موسس شرکت جاپون ظرفیت تولیدی این مجموعه برابر با ۵۵۰۰ سلول در سال



نگاهی به پروژه‌های پست برق در تام

در ابتدای ورود تام به بازارهای غیر خودرویی چندان مدنظر این شرکت نبود. جوادیان با بیان این مطلب خاطر نشان ساخت: در سال ۱۳۸۴ که سنگ بنای حضور شرکت تام در بازارهای غیر خودرویی گذاشته شد، سه حوزه مورد توجه قرار گرفت که عبارت از معدنی، ریلی و نفت و گاز بود. بنابراین شرکت تام در ابتدا مزیت رقابتی زیادی برای ورود به بازار پر تعداد پیمانکاران حوزه احداث پست برق نداشت و شرایط محیطی نیز برای ورود به این حوزه چندان آماده نبود. در واقع شرکت تام بنا به نیاز خود به حوزه پست برق ورود پیدا کرد. اما با این شرایط مزیت حاصله آن بود که برای پروژه‌هایی مثل فولاد که پست برق بخشی از پروژه محسوب می‌شود دیگر نیازی به برگزاری جداگانه مناقصه نبود. این مقام مسئول در شرکت تام گفت: پس از برنده شدن در پروژه فولاد بافق در سال ۱۳۸۸،

است که به واسطه فعالیت خود، در این سال‌ها برای ورود به حوزه برق احساس نیاز کرد. با توجه به اینکه کارفرمایان عموماً علاقه چندانی به کار با چندین پیمانکار در یک پروژه ندارند، شرکت تام نیز به تقویت این توانایی در ایجاد پست برق اهتمام ورزید تا بتواند الزامات انجام یک پروژه از مهندسی تا نصب و راه‌اندازی را به صورت عمده، خود به انجام برساند. شرکت تام تاکنون چهار پروژه پست برق با ویژگی‌های متمایز از مسقف تا بالای دو هزار متر از سطح دریا و ولتاژ بالا اخذ کرده است. براین اساس در خصوص چگونگی اجرای این پروژه‌ها، ویژگی‌های پست‌های برق که در داخل به انجام می‌رسد و تجربیات اجرایی کار با مدیران پروژه گفت‌وگویی انجام شد. سیدعلی محمد جوادیان فیروزآبادی سرپرست مدیریت مهندسی برق در معاونت طراحی و مهندسی ضمن اشاره به نحوه ورود شرکت تام به این حوزه تصریح کرد: کسب‌وکار پست‌های برق

در دنیای امروز تامین شبکه سراسری برق امری خطیری محسوب می‌شود و کوچکترین خللی در این شبکه ضربه سنگینی به اقتصاد ملی خواهد بود. این مساله از بعد امنیتی نیز اهمیت بسیار بالایی دارد. چنانکه می‌دانید با توجه به رقم بالای بدهی وزارت نیرو به پیمانکاران در سال‌های اخیر، تفاهم‌نامه‌ای مابین این وزارتخانه و وزارت صنعت، معدن و تجارت به امضا رسید که طی آن اعلام شده بود تضمینی برای ارایه برق به واحدهای صنعتی با مصرف بالای هفت مگاوات ارایه نمی‌شود و در صورت نیاز واحدی صنعتی به میزانی بیش از این محدوده، می‌بایست خود اقدام به ساخت نیروگاه کند. به همین دلیل علاوه بر تعمیر و نگهداری شبکه، حساسیت بالایی در خصوص پیمانکاران حوزه برق به وجود آمد. شرکت تام ایران خودرو یکی از شرکت‌های داخلی



مهندس بهلون مقدم



مهندس جودیان

و راه ورود این شرکت به مناقصه‌های وزارت نیرو هموار شد. جوادیان تصریح کرد: با توجه به دارا بودن یک پلنت احیا در فولاد بردسیر، این مجموعه صنعتی هیچ‌گاه برای دریافت برق از این پست دچار وقفه نشده است. وی خاطر نشان ساخت: از جمله پست‌هایی که بعد از پست برق بردسیر توسط شرکت تام انجام شد یا در دست اجرا داریم، می‌توان به پست ۱۳۲ کیلوولت اسکان، ۴۰۰ کیلوولت جاجرم و ۴۰۰ کیلوولت نیروگاهی شیروان اشاره کرد. سرپرست مدیریت مهندسی برق شرکت تام با بیان اینکه یک پست برق بین دو تا ۷۰ میلیارد تومان هزینه در بر دارد، در خصوص تفاوت شرکت تام با سایر شرکت‌ها در این حوزه گفت: تام توان به دوش کشیدن بخشی از بار مالی پروژه را دارد و مانند بخش خصوصی چندان وابسته به تامین بودجه پروژه در زمان مقرر نیست که این امر سبب شده حتی در زمان اوج کمبود نقدینگی هیچ‌گاه پروژه‌های وزارت نیرو را به حال خود رها نکند. وی اظهار داشت: تجاری که تام در این حوزه کسب کرد موجب شد در سه پروژه اخیر پست برق از کمتر از ۲۰ درصد توان پیمانکار خارجی استفاده کند.

با سازنده داخلی وارد چالش می‌شدیم که با توجه به شرایط تحریم و تاکید بر مساله داخلی‌سازی، راه دوم را انتخاب کردیم. جوادیان ادامه داد: برای این کار پیمانکار مناسبی نیز انتخاب کردیم، اما با توجه به اینکه تجربه قبلی برای این کار در داخل کشور وجود نداشت، به رغم ضمانت برخی از تجهیزات پیمانکار و مورد تایید قرار گرفتن آزمایش‌های تست این تجهیزات، عنوان شد نمی‌توان تضمینی برای عملکرد مناسب برخی تجهیزات در ارتفاع مورد نظر ارائه کرد، با این حال قبل از نصب این تجهیزات در حضور ۲۰ نفر از نمایندگان کارفرما، وزارت نیرو و وزارت صنعت، معدن و تجارت، تست‌های مورد نظر به عمل آمد که خوشبختانه موفقیت‌آمیز هم بود. به گفته مدیر پروژه پست برق فولاد بردسیر پست برق فولاد بردسیر فرصتی بود که شرکت تام بتواند در کنار یک پیمانکار حرفه‌ای دانش فنی احداث پست برق را وارد کند تا جایی که در حال حاضر کار این شرکت کار طراحی پست را خود انجام می‌دهد. وی در همین رابطه با اشاره به رضایت کارفرما و برق منطقه‌ای بردسیر از نتایج کار در طی دو سال راه‌اندازی این پست افزود: بر همین اساس شرکت تام، درجه یک پیمانکاری را در حوزه نیرو دریافت کرد

مناقصه احداث فولادسازی بردسیر برنده شدیم که با توجه به این که دارای پست برقی با سطح ولتاژ ۴۰۰ کیلوولت بود، باید الزامات آن را فراهم می‌کردیم. مدیر پروژه پست برق فولاد بردسیر در این رابطه اضافه کرد: در پروژه فولاد بافق کار مهندسی پایه را انجام دادیم و از این تجربه در فولادسازی بردسیر سود جستیم. در این پروژه کار طراحی، خرید و نصب بخش سویچ‌گیرها را که حدود ۶۰ درصد از کار پست برق را تشکیل می‌دهد، به پیمانکار خارجی سپردیم. اما این پست دارای ویژگی خاصی بود: چرا که یکی از معدود پست‌های ۴۰۰ کیلوولت در ارتفاع بالای ۲۱۰۰ متر از سطح دریا محسوب می‌شود. جوادیان در خصوص اینکه چرا در ارتفاع بالا کار اجرایی پست برق با حساسیت بیشتری دنبال می‌شود، این‌طور پاسخ می‌دهد که در پست‌های فشار قوی از هوا به عنوان عایق استفاده می‌شود و وقتی فشار هوا کم می‌شود این عایق تضعیف شده که این مساله برای طراحی نقشه کلی و فواصل تجهیزات در دو قسمت برق دار اهمیت بالایی دارد. این حساسیت برای ارتفاع بالای دو هزار متر مطرح است و باید تجهیزات آن به صورت خاص نصب شود. وی در خصوص این موضوع توضیح داد: می‌بایست یا صورت مساله را با خرید خارجی پاک می‌کردیم، یا

برقی پلنت‌هایی مثل نیروگاه‌ها، پست‌ها، خطوط انتقال، مترو و قطارهای بین‌شهری، کارخانه‌های فولاد و پتروشیمی و غیره را آسان‌تر و مدرن‌تر انجام دهیم. این نرم‌افزار ضمن آسان‌تر کردن بهره‌برداری، به دلیل استفاده از فیبر نوری حجم بسیاری از عملیات ساختمانی، تعمیر و نگهداری و کابل‌کشی و غیره را کاهش می‌دهد. پهلوان مقدم با اشاره به آنکه از سال ۱۳۸۸ و همزمان با آغاز تحریم‌ها دریافت این نرم‌افزار با مشکل مواجه شد، افزود: برخی کارخانه‌ها به شکل سابق واحدها را طراحی کردند به این امید که نرم‌افزار مزبور را بعداً تهیه کنند. برخی نیز تصمیم گرفتند که به شکل سنتیتر واحد مربوطه خود را راه‌اندازی کنند. اما شرکت تام نرم‌افزار پیشرفته و به روزی به نام اسکادا را پیاده‌سازی کرده است که با استفاده از آن می‌توان صرفه‌جویی قابل توجهی در انجام پروژه داشت. اسکادای تام نرم‌افزاری قدرتمند است و با اخذ مجوزهای لازم قابلیت کنترل از راه دور و بدون اپراتور پست برق را دارد.

DCS برای اولین بار است که در کشور اجرا شده است.

پست برق ۴۰۰/۱۳۲ کیلوولت جاجرم

مدیر پروژه پست برق ۴۰۰/۱۳۲ کیلوولت جاجرم با اشاره به این که کار آن از مهر سال ۱۳۹۳ آغاز شد، افزود: این پروژه در بهمن‌ماه سال گذشته برقرار شد و بر اساس برنامه زمان‌بندی خود جلو رفت و مشکل نقدینگی پیدا نکرد.

پست برق ۴۰۰ کیلوولت نیروگاه شیروان

مهندس پهلوان مقدم در خصوص پست برق ۴۰۰ کیلوولت نیروگاه شیروان هم گفت: این پست برق که تاکنون بیش از ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد تا خرداد ۹۶ امسال به بهره‌برداری خواهد رسید و از نوع DCS با نرم‌افزار ABB (کنترل از راه دور و با قابلیت بدون اپراتور) است. وی گفت: حدود ۱۵ سال گذشته نرم‌افزاری از سوی برخی شرکت‌های بزرگ مانند GE و ABB و زیمنس ارائه شد که به وسیله آن می‌توانستیم کنترل و مانیتورینگ تجهیزات

در ادامه از حسن پهلوان مقدم مدیر پروژه پست‌های برق اسکان، جاجرم و شیروان در خصوص آخرین فعالیت شرکت تام در این پروژه‌ها پرسیده شد:

پست برق مسقف ۱۳۲/۲۰ کیلوولت اسکان

وی در خصوص پست برق ۱۳۲/۲۰ کیلوولت اسکان (مسکن مهر گلپه‌هار سابق) این‌طور توضیح داد: این پست برق در ۴۰ کیلومتری شهر مشهد و به‌منظور برق‌رسانی به ۷۰ هزار واحد مسکونی و شهرک گلپه‌هار و شهرک صنعتی منطقه تعریف شده است و هم‌اکنون در حال برق‌دهی است.

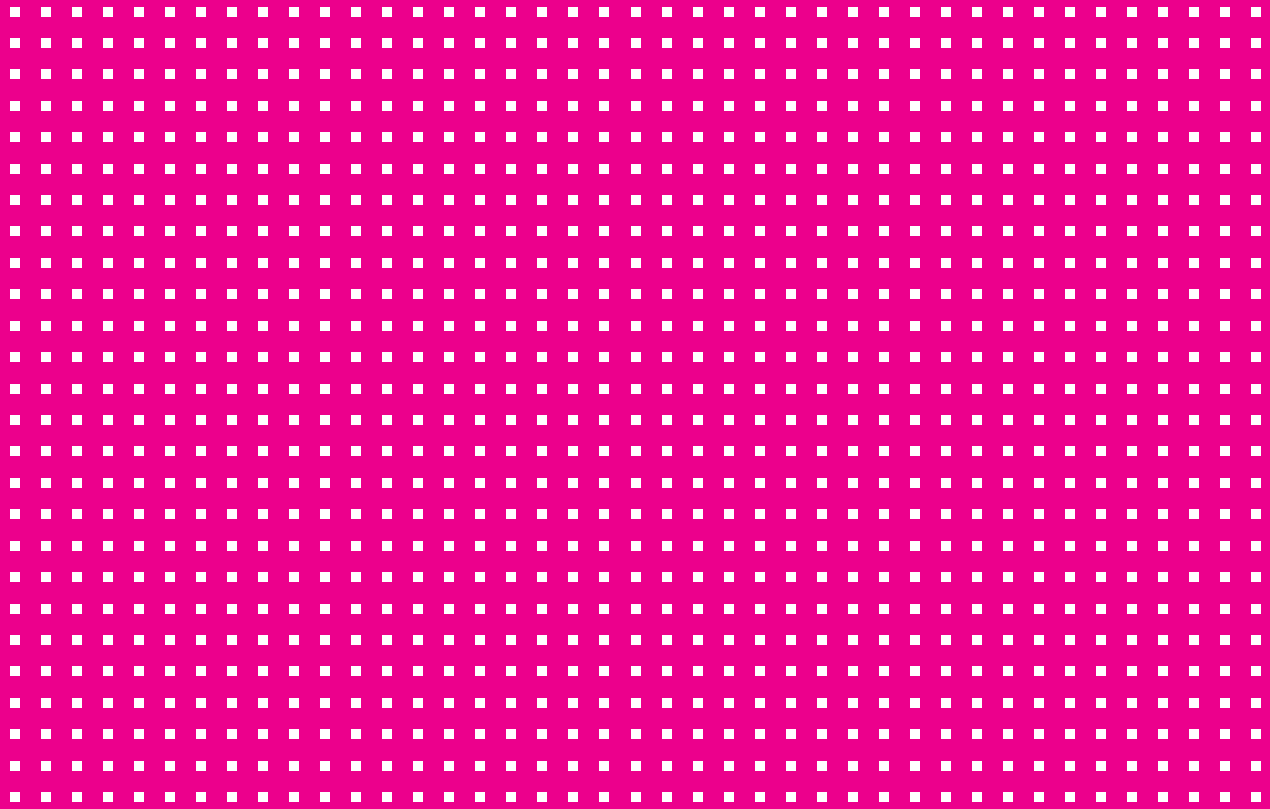
پهلوان مقدم در مورد ویژگی‌های خاص این پروژه گفت: امکان بهره‌برداری از این پست بدون اپراتور امکان‌پذیر است و از نرم‌افزار ABB بهره می‌برد. پست ۱۳۲/۲۰ کیلوولت اسکان در ابعادی به وسعت هزار و ۱۹۶ متر مربع و در یک سوله مسقف جانمایی شده است و پستی با چنین ابعاد، مسقف و به صورت

مشخصات فنی پست برق فولاد بردسیر	
سطح ولتاژ	۴۰۰/۳۳ کیلوولت
ظرفیت	۲۴۰ مگاوات آمپر
سطح اتصال کوتاه	۵۰ کیلوآمپر
جریان نامی	۳۱۵۰ آمپر
سیستم شینه بندی	یک و نیم کلیدی کامل باسبار نزدیک
سیستم عایقی	AIS
سیستم کنترل و حفاظت	Conventional
ارتفاع از سطح دریا	۲۱۰۰ متر
سطح آلودگی	Very Heavy

مشخصات فنی پست برق جاجرم	
سطح ولتاژ	۴۰۰/۱۳۲/۲۰ کیلوولت
ظرفیت	۴۰۰ مگاوات آمپر
سطح اتصال کوتاه	۵۰ کیلوآمپر
جریان نامی	۴۰۰۰ آمپر
سیستم شینه بندی	یک و نیم کلیدی کامل باسبار نزدیک
سیستم عایقی	AIS
سیستم کنترل و حفاظت	DCS
ارتفاع از سطح دریا	۱۵۰۰ متر
سطح آلودگی	Heavy

مشخصات فنی پست برق اسکان	
سطح ولتاژ	۱۳۲/۲۰ کیلوولت
ظرفیت	۶۰ مگاوات آمپر
سطح اتصال کوتاه	۳۱،۵ کیلوآمپر
جریان نامی	۱۶۰۰ آمپر
سیستم شینه بندی	طرح H
سیستم عایقی	AIS
سیستم کنترل و حفاظت	DCS
ارتفاع از سطح دریا	۱۵۰۰ متر
سطح آلودگی	Heavy

مشخصات فنی پست برق شیروان	
سطح ولتاژ	۴۰۰/۱۵،۷۵ کیلوولت
ظرفیت	۴۰۰ مگاوات آمپر
سطح اتصال کوتاه	۵۰ کیلوآمپر
جریان نامی	۳۰۰۰ آمپر
سیستم شینه بندی	باسبار دوپل
سیستم عایقی	AIS
سیستم کنترل و حفاظت	DCS
ارتفاع از سطح دریا	۱۵۰۰ متر
سطح آلودگی	Heavy



اخبار



گزارش هیات مدیره سندیکا



آمادگی سندیکا برای ریشه‌یابی و حل اختلال در شبکه برق خوزستان

هیات مدیره سندیکا طی دو جلسه اخیر مسائل اعضا در ارتباط با سازمان مالیاتی و سازمان تأمین اجتماعی، مطالبات اعضا از شرکت‌های زیر مجموعه وزارت نیرو و توانیر، مناقصه ۳۱۲ پست و مشکلات پیش آمده در شبکه برق خوزستان را مورد بحث و تبادل نظر قرار داد.

در پنجاه و چهارمین جلسه هیات مدیره سندیکا مقرر شد موضوع خرید تجهیزات خط و پست از جهت مبانی فنی در کمیته مشاوران سندیکا مورد بررسی کارشناسی قرار گیرد و نظرات کارشناسی و پیشنهاد عملیاتی سندیکا به وزارت نیرو، اتاق بازرگانی و شورای اقتصاد ارائه شود در همین راستا مقرر شد در مورد دو پروژه خطی که توسط توانیر جهت اجرا به صورت فاینانس به سندیکا ارجاع شده است، شاخص‌های لازم توسط کمیته فاینانس و همکاری‌های مشترک تهیه و سپس برای شناسایی شرکت‌ها فراخوان شود.

همچنین در این جلسه گزارش ضرورت تشکیل کمیته دانش‌بنیان در سندیکا توسط معاونت کمیته‌های سندیکا ارائه شد و کلیات تشکیل کمیته به عنوان کمیته عمومی در حالی به تصویب رسید که سعید مهذب‌ترابی به عنوان رییس کمیته انتخاب و مقرر شد اساسنامه، اهداف و مأموریت‌های کمیته تهیه و جهت تصویب به هیات مدیره ارائه شود. در پنجاه و پنجمین جلسه هیات مدیره سندیکا نیز مشکلات پیش آمده در شبکه برق خوزستان مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد در اسرع وقت کارگروهی با حضور نمایندگان مشاوران، پیمانکاران پست، پیمانکاران خطوط و مقره‌سازان سندیکا برای بررسی و کارشناسی دلایل اختلال به وجود آمده در شبکه برق خوزستان تشکیل و پیشنهادات سندیکا برای برطرف شدن و جلوگیری از تکرار آن به وزارت نیرو ارائه شود. علاوه بر این مقرر شد طی مکاتبات با وزارت نیرو و نهادهای مرتبط به مواردی چون واقعی نبودن قیمت فروش برق، عدم سرمایه‌گذاری و به تبع آن محدودیت منابع مالی و اتخاذ سیاست خرید و نگهداری تجهیزات با حداقل قیمت توسط وزارت نیرو و شرکت توانیر به عنوان دلایل اصلی بروز بحران در شبکه برق خوزستان اشاره و آمادگی سندیکا برای ارزیابی و تشخیص صلاحیت سازندگان تجهیزات صنعت برق به وزارت نیرو اعلام شود.

در جلسه مذکور آخرین وضعیت مطالبات اعضا از شرکت توانیر و شرکت‌های زیرمجموعه مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد در اسرع وقت جلسه‌ای با مدیرعامل شرکت توانیر برگزار و مطالبات شرکت‌های عضو پیگیری شود. علاوه بر این مقرر شد وضعیت مطالبات اعضای سندیکا از شرکت‌های توزیع در اولین جلسه مشترک سندیکا با معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر به ایشان گزارش و پیگیری وصول آن دستور کار قرار گیرد. همچنین مقرر شد مطالبات اعضا از کارفرمایان حوزه نفت و گاز نیز استعلام و برای وصول مطالبات این بخش نیز برنامه‌ریزی شود.

همچنین در این جلسه گزارش اقدامات سندیکا در خصوص پیگیری مسائل اعضا در ارتباط با سازمان مالیاتی و سازمان تأمین اجتماعی بررسی و مقرر شد اقدامات سندیکا در این خصوص به اعضا اطلاع‌رسانی و مواضع سندیکا در خصوص مسائل بیمه و مالیاتی اعضا تدوین و به مجلس و اتاق و نهادهای مرتبط منعکس شود و در سایت سندیکا نیز بخشی به عنوان خدمات بیمه و مالیات ایجاد و علاوه بر اطلاع‌رسانی اقدامات و خدمات مشاوره‌ای سندیکا، پاسخ به سوالات متداول در دسترس اعضا قرار گیرد.

سندیکا

گزارش کمیته‌های عمومی سندیکا

گزارش کمیته توسعه صادرات

همکاری مستمر با ستاد عراق و تشکیل کنسرسیوم صادراتی

کمیته توسعه صادرات سندیکا طی جلسات اخیر خود در حوزه‌های مختلف فعالیتی خود نسبت به اقداماتی به شرح زیر مبادرت ورزیده است:

برگزاری مستمر جلسات ستاد همکاری‌های اقتصادی ایران و عراق در حوزه آب و برق

در جلسات ستاد همکاری‌های ایران و عراق در حوزه آب و برق وزارت نیرو طی ماه‌های بهمن و اسفند و پیگیری مشکلات اعضا از قبیل مطالبات، عدم ابلاغ مناقصات و همچنین ارائه پیشنهادات و راهکارها جهت حضور فعالتر در بازار عراق توسط کمیته توسعه صادرات پیگیری شده است.

علاوه بر این تشکیل کارگروه بصره از دیگر اقدامات این کمیته در خصوص این ستاد بوده است. در این راستا با توجه به اهمیت بازار جنوب عراق سفر نمایندگان سندیکا، وزارت نیرو و وزارت امور خارجه به بصره در دی‌ماه و جلسه با مدیران انتقال و توزیع جنوب عراق در خصوص پروژه‌های موجود، کارگروه بصره در کمیته تشکیل و نمایندگان شرکت‌های دارای تجربه در خصوص نحوه ورود به این بازار در جلسه کارگروه به بحث و تبادل نظر پرداختند.

جلسه با هیات عراقی در توانیر

به دعوت آرش کردی رییس هیات‌مدیره و مدیرعامل شرکت توانیر از نمایندگان سندیکا جهت حضور در جلسه با هیات عراقی که در خصوص بدهی آن کشور بابت برق، علیرضا کلاهی، علی بخشی و پیام باقری در جلسه مذکور شرکت کردند. نمایندگان کمیته توسعه صادرات و رییس هیات‌مدیره سندیکا ضمن معرفی توانمندی اعضا، از هیات عراقی برای برگزاری جلسه در سندیکا و بازدید از توانمندی شرکت‌های عضو دعوت به عمل آوردند که باتوجه به نهایی شدن این موارد به دلیل تغییر برنامه هیات این امکان فراهم نشد. در همین ارتباط مقرر شد کمیته توسعه صادرات رسماً از این مقامات جهت انجام مذاکرات و بازدید دعوت به عمل آورد.

جمع‌بندی طرح تشکیل کنسرسیوم‌های صادراتی

موضوع تشکیل کنسرسیوم‌های صادراتی با برگزاری جلسات متعدد در هیات‌ریسه کمیته توسعه صادرات مورد بررسی و جمع‌بندی قرار گرفت و جهت تصویب و تأیید هیات‌مدیره سندیکا ارائه خواهد شد.

برگزاری جلسه و مکاتبه با ستاد ویژه توسعه اقتصادی ایران عراق و سوریه ریاست جمهوری

با برگزاری جلسه با سعید اوحدی مشاور معاون اول ریاست جمهوری و رییس ستاد ویژه توسعه اقتصادی ایران عراق و سوریه مطالبات، مشکلات و پیشنهادات و راهکارهای بازار عراق پس از جمع‌بندی به ایشان ارسال و همچنین مقرر شد جلسه‌ای با ایشان در خصوص بازار عراق و سوریه برگزار شود.



اخبار سنا

گزارش کمیته حقوقی و قراردادهای

پیگیری جبران خسارت‌های تهاثر مطالبات با حواله فلزات

اهم اقدامات انجام شده و در حال انجام کمیته حقوقی و قراردادهای سندیکا در هفته‌های اخیر با محوریت موضوعاتی چون بررسی پیش‌نویس تفاهم‌نامه صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه، بررسی خسارات وارده به اعضا در خصوص تهاثر مطالبات با حواله فلزات، اصلاح آیین‌نامه داوری و دستورالعمل کمیته حل اختلاف و آیین‌نامه اجرایی کمیته‌ها صورت گرفته است. علاوه بر این موارد درخواستی چون تجدید نظر در هیات‌های تشخیص مطالبات در سازمان تامین اجتماعی از اتاق بازرگانی ایران، ساده‌سازی فرایندهای گمرکی و ارایه پیشنهادهای مربوطه به اتاق بازرگانی ایران و نیز بخشودگی جرایم برای اعضای سندیکا از ریاست سازمان تامین اجتماعی در دستور فعالیت‌های این کمیته طی دو ماه گذشته بوده است.

گزارش کارگروه قراردادهای متوقف

حل و فصل ۴۶ فقره قرارداداداد در جلسات کارگروه مشترک

کارگروه قراردادهای متوقف سندیکا در دو ماه گذشته جهت پیگیری مسائل اعضا در ارتباط با قراردادهای متوقف و پس از برگزاری نشست سندیکا با وزیر نیرو و شروع به کار کارگروه مشترک تا کنون در فاز اول با تعیین ۶ مورد از مجموع ۳۰ کارفرما، قراردادهای ایشان را بررسی و مورد حل و فصل قرار داده است. براین اساس کارگروه مشترک در خصوص قراردادهای مرتبط با برق‌های منطقه‌ای هرمزگان، خوزستان، اصفهان، سیستان، تهران و یزد در ۱۰ جلسه مربوطه، از مجموع ۵۷ فقره قرارداد ۴۶ مورد را بررسی کرده است. علاوه بر این در نشست مشترکی با سیدمحمد موسوی مشاور مدیرعامل توانیر، تنظیم نامه‌ای خطاب به معاونت سازمان برنامه و بودجه، در خصوص اخذ مجوز برای ادامه قراردادهای با شرایط برد-برد و تنظیم نامه‌ای برای مراجع ذی‌صلاح در خصوص اخذ مجوز برای قراردادهایی که به هیچ عنوان قابلیت ادامه ندارند در دستور کار قرار گرفت.

گزارش کارگروه راه حل

تنظیم فرمول مشخص تهاثر مطالبات

اقدامات انجام شده در کارگروه راه حل با حضور محمودرضا حقی‌فام معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر، جهت پیگیری مسائل اعضا در ارتباط با شرکت‌های توزیع برق طی هفته‌های گذشته شامل مواردی به شرح زیر بوده است. براین اساس پیگیری برای تهیه و تنظیم یک فرمول مشخص در خصوص تهاثر مطالبات، انعکاس مواردی که شرکت‌های توزیع خلاف حدود و عرف معین عمل می‌کند، در کنار بررسی مشکلات مختلف اعضا در ارتباط با وزارت نیرو و شرکت توانیر و اقدام جهت حل آن‌ها -مناقصه ۹۵/۱۰۶ شرکت توزیع نیروی برق خراسان - همچنین استعلام مشکلات اعضا جهت ارائه راه حل برای این مشکلات از جمله اقدامات این کارگروه در این مدت بوده است.

گزارش کارگروه مالیات

عضویت در هیات حل اختلاف سازمان مالیاتی

کارگروه مالیات در راستای پیگیری مسائل اعضا در ارتباط با سازمان امور مالیاتی ضمن اقدام جهت برگزاری جلسات حضوری و امکان مذاکره تلفنی با مشاور مالیاتی برای حل و فصل مشکلات اعضا، نسبت به تنظیم جدول برای احصا مشکلات مالیاتی اعضا و استعلام مشکلات



سندیکا

اعضا در خصوص مشکلات مالیاتی جهت پیگیری از سازمان امور مالیاتی کشور اقدام کرده است. علاوه بر این آنالیز موارد و مشکلات ارسالی اعضا توسط کارگروه مالیاتی سندیکا طی ۲ جلسه، جمع‌بندی مشکلات مالیاتی اعضا و ارسال مشکلات در ۵ محور اصلی و ارسال به رییس کل سازمان امور مالیاتی کشور و درخواست وقت ملاقات از ایشان در کنار پیگیری برای برگزاری سمینار آموزشی برای اعضای سندیکای صنعت برق با حضور ... فریدونی ... از دیگر اقدامات این کارگروه بوده است. همچنین به دنبال حکم انتصاب نماینده سندیکا در هیات‌های سه نفره حل اختلاف مالیاتی استان تهران از سوی سازمان امور مالیاتی کشور، تعیین نماینده سندیکا به عنوان عضو هیات سه نفره حل اختلاف صورت گرفت.

کارگروه بیمه

آنالیز ۳۲ فقره قرارداد در تامین اجتماعی

کارگروه بیمه سندیکا جهت پیگیری مسائل اعضا در ارتباط با سازمان تامین اجتماعی ضمن برگزاری جلسات حضوری و امکان مذاکره تلفنی با مشاور بیمه برای حل و فصل مشکلات اعضا، به تنظیم جدول برای احصا مشکلات بیمه اعضا و استعلام مشکلات اعضا در خصوص حق بیمه قراردادهای پیمانکاری مبادرت ورزید.

این کارگروه همچنین ضمن برگزاری نشست مشترک نمایندگان سندیکا با معاون مدیر کل درآمد سازمان بیمه و تامین اجتماعی، آنالیز ۳۲ فقره قرارداد ارسالی از سوی اعضای سندیکا توسط کارگروه بیمه را طی ۳ جلسه انجام داد.

علاوه بر این گزارش جامعی از سوی این کارگروه در خصوص حق بیمه قراردادهای اعضای سندیکای صنعت برق برای بررسی و کارشناسی موارد درخواستی به معاون مدیرکل درآمد سازمان بیمه و تامین اجتماعی ارسال شد و تعیین موضوعات و مشکلات قابل انعکاس در خصوص بیمه و تامین اجتماعی اعضا جهت طرح در جلسه مشترک وزیران نیرو و تعاون، کار و رفاه اجتماعی صورت گرفت که در این راستا درخواست وقت ملاقات از وزیر نیرو و کار در خصوص برگزاری نشست مشترک نیز در دستور کار قرار گرفت.

گزارش کمیته‌های تخصصی سندیکا

گزارش کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات

برگزاری دوره‌های آموزشی برای مشاوران نفتی

پیرو برگزاری مجمع عمومی کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکا، انتخاب رییس و نایب و خط مشی‌های کمیته در جلسه اخیر این کمیته صورت گرفت.

در این راستا با برگزاری انتخاباتی در دور جدید هیات‌ریسه این کمیته، به اتفاق اکثریت آرا ایمان رجایی به‌عنوان رییس و موسی احمدیان به‌عنوان نایب رییس کمیته انتخاب شدند.

در ادامه جلسه به دنبال بحث و تبادل نظر اعضا تهیه و تدوین دستورالعمل فعالیت‌های کارگروه‌های تخصصی کمیته، پیگیری تدوین آیین‌نامه یکپارچه‌سازان، پیگیری و تداوم مکاتبات با توانیر، سازمان مدیریت شبکه، پدافند غیرعامل و سایر نهادهای مربوطه و برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط به‌عنوان اهداف و خط مشی‌های دوره جدید تعیین شدند.

همچنین برگزاری دوره آموزشی برای شرکت‌های مشاور نفتی با محوریت حفاظت پست‌های فوق توزیع و انتقال، سیستم‌های اتوماسیون پست مبتنی بر IEC61850، سیستم‌های تله‌متری و پروتکل‌های ارتباطی شبکه‌های برق، فناوری مخابرات شبکه‌های قدرت و Arc Protection از دیگر مصوبات این جلسه برای اجرا در دوره جدید بود.



اخبار سنا



کارگروه تخصصی اتوماسیون و دیسپاچینگ توزیع تشکیل کارگروه تخصصی اتوماسیون و دیسپاچینگ توزیع

نخستین جلسه کارگروه تخصصی اتوماسیون و دیسپاچینگ توزیع از کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکا روز دوشنبه بیست و پنجم بهمن ماه سال جاری با حضور اعضا برگزار شد. در این نشست با توجه به حضور تعدادی از شرکت‌های عضو کمیته در جلسات کارگروه پیمانکاران توزیع شرکت توانیر که جهت تهیه و تدوین اسپیک نهایی سیستم اتوماسیون توزیع و مخابرات پیرو سمینار سال گذشته پژوهشگاه نیرو برگزار شده بود، به اهمیت فعالیت این کارگروه اشاره و بر این اساس مقرر شد متن اسپیک به دبیرخانه کمیته تحویل و جهت ارسال به اعضا اقدام شود. علاوه بر این موضوعاتی چون ایجاد پکیجی برای بازار هدف شرکت‌های فعال در سیستم اتوماسیون توزیع، سازماندهی بازار کار شرکت‌های تولیدکننده، یکپارچه‌سازی و نمایندگی و درخواست تعیین دستورالعمل فعالیت کارگروه از هیأت‌ریسه کمیته در کنار بررسی حوزه فعالیت‌های مورد بحث و ... از موارد مطروحه در این جلسه بود.

پیرو نظر اعضای حاضر در این جلسه نام کارگروه به کارگروه تخصصی اتوماسیون و دیسپاچینگ توزیع تغییر یافت و مسئولیت هماهنگی کارگروه به اسفندیار بامداد مدیرعامل شرکت باسط‌پژوه تهران محول شد.

گزارش کارگروه تخصصی مخابرات و ICT ارائه کارگاه‌های فنی تجهیزات مخابراتی



کارگروه تخصصی مخابرات و ICT کمیته اتوماسیون و مخابرات سندیکا طی جلسه اخیر خود پس از بحث و تبادل نظر در مورد مشکلات حوزه مخابرات از جمله استانداردسازی و تعیین مرجعیت فنی و چگونگی مشخصات فنی پروژه‌ها، در این خصوص، پیشنهاد آماده‌سازی مشخصات برای تجهیزات مخابراتی مطرح و مقرر شد در این کارگروه نسبت به فعالیت در این خصوص اقدامات عملی صورت پذیرد.

همچنین پس از طرح پیشنهادی مبنی بر ارائه کارگاه‌های فنی جهت تجهیزات مخابراتی، شرکت تامین سیستم‌های کنترل مخابرات ایران آمادگی خود را نسبت به برگزاری این دوره‌ها اعلام داشت. از دیگر موارد مطروحه در این جلسه برگزاری جلسات کارگروه به‌صورت ماهیانه بود. همچنین در خصوص تنظیم آیین‌نامه هماهنگ با آیین‌نامه داخلی سندیکا توافق به‌عمل آمد. همچنین پیرو تأیید اکثریت اعضای حاضر در جلسه، نام کارگروه به کارگروه تخصصی مخابرات و ICT تغییر یافت و با رای اکثریت، مسئولیت ریاست این کارگروه به شهرام میناسرشت از شرکت تامین سیستم‌های کنترل مخابرات ایران واگذار شد.

گزارش کمیته تخصصی ارتینگ و حفاظت در برابر صاعقه دیدار با مسئولان وزارت کار و انتقال مشکلات کمیته



در پی تشکیل و برگزاری جلسات هفتگی کمیته تخصصی ارتینگ و حفاظت در برابر صاعقه سندیکا در دو ماه گذشته آیین‌نامه داخلی کمیته ارتینگ و حفاظت در برابر صاعقه طی جلسات مختلف مورد بحث قرار گرفت و سرانجام متن آیین‌نامه تهیه و تدوین شد.

طی این جلسات اعضا در خصوص استانداردهای موجود در حوزه ارتینگ به بحث پرداختند و با بررسی مستندات و دستورالعمل‌های موجود در سازمان‌ها و نهادهای مختلف، عنوان استانداردهای معتبر را که نیاز به بومی‌سازی، ترجمه و بازنگری دارد جمع کردند. این موارد طی نامه‌ای به دبیر سندیکا ارسال شد تا اقدامات بعدی از طریق نهاد های متولی استاندارد مانند پژوهشگاه نیرو پیگیری شود.

دیگا

علاوه بر این ضمن طرح و جمع‌بندی موانع و مشکلات موجود در حوزه ارتینگ و حفاظت در برابر صاعقه، اعضای جلسه لیستی از این مشکلات و پیشنهادات تهیه و جهت بررسی به کمیته «راه حل» با حضور معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر ارجاع دادند. همچنین پیرو ارسال نامه‌های متعدد جهت تشکیل جلسه با سازمان نظام مهندسی ساختمان، مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت فنی و بهداشت کار، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، با پیگیری‌های انجام شده جلسه ای در وزارت کار با حضور رییس و نایب‌رییس کمیته تشکیل شد. در این نشست ضمن معرفی سندیکای صنعت برق و کمیته ارتینگ و حفاظت در برابر صاعقه، عمده مشکلات مرتبط با این وزارت خانه در حوزه ارتینگ و حفاظت طرح شد و مسئولان قول همکاری و رفع مشکلات در آینده نزدیک را دادند. بر این اساس بر ادامه این جلسات و همکاری های تنگاتنگ با سندیکا صنعت برق تاکید شد.

گزارش کمیته تخصصی انرژی‌های تجدیدپذیر تجمیع و ارسال مشکلات اعضای کمیته به وزارت نیرو

در جلسات اخیر کمیته انرژی‌های تجدیدپذیر از شرکت‌هایی که به تازگی به عضویت این کمیته در آمده بودند دعوت به عمل آمد. در همین رابطه با دعوت از مدیرعامل گروه صنعتی نیروساین آریا و نیز مدیر عامل شرکت مهندسی برق تهران (برق آرا) و نظرات و پیشنهادات ایشان جهت بهبود برنامه‌ها و عملکرد کمیته دریافت شد. مهم ترین این پیشنهادات شامل نرخ خرید تضمینی برق، ثبات در قوانین مرتبط با PPA و تسهیل سرمایه گذاری خارجی بود.

تجمیع موانع و مشکلات موجود در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر به همراه پیشنهاد مدیران شرکت‌های فعال در این حوزه از دیگر برنامه‌های کمیته در هفته‌های اخیر بود که پس از جلسات متعدد لیست مربوط به مشکلات و پیشنهادات کامل و به کارگروه مشترک سندیکا و وزارت نیرو ارائه شد.

اهم مشکلات و پیشنهادهای ارائه شده پیرامون انتخاب زمین توسط سرمایه‌گذاران در نصب پنل‌های فتوولتائیک و توربین‌های بادی، مشکلات مرتبط با اتصال به شبکه نیروگاه های تجدید پذیر، مشکلات مربوط به شرکت‌های مشاور و نقش آنان در این پروژه‌ها، نحوه قیمت‌گذاری برق تضمینی خریداری شده توسط وزارت نیرو، عدم رتبه‌بندی مناسب شرکت‌های داخلی فعال در حوزه تجدیدپذیر و آسیب‌پذیر شدن این شرکت‌ها، ناعادلانه بودن دریافت مالیات در این حوزه و مشکلات بخش خصوصی در تضامین پروژه‌های بزرگ بوده است.

اعضای کمیته در خصوص مناقصه احداث خط تولید پنل فتوولتائیک و خرید تجهیزات با ظرفیت ۲۵۰ مگاوات توسط وزارت نیرو به بحث پرداختند و با توجه محدودیت های فنی و غیر فنی موجود در کشور جهت بومی‌سازی پنل‌های خورشیدی، در مورد حسن اجرای این طرح نگرانی‌هایی مطرح شد.

برگزاری جلساتی با شهرداری تهران و کمیته امداد امام خمینی در دستور کار این کمیته قرار گرفته است تا مشکلات مرتبط شرکت‌های عضو کمیته با این سازمان‌ها به صورت سازمان‌یافته و منسجم حل و فصل شود.

حضور تجدیدپذیرهای سندیکا در نهمین نمایشگاه

نهمین نمایشگاه بین‌المللی انرژی‌های نو، تجدیدپذیر بهره‌وری و صرفه‌جویی انرژی با حضور چندی از شرکت‌های توانمند داخلی و خارجی طی روزهای ششم الی نهم اسفند ماه سال جاری در محل دائمی نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار شد. این نمایشگاه ششم اسفندماه باحضور مدیرعامل سازمان انرژی‌های نو ایران (سانا) افتتاح شد. در



اخبار سنا

این دوره از این نمایشگاه ۵۵ شرکت داخلی به همراه ۳۷ شرکت خارجی از ۷ کشور جهان شامل کشورهای چین، آلمان، اسپانیا، ایتالیا، ترکیه، کره جنوبی و یونان شرکت کردند. این نمایشگاه در سالن ۳۸ نمایشگاه بین‌المللی تهران و به موازات شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی محیط زیست برگزار شد.

لازم به ذکر است سندیکای صنعت برق ایران نیز به همراه تعدادی از شرکت‌های عضو در قالب پلویون این تشکل در این دوره از نمایشگاه شرکت کرده و میزبان مراجعین داخلی و خارجی بود. در حاشیه این دو نمایشگاه برگزاری ۵ پنل و ۷ کارگاه در زمینه‌هایی چون تشکل‌های مرتبط با این حوزه و مدیریت پسماند و چندین دیدار با نمایندگان حاضر از کشورهای خارجی از جمله دیدار با وزیر محیط زیست ایتالیا، افتتاح اجلاس مدیریت پسماند ایران و آلمان و ... در دستور کار قرار داشته است. همچنین مسئولین عالی‌رتبه دولت از جمله معصومه ابتکار رییس سازمان محیط زیست، حمید چیت‌چیان مقام عالی وزارت نیرو و هوشنگ فلاحتیان معاون امور برق و انرژی وزیر نیرو طی روزهای گذشته از این دو نمایشگاه بازدید داشته‌اند.

گفتنی است شماره ۱۰۵ نشریه ستبران نیز به همین مناسبت با پرونده‌ای در خصوص انرژی‌های تجدیدپذیر و با همکاری دبیرخانه کمیته چاپ و در غرفه سندیکا در این نمایشگاه انتشار یافت.

گزارش کمیته تخصصی سازندگان تابلوهای برق

درخواست افزایش ردیف تعرفه‌های تابلویی

کمیته تخصصی سازندگان تابلوهای برق طی جلسات اخیر خود ضمن برگزاری مجمع عمومی، انتخاب اعضای دور جدید هیات‌ریسه و رییس و نایب رییس آن در این دوره، به بحث و بررسی ردیف تعرفه تابلوهای برق و اهداف و برنامه‌های کمیته پرداخته است.

علاوه بر این درخواست نظرات، پیشنهادهای و خواسته‌های شرکت‌های عضو کمیته تابلوسازان در راستای تهیه و تدوین اهداف و برنامه‌های کمیته طی هفته‌های اخیر در کنار تقاضا از شرکت‌های عضو این کمیته جهت ارائه مکتوب مشکلات احتمالی آنان در خصوص ارزیابی‌ها طی هفته‌های گذشته صورت گرفت.

بر این اساس درخواست افزایش ردیف تعرفه‌های تابلویی از مدیرکل دفتر صنایع برق و الکترونیک، معاونت امور صنایع و سازمان توسعه تجارت وزارت صنعت، معدن و تجارت طی صدور سه فقره نامه صورت گرفت.

گزارش کمیته تخصصی سازندگان دکل‌های انتقال نیرو

درخواست افزایش تعرفه دکل‌های وارداتی

کمیته تخصصی سازندگان دکل‌های انتقال نیرو طی جلسات اخیر خود به بررسی معضلات و مشکلات کمیته و اعلام موارد ششگانه شامل درخواست اجرایی شدن قرارداد تیپ، مطالبات، قیمت بالای مواد اولیه، اصلاح تعرفه‌ها، پیگیری اجرای قانون رفع موانع تولید و اجرایی شدن جایزه صادراتی به دبیرخانه سندیکا پرداخت.

علاوه بر این طرح و بررسی درخواست سازمان برنامه و بودجه کشور در خصوص آنالیز فصول عملیاتی فهارس بهای خطوط انتقال نیرو، در کنار مکاتبه با مدیرعامل شرکت توانیر در خصوص ارزیابی کیفی مناقصه‌گران از دیگر اقدامات اخیر این کمیته طی دو ماه اخیر بوده است.

همچنین کمیته تخصصی سازندگان دکل‌های انتقال نیرو جهت بررسی مناقصه شرکت برق منطقه‌ای خراسان در خصوص مناقصه تجمیع نیازهای خطوط انتقال نیروی کشور و درخواست نظرات و پیشنهادهای کلیه اعضای کمیته طی برگزاری نشست اقدام کرد. همچنین مکاتباتی توسط دبیرخانه کمیته با کلیه اعضای کمیته به‌منظور دریافت نظرات و پیشنهادهای آنان در خصوص خط مشی و برنامه‌ریزی‌های سال آتی صورت گرفت. درخواست از جهت افزایش تعرفه



سندیکا

دکل‌های انتقال نیروی ساخته‌شده وارداتی نیز دیگر اقدام این کمیته بوده است. گفتنی است این کمیته طی روزهای اخیر اقدام به برگزاری نشست مشترک با سازندگان تابلوهای برق و مقره در خصوص اصلاح ردیف تعرفه‌های مربوط به تجهیزات صنعت برق کرده است که موارد مطروحه در آن متعاقبا در رسانه‌های سندیکا مورد اطلاع‌رسانی قرار خواهد گرفت.

گزارش کمیته تخصصی کاهش تلفات

تنظیم نهایی قرارداد تیپ پروژه‌های کاهش تلفات

اقدامات انجام شده و در حال انجام در کمیته تخصصی کاهش تلفات طی هفته‌های گذشته شامل تنظیم مدل نهایی فرمول مالی کاهش تلفات، تهیه و تنظیم نهایی قرارداد تیپ برای پروژه‌های این حوزه و پیگیری برای برگزاری نشست مشترک با کمیسیون انرژی مجلس بوده است. علاوه بر این هماهنگی با معاونت هماهنگی توزیع شرکت توانیر برای حضور نماینده سندیکا در کمیته ملی کاهش تلفات در دستور کار این کمیته قرار داشته است.

گزارش کمیته تخصصی پیمانکاران خطوط انتقال نیرو

تهیه آنالیز بهای پست‌های انتقال و فوق توزیع

کمیته تخصصی پیمانکاران خطوط انتقال نیرو طی هفته‌های گذشته ضمن ارسال نامه‌ای به امور نظام فنی و اجرایی برنامه و بودجه کشور، برگزاری جلسه‌ای مشترک جهت تعامل و آشنایی بیشتر با چگونگی یافتن راهکارهای قانونی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی را درخواست کرد. علاوه بر این پیگیری تهیه آنالیز بهای فهارس بهای عملیاتی خطوط انتقال نیرو به‌منظور ارسال به سازمان برنامه و بودجه کشور و ارسال آنالیز بهای پست‌های انتقال و فوق توزیع طی نامه شماره ۱۱۸۴-۹۵ مورخ ۹۵/۱۰/۰۴ به سازمان برنامه و بودجه کشور از جمله اقدامات این کمیته در بازه زمانی مذکور بوده است.

گزارش کمیته تخصصی مهندسی بازرگانی

لزوم تفکیک مالیات بازرگانی و پیمانکاری

کمیته تخصصی مهندسی بازرگانی سندیکا طی جلسه اخیر خود پیرو حضور در جلسات کارگروه مالیات سندیکا، موضوعات مرتبطی چون نحوه رسیدگی به مالیات در کشور براساس مالیات پیمانکاری و لزوم مشخص شدن تفاوت آن با مالیات بازرگانی را مورد اشاره قرار داد.

در این نشست رییس کمیته با اشاره به اعمال روند استمهال برای شرکت‌های تولیدی و پیمانکاری تصریح کرد: این مورد از نظر کمیته مهندسی بازرگانی صرفا جنبه مکمل داشته و نظر قطعی برای معافیت مالیاتی سال‌های ۹۴ و ۹۵ نیست. براین اساس مقرر شد کلیه مکاتبات و فعالیت‌های کارگروه مالیات اعم از روند خروجی و دستاوردهای آن، در اختیار اعضای هیات‌ریسه کمیته مهندسی بازرگانی قرار گیرد تا پس از اجماع نظر نهایی طی هفته آینده پاسخ مربوطه به‌صورت مکتوب ارائه شود. موضوع ایجاد سایت کمیته مهندسی بازرگانی از دیگر موارد مطروحه در این نشست بود که بر اساس آن مقرر شد جهت درج اطلاعات و خدمات قابل ارائه به اعضای کمیته مهندسی بازرگانی با محوریت سندیکا در سایت فعال سندیکا مذاکره شود.

در بخش دیگری از مصوبات این جلسه مقرر شد حضور مدیرعامل یا سهامدار شرکت عضو هیات‌مدیره کمیته در جلسات در متن آیین‌نامه کمیته تخصصی مهندسی بازرگانی سندیکا اصلاح شود. علاوه بر این مقرر شد دیگر موارد از جمله سپرده‌گذاری کلیه شرکت‌های عضو کمیته در بانک‌های خصوصی ویژه، حضور کارشناس گمرک در سندیکا، دوره‌های آموزشی بیمه و مالیات و تسهیل صدور کارت بازرگانی در جلسه آتی مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد.



اخبار سنا

گزارش کمیته تخصصی مهندسی مشاور

تعیین رییس و نایب رییس در دور جدید کمیته مهندسی مشاور

هیات‌ریسه کمیته تخصصی مهندسی مشاور سندیکا طی آخرین نشست خود با حضور اعضا جهت تعیین رییس و نایب‌رییس کمیته و برنامه‌ریزی دور جدید فعالیت‌های کمیته تشکیل اقدام کردند.

در این راستا با رای اکثریت، محسن پوررفیع عربانی به عنوان رییس و علی اصغر امجدی در مقام نایب‌رییس کمیته برگزیده شدند. در ادامه تعیین اهداف و خط مشی دوره جدید فعالیت‌های این کمیته صورت گرفت. همچنین بررسی مسائل و مشکلات در کنار موضوع ایجاد بازار کسب‌و کار برای شرکت‌های عضو کمیته تخصصی مهندسی مشاور از موارد مطروحه این جلسه بود.

علاوه بر این به استناد مصوبه هیات‌مدیره سندیکا، ارائه نظرات کارشناسی و پیشنهاد عملیاتی مبنای فنی به اتاق بازرگانی و شورای اقتصاد در خصوص خرید تجهیزات خط و پست برای مناقصه ۳۱۲ پست برق منطقه‌ای تهران و وزارت نیرو، از وظایف کمیته تخصصی مهندسی مشاور برشمرده شد و در دستور کمیته قرار گرفت.

گزارش کمیته تخصصی سازندگان براق‌آلات توزیع نیرو

پیگیری مساله نگهداری ضمانت‌نامه در توزیع اردبیل

کمیته تخصصی سازندگان براق‌آلات توزیع نیرو در سه ماهه منتهی به اسفند ماه سال به اقدامات زیر مبادرت ورزیده است.

این کمیته ضمن درخواست از معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر در خصوص مناقصه ۹۵/۱۰۶ شرکت توزیع نیروی خراسان در جهت اصلاح شرایط این مناقصه، درخواست و پیگیری مطالبات اعضا از مدیرکل دفتر تلفیق و اطلاعات مالی شرکت توانیر را در کنار درخواست اصلاح شرایط مناقصه ۹۵/۳۲ از شرکت توزیع نیروی برق استان لرستان در دستور کار قرار داد.

این کمیته طی نشستی به اعلام مشکلات اعضا در شش مورد شامل درخواست اجرایی شدن قرارداد تیپ، مطالبات، قیمت بالای مواد اولیه، تعرفه و اجرایی شدن قانون رفع موانع تولید و جایزه صادراتی پرداخت و ضمن درخواست از اعضا جهت تکمیل فرم پرسشنامه موثر بر فضای سرمایه‌گذاری، اخذ نتیجه از این امر را پیگیری می‌کند.

اخذ قیمت از اعضا جهت قیمت‌گذاری فهارس بهای تاسیسات برقی سازمان برنامه و بودجه کشور و پیگیری مطالبات اعضا از مدیرعامل شرکت توانیر، در کنار درخواست تفکیک مناقصه خرید مقره و براق‌آلات از شرکت برق منطقه‌ای هرمزگان از دیگر اقدامات کمیته در این مدت بوده است.

این کمیته به‌منظور تهیه پاسخ شرکت‌های توزیع نیروی برق خراسان و استان لرستان و پیگیری تهیه و تدوین مشخصات فنی محصولات تولیدی طی جلساتی اقدام کرد و به مکاتبه با مدیرعامل شرکت توانیر در خصوص مطالبات اعضای کمیته طی نامه شماره ۹۵-۱۴۱۹ پرداخت.

علاوه بر این بررسی مناقصه شرکت توزیع نیروی برق اردبیل از جهت دارا بودن گواهی تایید صلاحیت برنده یا برندگان مناقصه و بررسی موضوع نگهداری ضمانت‌نامه حسن انجام تعهدات توسط برخی از شرکت‌های توزیع نیروی برق به‌عنوان تضمین گارانتی در جلسه اخیر این کمیته صورت گرفت.



دیپیکا

گزارش نشست سازندگان کلید مینیاتوری لزوم افزایش اختلاف تعرفه گمرکی مواد اولیه و قطعات

سازندگان کلید طی تشکیل جلسه‌ای به بحث و تبادل نظر در خصوص مشکلات و پیشنهادات اعضای فعال در این حوزه پرداختند.

در این نشست ضمن ذکر نکات مهمی که تا حصول نتیجه قابل قبول نیاز به پیگیری جدی دارد، در مورد مسائل زیر تجمیع شد. بر این اساس با تاکید بر فرهنگ سازی برای مصرف انواع کلیدهای با کیفیت این موضوع در راستای حفظ سرمایه‌های مردم و کاهش موارد برق گرفتگی و آتش سوزی ناشی از مصرف کلیدهای تقلبی و بی کیفیت مد نظر قرار گرفت.

در بند دیگری از این مسائل ضمن طرح بحث کیفیت و استاندارد، روش‌های فعلی تایید کیفیت توسط مراجع مرتبط به شدت توسط حضار مورد نقد قرار گرفت. در این رابطه تبعیض‌ها و رویه‌های سلیقه‌ای در نمونه‌برداری از محصولات تولید داخلی و عدم نمونه‌برداری از کلیدهای وارداتی مطرح شد. علاوه بر این مشکلاتی در روش خرید کلید مینیاتوری مورد اشاره قرار گرفت که حاکی از تناقض‌هایی در محصولات تایید شده در مقایسه با محصولات ارائه شده و نیز فرایند Sample Test در خط تولید در قیاس با فرایند نمونه‌برداری از محل مصرف و مشکلات بسیاری دیگری است که توسط حضار جهت پیگیری با همت و تلاش جمعی مطرح شد. در ادامه با اشاره به ضرورت تعریف مکانیزمی برای پرهیز از رقابت مخرب بین سازندگان کلید مینیاتوری، تصریح شد موضوع قیمت‌دهی متفاوت برای کلیدهای موجود در بازار با بحث کیفیت و استاندارد ارتباط بسیار بالایی دارد. به طوری که قدرت قطع اتصال کوتاه نقشی تعیین کننده در قیمت کلیدهای مینیاتوری دارد، اما متأسفانه در حال حاضر ارتباط قیمت کلیدها با قدرت تحمل جریان اتصال کوتاه در نظر گرفته نمی‌شود و این امر نیازمند کار جمعی است.

حاضرین این نشست در ادامه با اشاره به اختلاف اندک تعرفه گمرکی بین مواد اولیه، اجزا و قطعات کلید مینیاتوری با محصول ساخته شده (حدود ۱۰ درصد)، این عامل را مانعی برای ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری و افزایش عمق ساخت توصیف کردند. در این راستا بر ضرورت افزایش اختلاف بین تعرفه گمرکی محصول ساخته شده با تعرفه مواد اولیه، اجزا و قطعات تاکید شد تا به این طریق از مسائلی چون تامین ۷۰ درصد محصولات از چین جلوگیری شود. علاوه بر این با طرح موضوع وندورلیست‌های شرکت‌های توزیع که از نظر اعضای حاضر در این جلسه اغلب سلیقه‌ای تعیین می‌شوند، بر ضرورت وجود متولی برای تایید وندورلیست‌ها در شرکت توانیر تاکید شد. در این راستا مقرر شد به منظور افزایش کیفیت کلیدهای مورد نیاز شرکت‌های توزیع، اصلاح ضریب A به میزان حداقل ۶۰ درصد در اسناد ارزیابی فنی و بازرگانی، این موضوع با همایون حائری مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق مکاتبه شود. همچنین در خصوص واردات کلید مینیاتوری، لزوم تعریف و بازرگاری در کف قیمت وارداتی کلید مینیاتوری در گمرک‌های کشور پیشنهاد شد.

در پایان این جلسه مقرر شد جهت پیگیری مستمر مطالبات مطروحه، برگزاری جلسات سازندگان کلید مینیاتوری به صورت ماهیانه در دستور کار قرار گیرد. به همین منظور مقرر شد تشکیل گروه تلگرامی سازندگان کلید مینیاتوری برای همفکری و تبادل نظر و انتقال دیدگاه‌ها توسط سندیکا صورت پذیرد.

گزارش دوره‌های آموزشی از هوشمندسازی ساختمان تا ارزیابی نیروگاه‌های خورشیدی

معاونت آموزش و پژوهش سندیکا طی هفته‌های گذشته اقدام به برگزاری دو دوره و سمینار آموزشی با عناوین «هوشمندسازی ساختمان» و «ارزیابی نیروگاه های خورشیدی و بررسی طرح توجیه اقتصادی» کرد.

سمینار یک روزه آموزشی «هوشمندسازی ساختمان» در راستای برنامه‌های آموزشی سندیکا



اخبار سنا

صنعت برق ایران با تدریس سیدمحمدتقی بطحائی دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی در حالی بود که انجمن مهندسين برق و الکترونیک ایران - شاخه تهران و موسسه آگاهان نیرو در این خصوص با واحد آموزش و پژوهش سندیکا همکاری داشتند. دوره آموزشی «ارزیابی نیروگاه های خورشیدی و بررسی طرح توجیه اقتصادی» نیز با تدریس محمد محمدی، کارشناس ارشد انرژی های تجدیدپذیر، طراح، مجری و ناظر پروژه های نیروگاه های خورشیدی، مولف کتاب آشنایی با مبانی و اصول طراحی سیستم های برق خورشیدی و با حضور جمعی از نمایندگان شرکت های عضو برگزار شد. شایان ذکر است مواردی چون معرفی انواع نیروگاه های خورشیدی، بررسی معایب و مزایای انواع نیروگاه های خورشیدی، معرفی اجزای نیروگاه های فتوولتاییک متصل به شبکه، همچنین الزامات فنی نیروگاه فتوولتاییک، قوانین و مقررات مربوط به نیروگاه های خورشیدی، در کنار ارزیابی فنی و اقتصادی نیروگاه فتوولتاییک با استفاده از نرم افزار Retscreen و بررسی و تحلیل چند نیروگاه فتوولتاییک به عنوان سرفصل های دوره آموزش ارائه داده شد.

اخبار شعب

حضور فعال شعبه اصفهان در اتاق بازرگانی استان

شعبه اصفهان سندیکا در ماه های گذشته ضمن تشکیل جلسات هیات مدیره به صورت ماهیانه، علاوه بر هیات مدیره شعبه از اعضا نیز جهت افزایش مشارکت دعوت می کرد. علاوه بر این حضور به عنوان نمایندگان سندیکا در جلسات کمیسیون های اتاق بازرگانی، جلسات ماهیانه کمیسیون صنایع اتاق، کمیته خدمات فنی مهندسی و پیمانکاری اتاق، حضور در جلسات ESPX مرکز مبادلات پیمانکاری فرعی اصفهان، جلسات ITPO دفتر توسعه فناوری و سرمایه گذاری اصفهان و ITDO از جمله اقدامات شعبه اصفهان در این بازه زمانی بوده است. همچنین شعبه اصفهان سندیکا به تشکیل و احیای مجدد سه کمیته توزیع، کسب و کار و سازندگان مبادرت ورزید که این مهم به منظور افزایش مشارکت اعضا و بر اساس نیازها و پتانسیل های استان انجام پذیرفت.

گفتنی است در استان اصفهان نزدیک به ۴۰۰ شرکت ثبت شده در حوزه توزیع فعال هستند که تا به حال امکان جذب آن ها فراهم نشده و امید است با تشکیل کمیته توزیع فضا برای جذب آنان فراهم شود. در این شعبه طی هفته های گذشته کمیته کسب و کار و پایش قوانین و مقررات با هدف ایجاد کار برای اعضا ایجاد شد و کمیته سازندگان نیز با هدف حمایت از ساخت داخل و هماهنگی بیشتر تولیدکنندگان و سازندگان تشکیل شده است.

برگزاری نشست مشترک با شعب خراسان و فارس با هدف فعال سازی شعب به ویژه در بخش عضوگیری و الگوگیری از فعالیتهای یکدیگر طی این مدت در شعبه اصفهان سندیکا صورت گرفت. همچنین نشست مشترکی با کمیته های اتاق بازرگانی اصفهان درباره تامین اجتماعی و قوانین کار برگزار شد که طی آن بر مشکلات ناشی از حسابرسی های تامین اجتماعی برای اعضا و نیز حقوق و دستمزد دستوری برای بخش خصوصی که در شرایط رکودی به نوعی بر بیکاری و تعدیل نیروها دامن خواهد زد، تاکید شد.

با پیگیری شعبه خراسان سندیکا صورت گرفت

اولین گام های کمیته انرژی در اتاق خراسان رضوی

اولین نشست مقدماتی جهت تشکیل کمیته انرژی، ذیل کمیسیون تخصصی صنعت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی روز سه شنبه دوازدهم بهمن ماه سال جاری



دیپکا

در محل دفتر شعبه خراسان سندیکا برگزار شد. این نشست پیروی جلسه حضوری با غلامحسین شافعی رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و بنا به درخواست و پیشنهاد شعبه خراسان سندیکا تشکیل شد. علاوه بر این نشست حاضر، به منظور تشکیل شورای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و بررسی اهداف و ماموریت‌های کمیته مذکور با حضور رییس، اعضای هیات‌مدیره و دبیر شعبه خراسان و همچنین امیرمهدی مرادی دبیر کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی خراسان رضوی تشکیل و پس از بحث و تبادل نظر مقرر شد هماهنگی‌های لازم جهت اقدامات بعدی توسط سندیکا و کمیسیون صنعت صورت پذیرد.

اخبار شرکت‌های عضو

افتتاح نخستین مزرعه فتوولتاییک بخش خصوصی توسط گام اراک

با حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت کشور در محل کارخانه گام افتتاح شد. طی این مراسم که با حضور محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت، محمود زمانی قمی استاندار استان مرکزی و جمعی از مسئولان و مقامات شهر اراک به بهره‌برداری رسید. به گزارش روابط عمومی شرکت گام اراک، این نیروگاه نخستین مزرعه خورشیدی فتوولتاییک بخش خصوصی با این ظرفیت خواهد بود. نصراله رهنما، مدیرعامل شرکت گام در مورد این پروژه توضیح داد: امروز فعالیت این مزرعه خورشیدی ۱۰۰ کیلوواتی به صورت آزمایشی آغاز شده و این شرکت، احداث یک نیروگاه پنج تا ۱۰ مگاواتی را نیز در دستور کار خود دارد. وی افزود: کار طراحی، تامین تجهیزات، نصب و راه‌اندازی این نیروگاه خورشیدی ظرف ۶ ماه و با اعتباری معادل پنج میلیارد ریال توسط شرکت گام انجام شده و با اجرای این پروژه ظرف ۲۰ سال آینده، حدود ۲۰۰۰ تن گاز CO₂ کمتر تولید و در فضا متصاعد می‌شود. شایان ذکر است این شرکت عضو سندیکای صنعت برق ایران با بیش از ۲۵ سال سابقه در طراحی و تولید سازه‌های فولادی، برج‌های انتقال نیرو و مخابراتی و اجرای طرح‌های کلید در دست انتقال و فوق توزیع برق فشار قوی همچنین گالوانیزاسیون سازه‌های فولادی در شهرک صنعتی حاجی آباد اراک واقع است و تعداد ۳۳۰ نفر در آن مشغول به کارند.



همکاری کیان ترانسفو در احداث بزرگترین آزمایشگاه شرق کشور

شرکت صنایع کیان ترانسفو در عملیات احداث بزرگترین آزمایشگاه استاندارد مرجع صنعت برق در شرق کشور همکاری خواهد کرد. مراسم کلنگ‌زنی عملیات اجرایی این پروژه روز چهارشنبه بیستم بهمن‌ماه در مشهد با حضور محمدباقر سوزنچی رییس هیات‌مدیره شرکت کیان ترانسفو در کنار وحید احمدی معاون پژوهش و فناوری وزیر علوم، علیرضا رشیدیان استاندار خراسان رضوی، علی سعیدی مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد، سیدحسین علم‌الهدایی رییس پارک علم و فناوری خراسان و جمعی از مدیران پارک‌های علم و فناوری سراسر کشور آغاز شد. در این اقدام به‌جز این شرکت عضو سندیکای صنعت برق ایران، شرکت برق منطقه‌ای خراسان و پارک علم و فناوری خراسان همکاری خواهند داشت و بنا است طی دو سال در محل پارک



علم و فناوری خراسان رضوی ساخته شود. امید می‌رود با احداث این آزمایشگاه نیاز شرکت‌های داخلی در زمینه تست‌های فشار قوی تجهیزات ساخته شده برطرف خواهد شد.

اخبار رویدادها

مطالبه سندیکا در خصوص بحران مس به جریان افتاد

رسیدگی به وضعیت بحرانی مس در وزارت صنایع

پیرو ارسال نامه شماره ۹۵-۱۴۶۸-۹۵ سندیکا مورخ ۹۵/۱۱/۱۹ خطاب به وزیر صنعت، معدن و تجارت در خصوص وضعیت بحرانی در واحدهای تولیدی مصرف‌کننده مس، از سوی مدیرکل دفتر امور صنایع معدنی این وزارتخانه به شرکت ملی صنایع مس ایران جهت بررسی و اقدام لازم در این خصوص ابلاغ شد. گفتنی است نامه ارسالی سندیکا به دنبال عدم عرضه این فلز طی هفته‌های گذشته از سوی شرکت ملی مس ایران صورت گرفته است.

از سوی مدیریت عامل سازمان تامین اجتماعی صورت گرفت

تاکید بر ارقام غیر مشمول کسر حق بیمه

مدیریت عامل سازمان تامین اجتماعی طی نامه ای به موسسه حسابرسی این سازمان در خصوص اجرای مفاد بخشنامه شماره ۱۱/۳ و ۱۴/۹ جدید درآمد به ذکر و تاکید بر ارقام مشمول و غیر مشمول کسر حق بیمه پرداخت.

در این نامه آمده است: بازرسان هنگام بازرسی دفاتر قانونی می‌بایست ضمن اخذ مدارک کامل، این‌گونه ارقام را از ارقام غیر مشمول تلقی کرده و در گزارش بازرسی در ردیف غیر مشمول درج نمایند. ارقام نامبرده در این نامه به عنوان ارقام غیر مشمول کسر حق بیمه، اسنادی است که صرفاً خرید قطعات (بدون ایجاد ارزش افزوده خدمات و انجام کار اضافه)، خرید خارجی، خرید لوازم، مصالح، تجهیزات و ابزارآلات، خرید تابلو برق، خرید ماشین‌آلات، خرید نرم‌افزار، پکیج نرم‌افزار آماده، پرداخت در وجه رستوران و نیز خرید و اجاره پهنای باند را شامل می‌شود.

این نامه در پی اقداماتی از سوی بازرسان دفاتر قانونی صادر شده است که به هنگام بازرسی دفاتر اشخاص حقوقی علی‌رغم ارائه مدارک و مستندات از سوی کارفرما موارد مذکور را مشمول کسر حق بیمه تلقی کرده و این موضوع مشکلاتی را طی فرایند مطالبات حق بیمه ایجاد می‌کند.

حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در دستور کار بانک‌های کشور

بانک مرکزی جمهوری اسلامی طی ارسال بخشنامه‌ای خطاب به مدیران عامل کلیه بانک‌های دولتی و خصوصی و موسسات اعتباری در راستای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی اقدام کرده است. در این بخشنامه که اواخر دی‌ماه سال جاری صادر شده، بانک مرکزی مقرر داشته است کلیه شرکت‌هایی که با مشارکت ایرانی- خارجی و با حداقل ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری طرف خارجی در کشور ایجاد می‌شوند، برای حداکثر سه سال به عنوان یک ذی‌نفع واحد مستقل قلمداد شوند که خود مشمول مفاد مقررات و آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات کلان می‌شود.

گفتنی است در متن بخشنامه آمده این مشمولیت مشروط بر آن است که نسبت سرمایه‌گذاری طرف خارجی ظرف مدت مذکور از ۵۰ درصد کمتر نشود.

ابلاغ دستورات اداره کل مالیات عراق

ستاد عراق وزارت امور خارجه ایران در خصوص دستورات اداره کل مالیات کشور عراق طی ارسال نامه‌ای اطلاع رسانی کرد.

در این نامه اعلام شده است با توجه به پایان سال مالی ۲۰۱۶ و اتمام مهلت ارسال نامه‌های عدم اعتراض از سوی شرکت‌ها، کارخانجات و پیمانکارانی که قراردادهایی با سازمان‌های دولتی، دیپلماتیک و ائتلاف بین‌المللی منعقد کرده‌اند، مشمول دستوراتی از سوی اداره کل مالیات عراق خواهند بود.

براین اساس ضمن استمهال تا تاریخ ۲۰۱۷/۱/۱۵ به شرکت‌هایی که برای ترخیص کالا از گمرک تا تاریخ ۲۰۱۶/۱۲/۳۱ اقدام نکرده‌اند، اعلام شده است شرکت‌هایی که تا تاریخ ۲۰۱۷/۱/۱۵ نیز موفق به اخذ مجوز نشده‌اند باید تعهد بدهند که تا ۲۰۱۷/۱/۳۰ نسبت به دریافت مجوز اقدام کنند و بعد از این تاریخ امکان صدور مجوز جدید وجود نخواهد داشت. همچنین صراحتاً در متن این نامه آمده است: شرکت‌هایی که قبلاً تعهدنامه ارسال کرده اند اما هنوز اظهارنامه‌ای ارائه نکرده‌اند فرصت دیگری داده نخواهد شد و مشمول تسهیلاتی در این خصوص نمی‌شوند، مگر اینکه تعهدنامه سابق خود را ارائه دهند.

پنجمین کنفرانس نانو، اردیبهشت ۱۳۹۶

پنجمین کنفرانس تخصصی فناوری نانو در صنعت برق و انرژی ۲۶ تا ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ در پژوهشگاه نیرو برگزار خواهد شد.

علاقه‌مندان می‌توانند با ارائه نتایج پژوهش‌ها و دستاوردهای علمی خود در قالب مقاله، کارگاه آموزشی و سخنرانی در این کنفرانس مشارکت کنند. شایان ذکر است مهلت ارسال مقالات تا ۲۰ اسفند ۱۳۹۵ خواهد بود. جهت اطلاعات بیشتر وبسایت کنفرانس به آدرس الکترونیکی www.nanoconference.ir در دسترس مراجعین است.

بخشنامه ریاست جمهوری بر نظارت مستمر در واحدهای تولیدی

موضوع نظارت مستمر و موثر بر اجرای پروژه‌های بزرگ عمرانی و مدیریت واحدهای تولیدی طی ارسال بخشنامه صادره ریاست جمهوری به کلیه تشکلهای زیرمجموعه وزارت صنعت، معدن و تجارت ابلاغ شده است.

این بخشنامه که به منظور افزایش سرعت هماهنگی در مدیریت بحران حوادث و نیز جلوگیری از تداخل مسئولیت‌ها و افزایش ایمنی واحدهای تولیدی تنظیم شده است، در ۷ بند به تبیین اقدامات لازم در این جهت می‌پردازد.

در بندهای مختلف این بخشنامه ضمن تأکید بر حضور تمام وقت مدیران واحدهای تولیدی، بهره‌برداری و رده‌های بعدی در محل خدمت، همچنین عدم انجام اقدامات مخاطره‌آمیز اجرایی یا تعمیراتی در روزهای تعطیل، تشریح شده است کلیه دستگاه‌های اجرایی از جمله وزارت نیرو و صنعت، معدن و تجارت، موظفند مشخصات واحدهای تولیدی مشمول، سطوح و گستره اقدامات خطرپذیر واحدهای عملیاتی و تعمیراتی و نحوه برخورد با واحدهای مختلف را تعیین و ظرف یک ماه از تاریخ صدر این بخشنامه ابلاغ کنند.

علاوه بر این تعیین تکلیف مدیران غیر مستمر و پروازی تا پایان سال جاری و ارتقای سطح ایمنی اجرای فعالیت‌ها از طریق اقدامات نامبرده در متن این بخشنامه، بر عهده واحدهای تولیدی مشمول قرار داده شده است.

تبریک

شرکت محترم کیان ترانسفو

سندیکای صنعت برق ایران آغاز به کار احداث بزرگترین آزمایشگاه استاندارد مرجع صنعت برق در شرق کشور را با همکاری آن شرکت، خدمت جناب آقای مهندس محمدباقر سوزنچی، رییس محترم هیات مدیره و کارکنان محترم آن واحد صنعتی تبریک عرض نموده، برای ایشان در انجام این مسئولیت توفیق روزافزون آرزومند است.

شرکت محترم گام اراک

سندیکای صنعت برق ایران راهاندازی نخستین مزرعه فتوولتاییک ۱۰۰ کیلوواتی بخش خصوصی را توسط آن شرکت، خدمت جناب آقای مهندس نصراله رهنما، مدیرعامل محترم شرکت گام اراک و کارکنان محترم آن واحد صنعتی تبریک عرض می‌نماید.

تسلیت

جناب آقای مهندس قربانی

ریاست محترم پدافند غیرعامل پژوهشگاه نیرو با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

جناب آقای مهندس حسن پور

مدیر فروش محترم شرکت پشتیبانی صنایع با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را خدمت جنابعالی تسلیت عرض نموده، برای بازماندگان صبر و بردباری و برای درگذشتگان از درگاه پروردگار متعال رحمت و مغفرت مسالت می‌کنیم.

خیر مقدم به اعضای جدید

به گزارش کمیته عضویت سندیکای صنعت برق ایران، در دوره گذشته ۵ شرکت جدید به عضویت این سندیکا پیوسته‌اند. بر پایه این گزارش، اعضای جدید به شرح زیر معرفی می‌شوند:

۱. شرکت سدید سازه پرشیا

به مدیریت: جناب آقای علیرضا قاسمی ساوجی
زمینه فعالیت: تولید کننده انواع قطعات ترانسفورماتورهای توزیع و قدرت
تلفن: ۰۲۱-۳۶۴۲۶۵۶۶-۷
نمابر: ۰۲۱-۳۶۴۲۷۶۵۱

۲. شرکت یراق آوران نیروی

به مدیریت: جناب آقای سعید دارا
زمینه فعالیت: تولید و توزیع یراق آلات توزیع نیروی برق، کابلشوهای مسی، آلومینیوم و بی متال
تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۳۷۸۰۷-۸
نمابر: ۰۲۱-۸۸۷۳۸۹۰۴

۳. شرکت تاسیساتی و مهندسی دانیال برق

به مدیریت: جناب آقای حسین ایوز محمدی
زمینه فعالیت: پیمانکاری برق
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۲۹۲۰۳
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۵۷۸۰

۴. شرکت دنا فوز

به مدیریت: جناب آقای سیامک معظمی
زمینه فعالیت: بازرگانی قطعات آسانسور
تلفن: ۰۲۱-۲۶۲۰۱۱۴۳
نمابر: ۰۲۱-۲۲۶۵۳۹۹۱

۵. شرکت صنعت سازان انرژی پاسارگاد

به مدیریت: جناب آقای مجیدرضا سلطانی
زمینه فعالیت: پیمانکار خطوط انتقال نیروی برق
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۵۱۸۱۰
نمابر: ۰۲۱-۸۸۲۱۴۴۲۹

سندیکای صنعت برق ایران، مقدم اعضای جدید را گرامی می‌دارد.

فراخوان مقاله

به اطلاع مدیران، متخصصان، صنعتگران و پژوهشگران عزیز می‌رساند، روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران برای حمایت از توان و تولید داخل و به منظور معرفی آخرین دستاوردها و فعالیت‌های علمی و پژوهشی شرکت‌های عضو خود در نظر دارد، از این پس در هر شماره از ماهنامه خبری و اطلاع‌رسانی ستبران مقالات علمی و پژوهشی مربوط به شرکت‌های عضو را به چاپ برساند.

بدینوسیله از همه دست‌اندرکاران و فعالان صنعت برق دعوت می‌شود تا در صورت تمایل، مقالات خود را به واحد روابط عمومی سندیکا- ماهنامه ستبران- ارسال کنند.

لازم به ذکر است، در ارایه مقاله توجه به نکات زیر ضروری است:

- مطالب ارسالی باید حداکثر تا پانزدهم هر ماه به تحریریه ماهنامه ستبران ارسال شود.
- آثار مذکور می‌بایست در قالب یکی از محورهای زیر و با در نظر گرفتن اصول روزنامه نگاری حرفه‌ای (دقت، صداقت، بی‌طرفی و...) نگارش شود.
- موضوعات پیشنهادی برای آثاری که ارسال می‌شود، عبارتند از:
 - معرفی دستاوردهای علمی و تحقیقاتی مرکز تحقیق و پژوهش شرکت‌ها
 - موضوع آزاد با محوریت مسائل و مشکلات ساخت داخل در صنعت برق ایران
 - مسائل روز اقتصاد و صنعت برق ایران
 - بررسی مواضع و عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط با صنعت برق ایران
 - بررسی مواضع و عملکرد سندیکای صنعت برق ایران و سایر تشکلهای غیر دولتی مرتبط
 - نقد و تحلیل مباحث و موضوعات مطرح شده در میزگرد سندیکا
 - موضوعات و مقالات آموزشی در حوزه مدیریت کیفیت، بهره‌وری، بهبود روش‌ها و سیستم‌های مدیریت صنعتی و...

- مطالب حتی المقدور به صورت فایل WORD به آدرس پست الکترونیک: setabran@ieis.ir یا بر روی لوح فشرده به نشانی: تهران، خیابان فاطمی غربی، خیابان سیندخت شمالی، پلاک ۱۵، طبقه اول- روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران ارسال شود.
- با توجه به این که سیاست کلی نشریه، معرفی نویسنده یا مؤلف مقاله است، لذا ضروری است تا به همراه آثار، یک قطعه عکس، مشخصات عمومی شامل تحصیلات، شغل، آدرس، شماره تلفن و نشانی پست الکترونیک نویسنده نیز ارسال شود.
- همچنین حجم مطالب ارسالی نباید از ۸ صفحه تایپی (فونت ۱۴) فراتر رود.
- ماهنامه در گزینش علمی، ویرایش و یا انتخاب تیتراژ برای آثار ارسالی آزاد است.
- ارسال عکس‌های تزئینی مرتبط با موضوع مقاله بلامانع است.
- مقاله ارسالی در هیچ نشریه دیگری چاپ نشده باشد.
- از آنجا که سیاست کلی نشریه رعایت امانت‌داری و عدالت در میان اعضای سندیکا است، اولویت چاپ با مقالاتی خواهد بود که زودتر به دفتر نشریه ارسال شوند.